

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

قرآن و تعلیمات دینی (۳)

کتب و نشریات

این کتاب دارای نوار آموزشی قرائت
آیات دروس است. دانش آموزان
عزیز می توانند با همکاری دبیر محترم
نسبت به تهیه آن از طریق نمایندگی
انتشارات مدرسه در شهرستان خود،
اقدام کنند.

سال سوم دبیرستان

وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف : دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری
نام کتاب : قرآن و تعلیمات دینی^(۳) دین و زندگی سال سوم دبیرستان - ۲۵۱

شورای برنامه‌ریزی و تألیف : محمد مهدی اعتمادی، حجۃ‌الاسلام حمید پارسانیا، حجۃ‌الاسلام سیدصادق پیشمنازی، عباس جوارشکیان، فضل الله خالقیان، سیدمحمد دلبری، حجۃ‌الاسلام محمدابراهیم سلطانی، حجۃ‌الاسلام حسین سوزنچی، حجۃ‌الاسلام علی شیروانی، سید‌حیدر طالب‌زاده، سید‌حسن میر باقری و مسعود وکیل

مؤلف : محمد مهدی اعتمادی

ویرایش : واحد ویرایش دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری
آمده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع : اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
تهران : خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن : ۰۹۱۱۶۱۳۸۸۳، ۰۹۶۱۳۸۸۳۰، دورنگار : ۰۹۶۱۳۸۴۷۴۷۳۵۹

وبسایت : www.chap.sch.ir

مدیر امور فنی و چاپ : سید احمد حسینی

طراح گرافیک و طراح جلد : امیر نساجی

صفحه‌آرا : شهرزاد قنبری

حروف‌چین : فاطمه باقری مهر

مصحح : حسین چراغی، علی نجمی

امور آمده‌سازی خبر : سپیده ملک‌ایزدی

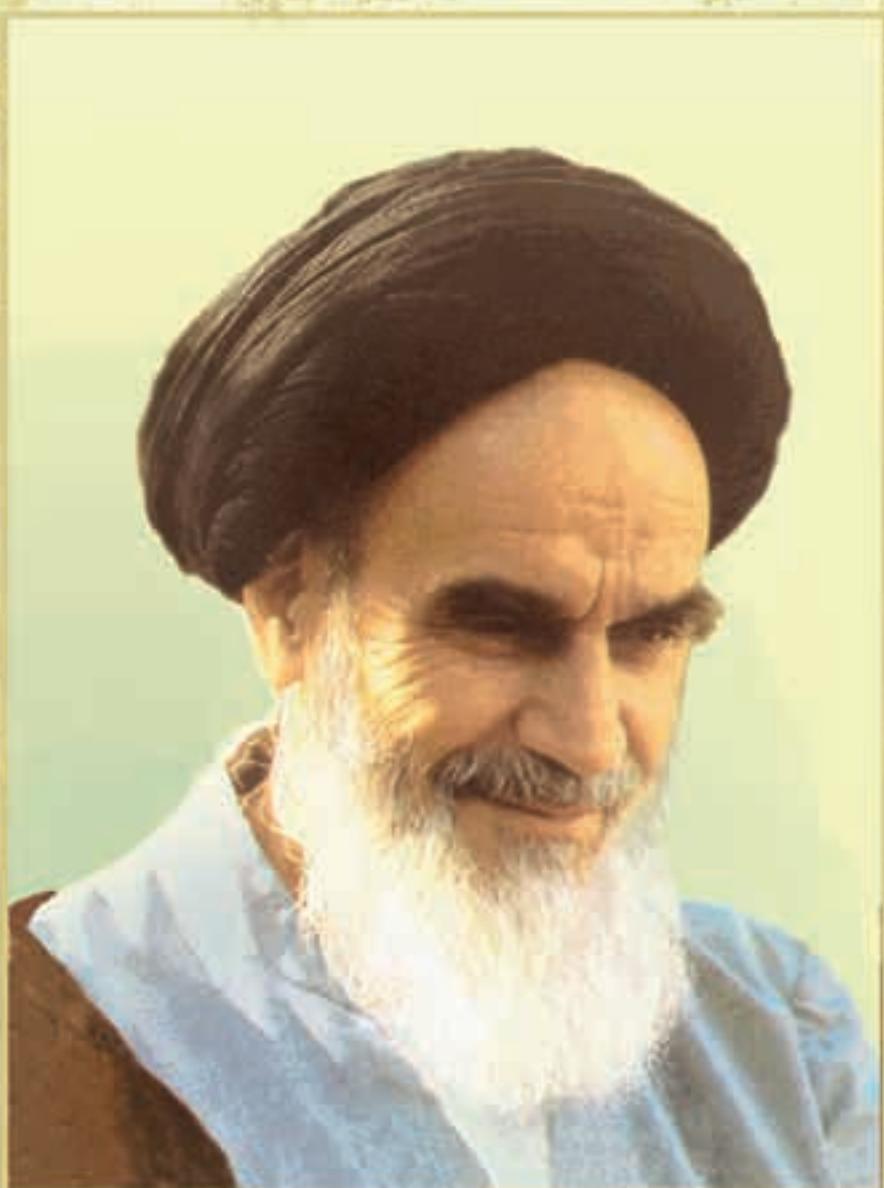
امور فنی رایانه‌ای : حمید ثابت کلاچاهی، مریم دهقان‌زاده

ناشر : شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران : تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (دارو پخش)
تلفن : ۰۹۱۱۶۱۳۸۸۴۹، ۰۹۶۰۸۵۱۶۱، دورنگار : ۰۹۶۰۸۵۱۶۰، صندوق پستی : ۳۷۵۱۵-۱۳۹

چاپخانه : شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ : چاپ دهم ۱۳۹۳

حق چاپ محفوظ است.



زندگی در دنیای امروز، زندگی در مدرسه اراده است و سعادت و شقاوت هر انسانی به اراده همان انسان رقم می خورد. اگر بخواهید عزیز و سربلند باشید، باید از سرمایه های عمر و استعدادهای جوانی استفاده کنید و با اراده و عزم راسخ به طرف علم و عمل و کسب دانش حرکت نمایید.

(صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۲۵)

مقدمه

مرحلة اول

۵	اندیشه و قلب
۸	درس اول : هدایت الهی
۲۰	درس دوم : هدایت مستمر
۳۶	درس سوم : معجزه‌ای از نوع کتاب
۴۸	درس چهارم : گستره رسالت پیامبر ﷺ
۵۸	درس پنجم : تداوم رسالت
۷۴	درس ششم : جایگاه امامت
۸۴	درس هفتم : وضع فرهنگی و سیاسی عصر ائمه علیهم السلام
۹۴	درس هشتم : احیای ارزش‌های راستین
۱۰۸	درس نهم : خورشید پنهان
۱۱۶	درس دهم : در انتظار طلوع
۱۲۲	درس یازدهم : مرجعیت و ولایت فقیه
	درس دوازدهم : ویژگی‌های حکومت اسلامی
	۱۴۲

مرحلة دوم

۱۵۵	پایداری در عزم
۱۵۸	درس سیزدهم : عزّت نفس

مرحلة سوم

۱۷۱	در مسیر
۱۷۴	درس چهاردهم : زمینه‌های پیوند
۱۸۸	درس پانزدهم : پیوند مقدس
۲۰۰	درس شانزدهم : کانون مهر
	کتاب‌نامه

دانش آموز گرامی

سلام بر شما

کتاب دین و زندگی (۳) در ادامه کتاب‌های سال اول و دوم در اختیار شماست. در این کتاب نیز قدم‌های دیگری برای برنامه‌ریزی زندگی براساس دین برداشته می‌شود و راه‌های دیگری برای رسیدن به موفقیت‌های بالاتر پیشنهاد می‌گردد. این کتاب نیز به گونه‌ای نوشته شده است که در یادگیری آن، حضور فعال و پویا داشته باشید؛ توان فکری خود را به کار گیرید، احساس خویش را بیان کنید، خلاقیت‌های ادبی و هنری خود را نشان دهید و بالاخره، مطابق موقعیت و سلیقه خویش، برنامه‌ریزی کنید.

اکنون، بار دیگر نکاتی را که در سال گذشته توضیح داده‌ایم، یادآوری می‌کنیم :

۱- قسمت‌هایی از کتاب با مشارکت شما تکمیل می‌شود؛ این قسمت‌ها عبارت‌اند از :

– معنا کردن برخی از عبارات و آیات شرife قرآن کریم؛ با این کار، احساس خواهید کرد که با اندکی تلاش می‌توان معنای آیات را فهمید و در آن‌ها تفکر و تدبیر کرد.

– در برخی از درس‌ها، عنوان‌های فرعی در داخل درس را شما انتخاب می‌کنید.

– نتایج موردنظر در برخی درس‌ها، با فعالیت فردی یا گروهی شما در کلاس به دست می‌آید.

– بخش «اندیشه و تحقیق» در پایان هر درس با تفکر، تحقیق و مطالعه شما به انجام خواهد رسید.

۲- در پایان بیشتر درس‌ها، با عنوان «پیشنهاد»، فعالیت‌های تحقیقی، ادبی و هنری خواسته شده که با وجود اهمیت بسیاری که دارند، انجام دادن آن‌ها داوطلبانه است. با این حال، هر دانش‌آموزی که تعدادی از این پیشنهادها را انجام دهد، حداکثر تا دو نمره به نمره مستمر وی، هم در نوبت اول و هم در نوبت دوم، افزوده خواهد شد.

۳- خدای جمیل، خالق زیبایی‌ها؛ دین، سازنده انسان‌های زیبا؛ و هنر، وسیله بیان زیبایی‌هاست. کتابی که می‌خواهد شما نوجوانان عزیزان را با زندگی دینی آشنا کند، نمی‌تواند «عاری از هنر» باشد. از این رو کوشش ما بر آن بوده است که با الهام از قرآن کریم، محتوای علمی کتاب را همراه با طراحی‌های ادبی و هنری عرضه کنیم. امیدواریم در آینده، این کتاب با پیشنهادهای شما زیباتر شود.

۴- آموزش این کتاب در فضایی فعال، پویا و باشاط نیازمند حرمت نهادن به کلاس و صمیمیت متقابل شما و دیبر گرامی است؛ بنابراین :

– برنامه دیبر را برای هدایت کلاس کاملاً اجرا کنید.

– به اظهار نظرهای دوستان خود – در هر صورت – احترام بگذارید.

– نظرات دوستان خود را با تجزیه و تحلیل دقیق، ارزیابی کنید.

– بیش از اندازه تحت تأثیر چندنفری از دانش آموزان که احتمالاً بیش تر نظر می دهند، قرار نگیرید. شما هم با وارد شدن در گفت و گوها نشان دهید که در فکر کردن تواناید.

۵ – سعی کنید در زمان پخش نوار آیات درس، هر عبارت را با دقت گوش کنید سپس همراه با نوار به طور دسته جمعی بخوانید. این فعالیت بر توانایی شما در قراءت صحیح و زیبای قرآن می افراشد.

۶ – برای تقویت توانایی شما در قراءت قرآن کریم، دبیر محترم می تواند بخشی از قرآن را برای تمرين قراءت انتخاب کند. در این صورت، ارزش یابی مستمر و پایانی قراءت، علاوه بر آیات کتاب، از این بخش نیز به عمل خواهد آمد.

۷ – این درس عرصه حضور احساسات درونی و خلاقیت های فکری شماست؛ زیرا شما هستید که شهامت اندیشیدن و ابتکار دارید. ما نیز این نعمت الهی را ارج می نهیم و معتقدیم که میزان موفقیت شما در این درس، به میزان تفکر، اندیشه، ذوق و ابتکار شما بستگی دارد. این کتاب نیز اگر فرصتی برای اندیشیدن فراهم کند، موفق خواهد بود. در واقع، ما هرگز نخواسته ایم درس ها به گونه ای باشند که مطالب کتاب را با چند بار خواندن و حفظ کردن به خاطر بسپارید تا در امتحان موفق شوید. پس شما هم به امتحانی ارزش دهید که امکان فهمیدن، فکر کردن، تحقیق و اظهار نظر را برایتان فراهم می سازد. با توجه به آن چه گفته شد، ارزش یابی این درس در دو بخش انجام می گیرد :

بخش اول : ارزش یابی مستمر؛ شامل :

۱ – قراءت صحیح آیات شریفه^۴؛ نمره

۲ – توانایی معنا کردن عبارات و آیات قرآنی که در کتاب ترجمه نشده است؛ ۳ نمره

۳ – انجام دادن فعالیت های داخل درس و پرسش از متن؛ ۵ نمره

۴ – مشارکت در گفت و گوها و کار گروهی؛ ۳ نمره

۵ – پاسخ به سوال های بخش اندیشه و تحقیق؛ ۳ نمره

۶ – داشتن دفتر کار خوب و منظم؛ ۲ نمره

توجه : انجام پیشنهادها، نگارش مقالات تحقیقی و ارائه ابتکارهای علمی، ادبی و هنری تا دو نمره به

معدل نمره مستمر اضافه می کند.

بخش دوم : ارزش یابی پایانی

این ارزش یابی در پایان نیمسال اول در دو بخش انجام می گیرد : ۱ – قراءت آیات ۲ – آزمون کتبی؛ و نیم سال دوم فقط دارای آزمون کتبی است. در آزمون کتبی باید سوال هایی طرح شود که بیش تر نیازمند تفکر و تجزیه و تحلیل اند و قدرت تعقل و استنباط شمارا ارزیابی می کنند؛ بنابراین شایسته است کتاب را به نحوی مطالعه کنید که پاسخ گوی این گونه سوال ها باشد.

۷- سخن آخر این که شما در این کتاب قدم‌های دیگری را در مسیر زندگی برمی‌دارید. اگر این کتاب را روزنامه‌ای به روشنایی حقیقت یافتید، آن را نگه دارید تا در آینده، در کنار کتاب‌های سال‌های قبل و بعد، مجموعه‌ای از شیوه‌زنگی اسلامی را در اختیار داشته باشید. خصوصاً که در بخش‌هایی از کتاب، ردپایی از فکر بدیع خودتان به جا مانده است. باشد که فردا نسبت به کار امروز خود، احساس سر بلندی کنید.

توجه: چند نکته مهم درباره ارزش‌بایی

۱- آن‌چه با عنوان «برای مطالعه»، «پیشنهاد»، «گام» و «یادآوری» آمده و در پاورقی ذکر شده است، برای توسعه اطلاعات دانش‌آموزان می‌باشد. دبیر محترم می‌تواند در توضیح درس از آن‌ها استفاده کند و نمره تشویقی برای آن‌ها در نظر بگیرد. اما در ارزش‌بایی مستمر و پایانی و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها نباید از این قسمت‌ها سؤال طرح شود.

۲- آیات و عبارات قرآنی که در کتاب ترجمه نشده است، در کلاس توسط دانش‌آموزان ترجمه و به طور جمعی زیر نظر دبیر محترم تصحیح می‌شود. دانش‌آموزان تنها ملزم به معنای این بخش از عبارات قرآنی هستند. از این‌رو معنا کردن آیاتی که ترجمة آن‌ها در کتاب آمده است، نباید در ارزش‌بایی مستمر و پایانی و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها مورد سؤال قرار گیرد. هم‌چنین نباید از معنی کلمه یا لغت سؤال شود. لغاتی که در پایان آیات برخی درس‌ها آمده، فقط برای کمک به دانش‌آموزان است تا عبارات‌های قرآنی را معنا کنند و خودشان نباید به شکل انفرادی مورد سؤال قرار گیرند.

۳- آن دسته از فعالیت‌های داخل درس که با علامت (*) مشخص شده‌اند، فقط برای ارزش‌بایی مستمر است و در امتحان پایانی یا آزمون ورودی دانشگاه‌ها نباید از آن‌ها سؤال طرح شود.

۴- فقط حفظ کردن آیات و روایاتی که با علامت (**) مشخص شده برای آزمون پایانی و آزمون ورودی دانشگاه‌ها ضروری است و می‌توان عین آن آیات و روایات را از دانش‌آموزان پرسید. در سایر موارد، حفظ کردن عین آیات و روایات ضروری نیست، بلکه برداشت و استنباط از آن‌ها اهمیت دارد. برای مثال، نباید در امتحان پایانی از دانش‌آموزان بخواهیم که آیه یا حدیثی درباره کرامت نفس بنویسند. بلکه باید آن‌ایه یا حدیث مطرح شود و دانش‌آموزان پیام‌ها و نکاتی را که می‌توان از آن به دست آورد، بنویسند. هم‌چنین در امتحان پایانی و آزمون ورودی دانشگاه‌ها نباید سؤال شود که فلان حدیث از کدام معصوم (علیه السلام) است.

۵- در برخی از فعالیت‌های داخل درس یا در اندیشه و تحقیق، از دانش‌آموزان خواسته شده که به آیاتی از قرآن مراجعه کنند و با تفکر در آن به سؤالی که پیرامون موضوع درس است، پاسخ دهند. از آن‌جا که حفظ کردن شماره و معنای این قبیل آیات جزء آموزش نیست، هنگام طرح سؤال از آن‌ها، باید ترجمه این گونه آیات در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرد تا بتوانند با تفکر در معنای آیه پاسخگوی سؤال باشند.

۶- از آن‌جا که متن عربی احادیث (به استثنای احادیث علامت‌دار) جزء یادگیری دانش‌آموزان نیست، نمی‌توان متن عربی را در سؤال آورد و از دانش‌آموزان خواست که با توجه به آن به سؤال‌ها پاسخ دهند.



مرحله اول

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءاْمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ
وَلِرَسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحِيي كُمْ

ای مؤمنان، دعوت خدا و پیامبر را اجابت
کنید؛ آن گاه که شما را به چیزی فرامی خواند
که زندگی و حیاتتان می بخشد.

انفال ۲۴

اندیشه و قلب

بادآوری



در سال اول، در مرحله‌اندیشه و قلب با «هدف زندگی» آشنا شدیم و دانستیم که مقصود و محبوب زندگی ما «خداست». او سرچشمۀ همه خوبی‌ها و زیبایی‌های پایدار و پایان‌نایاب است و حرکت به سوی این خوبی‌ها و زیبایی‌ها به معنی نزدیکی به اوست. در حقیقت، راه رسیدن به خدا راه رسیدن به همه کمال‌ها و زیبایی‌هاست.

در همین سال آموختیم که چگونه ایمان خود را به خدا، تقویت کنیم تا این اعتقاد در رفتار و عمل ما جلوه‌گر شود.

در سال دوم، آینده جهان و انسان را بررسی کردیم و دیدیم که جهان رو به تکامل دارد

و به سوی خداوند سیر می‌کند. موجودات جهان، همان‌گونه که از خداوندند، به سوی او نیز بازمی‌گردند. در میان مخلوقات پیرامون ما، بازگشت انسان، یک بازگشت ویژه است. معاد انسان بر مبنای عمل اختیاری او، و به تعبیر دقیق‌تر عین عمل اوست. بنابراین باید برای انجام بهترین عمل به درستی برنامه‌ریزی کند.

در بخش «ازدیشه و قلب» این کتاب با شیوه‌های هدایتی خداوند بیشتر آشنا می‌شویم تا با بهره‌مندی بهتر از هدایت‌های خداوند، برای بهترین زندگی در دنیا و خوشبختی جاودان در آخرت بپردازیم.

درس اولیه

هدایت الہی

انسان همچون سایر موجودات زنده، یک دسته نیازهای طبیعی و غریزی دارد؛ مانند نیاز به آب، هوا، غذا و پوشاسک. خداوند پاسخ به این نیازها را در جهان خلقت آماده کرده و راه آگاهی از آن‌ها را به انسان داده است. در وقت نیاز به آب و غذا احساس تشنگی و گرسنگی می‌کند و سراغ آب و غذا را می‌گیرد. هنگام احساس سرما و گرما، از مصالح موجود در طبیعت بهره می‌برد و برای خود لباس و پوشاسک تهییه می‌کند.

آیا نیازهای انسان منحصر در همین نیازهای طبیعی و غریزی است؟

یا نیازهای برتری دارد که او را از سایر موجودات ممتاز می‌کند؟

آن نیازها کدامند و راه پاسخ‌گویی به آن‌ها چگونه است؟



آیات زیر را به دقت و زیبا بخوانید.

إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ

غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ

وَلَا الضَّالِّينَ

حمد، ۷۶

فَالرَّبُّنَا الَّذِي

أَعْطَنِي كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ

ثُمَّ هَدَى

طه، ۵۰

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى

الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى

وَالَّذِي قَدَرَ فَهَدَى

اعلى، ۱ تا ۳

رسولانی (را فرستادکه)

رُسُّلًا

بشارت و انذار دهند

مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ

تا برای مردم نباشد

لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ

عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ

بَعْدَ الرَّسُولِ

وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

در مقابل خداوند، بهانه و دستاویزی
بعد از آمدن پیامبران
.....

نساء، ۱۶۵

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ

لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ

فَمَنِ اهْتَدَى

فَإِلَنْفَسِيهِ

وَمَنْ ضَلَّ

فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا

وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ

همانا ما این کتاب را بر تو نازل کردیم
برای مردم، به حق
پس هر که هدایت یافت
به سود خود اوست
و هر که گمراه شد
تنها به زیان خود گمراه می شود
و تو وکیل و مدافع آنها نیستی

زُمر، ۴۱

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ

الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا

وَمَا كُنَّا لِنَهَتَدِي

لَوْلَا أَنَّ هَدَانَا اللَّهُ

اعراف، ۴۳



به کمک توضیحات زیر، ترجمه آیات را کامل کنید.

سَبِّحْ	: منزه بدار، تسبیح کن	أَعْطَىْ	: بخشنید، عطا کرد
قَدَّرْ	: اندازه‌گیری کرد	سَوَّىْ	: آراست، منظم و مرتب کرد
هَدَانَاْ	: هَدَىْ + نَا : هدایت کرد ما را	إِهْتَدَىْ	: هدایت شد
		مَا كُنَّا لِنَهْتَدَىْ	: هرگز هدایت نمی‌شدیم

پیامبران

سوره / آیه	با تفکر در آیات ابتدای درس جملات زیر را تکمیل کنید.
.....	۱- خواست هر انسان خردمند از خداوند این است که
.....	۲- اگر کسی چنین خواستی نداشته باشد، نتیجه‌اش
.....	۳- اکنون که خداوند انسان‌ها را هدایت کرده، اگر کسی بر عهدہ خودش است.
.....	۴- اکنون که خداوند پیامبران را فرستاده و انسان‌ها را هدایت کرده، کسی نمی‌تواند •

سؤال: اکنون که پیام آیات به دست آمد و روشن شد که هر انسان با فکر و اندیشه‌ای برای رسیدن به هدف زندگی خواهان و طالب راهنمایی خداوند است، جای طرح این سؤال هست که چرا انسان خودش نمی‌تواند برنامه کاملی برای هدف زندگی تنظیم کند و به هدایت الهی نیازمند می‌باشد؟ برای رسیدن به پاسخ، متن زیر را مطالعه می‌کنیم:

نیازهای برتر

انسان، اندکی که از سطح زندگی روزمره و نیازهای طبیعی فراتر رود و در افق بالاتری بیندیشید، خود را با نیازهایی مهم‌تر روبرو می‌بیند. این نیازها به ترتیج به دل مشغولی، دغدغه و حتی درد متعالی

تبديل می‌گردد که قرار و آرام را از او می‌گیرد تا پاسخ آن‌ها را نیابد، آرام نمی‌گیرد. این دغدغه و درد، نشانه بیداری و هوشیاری و ورود به وادی انسانیت است.

برکه او بسیارتر، پردردتر برکه او بسیارتر، رخ زردتر

این نیازها عبارتند از :

۱- درک هدف زندگی : انسان می‌خواهد بداند «برای چه زندگی می‌کند» و کدام هدف است که به زندگی اش معنایی متعالی می‌دهد. او می‌داند که اگر این هدف حقیقی را به دست نیاورد یا در شناخت آن دچار خطأ شود، عمر خود را از دست داده، درحالی که سعادت و خوشبختی را هم به دست نیاورده است. راستی، هدف برتر زندگی کدام است؟

۲- درک آینده خویش : انسان با کمک عقل خود می‌تواند به درک این حقیقت برسد که بنابر حکمت و عدل خداوند، مرگ نابود‌کننده او و پایان همیشگی زندگی اش نیست و آینده‌ای روشن در جهانی دیگر در انتظار اوست، اما نمی‌داند که نحوه زندگی او پس از مرگ چگونه است؟

زاد و توشه سفر به آنجا چیست؟ و خوشبختی وی در آن سرا در گرو انجام چه کارهایی است؟

۳- کشف راه درست زندگی : راه زندگی یا «چگونه زیستن» که ارتباط دقیقی با دو نیاز قبلی دارد، دغدغه اصلی انسان‌های فکور و خردمند بوده است؛ به خصوص که انسان فقط یک‌بار به دنیا می‌آید و یک بار آن را تجربه می‌کند. انسان می‌داند که اگر راه درست زندگی را انتخاب نکند، به آن هدف برتری که خداوند در خلقت او قرار داده، نخواهد رسید و نه تنها در آخرت دچار خسaran خواهد شد، بلکه نخواهد توانست زندگی فردی خود در دنیا را نیز به خوبی تنظیم نماید و یک جامعه عادلانه به وجود آورد. اما راه درست زندگی کدام است؟ چگونه می‌توان آن را به دست آورد؟

* * *

برای این که پاسخ به این نیازها، پاسخی راهگشا و اطمینان‌بخش باشد، باید :

الف - همه‌جانبه باشد؛ به طوری که به نیازهای مختلف انسان پاسخ دهد. زیرا ابعاد جسمی و روحی، فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی انسان پیوند و ارتباط کامل و تنگاتنگی با هم دارند و

۱- متنوی معنوی، دفتر اول :

وقت بیماری همه بیداری است حسرت و زاری که در بیماری است

هر که را درد است، او بُرده ست بو پس بدان این اصل را ای اصل جو

هر که او هشیارتر، رخ زردتر هر که او بسیارتر، پردردتر

نمی‌توان برای هر بُعدی برنامه‌ریزی جداگانه‌ای کرد.

ب – پاسخ‌ها باید کاملاً درست و قابل اعتماد باشند؛ زیرا هر پاسخ احتمالی و مشکوک نیازمند تجربه و آزمون است تا کارایی آن مشخص شود. درحالی که عمر محدود آدمی برای چنین تجربه‌ای کافی نیست، بهخصوص که راههای پیشنهادی هم بسیار زیاد و گوناگون است.

کسی می‌تواند انسان را در جهت پاسخ‌گویی درست به این نیازها رهنمون شود که آگاهی کاملی از خلقت انسان، هدف از خلقت، جایگاه او در نظام هستی، ابعاد دقیق و ظریف روحی و جسمی و نیز فردی و اجتماعی او و چگونگی زندگی در جهان آخرت و ارتباط آخرت با دنیا داشته باشد.



با توجه به توضیحات، بررسی کنید که آیا دستگاه تفکر انسان به تنهایی می‌تواند به نیازهای بنیادین پاسخ کامل و جامح دهد؟

.....
.....



سوره / آیه	با تفکر در آیات ابتدای درس، بیام‌های زیر را تکمیل کنید.
.....	۱ - خداوند تمام مخلوقات را هدایت می‌کند که آن را می‌گویند.
.....	۲ - خداوند هر دسته از مخلوقات را متناسب با ویژگی‌ها و خصوصیاتشان که آن را می‌گویند.

اکنون به تبیین بیام‌های فوق می‌پردازیم.

هدایت عمومی

خدای جهان، آفریدگاری حکیم است؛ یعنی هر موجودی را برای هدفی معین خلق می‌کند و

برای رسیدن به آن هدف هدایت می فرماید. آفرینش بی هدف، نشانه نقص و ضعف و ناگاهی است و این ویژگی ها نمی تواند در خداوند باشد. پس، هدایت یک اصل عام و همگانی در نظام خلقت است.



هدایت ویژه انسان

ویژگی ها و ارزش هایی که خداوند در وجود انسان قرار داده است، سبب تمایز بنيادین او از سایر موجودات می شود. این ویژگی ها متناسب با هدف خلقت انسان، یعنی تقرّب به خداوند که تقرّب به همه خوبی ها و زیبایی هاست، می باشد.

یکی از این ویژگی ها، توانایی تفکّر و تعقل و ویژگی دیگر قدرت اختیار و انتخاب است. اگر می گوییم حرکت انسان اختیاری است، بدان معناست که می تواند هدف درست را تشخیص دهد، آن را برگزیند و به سویش حرکت کند.

برای تشخیص هدف و راه رسیدن به آن، خداوند دو چراغ به وی داده است : عقل در درون وجود او و فرستادگان الهی در بیرون. انسان به کمک عقل خود بسیاری از مجھولات و مسائل را در می یابد و پاسخ می دهد. مثلاً می داند که جهان مبدأ و آفریدگاری دارد و آینده ای روشن در انتظار اوست. همچنین انسان به کمک عقل خود متوجه می شود که نمی تواند پاسخ برخی از مسائل بنيادین را به طور درست و کامل بدهد و برای این گونه مسائل نیازمند هدایت الهی است. از این رو خداوند پیامبرانی را می فرستد تا پاسخ این گونه مسائل را به انسان ها برساند و هدایتشان کند. بدین ترتیب، اگر انسان عاقلانه بیندیشد، راه دست یابی به همه نیازها برای وی مشخص شده و دلیلی برای توجیه ناکامی ها ندارد.

امام کاظم علیه السلام به شاگرد برجسته خود، هشام بن حکم، فرمود :

ای هشام، خداوند رسولانش را به سوی بندگان نفرستاد، جز برای آن که این بندگان در پیام الهی تعقل کنند. کسانی این پیام را بهتر می بذریند که از معرفت برتری برخوردار باشند و آنان که در تعقل و تفکر برترند، نسبت به فرمان های الهی داناترند و آن کس که عقلش کامل تر است، رتبه اش در دنیا و آخرت بالاتر است.

ای هشام، خداوند دو حجت^۱ بر مردم دارد : حجتی آشکار و حجتی نهان. حجت آشکار، رسولان و انبیا و ائمه اند و حجت نهان، همان عقل انسان هاست.^۲

۱- حجت، آن دلیلی است که برای قانون یا محکوم کردن دیگری به کار می رود. خداوند با این دو حجت در مقابل گناهکاران و گمراهان که می خواهند بگویند راهی برای تشخیص حق نداشتم، استدلال می کند و آنان در مقابل داوری الهی پاسخی نخواهند داشت.

۲- اصول کافی، چاپ اسلامیه، ج ۱، ص ۱۹.

بنابراین، عقل و سیله فهم پیام الهی است و هر کس با تفکر و تعقل خود در پیام الهی بین دیشد، در خواهد یافت که :

۱- هدف و مقصد زندگی انسان چیست و با کدام هدف، زندگی وی معنای حقیقی خود را خواهد یافت.

۲- آینده انسان چیست و چگونه رقم می خورد.

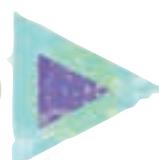
۳- راه درست زندگی چیست و چگونه به سعادت خواهد رسید.

پرسی

برای رسیدن به یک زندگی هدفمند، شاد، رضایت‌بخش و خوش‌فرجام،
آسان‌ترین، مستقیم‌ترین و مطمئن‌ترین راه، چه راهی است؟
چه عواملی سبب می‌شود که برخی انسان‌ها قدم در کوره راه‌های نامطمئن
و بدفرجام گذارند؟

.....
.....

پرای مطلعه



شاید این سؤال به ذهن ما باید که : انسان امروز چه قدر به دین و پیام آسمانی نیازمند است؟
به عبارت دیگر : آیا آن نیازهایی که انسان‌های گذشته را به سوی خدا و دین الهی می‌کشاند، همچنان
وجود دارد؟

بانگاهی به سرنوشت انسان معاصر و شرایط کنونی او، در می‌باییم که نه تنها آن نیازهای بنیادین قوی‌تر
و جدی‌تر از گذشته پا بر جاست، بلکه انسان امروز بهشدت سرگردان است و اگر به خدا و پیام الهی روی
نیاورد، سرگردانیش شدیدتر و خطرناک‌تر خواهد شد.

در قرن‌های هفدهم، هجدهم و نوزدهم که علم در غرب پیشرفت کرد و به سرعت توسعه یافت، چنین تصور می‌شد که می‌توان با کمک علوم تجربی به نیازهای بنیادین پاسخ گفت و دغدغه‌های جدی آدمیان را به آرامش درونی و آسایش در زندگی تبدیل کرد. اما هر قدر که علم به پیش رفت و ابزارهای کارآمد و مؤثری را در اختیار انسان قرار داد، برنگرانی‌های وی افزوده شد؛ به گونه‌ای که در اوآخر قرن بیست، انسان احساس کرد که سوال‌های بنیادینش همچنان بی‌پاسخ مانده است. انسان امروز می‌بیند که آرامش درونی اش کاهش یافته، هدف متعالی زندگی وی گم شده، ظلم و بی‌عدالتی گسترش یافته، داشت و تکنولوژی در خدمت اهداف ضدانسانی صاحبان زر و زور قرار گرفته، تروریسم به صورت فردی و دولتی آن، جان انسان‌های مظلوم و بی‌دفاع را به راحتی می‌گیرد، جهان به دو قطب محروم (با جمعیتی بسیار زیاد) و ثروتمند (با جمعیتی اندک) تقسیم شده است، سلاح‌های مخرب با قدرت تخریبی فوق العاده در انبارها انباشته شده، انواع مواد مخدر در شکل‌ها و اقسام مختلف در دسترس افراد قرار گرفته، فسادهای گوناگون اخلاقی رواج یافته و فاچاق کودکان و فروش آنان در بازارهای مخفی جهانی برای استفاده‌های مختلف (از جمله، فروش اعضا) رونق پیدا کرده و استفاده ابزاری از ظاهر زن برای فروش بیشتر کالاهای تجاری و ثروت‌اندوزی ثروتمندان، کرامت و منزلت انسانی زنان را تنزل داده است.

اگر از ظاهر زندگی تزیین شده انسان امروز عبور کنیم و به واقعیت درونی آن برسیم، رنج بزرگ او را مشاهده می‌کنیم. انسان آخر قرن بیست و ابتدای قرن بیست و یکم میلادی، برخلاف انسان قرن هفدهم و هجدهم، دریافته است که علم با همه فایده‌ها و خوبی‌هایش، به تنهایی نمی‌تواند او را از بحران‌های بزرگ رهابی بخشد و به نیازهای اساسی اش پاسخی مناسب دهد. همین امر، انسان را برانگیخته است که بار دیگر آهسته به خدا و دین روی آورد و رهابی از سرگردانی را در بازگشت به دین، معنویت و پیام‌های الهی جست وجو کند. در نتیجه انسان امروز بیش از گذشته به پیام الهی احساس نیاز می‌کند.

در این میان، مسئولیتی سنگین بر عهده ماست که از این موقعیت بهره ببریم و مردم دنیا را به بهترین دین خدا، معنویت و برنامه زندگی رهابی بخش آن دعوت کنیم. برای این کار باید ابتدا آگاهی عمیق و درستی از دین خود به دست آوریم و در پایبندی به آن بکوشیم و سپس، با زیباترین روش‌ها به تبلیغ دین پیردازیم. خوب است بدانیم که هم‌اکنون ترجمة قرآن کریم به زبان انگلیسی از پرطرفدارترین کتاب‌های است و شمار کسانی که در اروپا به دین اسلام درمی‌آیند، بیش از گروندگان بسایر ادیان است.



- ۱- آیا می‌توان پاسخ به نیازهای برتر را به احساسات شخصی و سلیقه فردی واگذار کرد و گفت که می‌خواهم بدون بررسی و تحقیق کافی به این نیازها پاسخ دهم؟ چرا؟
- ۲- آیا انسان می‌تواند پاسخ دادن به این نیازها را نادیده بگیرد و براساس ضرب المثل «هرچه پیش آید خوش آید» رفتار کند؟ چرا؟
- ۳- آیات ۴۲ و ۴۳ سوره یونس را مطالعه کنید و بیام اصلی آن‌ها را که مربوط به رابطه حجت ظاهر و حجت باطن است، توضیح دهید.
- ۴- هر کدام از آیات ۹ إسراء و ۹۷ نحل پاسخ کدام یک از نیازهای انسان را در بر دارد و چه مطالبی را مطرح می‌کند؟ آن را در جدولی مانند جدول زیر توضیح دهید.

پاسخ	نیاز	آیه

تلاش برای بره مندی از هدایت خداوند

اکنون که خداوند آن مهرگان ترین مهرگان، با فرستادن رسولانش
 مارا بسوی پاسخ نامی درست بدایت کرده، می کوشیم با قدرت عقل
 و فکر خویش، از رابهنهای خداوند که در قرآن کریم و کلام پیشوایان دین آمده است،
 بره بیرون وزندگی خود را بر اساس مطمئن ترین پاسخ نهانیم.
 خدایا! تو خود بدایت کر مباش.



درس ۲

هدایت مستمر

گفتیم که خداوند، متناسب با دو ویژگی «تعقل» و «اختیار» در انسان‌ها، آن‌هارا با فرستادن دین راهنمایی و هدایت کرده است و پیامبران الهی مسئولیت ابلاغ و رساندن آن را به مردم برعهده داشتند. از میان تعداد فراوان پیامبران، ما اکنون با برخی از آن‌ها که نامشان در قرآن کریم یا احادیث و برخی کتب تاریخی آمده است آشنا هستیم.

در این درس می‌خواهیم به این مسئله بپردازیم که:
آیا خداوند یک دین برای مردم فرستاده و پیامبران، راهنمایان مردم به یک دین بوده‌اند یا این که پیامبران مردم را به ادیان مختلف دعوت کرده‌اند؟



آیات زیر را به دقت و زیبا قراءت کنید.

شَرَعَ لَكُم مِنَ الدِّينِ
 ما وَصَّلَى بِهِ نُوحًا
 وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ
 وَمَا وَصَّلَى بِهِ إِبْرَاهِيمَ
 وَمُوسَى وَعِيسَى
 أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ
 وَلَا تَنْفَرُّ قَوْا فِيهِ
 كُبَرَ عَلَى الْمُسْرِكِينَ
 مَا نَدْعُو هُمْ إِلَيْهِ
 اللَّهُ يَعْلَمُ إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ
 وَيَهْدِي إِلَيْهِ
 مَنْ يُنِيبُ

برای شما از دین تشریع کرد
 آنچه را که به نوح سفارش کرده
 و نیز آنچه را که به تو وحی کردیم
 و آنچه سفارش کردیم به ابراهیم
 و موسی و عیسی
 که دین را پیا دارید
 و در آن متفرق نشوید
 بر منشکین سخت است،
 آنچه که آنان را بدان دعوت می‌کنی.
 خدا هر که را بخواهد برای خود برمی‌گریند.
 و به سوی خود هدایت می‌کند
 کسی را که اهل بازگشت باشد.

شوری، ۱۳

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا
 فُلْ بَلْ مَلَّةٌ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا
 وَمَا كَانَ مِنَ الْمُسْرِكِينَ

قولوا إِمَّا بِاللَّهِ

وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا

وَمَا أُنْزِلَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ

وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ

وَمَا أُرْتَى مُوسَى وَعِيسَى

وَمَا أُرْتَى النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ

لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ

وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ

بقره، ۱۳۶ و ۱۳۵

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ

وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ اؤْتُوا الْكِتَابَ

إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ

بَعْيَا بَيْنَهُمْ

وَمَنْ يَكُفُرُ بِآيَاتِ اللَّهِ

فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

آل عمران، ۱۹

هیچ رسولی را نفرستادیم

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ

جز به زبان قومش

إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ

تا برای آنان به روشنی بیان کند...

لِيُبَيِّنَ لَهُمْ ..

ابراهیم، ۴

ما کانَ مُحَمَّدُ أَبَا أَحَدٍ

مِنْ رِجَالِكُمْ

وَلِكِنْ رَسُولَ اللَّهِ

وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ^۱

وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

احزاب ، ۴۰

اللَّهُ أَعْلَمُ

حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ

انعام ، ۱۲۴

محمد ﷺ پدر هیچ یک

از مردان شما نیست

اما او فرستاده خدا

و پایان پیامبران است.

و خدا به هر چیزی دانست

خدا دانتر است

که رسالت خود را بر عهده چه کسی بگذارد



به کمک توضیحات زیر، ترجمه آیات را کامل کنید.

کونوا : باشید

ما او تی : آنچه داده شده به

ما اخْتَلَفَ : اختلاف نکردند

حنیف : حق گرا

لائِفَرْقٌ : فرق نمی گذاریم

بغْيًا : از روی ستم و تجاوز

۱- خاتم، در لغت، به معنای مُهر است که بزرگان در پایان نامه خود می زدند و نامه را پایان می دادند. رسول خدا ﷺ نیز که تمام کننده و پایان پیامبران است، خاتم النبیین نامیده شده است.

سوره / آیه	پیام‌های زیر را به کمک آیات ابتدایی درس کامل کنید.
.....	۱- خداوند یک دین برای پیامبران تشریح کرده و از آنان خواسته و
.....	۲- کسانی که از مردم می‌خواهند پیرو ادیان دیگری مانند یهودیت یا مسیحیت شوند، راه نادرستی را می‌پیمایند. همه باید به دعوت کنند.
.....	۳- هدایت شده واقعی کسی است که به همه پیامبران و میان آنان تفرقه نیندازد.
.....	۴- هر پیامبری دین الهی را مناسب با برای قوم و دوره خود تبلیغ می‌کند تا
.....	۵- اسلام (تسلیم خدا بودن) نام تنها دین الهی است. و کسانی سبب تفرقه در دین شدند که به حقیقت آگاه بودند اما
.....	۶- حضرت محمد ﷺ و پس از ایشان
.....	۷- خداوند، مسئولیت پیامبری را بر عهده کسانی قرار می‌دهد که می‌داند

اکنون که با نظر قرآن کریم درباره دین واحد آشنا شدیم، می‌خواهیم دلیل این نظر را بررسی کنیم تا بدانیم که :

- ۱- چرا خداوند برای انسان‌ها یک دین قرار داده است؟
- ۲- چرا برای تبلیغ این دین، پیامبران متعدد فرستاده است؟
- ۳- اگر خداوند یک دین برای انسان‌ها فرستاده، چرا اکنون ادیان الهی مختلفی در جهان وجود دارد؟
- ۴- چرا پس از رسول خدا ﷺ پیامبری ظهور نمی‌کند و ایشان خاتم پیامبران است؟
- ۵- چرا باید پیامبران ویژگی‌های خاصی داشته باشند؟ این ویژگی‌ها کدامند؟

الف - فطرت مشترک و دین واحد

فطرت از کلمه فَطْرَ به معنای خلق و ابداع است. فِطْرَت به معنای نوع خاص آفرینش است. پس وقتی از فطرت انسان سخن می‌گوییم، منظور آفرینش خاص انسان و ویژگی‌هایی است که در

اصل آفرینش وی وجود دارد. از هنگام آفرینش انسان تا کنون، اقوام و ملت‌های گوناگونی روی کره زمین آمده و زندگی کرده‌اند. این انسان‌ها با این که در برخی خصوصیات، مانند تزاد، زبان و آداب و رسوم با یک‌دیگر تفاوت دارند، اما در ویژگی‌های فطری مشترکند و به همین جهت همه نام مشترک انسان گرفته‌اند.

همه انسان‌ها از استعداد تفکر و تعقل و قدرت اختیار برخوردارند.

آنان فضیلت‌های اخلاقی مانند عدل، حق و خیرخواهی را دوست دارند و از رذائل اخلاقی مانند ظلم، حسد و دروغ بیزارند.

آنان به‌دبیال زیبایی‌ها، خوبی‌ها و کمالات نامحدودند و به حد معینی قانع نمی‌شوند.

آنان از فنا و نابودی گریزان و در جستجوی حیات جاودانه‌اند.

آنان زندگی در جامعه عادلانه را دوست دارند و از ظلم و ستم گریزانند.

و بالاخره، همه به‌دبیال راهی هستند که آنان را به سعادت حقیقی برسانند.

به سبب همین ویژگی‌های فطری مشترک، خداوند یک برنامه کلی به انسان‌ها عنایت کرده تا آنان را به هدف مشترکی که در خلق‌تشان قرار داده است، برساند. این برنامه اسلام نام دارد که به معنای تسلیم بودن در برابر خداست.

محورهای اصلی این برنامه عبارت‌اند از :

۱- ایمان به خدای یگانه و دوری از شرک و بتپرستی.

۲- ایمان به معاد و سرای آخرت و پاداش و جزای عادلانه انسان‌ها در آن سرا.

۳- اعتقاد به عادلانه بودن نظام هستی.

۴- ایمان به فرستادگان الهی و راهنمایان دین.

۵- عبادت و بندگی خداوند با انجام فرایضی چون نماز، روزه، دعا و مناجات.

۶- کسب مکارم اخلاقی مانند تقدوا، عفاف، صداقت و کرامت نفس.

۷- دوری از رذائل و زشتی‌های اخلاقی مانند ظلم، نفاق، دروغ و ریا.

۸- برپایی نظام اجتماعی براساس عدل.

هیچ پیامبری نیامده است مگر این که مردم را به این محورها فراخوانده است. به همین جهت است

که می‌گوییم محتوای اصلی دعوت پیامبران یکسان بوده است و همه آن‌ها آورنده یک دین بوده‌اند.

آری، تعالیم پیامبران در برخی از احکام فرعی تفاوت داشته است، همانند چگونگی انجام نماز

و روزه، پرداخت زکات، احکام خانواده و جامعه. اما این تفاوت‌ها سبب نمی‌شد که اصل دین و راه

آنان مختلف شود و هر کدام دین خاصی بیاورند، چون همه آن‌ها در آن محورهای اصلی و نیز در اصل بسیاری از احکام، مانند نماز، روزه، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر مشترک بودند.

ب – علل آمدن پیامبران متعدد

حال می‌پرسیم : با این که خداوند یک برنامه را برای زندگی انسان‌ها برگزیده، چرا برای ابلاغ آن، پیامبران متعددی را فرستاده است؟

ارسال این پیامبران بنا به مجموعه علل زیر بوده است :

۱- لزوم استمرار در دعوت و ترویج پیوسته آن : لازمه استقرار و ماندگاری یک پیام، تبلیغ دائمی و مستمر آن است. پیامبران الهی با ایمان راسخ و مجاهدتی بی‌مانند، در طول زمان‌های مختلف قدم در راه تبلیغ دین الهی می‌گذاشتند و سختی‌ها و ناملایمات را تحمل می‌کردند تا خدا برستی، عدالت طلبی و کرامت‌های اخلاقی میان انسان‌ها بماند و گسترش یابد و شرک، ستمگری و رذائل اخلاقی از بین برود. این تداوم سبب شد که تعالیم‌الهی در میان مردم بماند، جزء آداب و فرهنگ آنان شود و کسانی توانند به سادگی آن را از میان جامعه بشری بیرون کنند.

۲- رشد تدریجی سطح فکر جوامع و اقوام : علت دیگر آمدن پیامبران متعدد، رشد تدریجی فکر و اندیشه و امور مربوط به آن مانند داشت و فرهنگ می‌باشد.

از همین رو لازم بود تا در هر عصر و دوره‌ای پیامبران جدیدی مبعوث شوند تا همان اصول ثابت دین الهی را در خور فهم و اندیشه انسان‌های دوران خود بیان کنند و مناسب با درک آنان سخن گویند تا آنان پیام الهی را در حد فهم خود درک کنند و به آن ایمان آورند.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید :

ما انبیاء مأمور شده‌ایم

نَحْنُ مَعَاشِرُ الْأَنْبِيَاءِ

که با مردم به اندازه

أَمْرَنَا أَنْ تُكَلِّمَ النَّاسَ

فهم و درکشان سخن بگوییم .

عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ

۳- از بین رفتن یا تحریف تعلیمات پیامبر پیشین : به علت ابتدایی بودن سطح فرهنگ و زندگی اجتماعی و عدم توسعه کتابت، تعلیمات انبیاء به تدریج فراموش می‌گردید یا به‌گونه‌ای عوض

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۳

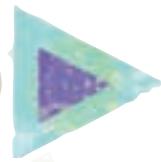
می شد که دیگر به اصل آن شباهتی نداشت، براین اساس، پیامبران بعدی می آمدند و تعلیمات اصیل و تحریف نشده را بار دیگر به انسان ها ابلاغ می کردند.

سؤال : علت وجود ادیان مختلف در جهان چیست؟

پاسخ : تفکر در آیات قرآن کریم و مطالعه تاریخ انبیاء الهی نشان می دهد که هر پیامبر جدیدی که از طرف خداوند مبعوث شده است، پیامران گذشته را تصدیق کرده و خود را ادامه دهنده راه آنان معرفی نموده است و از پیروان آنان دعوت کرده که به امر خداوند به او ایمان آورند و او را یاری دهند. هیچ پیامبری نیامده که پیامبر قبلی را انکار کند و بگوید که ای مردم، دین آن پیامبر درست نبوده، پس به من ایمان آورید. همچنین این گونه نبوده که مثلاً حضرت عیسی^{المحتل} قیام کند و بگوید «ای مردم، حضرت موسی^{المحتل} قبل از من به پیامبری مبعوث شد و یک دین از جانب خدا آورد. اکنون من دین دیگری آورده ام، هر کدام را که می خواهید پذیرید». بلکه او آمد و فرمود من ادامه دهنده راه ابراهیم^{المحتل}، موسی^{المحتل} و همه پیامران گذشته هستم و از شما که پیروان موسی^{المحتل} هستید، می خواهم که اکنون، در ادامه آن ها دعوت مرا بپذیرید و از من پیروی نمایید. اگر مردم آن زمان دعوت حق حضرت عیسی^{المحتل} را قبول می کردند، چند دینی پدید نمی آمد.

پیامبر گرامی اسلام^{المحتل} نیز در هنگام ظهور، خود را ادامه دهنده راه همه انبیاء و تمام کننده کار آنان معرفی کرد و از یهودیان و مسیحیان خواست که به ایشان ایمان آورند. اما این بار هم، با وجود آن که آمدن پیامبر اسلام^{المحتل} در تورات و انجیل وعده داده شده بود، برخی از بزرگان مسیحی و یهودی پیامبری ایشان را انکار کردند و به مبارزه برخاستند. اگر این دسته از بزرگان یهودی و مسیحی، در آن روز، پیامبری رسول اکرم^{المحتل} را می پذیرفتند، این اختلاف هم به وجود نمی آمد.

قرآن کریم منشأ اصلی اختلاف و چند دینی را آن دسته از رهبران دینی معرفی می کند که به خاطر حفظ مقام و موقعیت و منافع خود در برابر دعوت پیامبر جدید ایستادند و پیامبری او را انکار کردند و سبب اختلاف و چند دسته شدن پیروان پیامبران شدند.



۱- خوب است بدانیم که حضرت عیسیٰ در مسیر دعوت خود با دو گروه مخالف رو به رو شد. گروه اول برخی از بزرگان دین یهود بودند که حضرت عیسیٰ را پیامبر نمی‌دانستند و با سرسرختی با ایشان مبارزه می‌کردند. گروه دوم حاکمان بتپرست روم شرقی بودند که بر سرزمین فلسطین حکومت می‌کردند و مانند حاکمان بیشتر سرزمین‌های اروپایی، در آن زمان، به دین الهی اعتقادی نداشتند. کار حضرت عیسیٰ در مبارزه با این دو گروه به جایی رسید که سربازان حاکم برای دست‌گیری و به شهادت رساندن وی، تعقیب‌ش کردند و ایشان ناچار شد از شهری به شهری و از روستایی به روستایی برود. تا این که به همراه تعدادی از یارانش در با غی مخفی شد. در این جا بود که یکی از همراهانش به نام «یهودای اسخربوطی» به طمع جایزه حاکمان، مخفی‌گاه حضرت عیسیٰ را به آنان خبر داد و سربازان حاکم بتپرست به همراه برخی از بزرگان یهود، شبانه به آن مخفی‌گاه یورش برداشتند. در این هنگام، خداوند حضرت عیسیٰ را با قدرت لا یزال خود به آسمان‌ها برداشت. سربازان که از این عروج خبر نداشتند و اگر کسی هم به آن‌ها خبر می‌داد، نمی‌توانستند آن را باور نکنند، همان یهودای خبرچین را که چهره‌ای شبیه حضرت عیسیٰ داشت و شباهت او به آن حضرت در آن شب بیشتر شده بود، به جای حضرت عیسیٰ دستگیر کردند و به صلیب کشیدند. یهودیان و بتپرستان و حتی عده‌ای از یاران حضرت عیسیٰ گمان می‌کردند که آن حضرت به شهادت رسیده است. البته برخی از یاران بسیار تزدیک ایشان، مانند «بَرْنَابَا» از عروج وی آگاه بودند. قرآن کریم این اشتباه را یادآوری می‌کند و ما را از کشته نشدن حضرت عیسیٰ آگاه می‌سازد و می‌فرماید :

وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَاتَلْنَا الْمَسِيحَ این سخن آنان(بود) که ما کشتم مسیح

عیسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ عیسیٰ بن مریم رسول خدا را؛

وَ مَا قَاتَلُوهُ وَ مَا صَلَبُوهُ حال آن که نه او را کشتند و نه به صلیب کشیدند

بلکه آنان به اشتباه افتدند.

وَ لَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ

وَ إِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ و کسانی که در مورد او اختلاف کردند،

لَفِي شَكٍّ مِنْهُ

مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ

إِلَّا اتِّباعُ الظَّنِّ

وَمَا قَاتَلُوهُ يَقِينًا

بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ

وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

وَيَقِينًاً أَوْ رَا نَكْشَتَهُ اَنَّدَ.

بَلْ كَهْ خَدَا أَوْ رَا بَهْ سَوَى خَوْدَ بَالَا بَرَد

وَخَداونَدَ عَزِيزًا حَكِيمًا

نساء، ۱۵۷ و ۱۵۸

۲- برخی فکر می کنند پیامبران مانند فروشنده‌گان کالا هستند که هر کدام برای خود مغازه‌ای باز کرده و کالای خود را تبلیغ می کنند و مردم باید بین آن کالاهای کی را انتخاب نمایند. اما همان طور که دیدیم، پیامبران مردم را به سوی خدا دعوت می کردند، نه به سمت خود و یک راه و یک سخن داشته‌اند و همه یکدیگر را تأیید کرده‌اند و اگر کسی به آخرین پیام آور الهی ایمان آورد، به همه پیامبران گذشته هم ایمان آورده و هیچ پیامبری را انکار نکرده و راه را همه پیامبران بوده است. مهم این است که انسان در تشخیص آخرین پیامبر دچار خطأ نشود.

نام احمد نام جمله انبیاست چون که صدآمد، نودهم پیش ماست^۱

ج - ویژگی‌های پیامبران

۱- وحی : کلمه وحی در قرآن کریم برای موارد مختلف به کار رفته و اختصاص به پیامبران ندارد. اما عالی‌ترین درجه آن که مخصوص پیامبران است، به معنای القای معانی و معارف به قلب پیامبر از سوی خداوند و سخن گفتن خداوند و جبرئیل با اوست. از طریق وحی برنامه هدایت الهی به پیامبران داده می‌شد و آنان این برنامه را به مردم ابلاغ می‌کردند.

۲- اعجاز : پیامبران از جانب خداوند، کارهای خارق العاده‌ای انجام می‌دهند که هیچ کس نمی‌تواند مانند آن را انجام دهد.^۲ تا مردم دریابند که آنان با خداوند ارتباط دارند و از طرف او مأمور به پیامبری شده‌اند.

۱- مشنوی مولوی، دفتر اول

۲- فرق معجزه، با کارهای خارق العاده مرتاضان و ساحران و ترددستان هم همین است که کارهای آنان با تعلیم و تمرین قابل یادگیری است، اما کار پیامبران به گونه‌ای است که هیچ گاه مغلوب کار دیگری واقع نمی‌شود و هیچ کس نمی‌تواند مثل آن انجام دهد.

قرآن کریم این آثار خارق العاده را «آیت» یعنی نشانه و علامت نبوت می‌خواند و دانشمندان اسلامی آن را معجزه می‌نامند. زیرا عجز و ناتوانی سایر افراد را در انجام این امور آشکار می‌سازد.

۳- عصمت : پیامبر زمانی می‌تواند مسئولیت خود را به درستی انجام دهد که تحت تأثیر هواهای نفسانی قرار نگیرد و مرتكب گناه و خطأ نگردد. مردم نیز زمانی گفته‌ها و هدایت‌های وی را می‌پذیرند که مطمئن باشند هیچ‌گاه مرتكب گناه و اشتباه نمی‌شود. اگر آنان احتمال دهند که پیامبر شان گناه می‌کند و دچار خطأ می‌شود، به او اعتماد نمی‌کنند و از وی بیرونی نخواهند کرد. بنابراین، پیامبران نه تنها باید در اجرای مأموریت خود از گناه و اشتباه مصون باشند بلکه این عصمت باید در مجموعه رفتارهای آنان متجلی شود.

بالاتر از همه، ضرورت عصمت در حوزه مسئولیت‌های مربوط به رسالت است. زیرا :

اگر پیامبری در دریافت و ابلاغ وحی معصوم نباشد، دین الهی به درستی به مردم نمی‌رسد و امکان هدایت از مردم سلب می‌شود.

اگر پیامبری در مقام تعلیم و تبیین دین معصوم نباشد، امکان انحراف در تعالیم الهی پیدا می‌شود و اعتماد مردم به دین از دست می‌رود.

اگر پیامبری در هنگام اجرای فرمان‌های الهی معصوم نباشد، امکان دارد کارهایی مخالف دستورات الهی انجام دهد و مردم نیز از او سرمشق بگیرند و به گمراهی و انحراف مبتلا شوند.

حال، باید بینیم که مصونیت از گناه در پیامبران به چه صورت است؛ آیا یک مانع بیرونی پیامبران را از ارتکاب گناه و خطأ باز می‌دارد یا خود به اختیار به سمت گناه نمی‌روند؟

در پاسخ می‌گوییم : پیامبران، با وجود مقام و منزلتی که دارند، انسان‌اند و کارهای خود را با اختیار انجام می‌دهند و چنان مرتبه‌ای از ایمان و تقوی را دارند که هیچ‌گاه به سوی گناه نمی‌روند. همچنین از چنان بیشتر عمقی برخوردارند که گرفتار خطأ و اشتباه نمی‌شوند.



اگر پیامبران عصمت نمی‌داشتنند، در مسیر هدایت چه خطرهایی سایر انسان‌ها را تهدید می‌کرد؟

.....

.....

د— آخرین پیام آور الهی

قرآن کریم، حضرت محمد ﷺ را آخرین فرستاده الهی معرفی کرده و فرموده که ایشان «خاتم النبیین» است. پیامبر اکرم ﷺ نیز در اجتماعات مختلف مسلمانان این موضوع را یادآوری می‌کرد تا پس از ایشان، کسی ادعای پیامبری نکند.

بنابراین، نبوت پیامبر گرامی اسلام پایان می‌پذیرد و پس از ایشان کتاب جدیدی از طرف خداوند نازل نمی‌شود. زیرا عواملی که سبب تجدید نبوت ها و آمدن کتاب‌های آسمانی جدید بود، از بین رفت و عواملی که انسان‌ها را بی‌نیاز از کتاب جدید می‌نمود، پدید آمد. این عوامل عبارتند از :

۱— آمادگی جامعه بشری برای دریافت برنامه کامل زندگی : گفته‌یم که یکی از عوامل بعثت پیامبر جدید، پایین بودن سطح درک انسان‌ها و عدم توانایی آنان در گرفتن برنامه کامل زندگی بود. در عصر نزول قرآن رشد عقلی بشریت به میزانی رسیده بود که بتواند کامل‌ترین برنامه را دریافت کند و به کمک این برنامه، پاسخ نیازهای فردی و اجتماعی خود را به دست آورد. درواقع، انسان‌ها وارد دورهٔ بلوغ فکری شده بودند. خداوند کتابی بر پیامبر اکرم ﷺ نازل کرد که نیازهای هدایتی بشر را در طول زمان‌ها پاسخ گوید و مؤمنان با تفکر در این کتاب بتوانند در هر دوره‌ای به دروازه‌های جدیدی از معرفت دست یابند.

۲— حفظ قرآن کریم از تحریف : در پرتو عنایت الهی و با اهتمامی که پیامبر اکرم ﷺ در جمع‌آوری و حفظ قرآن داشت و با تلاش و کوشش مسلمانان در دوره‌های مختلف، این کتاب دچار تحریف نشد و هیچ کلمه‌ای بر آن افزوده یا از آن کم نگردید. به همین جهت این کتاب نیازی به «تکمیل» و «تصحیح» ندارد و جاودانه باقی خواهد ماند.

۳— وجود امام معصوم پس از پیامبر اکرم ﷺ : تعیین امام معصوم الائمه از طرف خداوند سبب آن شد که نقش‌ها و مسئولیت‌های پیامبر، به‌جز دریافت وحی، ادامهٔ یابد و جامعه از این جهت کمبودی نداشته باشد.

۴— پیش‌بینی راه‌های پاسخ‌گویی به نیازهای زمانه : مجموعهٔ معارف و احکام موجود در قرآن، سیره و سنت پیشوایان دین، به‌گونه‌ای از جانب خداوند طراحی شده که با مراجعت به آن‌ها می‌توان پاسخ به سؤال‌ها و نیازهای جوامع را در همه دوره‌ها به دست آورد؛ بهشرط آن که از روش علمی و درست تحقیق که به وسیلهٔ عالمان و متخصصان دین تدوین شده است، استفاده گردد و با داشتن لازم و بصیرت کافی عمل شود. اکنون به برخی از ویژگی‌های دین اسلام که سبب انتباق آن با نیازهای متغیر زمان می‌شود، می‌پردازیم :

اول— توجه به نیازهای متغیر، در عین توجه به نیازهای ثابت : انسان در زندگی فردی

و اجتماعی خود دو دسته نیاز دارد : نیاز ثابت مانند نیاز به امنیت، عدالت، شغل، معاشرت و دادوستد با دیگران، ازدواج و تشکیل خانواده، تعلیم و تربیت و حکومت. این نیازها در همه زمان‌ها برای بشر وجود دارند و از بین نمی‌روند. دین اسلام برای هر کدام از این‌ها قوانین ثابت و مشخصی دارد که پاسخ‌گوی این نیاز‌هاست.

دسته‌دیگر، نیاز‌های متغیر هستند که در داخل همین نیاز‌های ثابت پیدا می‌شوند. یعنی انسان‌ها با گذشت زمان برای پاسخ‌گویی به نیاز‌های ثابت خود، از روش‌ها و شیوه‌های مختلف و متغیری استفاده می‌کنند. مثلاً نیاز به دادوستد یک نیاز ثابت است. اما شیوه و چگونگی دادوستد بر حسب زمان قابل تغییر است. دادوستد امروز که از طریق اسکناس و بانک و نظایر آن صورت می‌گیرد با دادوستد دیروز تفاوت‌های زیادی پیدا کرده است. نیاز به امنیت هم یک نیاز ثابت است؛ اما چگونگی تأمین امنیت و ابزارها و اسلحه‌هایی که به این منظور به کار گرفته می‌شود در مقایسه با دوره‌های گذشته بسیار متفاوت شده است. معارف اسلام به‌گونه‌ای است که متخصصان دین می‌توانند از درون آن با توجه به نیاز‌های جدید به وجود آمده در جامعه، قوانین مورد نیاز جامعه درباره بانکداری، اسکناس، خرید و استفاده از سلاح‌های جدید را استخراج کنند و در اختیار مردم قرار دهند.^۱

دوم — وجود قوانین تنظیم کننده : در اسلام دسته‌ای از قواعد و قوانین وجود دارد که به مقررات اسلامی خاصیت انتساب و تحریک داده است. این قواعد بر همه احکام و مقررات اسلامی تسلط دارند و مانند بازرسان عالی احکام و مقررات را تحت نظر قرار می‌دهند و کنترل می‌کنند. به طور مثال، پیامبر اکرم ﷺ فرموده است : «لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ» – اسلام با ضرر دیدن و ضرر رساندن مخالف است^۲. این سخن به صورت یک قاعده درآمده و بسیاری از مقررات اسلامی را کنترل می‌کند. مثلاً روزه ماه رمضان بر هر مکلفی واجب است. اما اگر این روزه برای شخصی ضرر داشته باشد، بر او حرام می‌گردد. همچنین، استفاده از امکانات خصوصی مانع ندارد؛ اما اگر سبب اذیت دیگران شود، حرام است.

۱- امروزه فقهیان و متخصصان دین درباره بسیاری از مسائل و نیاز‌های جدید که در گذشته مطرح نبوده است در حال تحقیق هستند تا حکم دین را بیان کنند، اموری از قبیل : استفاده از ماهواره و اینترنت، مسائل جدید پژوهشی (مانند پیوند اعضاء، مرگ مغزی و نبیه‌سازی)، مسافرت در فضای نظام‌های جدید کشورداری، قوانین تجارت جهانی، رابطه سیاسی با ملت‌ها و کشورها، رابطه با سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی و فرهنگی. تبعیجه این تحقیقات سبب شده که جمهوری اسلامی ایران بتواند قوانین خود را منطبق بر تعالیم اسلام تنظیم کند و جامعه را در چارچوب آن اداره نماید.

۲- من لا يحضره الفقيه، شیخ صدوق، ج ۳، ص ۱۰۳



قاعدة دیگری که در قرآن کریم آمده، این است که فرموده «ما جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ^۱ - خداوند برای شما در دین تنگی، و اضطرار قرار نداده است» براساس این قاعده، اگر مسلمانی یا جامعه اسلامی در اجرای یک قانون دچار اضطرار شود، می‌تواند با نظر فقهیه و متخصص دین آن را به شکلی انجام دهد که از اضطرار بیرون آید.

سوم - اختیارات حاکم و نظام اسلامی : یکی دیگر از راههایی که اسلام برای پاسخ‌گویی به نیازهای جدید پیش‌بینی کرده، اختیارات حکومت اسلامی است. تحولات و مسائل اجتماعی گاهی شرایط خاصی را در جامعه اسلامی پدید می‌آورد که نیازمند قوانین و مقررات ویژه‌آن شرایط است. به طور مثال صنعت یسمه و بانکداری از نیازهای زندگی امروزه است که حاکم اسلامی در چارچوب قوانین اسلام آن‌ها را به اجرا درمی‌آورد.



کی خط است ز اول تا به آخر
بر او خلق جهان گشته سافر

در این ره انبیا چون ساربان اند
دل و هنسمای کاروان اند

وز ایشان یه ما گشته سالار
بم او اول بم او آخرد این کار

بر او ختم آمده پایان این راه
در او نازل شده «أَوْعَا إِلَيْنَاهُ»

شده او پیش و دل ها جلد در پی
گرفته دست جان ها دامن وی

۱- حج، ۷۸

۲- یوسف، ۱۰۸

۳- دیوان گلشن راز، شیخ محمود شبستری



سؤال اول : با آمدن پیامبر جدید، آیا نپذیرفتن او و باقی بودن بر شریعت پیامبر قبل، تزد خدا قبول است؟

برای رسیدن به پاسخ درست، لازم است به نکات زیر توجه کنیم.

۱- از طرف خداوند فقط یک دین و یک راه برای هدایت و خوشبختی آدم‌ها آمده است که از آن به عنوان «صراط مستقیم» یا «اسلام» یاد می‌شود. هر یک از پیامبران، این راه واحد را در حد فهم مردم زمان خود به مردم معرفی کرده است. آمدن هر پیامبر، نشانه آن است که بخشی از تعلیمات پیامبر پیش از او، اکنون برای مردم مناسب نیست و نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای آن‌ها باشد.

۲- هر پیامبری که می‌آمد، به پیامبر بعدی بشارت می‌داد و بر پیروی از او تأکید می‌کرد. بنابراین، وجود دو یا چند دین در یک زمان، نشانه آن است که پیروان پیامبران گذشته و به خصوص بزرگان دین آن‌ها به پیامبران بعد ایمان نیاورده‌اند و این خود یک گمراهی بزرگ و سریچی از فرمان خدا و پیامبران گذشته است.

۳- ما در زمانی به سر می‌بریم که جز قرآن کریم، هیچ کتاب آسمانی دیگری وجود ندارد که از تحریف مصون مانده باشد و ما مطمئن باشیم که تعلیمات آن، همان تعلیماتی است که خداوند فرستاده است. پس این کتاب‌ها نمی‌توانند به نیاز ما که دست‌یابی به راهنمایی خداوند است، پاسخ دهنده.

۴- بر مبنای آن‌چه بیان شد، وجود چند دین الهی معنا ندارد. زیرا این خود سبب سرگردانی مردم می‌شود که میان آن ادیان کدام را انتخاب کنند، درحالی که دین برای رهایی مردم از ضلالت و سرگردانی آمده است. به همین جهت، قرآن کریم به روشنی می‌فرماید:

وَمَنْ يَجِدْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِيَّاً
و هر کس دینی غیر از اسلام برگزیند،
فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ
از او پذیرفته نیست

وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ
واو در آخرت از زیان کاران است.

آل عمران، ۸۵

سؤال دوم : کتاب‌های آسمانی دیگر چه سرنوشتی پیدا کردند؟
برای این‌که با سرنوشت دیگر کتاب‌های آسمانی آشنا شویم، وضعیت تزدیک‌ترین آن‌ها به قرآن کریم

– یعنی انجیل – را که بر حضرت عیسیٰ نازل شده است، بررسی می‌کنیم.
کتاب انگلیلی که اکنون در دست مسیحیان است، خود از چهار انجیل به نام‌های انجیل متّی،
انجیل مرقس، انجیل لوقا و انجیل یوحنا تشکیل شده است. این انجیل‌ها به نام نویسنده‌گانشان که از
یاران و پیروان حضرت عیسیٰ بوده‌اند، مشهورند.

مورخان نوشتند که پس از عروج حضرت عیسیٰ به ملکوت، هیچ اثری از کتاب انجیل در
میان مردم نبود. پس از گذشت مدّتی، هر یک از یاران حضرت عیسیٰ یا شاگردان ایشان، برداشت‌ها،
خطاًرات و الهامت‌های خود را نوشتند و نام انجیل بر آن نهادند؛ به‌گونه‌ای که ده‌ها انجیل تألیف شد. سال‌ها
در میان مردم انجیل‌های مختلفی وجود داشت تا این که حدود دو قرن بعد، سورای مرکزی مسیحیان
چهار انجیل ذکر شده را – علی‌رغم اختلاف – انجیل راستین و انجیل‌های دیگر را انجیل‌های مجمعول
و دروغین نامید. در حالی که انجیل حضرت عیسیٰ بیش از یکی نبود.



۱- آیات ۱۲۷ تا ۱۳۷ سوره بقره را مطالعه کنید و نکاتی را که نشان‌دهنده یکی
بودن دین خداست، استخراج کنید.

۲- آیه ۶ سوره حمد و ۱۰ سوره آل عمران را با هم مقایسه کنید و برداشت خود
را از این مقایسه توضیح دهید.

۱- به مقدمه مفصل آقای جمشید غلامی نهاد بر کتاب «انجیل بر نایاب» (نشر نایاب؛ ۱۳۷۹) مراجعه کنید.

درس ۳

معجزه‌ای از نوع کتاب

تاره‌ای بدرشید و ماه مجلس شد دل رمیده‌ی ما را نیس و مونش
نکار من که به کتب نزفت و خط نوشتم به غرمه ماله آموز صد درس شد
ساظ

قرآن کریم، آخرین کتاب الهی است که بر خاتم پیامبران نازل شده است.
قرآن کریم این ویژگی را دارد که:

- دلیل و سند جاودانه نبوت پیامبر اکرم ﷺ است.

در این درس می‌خواهیم این ویژگی را بررسی کنیم تا بدانیم:
اولاً، چگونه قرآن کریم دلیل حقانیت پیامبر اکرم ﷺ و معجزه ایشان
به‌شمار می‌آید؟

ثانیاً، آیا میان نوع معجزه پیامبر ﷺ (یعنی کتاب) و خاتمیت ایشان رابطه‌ای
هست؟

آيات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ

مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدِنَا

فَأَتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِثْلِهِ

وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ

مِنْ دُونِ اللَّهِ

إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

فَإِنَّ لَمْ تَفْعَلُوا

وَلَنْ تَفْعَلُوا

فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي

وَقُوْدُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ

أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ

بقره، ۲۳ و ۲۴

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْءَانَ

وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ

لَوْجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا

نساء، ۸۲

وَمَا كُنْتَ تَلُوِّ مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَيُشَاعَ إِزَانَ هِيجَنَوْشَتَهَايِ نَمِيَخَوانَدِي
 وَلَا تَخُطُّهُ وَبِيَمِينِكَ وَلَا تَخُطُّهُ وَبِيَمِينِكَ
 كَهْ دَرَآنَ صُورَتَ كَجَرَوَانَ بَهْ شَكَ مَيْ افَادَندِ.
 إِذَا لَأَزَّتَابَ الْمُؤْطِلَونَ

عنکبوت ، ۴۸



به کمک توضیحات زیر، ترجمه را تکمیل کنید.

فَأَتَوَا بِهِ : پس بیاورید	وَقُودٌ : هیزم، سوخت	وَادْعُوا : و فراخوانید
لَوْجَدُوا : همانا که می یافتدند	أُعِدَّتْ : آماده شده است	الْحِجَارَةَ : سنگ ها



سوره / آیه	با تفکر در آیات ابتدای درس، پاسخ سوال های زیر را به دست آورید.
.....	۱- کسی که می پنداشد قرآن کریم از جانب خدا نیست، برای اثبات ادعای خود چه باید بگند؟
.....	۲- اگر کسی بدون دلیل منکر الهی بودن قرآن باشد، چه سرنوشتی در انتظار اوست?
.....	۳- یکی از دلایل الهی بودن قرآن چیست?
.....	۴- در چه صورتی جای آن بود که کج اندیشان درباره الهی بودن قرآن دچار شک شوند?

سند و دلیل نبوت

هر یک از پیامبران الهی معجزه‌ای داشتند که بدان وسیله پیامبر بودن خود را ثابت می‌کردند. از معجزه‌های حضرت موسی ع، یکی تبدیل شدن عصایش به ماری بزرگ بود و دیگری نوری بود که هنگام بیرون آمدن دست او از گربیان، همه‌جا را روشن می‌کرد. از معجزه‌های حضرت عیسی ع شفا دادن بیماران لاعلاج و زنده کردن مردگان بود. معجزه‌ها به این خدا انجام می‌شد و فقط برای اثبات نبوت پیامبران به کار می‌رفت. برخی از پیامبران گذشته کتاب آسمانی داشتند اما به عنوان معجزه مطرح نکردند.



آیا می‌دانید معجزه‌های حضرت موسی و حضرت عیسی چه تناسبی با زمان آنان داشت؟

.....
.....
.....
.....

معجزه اصلی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قرآن کریم است و همان‌طور که در آیات ابتدای درس خواندیم، از مخالفان می‌خواهد اگر در الهی بودن این کتاب شک دارند، یک سوره مانند آن بیاورند. این دعوت به مبارزه را «تحدّی» می‌گویند. از آن روز که قرآن کریم دعوت به مبارزه را اعلام کرده است بیش از چهارده قرن می‌گذرد. مخالفان سرسخت اسلام در این باره تلاش فراوان کرده‌اند اما نتوانسته‌اند سوره‌ای، حتی به اندازه سوره «کوثر» بیاورند که دانشمندان و متخصصان، برابری آن را با سوره‌ای از قرآن پذیرند؛ در حالی که آسان‌ترین راه برای غیرالهی نشان دادن اسلام و قرآن کریم، آوردن سوره‌ای مشابه یکی از سوره‌های این کتاب الهی است.

ختم نبوت و معجزهٔ جاویدان

جای این سؤال است که چرا خداوند یک کتاب را معجزهٔ پیامبر اکرم قرار داده است؟

در پاسخ به این سؤال می‌گوییم :

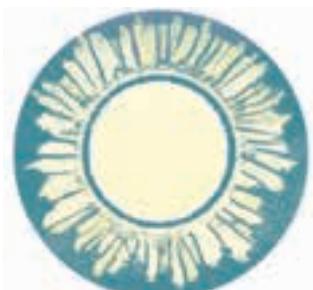
از آن جا که پیامبر اکرم ﷺ آخرین پیامبر و تعلیمات ایشان برای همه زمان‌های بعد از اوست، سند نبوت و حقانیت او نیز به‌گونه‌ای است که در همه زمان‌ها حضور دارد و هم‌اکنون نیز مخالفان را به آوردن سوره‌ای مانند سوره‌های خود دعوت می‌کند. اگر معجزهٔ پیامبر اکرم ﷺ از نوع کتاب و علم و فرهنگ نبود، نمی‌توانست شاهدی حاضر و دائمی بر نبوت ایشان باشد.

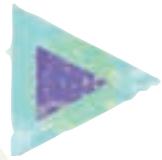
شگفتی این اعجاز در آن است که هر قدر زمان می‌گذرد و انسان به قله‌های بلندتری در علم و معرفت دست می‌یابد، نه تنها از ارزش آن کاسته نمی‌شود بلکه درخشندگی اش آشکارتر می‌گردد و ابعاد جدیدی از معارف آن کشف می‌شود.

جنبه‌های اعجاز قرآن کریم

هر کتابی از دو جنبه قابل بررسی است : یکی لفظی و دیگری محتوایی. در پیام آیات ابتدای درس دیدیم که تحديٰ قرآن کریم منحصر به یکی از این دو جنبه نیست و از مخالفان خواسته شده که برای اثبات ادعای خود سوره‌ای بیاورند که چه از نظر لفظی و چه از نظر محتوایی شبیه قرآن باشد. اکنون هر یک از این دو جنبه را بررسی می‌کنیم :

۱- اعجاز لفظی : هر کس که اندکی با زبان عربی آشنا باشد، پس از انس با قرآن، درمی‌یابد که این کلام با سایر کلام‌ها کاملاً متفاوت است. فصاحت و بلاغت قرآن کریم، از آغاز نزول مورد توجه همگان و حتی مخالفان قرار گرفت. زیبایی‌های لفظی، ساختار موزون کلمه‌ها و جمله‌ها، رسایی در معنا با وجود ایجاز و اختصار و بسیاری دیگر از ویژگی‌های هنرمندانه‌ای قرآن کریم، بی‌مانند است. همین زیبایی و شیرینی بیان، موزون بودن کلمه‌ها و رسایی تعبیرات، در طول تاریخ سبب نفوذ خارق‌العاده این کتاب آسمانی در افکار و نفوس شده است. در اوایل بعثت، سران مکه افرادی را مأمور کرده بودند که نگذارند مردم به خانهٔ پیامبر ﷺ بروند و آیات قرآن را بشنوند؛ زیرا می‌دانستند که این آیات، شنونده را تحت تأثیر قرار می‌دهد.





نمونه‌ای از اعجاز لفظی قرآن کریم:

ولیدین مغیره از بزرگان مکه بود و به حسن تدبیر شهرت داشت. روزی به تقاضای جمعی از مشرکان نزد پیامبر ﷺ آمد تا از تزدیک وضع او را بررسی و آیات قرآن را ارزیابی کند. پیغمبر ﷺ قسمتی از سوره «سجده» را تلاوت می‌کرد. این آیات چنان تأثیر و هیجانی در ولید ایجاد کرد که بی اختیار از جا حرکت نمود، نزد مشرکان بازگشت و گفت:

سوگند می‌خورم که از محمد سخنی شنیدم که نه به گفتار انسان‌ها شباهت دارد و نه به گفتار پریان؛ گفتار او شیرینی و زیبایی مخصوصی دارد، و بر هر گفتاری پیروز خواهد شد.

زمزمه در میان قریش افتاد که ولید به گفتار پیامبر علاقه‌مند شده است. ابو جهل گفت من چاره کار را می‌دانم. در حالی که خود را غمگین نشان می‌داد، به منزل ولید آمد. ولید پرسید: «چرا غمگینی؟» ابو جهل گفت: «چرا غمگین نباشم؟ قریش بر تو با این سن و شخصیت، عیب می‌گیرند و می‌گویند که جذب محمد شده‌ای.»

ولید برخاست و با ابو جهل به مجلس قریش درآمد. رو به سوی جمعیت کرد و گفت: «آیا تصور می‌کنید محمد دیوانه است؟» حضار گفتند: نه. گفت: «تصور می‌کنید او دروغگوست؟» حضار گفتند: نه. سپس بزرگان قریش گفتند: پس چه چیزی باید به او نسبت دهیم تا مردم گرد او جمع نشوند؟ ولید با شیطنتی خاص گفت: «ساحر؛ آری او ساحر است.»^۱

برخی از سران مکه که خود، مردم را از شنیدن قرآن منع می‌کردند، شب‌ها پشت خانه رسول خدا ﷺ می‌آمدند و به تلاوت آیات گوش می‌دادند. مدته گذشت؛ یکی از آنان گفت این درست نیست که دیگران را از شنیدن قرآن منع کنیم، اما خود به قرآن گوش دهیم. آنان تصمیم گرفتند از شب بعد پشت خانه پیامبر ﷺ جمع نشوند. در اواخر شب بعد، یکی از آنان از شوق شنیدن قرآن و لذت بردن از زیبایی آن، آنقدر برانگیخته شد که نتوانست جلوی خود را بگیرد و دور از چشم دوستان خود به سوی خانه پیامبر ﷺ حرکت کرد. وقتی پشت خانه آن حضرت رسید، دید که دوستان دیگر او نیز آمده‌اند و مشغول شنیدن صدای رسول خدا ﷺ هستند و تلاوت قرآن را می‌شنوند.^۲

۱- قرآن و آخرین پیامبر، آیت‌الله مکارم شیرازی، ص ۷۸

۲- سرمه ابن هشام، ج ۱، ص ۳۳۷

۲- اعجاز محتوایی : محتوای این کتاب شریف ویژگی‌هایی دارد که نشان می‌دهد از قلم هیچ دانشمندی تراویش نکرده است، چه رسید به شخصی که قبل از آن چیزی نوشته و آموزشی ندیده است. اساساً قرآن کریم در چنان اوچی از معنا قرار دارد که اگر همه انسان‌ها یک‌دیگر را کمک کنند، نمی‌توانند حتی سوره‌ای مانند آن را بیاورند. حال بینیم این ویژگی‌ها کدام‌اند.

(الف) انسجام درونی، در عین نزول تدریجی: می‌دانیم که آثار و نوشه‌های اولیه دانشمندان و متفکران با آثار دوران پختگی و کمالشان متفاوت است. از این‌رو دانشمندان معمولاً در نوشه‌های گذشته خود تجدیدنظر می‌کنند و اگر بتوانند، کتاب‌های گذشته خود را اصلاح می‌نمایند.

با این‌که بیش از شش هزار آیه قرآن کریم در طول ۲۳ سال نازل شده و درباره موضوعات متنوعی مانند توحید، معاد، انسان، نظام خلقت، سرگذشت پیامبران، نظام اجتماعی، اخلاق و احکام سخن گفته است، با وجود این، نه تنها میان آیات آن تعارض و ناسازگاری نیست، بلکه آیاتش دقیق‌تر از اعضای یک بدن با یکدیگر هماهنگ‌اند.



به فعالیت «پیام آیات» نگاه کنید و بینید این ویژگی با کدام یک از پیام‌های

پیام شماره

استخراج شده مطابقت دارد.

ب) تأثیر ناپذیری از عقاید دوران جاهلیت: در هر دوره‌ای از زمان، مجموعه‌ای از افکار، عقاید، آداب و رسوم که از آن به فرهنگ تعبیر می‌شود، مردم را کم و بیش تحت تأثیر قرار می‌دهد. فرهنگ مردم حجاز آمیزه‌ای از عقاید نادرست و آداب و رسوم خرافی و شرک الود بود. آنان حتی آداب توحیدی باقی مانده از زمان حضرت ابراهیم الْحَلِيل را با شرک آمیخته و کعبه را مرکز بت‌های کوچک و بزرگ کرده بودند. با وجود این، قرآن کریم نه تنها این فرهنگ تأثیر نپذیرفت بلکه به شدت با آداب جاهلی و رسوم خرافی آن مبارزه کرد و به اصلاح جامعه پرداخت و از موضوع‌هایی چون عدالت‌خواهی، علم‌دوستی، معنویت و حقوق برابر انسان‌ها که آرمان‌های مقدس بشریت به شمار می‌روند سخن گفت. ج) جامعیت و همه جانبه بودن: قرآن کریم با وجود این که حدود پانزده قرن پیش و در جامعه‌ای به دور از فرهنگ و دانش نازل شده در مورد همه مسائل مهم و حیاتی که انسان در هدایت بدن نیاز

دارد، سخن گفته و چیزی را فروگذار نکرده است. این کتاب فقط از امور معنوی یا آخرت و رابطه انسان با خدا سخن نمی‌گوید، بلکه از زندگی مادی و دنیوی انسان، مسئولیت‌های اجتماعی و رابطه‌ی انسان‌های دیگر سخن می‌گوید و برنامه‌ای جامع و همه جانبه را در اختیارش قرار می‌دهد.

د) تازگی و شادابی دائمی: معمولاً افکار و اندیشه‌ها به تدریج کهنه می‌شوند و با پیشرفت فرهنگ و دانش‌بسری همه یا قسمی از آن‌ها جای خود را به اندیشه‌های جدید می‌دهند. اما می‌بینیم که قرآن کریم نه تنها با پیشرفت زمانه کهنه نمی‌شود، بلکه افق‌های جدیدی از حکمت، علم و معرفت را به روی جویندگان می‌گشاید. این کتاب، کتابِ دیروز، امروز و فرداهای انسان‌هاست. هر چه زمان بگذرد و انسان‌ها به درجات عالی‌تری از فرهنگ و دانش برسند، درخشندگی و شادابی قرآن بیشتر نمایان خواهد شد.

ه) ذکر نکات علمی بی‌سابقه: در جامعه‌ای که علم و دانش جایگاهی نداشت و خبری از رشته‌های مانند فیزیک، زیست‌شناسی، گیاه‌شناسی و ستاره‌شناسی نبود، قرآن کریم اشاره به برخی نکات علمی می‌کند که در تمام دنیا‌ی آن روز بی‌سابقه بود و بعدها توسط دانشمندان کشف گردید^۱. به دو نمونه از این نکات علمی توجه کنید:

۱- مردم از وجود زوجیت در انسان‌ها و حیوان‌ها مطلع بودند. اما بعدها دانشمندان دانستند که نوعی از زوجیت در گیاهان هم هست. در بسیاری از آن‌ها نر و ماده بر یک پایه قرار دارند و در برخی دیگر درخت نر از درخت ماده جداست.

امروزه روشن شده که گونه‌هایی از زوجیت در سایر موجودات هم وجود دارد، مانند بار مثبت و منفی الکترون و بروتون و بارهای مغناطیسی متضاد. قرآن کریم از این زوجیت‌ها خبر داده است. مثلاً می‌فرماید که ما زمین را گستراندیم و کوه‌های بلند و استوار را بنا نهادیم و از هر گیاهی به صورت زوج در آن رویاندیم^۲. آن‌گاه دامنه زوجیت را توسعه می‌دهد و به همه اشیاء می‌رساند و می‌فرماید از هر چیز دو گونه آفریدیم^۳.

۲- تا قبل از قرن هجدهم دانشمندان فکر می‌کردند که ستارگان به سقف آسمان‌ها، چسبیده‌اند و به همین علت نمی‌افتدند. اما قرآن کریم از وجود جاذبه میان ستارگان، به‌طوری که همه مردم بفهمند خبر داد و آن را عامل درهم نرفتن ستارگان در یکدیگر معرفی کرد و فرمود: «خداآوند، آسمان‌ها را با ستون‌هایی که برای شما دیدنی نیستند، برپا داشته است».^۴

۱- البته، قرآن کتاب هدایت است، نه کتابی درباره علوم. به همین جهت اگر گاهی به یک نکته علمی می‌پردازد، برای نشان دادن عظمت خلقت و وادشنون انسان‌ها به تفکر در جهان است. از همین روست که این نکات علمی را به صورت کوتاه و در حد اشاره مطرح می‌کند.

امی بودن پیامبر ﷺ و معجزه بودن قرآن

از موضوعات شگفت‌انگیز و زیبا عرضه قرآن کریم توسط پیامبری امی و درس نخوانده بود. مورخان نوشتند که تا قبل از ظهر اسلام، آموختن علم در میان مردم حجاز مرسوم نبود و جایی برای درس خواندن وجود نداشت. رسول خدا ﷺ نیز که قبل از تولد، پدر و پس از مدتی مادر خود را از دست داده بود، مطابق رسم زمانه نزد کسی درس نخواند و خواندن و نوشتن نیاموخت. در عین حال، از همان ابتدای بعثت، آیاتی را بر مردم خواند که برترین معارف را در زمینه خدای پرستی، معاد، انسان‌شناسی، اخلاق و سایر جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی دربرداشت و بزرگ‌ترین دانشمندان را به تکاپو واداشت و فیلسوفان، عارفان و ادیبان را خاضع کرد.



به فعالیت «پیام آیات» نگاه کنید و بینید این ویژگی با کدام یک از پیام‌های

پیام شماره

استخراج شده مطابقت دارد.

پایی مطالعه



الف) نمونه‌هایی از اعجاز محتوایی قرآن :

۱- شاید توان کتابی را در جهان یافت که در آن به اندازه قرآن کریم بر تعقل، تفکر و علم دوستی تأکید شده باشد. در این کتاب، بیش از ۷۷۰ بار از علم، ۲۸۰ بار از تذکر و ذکر، ۱۸۵ بار از گوش دادن و توجه کردن، ۴۹ بار از عقل، ۱۹ بار از زرفا ندیشی و تفکه، ۱۸ بار از فکر کردن، ۸ بار از تدبیر کردن، ۸ بار از برهان، ۱۳۲ بار از تبیین و دلیل، ۱۱۴ بار از حکمت و مشتقات آن‌ها و نیز دهها کلمه دیگر مانند قلم و کتاب که به تفکر و علم مربوط می‌شوند، نام برده شده است. همچنین آیات متعددی در نکوهش جهل، غفلت و تعقل نکردن وجود دارد.

۲- در نظام اجتماعی و سیاسی آن عصر از جمله در نظام اجتماعی روم و ایران، مردم به طبقات

عالی و پست تقسیم می‌شدند. کسانی که جزء طبقهٔ پست بودند، حقوق اجتماعی کمتری داشتند. قرآن کریم با این موضوع به شدت مبارزه کرد و فرمود:

«ای مردم، ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را شاخه شاخه و قبیلهٔ قبیلهٔ کردیم تا یک دیگر را باز شناسید. همانا گرامی ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست. البته خدا دانا و آگاه است.»^۱

۳— در جامعهٔ آن روز عربستان و حتی دیگر نقاط جهان، کرامت زنان نادیده گرفته می‌شد. در آن جامعه، زن ارزشی شبیهٔ اموال داشت. خانواده‌ای که فرزند دختر به دنیا می‌آورد، احساس شرم می‌کرد^۲ و کار به جایی می‌رسید که گاهی پدر نوزاد دختر را زنده به گور می‌کرد. در چنین فضایی، قرآن کریم با بیان کرامت زن و تساوی وی با مرد در انسانیت اعلام کرد: هر کس، از مرد و زن، عمل صالح انجام دهد و اهل ایمان باشد، خداوند به او حیات پاک و پاکیزه می‌بخشد^۳ و عمل هیچ مرد و زنی را ضایع نمی‌کند.^۴ همچنین به کسانی که دختران را زنده به گور می‌کردند، بیم آتش جهنم داد و فرمود در روز قیامت دربارهٔ این دختران سؤال می‌شود که به چه علتی زنده به گور شدند.^۵

علاوه بر این، قرآن کریم برای زنان حقوق خانوادگی و اجتماعی قائل شد، در مالکیت به او استقلال بخشد و بهرهٔ کارش را از آن خودش دانست؛ هزینهٔ خانواده را از دوش او برداشت و بردوش مرد قرار داد و به خصوص بر کرامت، عزت و عفافش تأکید کرد تا در جامعه مورد سوء استفاده مرد قرار نگیرد.

ب) نظر برخی از دانشمندان دربارهٔ قرآن کریم :

دانشمندان و متفکران امروز جهان، حتی کسانی که مسلمان نیستند، در برابر عظمت و بزرگی آن احساس خضوع می‌کنند و از این کتاب به بزرگی یاد می‌نمایند که این نشان حضور زنده و شاداب قرآن در دنیای امروز است. به نمونه‌ای از اظهارنظرهای دانشمندان معاصر در این باره توجه کنید^۶:

Albert Einstein

۱— آلبرت اینشتین (متفکر و فیزیکدان بزرگ)

قرآن، کتاب جبر یا هندسه یا حساب نیست بلکه مجموعه‌ای از قوانین است که بشر را به راه

۱— حجرات، ۱۳

۲— نحل، ۵۸

۳— نحل، ۹۷

۴— آل عمران، ۱۹۵

۵— تکوير، ۹

۶— برگرفته از کتاب «قرآن از دیدگاه ۱۱۴ دانشمند جهان»، از محمد مهدی علیقلی و تلخیص کاظم تقیزاده

راست، راهی که بزرگ‌ترین فلاسفه از تعریف آن عاجزند، هدایت می‌کند.

H.Corbin

۲- پروفسور هانری کربن (فیلسوف معاصر فرانسوی)

اگر اندیشهٔ محمد ﷺ خرافی بود و اگر وحی او وحی الهی نبود، هرگز جرأت نمی‌کرد بشر را به علم دعوت کند. هیچ یک از افراد بشر و هیچ شیوهٔ تفکری به اندازهٔ محمد ﷺ و قرآن، انسان را به داشت دعوت نکرده‌اند؛ تا آن‌جا که در قرآن، نه‌صدوینجاه بار از علم، فکر و عقل سخن به میان آمده است.

D.Goustawe Lebon

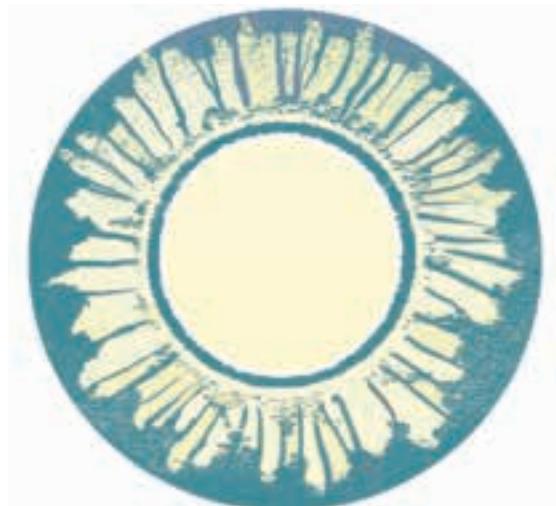
۳- دکتر گوستاو لوبون (مورخ بزرگ فرانسوی)

قرآن که کتاب آسمانی مسلمین است، به تعالیم و دستورات مذهبی منحصر نمی‌شود بلکه مشتمل است بر دستورات سیاسی و اجتماعی، خیرات، نیکی، مهمان‌نوازی، اعتدال در خواهش‌های نفسانی، وفای به عهد، اکرام به والدین، کمک کردن به بیوه و بیتمن و سرپرستی آن‌ها، نیکی کردن در مقابل بدی که در موارد متعددی بر آن تأکید شده، و در آن تمام این صفات و خصلت‌های پسندیده تعلیم داده شده است. تعلیمات اخلاقی قرآن به مراتب بالاتر از تعلیمات انجیل است.

Lion Tolstue

۴- لئون تولستوی (فیلسوف و نویسندهٔ شهری روسی)

هر کس بخواهد سادگی و بی‌پیرایه بودن اسلام را دریابد، باید قرآن مجید را مطالعه کند؛ در آن‌جا قوانین و تعلیماتی بر مبنای حقایق روشن و آشکار صادر و احکام آسان و ساده برای عموم بیان شده است.



الف) پیش‌تحقیق

- ۱- اگر اعجاز پیامبر اکرم ﷺ به زمان خودش اختصاص داشت، چه مشکلی پیش می‌آمد؟
- ۲- چرا خداوند در آیه ۸۲ سوره نساء می‌فرماید «اگر قرآن از غیرخدا بود، اختلاف و ناسازگاری بسیاری در آن مشاهده می‌شد»؟
- ۳- با بررسی اولین آیات نازل شده بر پیامبر اکرم (۵ آیه اول سوره علق)، توضیح دهید که چگونه این آیات نشان‌دهنده تأثیرناپذیری قرآن از فرهنگ و عقاید دوران جاهلیت است.

پ) پیش‌نیاز

- ۱- کدام پیام قرآن توجه شما را به خود جلب کرده و بر شما تأثیر عمیقی داشته است؟ آن را در قالب یک مقاله یا هر طرح زیبای دیگر در کلاس گزارش کنید.
- ۲- درباره معجزات پیامبران دیگر تحقیق کنید و توضیح دهید که آن‌ها چگونه با این معجزات حقانیت رسالت خود را ثابت می‌کردند.
- ۳- اگر دوست دارید کتاب خدا دائمًا با شما سخن بگوید و شما هم مرتب خود را با راهنمایی‌های قرآن ارزیابی کنید، دفترچه‌ای تهیه نمایید و هر وقت قرآن می‌خوانید، هر نکته‌ای را که به نظرتان جالب آمد و هر دستورالعمل کاربردی را که یافتید، در آن دفترچه یادداشت نمایید. این دفترچه و دفترچه‌های بعدی، در آینده مجموعه‌ای بسیار غنی از آیات برای استفاده در زندگی روزانه در اختیار شما می‌گذارد. بدین ترتیب درهای تدبیر در قرآن به روی شما گشوده می‌شود و از قرآن خواندن خود بهره و لذت پیشتری می‌برید.

گستره رسالت پیامبر ﷺ

رسول خدا ﷺ، به عنوان آخرین پیامرسان الهی، به مدت بیست و سه سال مردم را به دین اسلام فراخواند و برای رستگاری آنان و نجاتشان از گمراهی تلاش و مجاهده کرد و با استقامت و صبری بی‌مانند، وظيفة سنگین رسالت را به پایان رساند. در این درس، می‌خواهیم به‌این سؤال بپردازیم که قلمرو رسالت پیامبر اکرم ﷺ تا کجاست؟ و ایشان مسئول چه کارهایی است؟

آيات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

..... لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ
 إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنفُسِهِمْ
 يَتْلُو عَلَيْهِمْ آياتِهِ
 وَيُرَزِّكُهُمْ
 وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ
 وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلٍ
 لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ

آل عمران، ۱۶۴

..... قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ
 فَإِنْ تَوَلُوا
 فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ

آل عمران، ۳۲

..... اللَّهُ وَلِئِنَّ الَّذِينَ ءامَنُوا
 يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ
 وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ
 يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ
 أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ

هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

بقره، ۲۵۷

وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِكَافِرِينَ وَخَادِونَ هَرَگَزْ بِرَاهِي كَافِرانَ
عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا
بِهِ زِيانٌ مُؤْمِنَانِ راهِي قَرَارٌ نَدَادِهِ اسْتَ.

نساء، ۱۴۱

آيا ننگریستی به کسانی که
گمان و ادعا می کنند ایمان آورده اند
به آنچه بر تو نازل شده
و به آنچه پیش از تو نازل شده
می خواهند داوری نزد طاغوت برند
در حالی که باید به او کافر شوند؟
و شیطان می خواهد که گمراهشان کند
گمراهی سخت.

اَللَّهُ تَرَإِلِ الَّذِينَ
يَرْعُمُونَ اَنَّهُمْ اَمَنُوا
بِمَا اُنْزِلَ إِلَيْكَ
وَمَا اُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ
يُرِيدُونَ اَنْ يَتَحَاكِمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ
وَقَدْ اُمِرُوا اَنْ يَكُفُرُوا بِهِ
وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ اَنْ يُضِلَّهُمْ
ضَلَالًاً بَعِيدًاً

نساء، ۶۰

..... لَقَدْ اَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ
..... وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ
..... لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ

حديد، ۲۵



به کمک توضیحات زیر، ترجمه آیات را کامل کنید.

مَنْ : مَتَّ گذاشت **تَوَلَّوا :** روی بر می گردانند



سوره / آیه	با تفکر در آیات ابتدای درس، جمله های زیر را تکمیل کنید.
.....	۱- یکی از وظایف پیامبر اکرم (ص) است.
.....	۲- وظیفه دیگر ایشان تزکیه و می باشد.
.....	۳- هر انسانی وظیفه دارد از و اطاعت کند.
.....	۴- آن کس می تواند از تاریکی به نور درآید که
.....	۵- اگر کسی ولایت و سرپرستی خداوند را نپذیرد و به ولایت درآید،
.....	نتیجه اش خواهد بود.
.....	۶- مسلمانان نباید
.....	۷- مسلمانان نباید برای داوری
.....	۸- مسلمانان وظیفه دارند جامعه ای براساس بنا کنند.

قلمرو رسالت

تعالیمات قرآن کریم و روش زندگی رسول خدا ﷺ بیانگر آن است که برنامه هدایت الهی و رسالت ایشان شامل سه قلمرو می شد.

پیام شماره

۱- دریافت و ابلاغ وحی

رسول خدا ﷺ آیات قرآن کریم را به طور کامل از فرشته وحی دریافت می کرد و بدون کم و

کاست به مردم می‌رساند. برای حفظ پیام الهی و امکان دسترسی مردم به آن، عده‌ای از یاران آن حضرت آیات قرآن را می‌نوشتند. عده زیادی هم بودند که آیات و سوره‌ها را در سینه خود حفظ می‌کردند. نویسنده‌گان قرآن را «کتابان وحی» و حفظ‌کنندگان آیات را «حافظان وحی» می‌نامیدند. اولین و برترین کاتب و حافظ قرآن، حضرت علی^{علیہ السلام} بود.

پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله و سلم} این مسئولیت را به طور کامل به انجام رساند و قرآن کریم را مرتب و تنظیم کرد و در اختیار آیندگان قرار داد. اکنون که قرن‌ها از زمان نزول قرآن می‌گذرد، این کتاب آسمانی به همان صورتی که رسول خدا^{صلی الله علیه و آله و سلم} آیات و سوره‌های آن را تنظیم کرده بود، در میان مردم وجود دارد و مشتاقان هدایت به آسانی می‌توانند از آن بهره ببرند و راه رستگاری را در کلام خداوند بیابند.

۲- تعلیم و تبیین تعالیم وحی (مرجعیت دینی)

پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله و سلم}، فقط رساننده وحی نبود بلکه وظیفه تعلیم و تبیین قرآن کریم را نیز بر عهده داشت تا مردم بتوانند به معارف بلند این کتاب آسمانی دست یابند و جزئیات احکام و قوانین را بفهمند و شیوه عمل کردن به آن را بیاموزند. از این‌رو، گفتار و رفتار پیامبر^{صلی الله علیه و آله و سلم} اولین و معتبرترین مرجع علمی برای فهم عمیق آیات الهی است و مسلمانان با مراجعه به آن، به معنای واقعی بسیاری از معارف این کتاب پی‌می‌برند و شیوه انجام دستورات قرآن را می‌آموزند. ما هم اکنون، نماز، روزه، حج و بسیاری دیگر از وظایف خود را که کلیات آن‌ها در قرآن کریم آمده، مطابق گفتار و رفتار رسول خدا^{صلی الله علیه و آله و سلم} انجام می‌دهیم. به راستی که ایشان اولین و بزرگ‌ترین معلم قرآن بوده است.

۳- اجرای قوانین الهی از طریق ولایت بر جامعه (ولایت ظاهری)

دیگر قلمرو رسالت پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله و سلم} ولایت بر جامعه است. ولایت به معنی سریرستی و رهبری می‌باشد. ایشان، به محض این که مردم مدینه اسلام را پذیرفتند به مدینه هجرت کرد و به کمک مردم آن شهر (یعنی انصار) و مهاجرانی که از مکه آمده بودند، حکومتی را که بر مبنای قوانین اسلام اداره می‌شد، بی‌ریزی نمود. ایشان مسجد مدینه را که در همان روزهای اول ورود به شهر ساخته شد، محل حکومت و رهبری خود قرار داد و به تدریج و با توسعه کشور اسلامی، احکام خداوند را در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، قضایی، نظامی و فرهنگی، با کمک مردم به اجرا درآورد و به گسترش عدالت پرداخت. روایات متعددی از معصومین علیهم السلام نقل شده است که اسلام را بر «پنج پایه» استوار دانسته و از میان آن‌ها «ولایت» را مهم‌ترین پایه شمرده‌اند. از جمله آن‌ها این حدیث از امام باقر^{علیہ السلام} است:

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ
 عَلَى الصَّلَاةِ وَالرَّزْكَةِ
 وَالصَّوْمِ وَالحَجَّ وَالْوَلَايَةِ
 وَلَمْ يُنَادِ إِشْرِيكٌ
 كَمَا نُودِي بِالْوَلَايَةِ

اسلام بر پنج پایه استوار است
 بر نماز و زکات
 و روزه و حج و ولایت
 و به چیز دیگری دعوت نشده،
 آن طور که به ولایت دعوت شده است.^۱

این حدیث از اهمیت بسیار بالای ولایت حکایت می‌کند. زیرا وقتی ولایت و حکومت اسلامی برقرار شود، فرصت برای اجرای تمام احکام دین از جمله نماز، زکات، روزه و حج فراهم می‌شود و مردم اعمال خود را در سایهٔ ولایت الهی انجام می‌دهند.

سؤال : چرا جامعهٔ اسلامی نیازمند ولایت و حکومت است و رهبری اسلامی جزء احکام بسیار مهم شمرده شده است؟

در پاسخ به این سؤال، دلایل زیر را ذکر می‌کنیم :

(الف) جامعیت دین اسلام : اسلام یک دین کامل و دربردارندهٔ هدایت انسان در همه ابعاد فردی و اجتماعی آن است. از آنجایی که حیات فردی و اجتماعی انسان امری به هم پیوسته و کاملاً مرتبط با یکدیگر است، برنامهٔ هدایت وی نیز باید جامع و دربرگیرندهٔ هر دو جنبهٔ حیات انسان باشد و همه بخش‌های زندگی وی را پوشش دهد. مهم‌ترین بخش زندگی اجتماعی، حکومت و ادارهٔ جامعه و تنظیم روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. چگونه ممکن است یک دین کامل، از این بخش زندگی که بر همه بخش‌ها تأثیر جدی می‌گذارد، غافل بماند و مردم را به یک نظام حکومتی درست راهنمایی نکند؟

(ب) ضرورت اجرای احکام اسلامی : یکی از اهداف ارسال پیامبران آن بود که مردم، جامعه‌ای بر پایهٔ عدل بنا کنند و روابط مردمی و زندگی اجتماعی خود را براساس قوانین عادلانهٔ بنا نهند. این هدف بزرگ بدون وجود یک نظام حکومتی سالم میسر نیست. آیا می‌شود که خداوند هدفی را برای ارسال پیامبر خود تعیین کند ولی ابزار و شیوهٔ رسیدن به آن را نادیده بگیرد؟ همچنین قرآن کریم برای

۱- بحار الانوار، ج ۶۸، باب ۲۷، روایت ۱

رسیدن به جامعه عادلانه احکامی مانند خمس، زکات، حفظ استقلال جامعه و نفوی سلطه بیگانگان، امر به معروف، نهی از منکر، مبارزه با ظلم و جهاد دارد. روشی است که اجرای این قوانین بدون تشکیل حکومت اسلامی امکان‌پذیر نیست.

ج) پذیرش ولایت الهی و نپذیرفتن حاکمیت طاغوت : ولی و سربرست حقیقی انسان‌ها خداست و به همین جهت، فرمانبرداری و اطاعت از دستورهای او و کسانی که خودش معین کرده، ضروری و واجب است. اجرای هر قانون و پیروی از هر کس هنگامی صحیح است که به‌گونه‌ای به قانون الهی و فرمان او باز گردد.

کسانی که به مردم فرمان می‌دهند و قانون‌گذاری می‌کنند، در حالی که خداوند آن‌ها را تعیین نکرده و فرمان و قانونشان نشأت گرفته از قرآن، یعنی برخاسته از فرمان الهی نیست، «طاغوت» نامیده می‌شوند. مراجعة به «طاغوت» و انجام دستورهای وی بر مسلمانان حرام است.

پیام شماره

د) حفظ استقلال جامعه اسلامی در برابر کفار : قرآن کریم از مسلمانان می‌خواهد که سلطه بیگانگان را نپذیرند و زیر بار آن‌ها نزوند؛ این حکم قرآنی را «قاعدۀ نفوی سبیل» می‌گویند. مستکبران و ستمگران جهان همواره در بی‌آئند که بر جوامع دیگر مسلط شوند و از منابع مادی آنان بهره ببرند. تشکیل حکومت اسلامی، با آن رهبری که خداوند معین فرموده، هم مانع سلطه بیگانگان می‌شود و هم می‌تواند روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را با سایر کشورها به‌گونه‌ای تنظیم کند که جامعه اسلامی استقلال خود را در جهات مختلف حفظ نماید و بیگانگان راهی برای تسلط بر مسلمانان نیابند.

پیام شماره



امام خمینی «رحمه الله عليه» رهبر کبیر انقلاب اسلامی، بزرگ‌ترین شخصیت عصر حاضر است که به تبیین ضرورت حکومت اسلامی پرداخته و با بیان روشنگرانه خود، توجه مردم را بدان جلب کرده است. در سخنرانی که از ایشان نقل می‌شود، بیندیشید و بیینید که با کدام‌یک از بندهای «الف» تا «د» ارتباط دارد.

سخنان امام خمینی «ره»

ارتباط

به این دلیل که هر نظام سیاسی غیراسلامی، نظامی شرک‌آمیز است، چون حاکمش «طاغوت» است، ما موظفیم آنار شرک را از جامعه مسلمانان و از حیات آنان دور کنیم و از بین ببریم.^۱

مذهب اسلام همزمان با این که به انسان می‌گوید که خدا را عبادت کن و چگونه عبادت کن، به او می‌گوید چگونه زندگی کن و روابط خود را با سایر انسان‌ها چگونه باید تنظیم کنی و حتی جامعه اسلامی با سایر جوامع چگونه روابطی باید برقرار نماید. هیچ حرکتی و عملی از فرد و جامعه نیست، مگر این که مذهب اسلام برای آن حکمی مقرر داشته است.^۲

مجموعه قانون برای اصلاح جامعه کافی نیست. برای این که قانون مایه اصلاح بشر شود، به قوه اجراییه و مجری احتیاج دارد. به همین جهت، خداوند متعال در کنار فرستادن یک مجموعه قانون — یعنی احکام شرع — یک حکومت و دستگاه اجرا و اداره مستقر کرده است. رسول اکرم ﷺ در رأس تشکیلات اجرایی و اداری جامعه مسلمانان قرار داشت.^۳

با دقت در ماهیت و کیفیت احکام شرع در می‌بایس که اجرای آن‌ها و عمل به آن‌ها مستلزم تشکیل حکومت است و بدون تأسیس یک دستگاه عظیم و بهناور اجرا و اداره نمی‌توان به وظيفة اجرای احکام الهی عمل کرد.^۴

ولایت معنوی، برترین مقام پیامبر (صلوات الله علیه و آله و سلم)

همان طور که دیدیم، رسول خدا از طرف خداوند دارای ولایت ظاهری است و سرپرستی و رهبری جامعه را بر عهده دارد و با اجرای قوانین الهی جامعه اسلامی را اداره و رهبری می‌کند.

اما آن حضرت ولایت معنوی را که همان سرپرستی و رهبری معنوی انسان‌هاست و مرتبه‌ای برتر و بالاتر از ولایت ظاهری است نیز داراست. این ولایت چیست و چگونه انجام می‌پذیرد؟

رسول خدا ﷺ با انجام وظایف عبودیت و بندگی و در مسیر قرب الهی به مرتبه‌ای از کمال نائل شد که می‌توانست عالم غیب و ماورای طبیعت را مشاهده کند و واسطه‌فیض خالق به مخلوق شود و به اذن الهی در عالم طبیعت تصرف نماید. به طور مثال، به اذن الهی قادر بود بیمار را شفا بخشد، خطری را از کسی دفع نماید و سایر حاجات مردم را در صورتی که صلاح آن‌ها در آن باشد، برآورده سازد.

۱- ولایت فقیه، امام خمینی، ص ۴۰

۲- صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۶۷ و ۱۶۸

۳- ولایت فقیه، امام خمینی، ص ۱۸

۴- ولایت فقیه، امام خمینی، ص ۲۶ تا ۳۴

نمونه دیگر ولايت معنوی، هدایت بندگان خداست، نه از طريق آموزش معمولی و عمومی، بلکه از طريق امداد غبي و الهامات روحی و معنوی و تصرف در قلوب و مانند آن. ميزان بهره مندی انسانها از اين هدایت معنوی به درجه ايمان و عمل آنان بستگی دارد. هرقدر درجه ايمان و عمل انسانها بالاتر باشد، استعداد و لياقت درияفت هدایت های معنوی را بيشتر كسب می کنند و درمي يابند که خداوند چه نقش عظيمی بر عهده رسول خدا ﷺ برای هدایت انسانها گذاشته است. نمونه ای كامل از اين نوع هدایت را می توانيم در رفتار رسول خدا ﷺ با حضرت علیؑ بینيم. آن حضرت که از همان دوران کودکی تحت تربیت رسول خدا ﷺ قرار گرفت، با استعداد بی نظير خود مراتب کمال را در ايمان و عمل به سرعت می پيسمود. به همين جهت، علاوه بر تربیت از روش های معمولی، از هدایت های معنوی رسول خدا ﷺ نيز بهره می برد. ايشان می فرماید: «روزی رسول خدا ﷺ هزار باب از علم به رويم گشود که از هر کدام، هزار باب دیگر گشوده می شد.»^۱ روشن است که آموزش اين علوم از طريق آموختن معمولی نبود، بلکه به صورت الهام بر روح و جان حضرت علیؑ بوده است.



۱ - اين تواناني اختصاص به پیامبر اكرم ﷺ ندارد، گرچه درجه كامل آن مخصوص ايشان است. قرآن کريم اين تواناني را برای برخی دیگر از پیامبران و اوليای الهی ذکر می کند. حضرت یوسف عليه السلام تأویل خواب های پیچیده را به همان صورت که قرار بود اتفاق یافتند بیان می کرد. حضرت سليمان عليه السلام با پرندگان سخن می گفت و زبان حیوانات را می دانست. مشاور آن حضرت که نامش را آصف بن برخیا گفته اند، تخت پادشاه سبا را در یک چشم به هم زدن از سرزمین قوم سبا به دربار سليمان عليه السلام آورد.

۲ - نمونه دیگر، بهره مندی اويس قرنی از اين هدایت است. وي، جوانی از اهل یمن بود که بدون دیدن رسول خدا ﷺ به ايشان ايمان آورد و با اينکه هیچ گاه موفق به دیدن رسول خدا نشد، به درجات بالايی از ايمان و عمل رسيد. يك بار هم برای دیدار، به مدینه آمد، رسول خدا در مدینه نبود

۱- بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۷۰، باب اول

و ناچار شد به سرعت به شهر خود بازگردد. زیرا مادر پیر و سالخورده‌ای داشت و مادرش از او قول گرفته بود که بیش از چند ساعتی در مدینه نماند و زود برگردد. عشق و ارادت اویس به رسول خدا بسیار قوی بود. رسول خدا نیز به ایشان محبت داشت و گاه می‌فرمود رایحه بهشت را از یمن استشمام می‌کنم. اویس از همان دور توسط رسول خدا تربیت شد و به درجات بالایی از کمال رسید. پس از رحلت رسول خدا صلوات الله عليه و آله و سلم خدمت امام علی صلوات الله عليه و آله و سلم رسید و از یاران با اخلاص ایشان شد و بالآخره در جنگ صفين به شهادت رسید.

این هدایت معنوی شکل‌ها و صورت‌های مختلف دارد و بالیاقت و استعداد افراد مناسب است. بسیار پیش آمده که عالمان پاک سرشتی با همه تلاشی که کرده‌اند، در حل یک مسئله علمی بازمانده‌اند و رسول خدا صلوات الله عليه و آله و سلم به صورت الهام در خواب یا در بیداری، پاسخ صحیح را به آن‌ها داده است. بسیاری از ابعاد ولایت معنوی پیامبر اکرم صلوات الله عليه و آله و سلم و سایر پیشوایان بزرگوار در زیارت جامعه ذکر شده که می‌توان به آن مراجعه کرد.



- ۱- آیه ۱۵ سوره شوری را مطالعه کنید و بینید که این آیه بر کدامیک از قلمروهای رسالت پیامبر دلالت دارد.
- ۲- نمونه‌هایی از احکام اجتماعی اسلام را که اجرای آن‌ها نیازمند تشکیل حکومت است، بیان کنید.
- ۳- پیامبر اکرم صلوات الله عليه و آله و سلم به عنوان مرجع دینی مسلمانان، چه کارهایی را انجام می‌داد؟



- ۱- اگر بخواهید یکی از ویژگی‌های پیامبر صلوات الله عليه و آله و سلم را انتخاب کنید و ایشان را از آن زاویه توصیف کنید، کدام را انتخاب می‌کنید؟ با انتخاب و توصیف خود، توانایی توان را تجربه کنید.
- ۲- اگر شعر، قطعه‌ادبی، حدیث یا داستان کوتاه زیبایی درباره پیامبر صلوات الله عليه و آله و سلم سراغ دارد، آن را بنویسید و در کلاس بخوانید.

تداوم رسالت

چون قرآن کریم، آخرین کتاب آسمانی و رسول خدا ﷺ خاتم پیامبران است،

می‌توان پرسید:

طرح و برنامه خداوند برای جامعه اسلامی، پس از رحلت رسول خدا (ص)

چیست؟

این جامعه در چه مسیری و چگونه باید حرکت کند؟

رهبری این نظام در طول تاریخ آینده بر عهده چه کسانی باید قرار بگیرد؟

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءاْمَنُوا

أطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ

وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ

فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ

فَرُدْوَهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ

پس اگر در چیزی سنتیزه و نزاع کردید

آن را به خدا و پیامبر باز گردانید

لَأَنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ اگر به خدا و روز آخرت ایمان دارید؛

این، بهتر است

ذلک خیر

وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا

و سرانجامش نیکوتراست.

٥٩، نساء

إِنَّمَا وَلِيْكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ

وَالَّذِينَ ءامَنُوا

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ

وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ

وَ هُمْ رَاكِعُونَ

۵۵

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ
 بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ
 وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ
 فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ
 وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ
 إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

۶۷، مائده

همانا خدا اراده کرده که دور گرداند
 از شما اهل بيت پليدي و ناپاکی^۱ را
 و شما را کاملاً پاک و طاهر قرار دهد

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذَهِّبَ عَنْكُمُ الرِّجَسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيرًا﴾

احزاب، ۳۳



به کمک توضیحات زیر، ترجمه آیات را تکمیل کنید.

أُولى الْأَمْرِ :	صحابان امر
بَلِّغْ :	برسان
يَعْصِمُكَ :	تو را نگه می دارد
مَا بَلَّغْتَ :	رسانده ای

۱- مقصود از پليدي و ناپاکی، هرگونه گناه و آلودگی اخلاقی است.

برای رسیدن به پاسخ سؤالی که در ابتدای درس طرح شد، قبل از هر چیز لازم است مشخص شود که در میان قلمروهای سه گانه رسالت پیامبر، کدام یک با رحلت ایشان پایان می‌پذیرد و کدام یک باید ادامه یابد.

بنابر آنچه در درس چهارم آمد، قلمرو اول رسالت – یعنی دریافت و ابلاغ وحی – با وجود قرآن و حفظ آن در میان مسلمانان پایان می‌پذیرد و آن بخش از رسالت پیامبر که مربوط به نبوت می‌باشد، با رحلت ایشان تمام می‌شود و پیامبر اکرم ﷺ «خاتم النبیین» است.

اما دو قلمرو دیگر به همان دلایلی که در زمان حیات ایشان ضروری بود، پس از ایشان نیز ضروری است و ادامه می‌یابد. زیرا با گذشت زمان و گسترش سرزمین اسلامی، ظهور فرقه‌ها و اندیشه‌های مختلف، پیدایش مسائل و مشکلات پیچیده اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، نیاز به امام و رهبری که جامعه اسلامی را به سوی رستگاری و عدالت هدایت کند، همچنان وجود دارد.

یعنی همان طور که در زمان پیامبر اکرم ﷺ «تعلیم و تبیین تعالیم دین»، «ولایت و سربرستی جامعه» ضروری بود و ایشان این مسئولیت‌ها را از جانب خداوند انجام می‌داد، ضروری است که پس از ایشان، کسانی به عنوان «امام» از جانب خداوند این مسئولیت‌ها را به انجام رسانند و راه پیامبر را ادامه دهند. همچنین لازم است انسان‌هایی که قلب و جان خود را لایق پذیرش هدایت معنوی کرده‌اند، از این هدایت نیز برخوردار شوند.



با توجه به توضیحات قبل، در این حدیث بیندیشید و بینید چرا پیامبر فرموده

است :

﴿مَنْ مَاتَ

هر کس بمیرد

وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ

و امام زمان خود را نشناخته باشد

مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً

به مرگ جاهلی مرده است.^۱

۱- الغدیر، علامه امینی، ج ۱، ص ۳۵۹، به نقل از بزرگان اهل سنت مانند تفتازانی در کتاب شرح مقاصد، ج ۲، ص ۲۷۵

تعیین امام

اکنون که نیاز به امام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روشن شده این سؤال پیش می‌آید که چه کسی امام را معین و معرفی می‌کند و چگونه می‌توان او را شناخت.

از آنجا که امام همه مسئولیت‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم جز دریافت و ابلاغ وحی را دارد، باید صفات و ویژگی‌های خاصی داشته باشد تا مردم در درستی راهنمایی‌ها و فرمان‌های وی به یقین و اطمینان برسند. از جمله این ویژگی‌ها «عصمت» است. تشخیص عصمت برای انسان‌ها ممکن نیست؛ بنابراین، همان‌طور که پیامبر از طرف خدا معین می‌شود، تنها کسی که می‌تواند فرد شایسته مقام امامت را معرفی کند، خداست.

با تدبیر در آیات و روایات مطمئن و مسلم نقل شده از پیامبر و مطالعه تاریخ اسلام در می‌یابیم که خداوند، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب رض را به جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امامت بعد از ایشان منصوب فرموده است.

در اینجا به تدبیر در برخی از این آیات و روایات مربوط به امامت امیرالمؤمنین رض می‌پردازم.

روش تدبیری ما در این درس، کمک گرفتن از روایات و وقایع تاریخی در تبیین آیات است.

۱- معرفی امام در مراسم دعوت خویشان : حدود سه سال از بعثت گذشته بود که این فرمان از جانب خداوند برای پیامبر آمد : «خویشان تزدیک خود را انذار کن». ^۱ برای انجام این دستور، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چهل نفر از بزرگان بنی‌هاشم را دعوت کرد و درباره اسلام با آنان سخن گفت و در پایان به آنان فرمود :

کدامیک از شما مرا در این راه کمک می‌دهد تا برادر من، وضی من و خلیفه من در میان شما باشد؟

همه مهمانان سکوت کردند. در میان سکوت آنان که به پیروزی و گسترش دین پیامبر امیدی نداشتند، علی بن ابی طالب رض که در آن زمان نوجوانی بیش نبود، برخاست و گفت :

«من یار و یاور تو خواهم بود، ای رسول خدا!»

در خواست پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سه بار مطرح شد و هر بار همه سکوت کردند و تنها علی رض قاطعانه

اعلام آمادگی و وفاداری کرد. پس از آن، پیامبر ﷺ دست ایشان را در دست گرفت، بیعت ایشان را پذیرفت و به مهمانان فرمود:

«همانا این، برادر من، وصی من و جانشین من در میان شما خواهد بود.»



چرا پیامبر اکرم ﷺ در شرایطی که حتی خویشانش نیز دعوت او را نپذیرفته بودند، جانشین خود را معین کرد؟ انجام دادن این کار در ابتدای دعوتش به چه معناست؟

۲- نزول آیه ولايت: در یکی از روزها، تزدیک ظهر، فرشته وحی آمد و از جانب خداوند آیه‌ای آورد که در آن ویژگی‌های ولی و سرپرست مسلمانان مشخص شده بود. در این آیه، ابتدا خداوند و سپس پیامبر و پس از ایشان کسی به عنوان ولی معرفی شده بود که به خدا ایمان دارد، نماز را برپا می‌دارد و در حال رکوع صدقه می‌دهد.

هنگامی که رسول خدا ﷺ دریافت که چنین واقعه‌ای رخ داده است و کسی در رکوع صدقه داده و خداوند قصد معرفی او را دارد، با شتاب و در حالی که آیه را می‌خواند و مردم را از آن آگاه می‌کرد، به مسجد آمد و پرسید:

آیا کسی در حال رکوع صدقه داده است؟

فقیری که انگشت‌تری در دست داشت، به حضرت علیؑ که در حال نماز بود، اشاره کرد و گفت:

آری، این مرد در حال رکوع، انگشت‌تری خود را به من بخشید.
صدای تکبیر یاران بلند شد و رسول خدا ﷺ ستایش و سپاس خداوند را به جا آورد.
نزول این آیه در هنگام انجام واقعه‌ای که مردم ناظر آن بودند و اعلام این حقیقت از جانب رسول خدا ﷺ که مصدق آیه امام علیؑ است، برای آن بود که مردم به چشم خود بیینند و از زبان پیامبر

۱- تاریخ طبری، ج ۲ ص ۶۲ و ۶۳ و کنز العمال، ج ۶، ص ۳۹۷ و تاریخ پیامبر اسلام از دکتر محمد آیتی؛ برای مطالعه کامل داستان، به کتاب سلام بر خورشید از سیدعلی اکبر حسینی، ج ۱، ص ۱۷۱ مراجعه کنید.

بشنوند و امکان کتمان و مخفی کردن آن از بین بروند.

۳- نزول آیه تطهیر : اُم سلمه، همسر رسول خدا ﷺ، می‌گوید : روزی ایشان در خانه استراحت می‌کرد که دختر بزرگوارش فاطمه زهرا علیها السلام وارد شد. پیامبر ﷺ ایشان را به کنار خود دعوت کرد. حضرت فاطمه علیها السلام نزد پیامبر رفت و در کنار ایشان نشست. پس از وی به ترتیب، حضرت علیها السلام، امام حسن عسکری علیهم السلام و امام حسین علیهم السلام آمدند. رسول خدا ﷺ آنان را نیز در کنار خود جای داد. آن گاه برای آنان دعا کرد و فرمود :

«خدایا! اینان اهل بیت من اند؛ آنان را از هر پلیدی و ناپاکی حفظ کن!»

سوره ، آیه در همین زمان فرشته وحی آمد و آیه تطهیر را قرائت کرد.

استخاره پیام



این آیه دربردارنده پیام‌های مهمی است. درباره آن بیندیشید و آن پیام‌ها را استخراج کنید.

۱- این آیه، عصمت حضرت علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین علیهم السلام را اعلام می‌کند. زیرا

۲- اهل بیت به این معنای خاص که از هر پلیدی دور باشند، فقط

۳- چون اهل بیت معصوم هستند، سخن و عمل آنان

ام سلمه می‌گوید : «من هم بیش رفتم که در کنار آن‌ها قرار بگیرم تا از این افتخار بزرگ سهمی داشته و جزء اهل بیت باشم اما رسول خدا ﷺ فرمود :

«ای ام سلمه، نه، تو همسر من هستی و عاقبت نیکوبی داری اما اینان اهل بیت من اند.»

برای این که مردم از این موضوع مطلع شوند، پیامبر مدت‌ها هر روز صبح، هنگام رفتن به مسجد

۱- ۶۶ نفر از مفسران، مورخان و بزرگان اهل سنت، از جمله طبری، رازی، شعلی، قشیری، خوارزمی، ابن حجر و ابن‌کثیر این آیه را درباره حضرت علیها السلام دانسته‌اند. برای کسب اطلاعات بیشتر، به کتاب الغدیر از علامه امینی، ج ۲، ص ۱۵۶ مراجعه کنید.

از درخانه فاطمه علیها السلام می‌گذشت و اهل خانه را «اهل بیت» صدا می‌زد و آیه تطهیر را می‌خواند.^۱



نشانه‌های دیگری وجود دارد که نشان می‌دهد کلمه «اهل بیت» در این آیه به طور خاص به کار رفته است^۲ و سایر وابستگان، از جمله همسران پیامبر را شامل نمی‌شود:

۱- رسول خدا علیه السلام فقط این چهار نفر را کنار خود پذیرفت و در هنگام دعا نفرمود «اینان از اهل بیت من اند». بلکه فرمود «اینان اهل بیت من اند».

۲- نقل کننده داستان، ارسلمه همسر پیامبر علیه السلام است. پیامبر علیه السلام او را از آمدن در کنار خود منع کرد تا نشان دهد که «اهل بیت معصوم» فقط همین افرادند.

۳- این آیه پاکی و عصمت کامل را بیان می‌کند. هیچ یک از همسران پیامبر علیه السلام ادعای عصمت نکرده‌اند و خود را از گناه مبرا ندانسته‌اند.

۴- در تاریخ ذکر نشده است که همسران رسول خدا علیه السلام، چه در زمان پیامبر علیه السلام و چه پس از رحلت ایشان، آیه تطهیر را در مورد خود به کار ببرند و از این آیه برای اثبات بی‌گناهی خود استفاده کنند.

۵- آیات دیگری در قرآن هست که سریچی و نافرمانی برخی همسران رسول خدا علیه السلام را یادآوری و آنان را به خاطر نافرمانی توبیخ می‌کند. (از جمله آیات ۱ تا ۵ سوره مبارکه تحریم)

از آنجا که در زمان رسول خدا علیه السلام از میان اهل بیت فقط امام علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین علیهم السلام حضور داشتند، در این داستان تنها نام این چهار بزرگوار ذکر شده است. در سخنان

۱- کتاب‌های بزرگ همه مسلمانان، مائد صحیح مسلم، سنن ترمذی، صحیح بخاری، مسند احمد بن حنبل، سنن یهقی، الدżaz المتنور سیوطی و أسلوالفابه ابن اثیر، آیه تطهیر را در حق همین پنج تن نقل کرده‌اند (غاية المرام، ص ۲۸۱).

۲- در قرآن کریم هم کلمه «اهل» برای اعضای خاصی از خانواده به کار رفته است. آن‌گاه که عذاب الهی بر قوم نوح علیهم السلام نازل شد و آب همه‌جا را گرفت، فرزند نوح علیهم السلام نیز که از کافران بود، در حال غرق شدن، در آب دست و پا می‌زد. حضرت نوح علیهم السلام که او را در میان آب دید، رو به خدا کرد و گفت: خدایا، این از اهل و خانواده من است. اما این که او فرزند نوح بود، خداوند فرمود: او از اهل تو نیست. یعنی، او لیاقت ندارد جزء خانواده تو باشد؛ زیرا اهلیت، ویزگی‌های خاصی را می‌طلبید که در پسر حضرت نوح علیهم السلام نبود. در این حدیث نیز پیامبر علیه السلام با این عمل خود نشان داد که فقط این چهار نفر اعضای معصوم خانواده‌اند.

دیگر پیامبر ﷺ، امامان بعدی هم جزء اهل بیت شمرده شده‌اند.

۶- ممکن است کسی بپرسد: چرا رسول خدا همسران متعدد داشته است؟

رسول خدا ﷺ در سن ۲۵ سالگی با حضرت خدیجه ازدواج کرد. قبل از آن نیز در زمانی که دوران جوانی را می‌گذراند، به پاکدامنی و عفاف مشهور بود. توجه به خداوند، پرورش روح خود و نجات مردم چنان ایشان را مشغول کرده بود که توجهی به ازدواج نداشت؛ تا این که پیک حضرت خدیجه آمد و علاقه‌مندی وی را به اطلاع رسول خدا ﷺ رساند. حضرت خدیجه ۳۵ سال داشت و ۱۰ سال از رسول خدا بزرگ‌تر بود. اما چون پیامبر اکرم از شخصیت اصیل، عفاف و پاکی وی خبر داشت، به خواستگاری خدیجه رفت. این درحالی بود که زیبایی ظاهری، اخلاق نیکو و اصالت خانوادگی رسول خدا به گونه‌ای بود که دختران بزرگان شهر خواهان ازدواج با او بودند.

رسول خدا در تمام دوران زندگی با حضرت خدیجه، یعنی تا سن ۵۰ سالگی همسر دیگری انتخاب نکرد و تمام دوران جوانی، میان‌سالی و تا آستانه‌ی پیری را فقط با وی گذراند. آن هم در جامعه‌ای که ازدواج‌های متعدد منع نداشت. این رفتار، گویای آن است که هوس رانی در وجود پیامبر ما راه نداشت و اگر پس از آن با همسران دیگری ازدواج کرد، عموماً به خاطر مصلحت خاصی مانند حمایت از آن زن، جلوگیری از خون‌ریزی و قتل، جلب نظر خانواده‌ها و قبایل به اسلام و با رضایت کامل خود آن‌ها بوده است. (برای کسب اطلاع بیشتر رجوع کنید به کتاب بررسی‌های اسلامی، از علامه طباطبائی، ج ۱، ص ۳۱، چاپ بوستان کتاب قم).

۴- حدیث جابر: وقتی آیه ۵۹ سوره نساء که در ابتدای درس آمده، نازل شد، جابر بن عبد الله انصاری به پیامبر گفت: «یا رسول الله، ما خدا و رسول او را شناخته‌ایم. لازم است «اولوا الامر» را هم بشناسیم.»

رسول خدا ﷺ فرمود:

«ای جابر، آنان جانشینان من و امامان بعد از من‌اند. نخستین آنان علی بن ابی طالب است و سپس به ترتیب: حسن بن علی، حسین بن علی، علی بن الحسین، محمد بن علی—که در تورات به «باقر» معروف است— و تو در هنگام پیری او را خواهی دید و هروقت او را دیدی، سلام مرا به او برسان. پس از محمد بن علی نیز به ترتیب، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن

محمد، حسن بن علی و پس از ایشان فرزندش می‌باشد که هنام و هم‌کنیه من است.^۱ اوست که از نظر مردم پنهان می‌شود و غیبت او طولانی می‌گردد تا آنجا که فقط افرادی که ایمان راسخ دارند، بر عقیده به او باقی می‌مانند.^۲

ارتباط میان آیه و حدیث

با تفکر در آیه ۵۹ سوره نساء و حدیث جابر، پیام‌های زیر را تکمیل کنید.

۱- مسلمانان باید در برنامه‌های زندگی خود از، و اطاعت کنند.

۲- از آنجا که این سه اطاعات در کنار هم قرار گرفته‌اند، سریعیچی از هر مورد است.

۳- از آنجا که مصدق در آیه مشخص نشده، برای آگاهی مردم و اشتباه نکردن آن‌ها لازم است که رسول خدا

۴- بنابر سخن پیامبر اکرم ﷺ کسانی که مصدق هستند، عبارتند از :

.....
.....
.....
.....
.....

۵- حدیث ثقلین : پیامبر اکرم ﷺ به طور مکرر، از جمله در روزهای آخر عمر خود، می‌فرمود :

﴿إِنَّى تَارِكٌ فِيْكُمُ الْتَّقْلِيْنِ﴾ من در میان شما دو چیز گران‌بها می‌گذارم :

كتاب الله و عشرتی اهل بيتي کتاب خدا و عترتم اهل بيتم را.

ما إن تمسكت بهما تا وقتی که به این دو تمسک جویید

۱- کنیه پیامبر «ابوالقاسم» است.

۲- کفاية الانز، چاپ قدیم، ص ۸ و بنایع المودة، ص ۴۹۴ و انبات الهداة، ج ۳، ص ۱۲۳.

لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا

وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقا

حَتَّىٰ يَرِدا عَلَىٰ الْحَوْض

هرگز گمراه نمی‌شوید

و این دو هیچ‌گاه از هم جدا نمی‌شوند

تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.



با تفکر در این حدیث، چه پیام‌هایی را می‌توان استخراج کرد؟

- ۱- همان طور که قرآن و پیامبر لازم و ملزم یکدیگرند و از هم جدا نمی‌شوند، قرآن و اهل بیت نیز همواره با هم‌اند.
- ۲- همان‌طور که قرآن همیشگی است، وجود معصوم نیز در کنار آن همیشگی باشد.
- ۳- در صورتی مسلمانان گمراه نمی‌شوند که
- ۴- نمی‌توان برای هدایت

۶- حدیث منزلت : وقتی خداوند حضرت موسی ع را مأمور مبارزه با فرعون کرد، آن حضرت از خداوند خواست که برادرش هارون را مشاور، پشتیبان و شریک در امر هدایت مردم قرار دهد. خداوند نیز درخواست حضرت موسی ع را پذیرفت.^۱ پیامبر اکرم ص نیز بارها به حضرت علی ع فرمود :

أَنْتَ مِنِي
تُو بِرَاهِي مِنْ

بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَىٰ
بِهِ مَنْزِلَةُ هَارُونَ بِرَاهِي مُوسَىٰ هُسْتَيْ؛

إِلَّا أَنَّهُ لَا يَرَى بَعْدِي
جز این که بعد از من پیامبری نیست.^۲

۱- این حدیث متواتر است و آن قدر از اهل سنت و شیعه نقل شده است که جای تردید ندارد. برای کسب اطلاعات بیشتر به امام‌شناسی علامه حسینی تهرانی، ج ۱۳ مراجعه کنید.

۲- ط، ۲۹، تا ۲۵

۳- علامه حسینی تهرانی (ره) در جلد دهم امام‌شناسی می‌گوید که این حدیث مورد اتفاق علمای اسلام از اهل سنت و شیعه است.

همچنین : بنای المودة، باب ۶، ص ۵۰.

۷- حدیث غدیر : پیامبر گرامی اسلام در سال دهم هجرت عازم مکه شد تا فریضه حج را بهجا آورد. این حج که در آخرین سال زندگی ایشان برگزار شد، به «حجَّةُ الْبَلَاغُ» و «حجَّةُ الْوَدَاعِ» مشهور است. در این مراسم حج، حدود ۱۲۰ هزار نفر شرکت کرده بودند تا روش انجام دادن اعمال حج را از ایشان فراگیرند و اعمال را همراه ایشان بهجا آورند. پس از برگزاری حج و در مسیر بازگشت به مدینه در روز هجدهم ماه ذیحجه، در محلی به نام غدیر خم^۲ آیه ۶۷ سوره مائدہ که در ابتدای درس آمده، نازل شد.



در این آیه، تدبیر کنید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۱- خداوند چه فرمانی به پیامبر می‌دهد؟

۲- اهمیت این فرمان چقدر است؟

۳- چرا خداوند به پیامبر اکرم وعده می‌دهد که او را حفظ خواهد کرد؟

بعد از تزول این آیه، پیامبر اکرم ﷺ دستور داد همه توقف کنند تا بازماندگان برسند و آنان که پیش رفتند، برگردند. ظهر شده بود؛ ابتدا نماز را به جا آوردند و سپس، پیامبر در یک سخنرانی مهم و مفصل با مردم سخن گفت و آنان را برای دریافت آن پیام بزرگ آماده کرد. در اینجا از مردم برسید :

ای مردم

چه کسی به مؤمنان

از خودشان سزاوارتر است؟^۳

أَئِهَا النَّاسُ

مَنْ أَوَّلَى النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ

مِنْ أَنفُسِهِمْ

۱- الكامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج ۲، ص ۳۱ و الغدیر، ج ۱، ص ۲۰

۲- غدیر به معنای برکه آب، و حُم نام محل تلاقی راههای مدینه، عراق، شام و مصر بود و کاروانیان در آن جا به هم می‌رسیدند یا از هم جدا می‌شدند.

۳- یعنی، چه کسی بر آنها ولایت و سریستی دارد و باید به فرمان‌هایش عمل کنند؟

گفتند: خدا و پیامبر شریعه را مأموریت و سرپرستی دارند.

سپس، فرمود:

هر کس که من ولی و سرپرست اویم،
علی نیز ولی و سرپرست اوست.

﴿مَنْ كُنَّتْ مَوْلَاهُ
فَهُدَا عَلَيِّ مَوْلَاهُ﴾

و این جمله را سه بار تکرار کرد.

در پایان سخنرانی نیز از حاضران خواست که مطالب گفته شده را به غایبان برسانند. پس از آن، مردم برای عرض تبریک و شادباش به سوی امام آمدند و با وی بیعت کردند.

سخنان پیامبر ﷺ در این واقعه از جهت سلسله راویان حدیث چنان محکم است که شاید کمتر حدیثی مانند آن وجود داشته باشد. صدو ده نفر از اصحاب پیامبر که در غدیر حاضر بوده‌اند، آنرا بی‌هیچ واسطه‌ای از پیامبر نقل کرده‌اند. دانشمندان و تاریخ‌نویسان و مفسرانی از اهل سنت نیز این واقعه را با مدارک زیاد در کتاب‌های خود آورده‌اند که نام سیصد و پنجاه نفر آن‌ها در کتاب «الغدیر»^۱ آمده است.

اگرچه بعد از رحلت پیامبر، زمامداری مسلمین به امام علی ع نرسید و واقعه عظیم غدیر نادیده گرفته شد اما چگونگی برگزاری این مراسم و سخنان رسول خدا ص روشنگر بسیاری از اتفاقات پس از ایشان است.

نتیجه‌گیری:

با بررسی این آیات و احادیثی که گفته شد، روشن می‌شود که:

الف) پیامبر اکرم ص، حضرت علی ع و یازده فرزند ایشان را به جانشینی خود معرفی کرده است و آنان عهده‌دار مسئولیت امامت‌اند.

ب) لازمه این مرتبه از جانشینی، علم و معرفت کامل و عصمت از گناه و اشتباه است؛ همان‌گونه که رسول خدا ص این دو ویژگی را دارا بود.

ج) تعیین جانشین رسول خدا ص با هدایت و راهنمایی خداوند بوده و خداوند، ائمه اطهار ع را به این مقام برگزیده است.

د) حضرت فاطمه زهرا ع جزء اهل بیت است و اگرچه عهده‌دار امامت نبوده، اما دارای علم و عصمت کامل است و پیروی از کلام و رفتار وی بر همه مسلمانان واجب و سرچشمۀ هدایت و رستگاری است.

۱- الغدیر نام مجموعه گراینهای در این آیات واقعه غدیر است که یکی از دانشمندان عالی قدر شیعه در عصر حاضر - علامه امینی -

آن را در یازده جلد به زبان عربی نوشته است و خلاصه آن به فارسی در یک جلد ترجمه شده است.

کام‌دوم

یاد غیر، تجدید بیعت با قهرمان عدالت، ایثار، حقیقت پرستی،
ایمان، شکیبایی، تقوا، همدردی، صهور زی، جناد و عبادت است. یاد غیر
گمراپسان با اولین امام و ابراز عشق، خضوع و سرپرده‌کنی به اوست.

برنامه:

هر ساله در این روز، پیمان و فداری را با مولای خود تجدید کنیم و برای
برگزاری یک جشن بزرگ، دست بدست بهمی دییم. هر یک مسئولیتی را
می‌پذیریم: در مدرسه، در محله، در مسجد محل و در خانه. زیباترین و با معنا ترین
جشن به یاد مطهر زیبایی و کمال.

خدای اما را موفق بدار تا در این روز، با بهسی خوبان و خوبی ها پیمان
اخوت و برادری بیندیم و خود را از بدبانی پاک ساییم.



درباره واقعه بزرگ غدیر بینیشید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید :

- الف) چرا مراسم غدیر هم‌زمان با بزرگ‌ترین اجتماع مسلمانان برگزار شد؟
- ب) چرا خداوند انجام ندادن این مأموریت را مساوی با عدم انجام رسالت اعلام کرد؟
- ج) تبریک و تهنیت مردم به حضرت علی علیہ السلام پس از پایان مراسم نشانه چیست؟
- د) چرا کلمه «مولی» در حدیث غدیر به معنای سرپرست است، نه دوست؟



۱- مراسم غدیر را در شعر یا تتری شیوا به تصویر بکشید یا آن را در قالب طرحی زیبا نقاشی کنید.

۲- داستان عشیره اقرین یا واقعه غدیر یا حدیث کسان را به صورت داستان‌گویی و براساس کتاب «سلام بر خورشید»، در قالب نمایش اجرا کنید.





جايگاه امامت

در درس قبل دانستیم که پیامبر اکرم ﷺ امیرمؤمنان را از جانب خداوند به جانشینی خود منصوب کرد و از مسلمانان خواست که پس از خود از ایشان پیروی کنند.

در این درس می خواهیم جایگاه امامت ایشان را بهتر بشناسیم و بدانیم که آن حضرت چه موقعیتی نزد پیامبر اکرم ﷺ داشتند؟

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

همانا ابراهیم از پیروان او (نوح) است.

وَإِنَّ مِنْ شَيْعَتِهِ لَا بُرَاهِيمَ

صفات ، ۸۳

وَدَخَلَ الْمَدِيْنَةَ
عَلَى حِينِ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا
فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَلَانِ
هُذَا مِنْ شَيْعَتِهِ
وَهُذَا مِنْ عَدُوَّهِ ...

قصص ، ۱۵

إِنَّ الَّذِينَ ءامَنُوا
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
أُولَئِكَ هُمُ الْخَيْرُ الْبَرِيْئَةُ

بینه ، ۷



به کمک توضیحات زیر، ترجمه را تکمیل کنید.

فَوَجَدَ : پس یافت، پس دید

شَيْعَتِهِ : پیروان او، طرفداران او

خَيْرُ الْبَرِيْئَةِ : بهترین مخلوقات

پیام آیات	سوره/آیه
۱- کلمه شیعه در قرآن کریم به کار رفته و به معنای پیرو است.
۲- حضرت ابراهیم (ع)، شیعه حضرت نوح (ع) است، یعنی پیرو او می باشد.
۳- در قرآن کریم، پیروان حضرت موسی نیز «شیعه» او نامیده شده اند.

معنای شیعه

«شیعه» در لغت به معنای پیرو، یار و طرفدار است. در قرآن کریم نیز به همین معنا به کار رفته و حضرت ابراهیم اللَّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكُ شَيْعَةَ إِبْرَاهِيمَ شیعه و پیرو حضرت نوح اللَّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكُ شَيْعَةَ نُوحٍ معرفی شده است؛ با این که قرآن کریم آن بزرگوار را «مسیلم» نیز نامیده است.^۱

دستور به پیروی از امیر المؤمنین اللَّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكُ شَيْعَةَ عَلِيٍّ

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ که با ایمان و استقامت بی مانند خود دعوت مردم به اسلام را پیش می برد و به پیروزی حق بر باطل یقین داشت، از همان ابتدای رسالت، به فرمان الهی، تلاش می کرد تا در موقعیت های مختلف، حضرت علی اللَّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكُ شَيْعَةَ عَلِيٍّ را که در ایمان و عمل بی نظیر و معصوم از گناه بود، به مردم معرفی کند و ادامه راه را برای پس از خود مشخص سازد و مانع سرگردانی مردم شود. و از آنجا که حضرت علی اللَّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكُ شَيْعَةَ عَلِيٍّ توسط پیامبر، با حقیقت اسلام به طور کامل آشنا شده بود، رسول خدا صَلَّى اللَّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ به مردم تأکید می کرد که پیروی از امام علی اللَّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكُ شَيْعَةَ عَلِيٍّ و عمل به دستورات او مانع گمراهی و سرگردانی می شود و نجات جامعه بشری را به دنبال دارد. برای مثال، جابر بن عبد الله انصاری، از یاران خوب رسول خدا صَلَّى اللَّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ می گوید: «در کنار خانه خدا و در حضور رسول خدا صَلَّى اللَّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ بودیم که حضرت علی اللَّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكُ شَيْعَةَ عَلِيٍّ وارد شد. رسول خدا صَلَّى اللَّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ فرمود: برادرم به سویتان آمد. سپس، رو به سمت کعبه کرد و با دست به آن زد و فرمود: سوگند به خدایی که جانم در دست قدرت اوست، این مرد و کسانی که از او پیروی کنند، رستگارند و در روز قیامت، اهل نجات اند.

۱- مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودَيًّا وَ لَا نَصَارَائِيًّا وَ لِكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا (آل عمران، ۶۷)

سپس، فرمود: این مرد اولین ایمان آورنده به خدا، وفادارترین شما در پیمان با خدا، راسخ‌ترین شما در انجام فرمان خدا، صادق‌ترین شما در داوری بین مردم، بهترین شما در رعایت مسلوایت بین آن‌ها و ارجمندترین شما تزد خداست.

در همین هنگام آیه زیر بر پیامبر خدا نازل شد:

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

أُولَئِكَ هُمُ الْمُحْسَنُونَ

إِنَّمَا يُبَشِّرُ بِهِ الْمُتَّقُونَ

وَكَارَهَاهُ شَاعِيَتِهِ اِنْجَامِ دَادَنَدْ،

أُولَئِكَ هُمُ الْمُحْسَنُونَ

إِنَّمَا يُبَشِّرُ بِهِ الْمُتَّقُونَ

در حقیقت، پیامبر اکرم ﷺ با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی زمان خود، فعالیت‌های خودسرانه برای به دست گرفتن زمامداری و قدرت را پیش‌بینی می‌کرد. به همین علت، تمام تلاش خود را به کار می‌برد تا شخصیت ممتاز حضرت علیؑ را به مردم بشناساند، تعصبات جاهلی و قبیله‌ای را از افکار آنان بزداید و کسانی را که برای رسیدن به قدرت می‌خواهند از این اعتبارات استفاده کنند، به انزوا کشاند.

لازم است بدانیم که در آن زمان در میان قبایل، بزرگی و شرافت تنها مخصوص بزرگان و رؤسا بود و فضایلی چون علم، عدالت‌خواهی، جوان مردی، صداقت، پاکی و کرامت نفس وقتی ارزش داشت که رئیس قوم یا فرزندان و بستگان وی دارای آن صفات باشند. رسول خدا ﷺ با این افکار جاهلی به شدت مبارزه می‌کرد و سعی در شکستن ابهت این گونه اعتبارهای توخالی داشت اما تحولات فرهنگی امری تدریجی است و تغییر فرهنگ جاهلی به فرهنگ و ارزش‌های اسلامی ناگهانی صورت نمی‌گیرد و برنامه‌ای مستمر و مداوم نیاز دارد. به همین جهت بود که بسیاری از افراد، میان فرمان پیامبر و فرمان بزرگان قوم تفاوت چندانی قائل نبودند و گاه در لحظات حساس و سرنوشت‌ساز، به جای فرمان الهی، به سوی فرمان بزرگان قوم متمایل می‌شدند. قرآن کریم در آیات متعدد ضمن اشاره به این میل جاهلی، به مردم در خصوص آن هشدار می‌دهد؛ از جمله در آیه ۵۰ سوره مائدہ می‌فرماید:

آیا به دنبال حکم جاهلیت هستند؟ و چه کسی بهتر از خدا حکم می‌کند برای مردمی که یقین

دارند؟

از این رو رسول خدا ﷺ در هر فرصتی، فضایل متعالی و جایگاه حضرت علی ع و اهل بیت را برای مردمی که قرن‌ها با نظم قبیله‌ای خوگرفته بودند و ثروت زیاد و نظیر آن را نشانه شرافت می‌دانستند بیان می‌کرد تا دل‌های آنان را برای پذیرفتن امامت و رهبری کسانی آماده کند که میان عرب و غیر عرب تفاوتی قائل نمی‌شدند و مردم را به تقلیل، عدالت و بندگی خداوند فرامی‌خوانند و در زندگی دنیایی مانند معمولی ترین افراد زندگی می‌کردند. از جمله فرموده‌اند^۱ :

- ۱- عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ
علی با قرآن است و قرآن با علی است.
- ۲- عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ
علی با حق است و حق با علی است.
- ۳- أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبْوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ
من و علی، پدران این امتیم.



علاوه بر سخنان پیشین، پیامبر اکرم ﷺ فرموده است :

- ۱- حَقٌّ عَلِيٌّ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ
حق علی بر این امت
مانند حق پدر بر فرزندش است.
- ۲- النَّظَرُ إِلَى وَجْهِ عَلِيٍّ عِبَادَةً
نگاه کردن به روی علی عبادت است.
- ۳- إِنَّ وَصِيَّيِّ وَ وَارِثِي
وصی من و وارث من
و وفاکننده به و عده‌های من،
- عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ
علی بن ابی طالب است.^۲

۱- مجموعه این احادیث از امام‌شناسی علامه حسینی تهرانی، ج ۷، ص ۱۵ به بعد نقل شده و در آن کتاب، منابع شیعه و اهل سنت این احادیث ذکر شده است.

حضرت علی تربیت یافته پیامبر گرامی

حضرت علی اللَّٰهُمَّ کودکی بیش نبود که به خانه پیامبر آمد، از همان زمان، تربیت وی در دامان پیامبر آغاز گردید و درهای دانش الهی به رویش گشوده شد. ایشان در این باره می‌فرماید: «خداؤند بزرگ‌ترین فرشته خود را همراه رسول خدا قرار داد. آن فرشته، شب و روز راه کسب مکارم و زیبایی‌های اخلاق را به ایشان نشان می‌داد و من، در نهایت عشق و شیفتگی از آن حضرت تعیت می‌کردم و ایشان را همراهی می‌نمودم.^۱»

این تربیت بدان جهت بود که حضرت علی اللَّٰهُمَّ پس از رسول خدا اللَّٰهُمَّ راه آن حضرت را ادامه دهد و با تکیه بر داشت الهی خود، مردم را در زمینه احکام و معارف دینی هدایت کند. رسول خدا اللَّٰهُمَّ نیز در هر فرصتی که پیش می‌آمد، این مقام علمی را به اطلاع مردم می‌رساند. در اینجا به یک مورد از سخنان آن حضرت اشاره می‌کنیم:

أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ
وَعَلَيَّ بَابُهَا
فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ
فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا

من شهر علم هستم
وعلى در آن است.
هر کس می‌خواهد به این علم برسد
باید از در آن وارد شود.^۲

مطابق با این حدیث، نکات زیر به دست می‌آید:
اولاً حضرت علی اللَّٰهُمَّ پس از رسول خدا اللَّٰهُمَّ از همه داناتر است؛
ثانیاً حضرت علی اللَّٰهُمَّ در علم خود معصوم است؛ و گرنه رسول خدا اللَّٰهُمَّ نمی‌فرمود که همه باید به ایشان مراجعه کنند.

ثالثاً بر مردم واجب است که از دانش حضرت علی اللَّٰهُمَّ بهره ببرند و مطابق نظر ایشان عمل کنند؛ زیرا ایشان راه رسیدن به علم پیامبر است و بهره‌مندی از علم پیامبر هم بر همه واجب است. به همین جهت روزی رسول خدا اللَّٰهُمَّ به حضرت علی اللَّٰهُمَّ فرمود: «ای علی، من شهر حکمت و تو در آن شهر هستی. هیچ‌گاه نمی‌توان وارد شهری شد، مگر از در آن. دروغ می‌گوید کسی که می‌پندرد مرا دوست دارد، درحالی که دشمنی و کینه تو در دل اوست؛ زیرا تو از من هستی و من از تو. ... کسی

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲

۲- شواهد التنزيل، ج ۱، ص ۸۱ و امام شناسی، علامه حسینی تهرانی، ج ۱۱، ص ۶۱

به فلاح می‌رسد که پیرو تو باشد و به هلاکت می‌رسد کسی که از تو دوری گزیند. مَثَلُ تُو و امامانِ از فرزندان تو، مَثَلُ کشتنی نوح است؛ هر کس بر آن سوار شود نجات باید و هر کس سریچی کند، هلاک شود. مَثَلُ شما مَثَلُ ستارگان آسمان است که چون ستاره‌ای غایب شود، ستاره‌ای دیگر طلوع می‌کند تا روز قیامت.»^۱

مقام و منزلت حضرت علی الْمُسَلَّمَ نزد خدا و تمجیدهای فراوان رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از ایشان، بدون سبب و یا به خاطر خویشاوندی با پیامبر نیست، بلکه به خاطر «ایمان» بی‌نظیر و «عمل» بی‌مانند ایشان است. صداقت، ایثار، جهاد، یک‌رنگی، وفا، عبادت، علم و سایر کرامات‌های اخلاقی ایشان را به چنین مقامی رسانده است.

یکی از ویژگی‌های ممتاز امیرمؤمنان عدالت‌خواهی و دفاع از مظلومان بود. آن حضرت «عدالت اجتماعی» را رسالت پیامبران می‌شمرد و در دفاع از عدالت از پیشتازان بود.

مردمی که با نظام جاهلانه و ظالمانه قبل از اسلام خو گرفته بودند و فقط در دوره کوتاه ده ساله رهبری رسول خدا در مدینه نسیم عدالت را حس کرده بودند، پس از رسول خدا به تدریج در جاده انحراف قدم گذاشتند به گونه‌ای که وقتی امیرمؤمنان به حکومت رسید، بازگشت به عدالت و مساوات را سرلوحة کار خود قرار داد. به همین جهت مظلومان و مستبدیدگان، در نقاط مختلف جهان اسلام شیفتۀ ایشان شدند و به رهبری وی دل بستند. اما با شهادت امیر المؤمنین و روی کار آمدن بنی امية و بنی عباس امید مظلومان به یأس گرایید.^۲ البته امام حسن الْمُسَلَّمَ و امام حسین الْمُسَلَّمَ و سایر امامان بزرگوار پرچم مبارزه با ظلم را برافراشته نگه داشتند و تا امام یازدهم، هر کدام پس از دیگری در این راه به شهادت رسیدند. این بزرگواران، همواره از «عدل» به عنوان یک اصل اساسی اسلام یاد می‌کردند و بی‌توجهی به آن را، بی‌توجهی به یک اصل اسلام می‌شمردند. به همین جهت نام شیعیان و پیروان امیرمؤمنان با عدالت اسلامی همراه شد.

۱- غایة المرام، ج ۲، ص ۵۲۲ به نقل از شیخ صدق با سند متصل از سعیدبن جبیر از ابن عباس.

۲- جُرج جُرداق، نویسنده بر جسته مسیحی کشور لبنان کتابی تحت عنوان «امام علی صدای عدالت انسانی» می‌گوید: امام علی فدای عدالت خود شد.



كتاب نهج البلاغه ، مجموعه‌ای از سخنرانی‌ها، نامه‌ها و سخنان کوتاه امیر مؤمنان است که توسط سید رضی یکی از دانشمندان قرن چهارم هجری گردآوری شده است. به این کتاب مراجعه کنید و نامه آن حضرت به مالک اشتر را که به عهدنامه مالک اشتر مشهور است، مطالعه نمایید و در میان توصیه‌هایی که به عدالت دارد، یک توصیه را یادداشت کنید.

.....
.....
.....

تشیع و وحدت مسلمانان

شناخت جایگاه شیعه در تاریخ اسلام و تبیین علمی و تاریخی حقانیت آن، باید ما را از مسأله‌ای مهم و حیاتی، یعنی حفظ وحدت مسلمانان و تلاش برای سربلندی، عزت، استقلال و حفظ منافع آنان غافل کند. باورهای مشترک فراوان، مانند اعتقاد به خدا، پیامبر اکرم ﷺ، قرآن و قیامت، زمینه‌ساز وحدت بین ما مسلمانان است. به همین دلیل، حفظ و تقویت وحدت شیعه و سنی و مبارزه با عوامل و برنامه‌های تفرقه انگیز یکی از اصول راهبردی انقلاب اسلامی است که هوشیاری و بیداری همگان را می‌طلبد.

امام خمینی (ره)، معمار کبیر انقلاب اسلامی که همواره و در هر فرصت مسلمانان را به اتحاد و همبستگی دعوت می‌کرد، در یکی از پیام‌های خود به مسلمانان چنین پیام می‌دهد :

«ای مسلمانان جهان که به حقیقت اسلام ایمان دارید، به پاخیزید و در زیر پرچم توحید و در سایه تعلیمات اسلام مجتمع شوید و دست خیانت ابرقدرت‌ها را از مالک خود و خزان سرشمار آن کوتاه کنید و مَجْد اسلام را اعاده کنید و دست از اختلافات و هواهای نفسانی بردارید که شما دارای همه چیز هستید. بر فرهنگ اسلام تکیه زنید و با غرب و غرب‌زدگی مبارزه نمایید و روی پای خودتان بایستید.»

۱- صحیفة نور، ج ۱۴، ص ۸۳.

برای حفظ همبستگی و وحدت میان مسلمانان، باید به نکات زیر توجه کنیم :

۱- مستکبران جهانی که با اصل اسلام و پیام قرآن کریم دشمنی دارند و به صورت‌های مختلف به پیامبر بزرگوار ما و کتاب آسمانی ما اهانت می‌کنند، در صدد نابودی اسلام و ضعیف نگهداشتمن همه مسلمانان هستند. راهی که برای این هدف خود انتخاب کرده‌اند، تفرقه و جنگ میان مسلمانان است. ما باید با هوشیاری خود در این دام نیفتیم.

۲- از اهانت و توهین به مقدسات سایر مسلمانان خودداری کنیم. آنان که می‌خواهند مسلمانان را با هم دشمن کنند، با استفاده از همین توهین‌ها، بذر دشمنی میان مسلمانان را می‌کارند و در موقع مناسب، درو می‌کنند و به هدف خود می‌رسند.

۳- خود را از سایر مسلمانان دور ندانیم و برای پیروزی، عزت و سربلندی مسلمانان، در تمام نقاط جهان تلاش کنیم و تا آنجا که می‌توانیم برای آبادانی و پیشرفت جهان اسلام همکاری کنیم و به این سخن پیامبر گرامی توجه کامل داشته باشیم که فرمود :

کسی که صبح خود را آغاز کند و در اندیشه رسیدگی به سایر مسلمانان نباشد، مسلمان نیست.^۱

۴- از مظلومان مسلمان در تمام نقاط جهان، با روش‌های درست دفاع کنیم و برای رهایی آنان از ظلم بکوشیم. زیرا رسول خدا ﷺ در این باره هم فرمود :

هر کس فریاد دادخواهی مظلومی را که از مسلمانان یاری می‌طلبد، بشنود، اما به یاری آن مظلوم برخیزد، مسلمان نیست.^۲

۵- اعتقادات خود را با دانش و استدلال، اعتلا و ارتقا بیخشیم تا بتوانیم با دیگر مسلمانان براساس معرفت و استدلال سخن بگوییم و اعتقادات خود را به نحو صحیح بیان کنیم. دفاع منطقی از اعتقادات نه تنها سبب تفرقه و جدایی نمی‌شود، بلکه دل‌ها را به یکدیگر نزدیک می‌کند. بنابراین لازم است برنامه‌ای برای شناخت بیشتر معارف اهل بیت ﷺ تنظیم کنیم و شرکت در سخنرانی‌های علمی و مطالعه کتاب‌های مناسب را در برنامه خود قرار دهیم.

۶- به عنوان یک پیرو امیر المؤمنین، به‌گونه‌ای زندگی کنیم که سبب بدینی دیگران به تشیع نشویم. رسول خدا و اهل بیت ایشان را اسوه قرار دهیم و در انجام تکالیف خود، مانند برپاداشتن

۱- من اصبح ذَلَّمَ بِهِمْ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ (کافی، ج ۲، ص ۱۶۳)

۲- من سمع رجلاً يُنادي يا للمسلمين فلم يَجِدْهُ فليس بمسلم (کافی، ج ۲، ص ۱۶۴)

نماز، رعایت حجاب و عفاف، رعایت حقوق دیگران، ادب معاشرت با مردم، پیروی از قوانین اجتماعی، همبستگی با مسلمانان کوشا باشیم و بدانیم که پیرو رسول خدا ﷺ و اهل بیت گرامی ایشان بودن، تنها به اسم نیست، بلکه اسم باید با عمل همراه باشد تا پیرو حقیقی پدید آید. شیعه با عمل سبب علاقه مندی مردم جهان به پیامبر اکرم و اهل بیت ایشان (صلوات الله علیہم) می شود و شیعه بدون عمل دوری مردم به آن بزرگواران را در بی دارد، و این خود گناه بزرگی محسوب می گردد. از این رو امام صادق علیه السلام می فرماید :

زینت خاندان ما باشید
کونوا لَنَا زَيْنًا
وَ لَا تَكُونوا عَلَيْنَا شَيْنًا
و مایه زشتی و عیب ما نباشید^۱



- ۱- کدام یک از وزیرگی های امیر المؤمنین در دوره کوتاه خلافت سبب علاقه بیشتر مسلمانان به آن حضرت شد؟ نمونه ای برای آن ذکر کنید.
- ۲- چرا رسول خدا ﷺ به صورت های گوناگون فضائل حضرت علی علیه السلام را برای مردم بیان می کرد؟
- ۳- مقصود از این سخن پیامبر که «علی با حق است و حق با علی است» چه می باشد؟
- ۴- چه رابطه ای میان این سخن پیامبر که «علی با قرآن و قرآن با علی است» و حدیث ثقلین وجود دارد؟

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۸

درس ۷

وضع فرهنگی و سیاسی عصر ائمه (علیهم السلام)

دیدیم که مقام امامت رسول خدا ﷺ، پس از ایشان ادامه می‌یابد و براساس تدبیر حکیمانهٔ خداوند، قرآن کریم و اهل بیت پیامبر اسلام، به عنوان دو میراث گرانبها تا آخر الزمان راهنمای ما انسان‌ها به سوی رستگاری و فلاح خواهند بود.

اکنون می‌خواهیم نحوهٔ برخورد جامعهٔ اسلامی با این دو میراث گران‌قدر رسول خدا ﷺ را بررسی کنیم.

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ

فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ

عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

وَلَدَارُ الْأَخِرَةِ خَيْرٌ

لِّذِينَ اتَّقُوا

أَفَلَا تَعْقِلُونَ

۱۰۹، سف

و محمد نیست، مگر رسولی

کہ پیش از او رسولان دیگری بودند۔

یس اگر او بمیرد یا کشته شود،

آیا شما به (دین) گذشتگان خود برخواهید گشت؟

و هر کس به عقب بازگردد،

به خدا هیچ گزند و زیانی نرساند

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ

أَفَانْ ماتَ أَوْ قُتِلَ

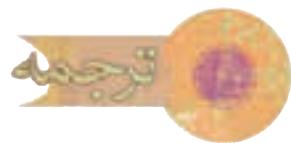
أَنْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ

وَمَنْ يَنْقُلْ عَلَيْهِ عَقْبَيْهِ

فَلَمْ يُضِّرِ اللَّهُ شَيْئًا

وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ

۱۴۴ آن، عمد آل



به کمک توضیحات زیر، آیات را ترجیمه کنید.

أَفَلَمْ يَسِيرُوا : تَابَنْگَرَنَدْ

فَيَنْظُرُوا : تَابَنْگَرَنَدْ



سوره/آیه	با اندیشه در آیات، به سوال‌های زیر پاسخ دهید.
یوسف ۱۰۹	<p>۱- قرآن کریم چه درخواستی درباره گذشتگان دارد؟</p> <p>.....</p> <p>۲- نتیجه عمل به این درخواست، تشخیص چه چیزی است؟</p> <p>.....</p> <p>۳- از نظر قرآن کریم زندگی کدام دسته از انسان‌ها مورد قبول است؟</p> <p>.....</p> <p>۴- قرآن کریم مسلمانان زمان پیامبر (ص) را از چه چیزی بیم می‌دهد؟</p> <p>.....</p> <p>۵- از نظر قرآن کریم، سپاسگزاران واقعی نعمت رسالت چه کسانی هستند؟</p> <p>.....</p> <p>۶- بیان تاریخ گذشتگان، از جمله تاریخ اسلام برای چه کسانی عبرت‌آموز است؟</p> <p>.....</p>
یوسف ۱۰۹	

هشدار قرآن کریم به مسلمانان عصر پیامبر ﷺ نیازمند دقت و توجه فراوان است. این هشدار گویای آن است که خطر انحراف از مسیر الهی و دور شدن از جامعهٔ توحیدی، حتی برای جامعه‌ای که به دست پیامبر هم بنا شده، وجود دارد.

امیرمؤمنان علی اللہ تعالیٰ که از ابتدای بعثت پیامبر اکرم، همراه ایشان بود و از تعلیمات آن بزرگوار به خوبی برخوردار شده بود، وقتی نحوه عمل مسلمانان، پس از رحلت پیامبر را مشاهده کرد، با روشن‌بینی و درک عمیقی که از نتیجه رفتارها و واقعیت داشت، در زمان‌های مختلف سمت و سوی حوادث آینده و سرنوشت جامعه اسلامی را پیش‌بینی می‌کرد و در سخنرانی‌های متعدد مسلمانان را نسبت به عاقبت رفتارشان بیم می‌داد.^۱

آن حضرت در یکی از سخنرانی‌ها فرمود:

«به زودی پس از من زمانی فراخواهد رسید که در آن زمان چیزی پوشیده‌تر از حق و آشکارتر از باطل و رایج‌تر از دروغ بر خدا و پیامبرش نباشد. نزد مردم آن زمان، کالایی کم بهتر از قرآن نیست، وقتی که بخواهد به درستی خوانده شود. و کالایی رایج‌تر و فراوان‌تر از آن نیست، آن گاه که بخواهند به صورت وارونه و به نفع دنیاطلبان معناش کنند. در آن ایام، در شهرها، چیزی ناشناخته‌تر از معروف و خیر و شناخته شده‌تر از منکر و گناه نیست.

آن مردم در اختلاف با یکدیگر و پراکنده‌گی متحدند و از اتحاد و یگانگی رویگردانند. گویا آنان خود را راهنمای قرآن می‌دانند، نه قرآن را راهنمای خود، از قرآن در میان آنان جز نامی باقی نمانده و جز خط و نوشته‌اش چیزی از آن نمی‌دانند...»^۲

ایشان در سخنرانی دیگری از حاکم شدن بنی امیه خبر می‌دهد و آن را نتیجه سستی مسلمانان در دفاع از حق می‌داند و درباره رفتار بنی امیه می‌فرماید:

«به خدا سوگند بنی امیه تا آن‌جا در ستمگری و تجاوز پیش می‌روند که هر حالی را حرام نمایند و هر پیمانی را که بسته‌اند، بشکنند. هیچ کلبه‌گلی و خیمهٔ فقیرانه‌ای نیست، مگر آن که ظلمشان را ببینند و فشارشان را تحمل کنند. رفتار بنی امیه چنان بد است که اهالی همین خانه را هم متفرق سازد. کار به آن‌جا خواهد رسید که هم گروهی که دینشان را می‌خواهند بر دینشان بگرینند و هم گروهی که دنیای خود را می‌خواهند بر ناسامانی دنیای خود گریانند. وضع به گونه‌ای شود که هر کس بخواهد دادخواهی کند و از کسی یاری بطلبید باید نزد همان ظالمان برود و از همان‌ها کمک بخواهد.»^۳

۱- برخی از این سخنرانی‌ها در کتاب «نهج البلاغه» آمده است، از جمله در خطبه‌های ۹۸، ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۸ و ۱۶۶.

۲- نهج البلاغه، قسمتی از خطبه^{۱۴۷}

۳- نهج البلاغه، قسمتی از خطبه^{۹۸}

۴- حفظ کردن عین سخنان امیر المؤمنین ضروری نیست. فقط می‌توان سوالاتی مشابه با فعالیت تطبیق از این سخنان طراحی کرد.



این سخنان گویای آن است که بیشتر مسلمانان به هشدار قرآن کریم عمل نکردند و سپاسگزار واقعی نعمت رسالت نشدند و در نتیجه حاکمان ستمگر بر آنان چیره گردیدند. با تأمل در سخنان امیر المؤمنین پنج مورد از نشانه‌های بازگشت مسلمانان به دوره جاهلیت را بیان کنید.

- ۱
- ۲
- ۳
- ۴
- ۵

پس از رحلت رسول خدا ﷺ در سال یازدهم هجری، حواشی رخ داد که رهبری امت را از مسیری که پیامبر اسلام ﷺ برنامه ریزی کرده و بدان فرمان داده بود، خارج کرد و در نتیجه، نظام حکومت اسلامی که بر مبنای «امامت» طراحی شده بود، تحقق نیافت. دستاورد این پیشامد آن بود که امامان معصوم با وجود حضور در جامعه، قادر قدرت و امکانات لازم برای اجرای همه جانبه مسئولیت‌های خود شوند. پس از گذشت ۲۵ سال از رحلت پیامبر، فقط در یک دوره کوتاه چهار سال و نه ماهه، اداره حکومت به حضرت علیؑ رسید و ایشان در همین دوره کوتاه، عالی‌ترین نمونه انسانی حکومت را به همه نسل‌ها در سراسر تاریخ عرضه کرد. در نتیجه خروج جریان رهبری از مسیر امامت، پس از مدت کوتاهی، جانشینی رسول خدا ﷺ به دست کسانی افتاد که با نفرت و کینه با آن حضرت مبارزه کرده بودند و فقط هنگامی حاضر به اسلام آوردن شدند که پیامبر اکرم ﷺ شهر آنان، مکه، را تصرف کرد، و آنان راهی جز تسلیم و اطاعت نداشتند. ابوسفیان که رهبری مشرکان را بر عهده داشت، حدود دو سال قبل از رحلت پیامبر به ناچار تسلیم شد و به ظاهر، اعلام مسلمانی کرد. معاویه، پسر او در سال چهلم هجری به نام جانشینی پیامبر ﷺ، حکومت مسلمانان را به دست گرفت و خلافت رسول خدا ﷺ را به سلطنت تبدیل کرد. او، یزید را جانشین خود قرار داد. شخصی که از هیچ کار زشت و ناپسندی ابایی

نداشت. زنان را حتی اگر در عقد دیگران بودند، مجبور به طلاق می‌کرد و به کاخ می‌آورد. احکام خداوند، مانند نماز را به بازی و مسخره می‌گرفت. آشکارا شراب می‌خورد. سگ‌بازی و میمون‌بازی کار روزانه او بود. با همان سگ و میمون وارد مجالس می‌شد و آن‌ها را کنار دست خود می‌نشاند. چنین شخصی نوء گرامی پیامبر، امام حسین و یارانش را با چنان وضع هولناکی به شهادت رساند و خانواده ایشان را به عنوان اسیر، در شهرها می‌گرداند. جانشینان وی تا سال ۱۳۲ هجری قمری بر مردم حکمرانی کردند.

روشن است که وقتی سرسخت‌ترین دشمنان رسول خدا صلوات الله عليه و آله و سلم، به نام جانشینی ایشان حکمرانی بر مسلمانان را به چنگ آورند، با خانواده پیامبر صلوات الله عليه و آله و سلم و تعالیم آن بزرگوار و معارف حقیقی قرآن کریم چگونه رفتار می‌کنند.

پس از سقوط بنی امیه، در زمانی که امام صادق صلوات الله عليه و آله و سلم رهبری شیعیان را بر عهده داشت، حکومت مسلمانان به دست بنی عباس افتاد. آنان با این که خود را عموزادگان ائمه اطهار صلوات الله عليه و آله و سلم می‌دانستند و به نام اهل بیت، قدرت را از بنی امیه گرفته بودند، روش سلطنتی بنی امیه را ادامه دادند و در ظلم و ستم به اهل بیت پیامبر صلوات الله عليه و آله و سلم از چیزی فروگذار نکردند؛ به‌گونه‌ای که اگر تحول معنوی و فرهنگی ایجاد شده در عصر پیامبر صلوات الله عليه و آله و سلم و دو میراث گران‌قدر آن حضرت – قرآن کریم و ائمه اطهار صلوات الله عليه و آله و سلم – نبود، جز نامی از اسلام باقی نمی‌ماند. اکنون به بررسی مسائل و مشکلات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این دوره می‌پردازیم، تا به مجاهدت‌های امامان بزرگوار بیشتر بپریم.^۱

۱- ممنوعیت از نوشتن احادیث پیامبر اکرم صلوات الله عليه و آله و سلم

پس از رحلت رسول خدا صلوات الله عليه و آله و سلم، نوشتن احادیث آن حضرت ممنوع شد. به همین جهت، کسانی که به احادیث علاقه‌مند بودند، فقط می‌توانستند آن‌ها را به حافظه بسپارند و از این طریق به دیگران منتقل کنند. نگهداری حدیث به این شیوه، چند اشکال اساسی داشت؛ از جمله این که :

الف) احتمال خطا در نقل احادیث افزایش می‌یافت و امکان کم و زیاد شدن عبارت‌ها یا فراموش شدن اصل حدیث فراهم می‌شد.

ب) شرایط مناسب برای جاعلان حدیث فراهم می‌آمد که بر اساس اغراض شخصی به جعل یا تحریف حدیث بپردازند یا به نفع حاکمان ستمگر از نقل برخی احادیث خودداری کنند.

۱- برای توضیح بیشتر به کتاب‌های فروع ابدیت و فروع امامت از آیت الله جعفر سبحانی مراجعه کنید.

ج) نوشته نشدن حدیث سبب می شد که مدرک و منبعی که از طریق آن بتوان احادیث درست را از نادرست تشخیص داد، در دست نباشد.

د) مهم‌تر از همه این که مردم و محققان از یک منبع مهم هدایت بی بهره می‌مانند و به ناچار، سلیقه شخصی را در احکام دینی دخالت می‌دادند.

تذکر : البته این وضع برای پیروان ائمه پیش نیامد زیرا احادیث پیامبر نزد ایشان حفظ شده بود. شیعیان این احادیث را از طریق این بزرگواران که خود انسان‌هایی معصوم و به دور از خطابودند و سخنانشان مانند سخنان رسول خدا ﷺ معتبر و موثق بود، به دست می‌آورند.

۲- تحریف در معارف اسلامی و جعل احادیث

برخی از عالمان و ابسته به قدرت و گروهی از علمای اهل کتاب (یهودی و مسیحی) مانند کعب‌الاحبار که ظاهراً مسلمان شده بودند، از موقعیت و شرایط برکناری امام معصوم استفاده کردند و به تفسیر و تعلیم آیات قرآن و معارف اسلامی، مطابق با افکار خود و موافق با منافع قدرتمدان پرداختند. برخی از آن‌ها در مساجد می‌نشستند و داستان‌های خرافی درباره پیامبران برای مردم نقل می‌کردند. این مطالب به افکار کسانی که از ائمه اطهار علیهم السلام پیروی نمی‌کردند، جهت می‌داد و در کتاب‌های تاریخی و تفسیری آنان راه می‌یافت و سبب گمراهی بسیاری از مسلمانان می‌شد.

حاکمان بنی‌امیه و بنی عباس اغلب به اندیشه‌هایی میدان می‌دادند که به قدرت آنان کمک می‌کرد و مردم را مطیع آنان می‌گرداند. برخی از دنیا دوستان برای تزدیکی به این حاکمان، احادیثی از قول پیامبر اکرم ﷺ جعل می‌کردند و از حاکمان جایزه می‌گرفتند.



نمونه‌ای از احادیث مجعل

کعب‌الاحبار از علمای یهودی تازه مسلمان بود که در زمان خلیفه سوم به مقام قضاؤت رسید. او پس از آن به دربار معاویه و امویان راه یافت و توجیه گر کارهای آنان شد. حکام اموی که سرگرم جمع آوری ثروت و ساختن کاخ‌های باشکوه بودند، وقتی با اعتراض مردم روبرو می‌شدند، به کعب‌الاحبار روی

می‌آوردند. روزی یکی از همین حاکمان که گنجینه‌های بزرگ طلا فراهم کرده بود، از او پرسید: «اگر کسی زکات واجب طلا و نقره خود را داده باشد، آیا واجب است کار دیگری هم انجام دهد؟» وی گفت: «حتی اگر تک‌تک لقمه‌هایش هم از طلا و نقره باشد، هیچ‌چیز دیگری بر او واجب نیست.» ابوذر، صحابی بزرگ پیامبر ﷺ که در آن مجلس حاضر بود و می‌دید که چگونه فردی بیگانه با ارزش‌های اسلام، به نام اسلام از ثروت‌اندوزان دفاع می‌کند، از شدت خشم و بدون ترس از حاکم، عصای خود را بر سر او زد و فریاد برآورد:

«ای کافر! تو را با احکام مسلمانان چه کار؟ آیا سخن خداوند راست‌تر از سخن تو نیست که می‌فرماید: آنان که زر و سیم می‌اندوزنند و آن را در راه خدا اتفاق نمی‌کنند، به عذابی دردنگ بشارشان ده!»^۱

۳— ظهر شخصیت‌ها و الگوهای غیرقابل اعتماد

عموم مردم در افکار و اعتقادات و رفتار و عمل، دنباله‌رو شخصیت‌های برجسته جامعه خود هستند و آن‌ها را اسوه قرار می‌دهند. اگر این الگوهای صاحب کمالات و ارزش‌های الهی باشند، مردم نیز به نسبت همت و استعداد خود از این کمالات و ارزش‌ها بهره‌مند می‌شوند و اگر آن‌ها به سوی زشتی‌ها و بدی‌ها بروند، بیشتر مردم نیز از آن‌ها دنباله‌روی خواهند کرد.

در آن زمان که رسول خدا ﷺ اسوه مردم بود و مسلمانان تلاش می‌کردند رفتار ایشان را سرمشق قرار دهند، انسان‌هایی آزاده، شجاع، باایمان و عدالت طلب چون امام علی علیهم السلام، مقداد، عمار، ابوذر و سلمان تربیت شدند، که یاد آنان یادآور فضائل و کرامات‌های انسانی است.

اما هرچه که جامعه از زمان پیامبر ﷺ فاصله می‌گرفت، حاکمان وقت تلاش می‌کردند که شخصیت‌های اصیل اسلامی، بهخصوص اهل بیت پیامبر ﷺ، به ازروا کشیده شوند و افرادی که در اندیشه و عمل و اخلاق از معیارهای اسلامی به دورند، در جامعه جایگاهی بر جسته پیدا کنند و الگوی مردم شوند. این‌گونه شخصیت‌ها در دستگاه حکومت بنی امیه و بنی عباس صاحب موقعیت بودند و به شهرت رسیدند.

۱— توبه ۳۴

۲— مستدرک الوسائل، میرزای نوری، ج ۷، ص ۲۶

۴- تبدیل حکومت عدل نبوی به سلطنت قیصری و کسرایی

پیامبر خدا ﷺ حکومتش را بر پایهٔ برابری و مساوات بنا کرد و اعلام کرد همهٔ انسان‌ها از یک مرد و زن آفریده شده‌اند و ملاک کرامت و گرامی بودن، تقواست.^۱

پس از گذشت مدتی از رحلت رسول خدا ﷺ جاهلیت در لباسی جدید وارد زندگی اجتماعی مسلمانان شد. شخصیت‌های باقیوا، جهادگر و مورد احترام و اعتماد پیامبر ﷺ منزوی شدند و طالبان قدرت و ثروت، قرب و منزلت یافتند. آن دسته از افراد که در زمان رسول خدا ﷺ در جبهه دشمنان اسلام بودند، پس از مدتی با تزویر و نیرنگ خود را در جبههٔ دوستان قرار دادند و به تدریج، شیوهٔ حکومتی قیصران روم و کسراهای ایران را در پیش گرفتند. آنان کاخ‌های بزرگ و مجلل ساختند، خزانهٔ خود را از جواهرات گران‌قیمت اباشته کردند، اکثر املاک و زمین‌های کشاورزی در کشور پهناور اسلامی را به مالکیت خود درآوردند و به عیش و نوش و عشرت پرداختند.



به نمونه‌ای از این انحراف و بازگشت به جاهلیت توجه کنید.

معاویه که در زمان خلیفهٔ دوم حاکم شام شده بود، از همان ابتدا می‌کوشید مانند قیصرهای روم زندگی کند، اموال بیت‌المال را اموال خود می‌دانست و به هر کس که می‌خواست می‌بخشید. اولین حاکم مسلمانان بود که کاخ ساخت. معماران رومی و ایرانی را برای ساختن این کاخ به کار گرفت و آن را با سنگ مرمر سبز بنا کرد. به همین جهت، این کاخ به کاخ سبز مشهور شد.

در آن روزها که کاخ ساخته می‌شد، ابوذر، یار صمیمی پیامبر ﷺ که دورهٔ تبعید خود را در شام می‌گذراند، به کنار کاخ می‌آمد و فریاد می‌زد: «ای معاویه! اگر این کاخ را از ثروت خود می‌سازی، اسراف است و اگر از ثروت بیت‌المال، خیانت است.»

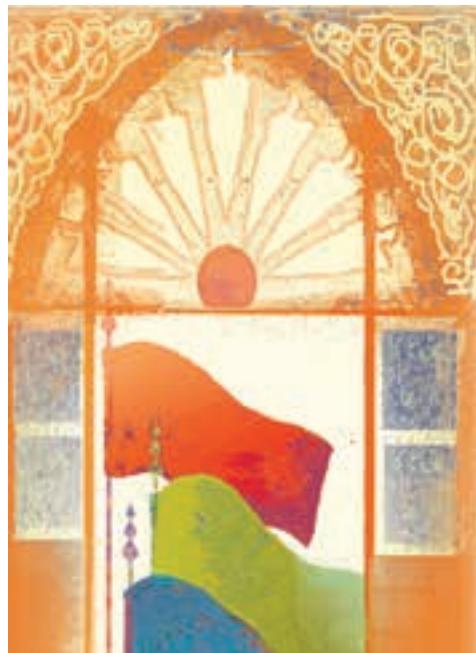
۱- حُجَّرات، ۱۳



- ۱- چرا قرآن کریم مردم را به مطالعه سرگذشت ملت‌ها دعوت کرده است؟
- ۲- چه مسائلی زمینه را برای ورود جعل و تحریف به احادیث پیامبر اکرم ﷺ آماده کرد؟
- ۳- تفاوت‌های اساسی حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس با رهبری پیامبر ﷺ چه بود؟



- با مطالعه یکی از کتاب‌های زیر عواملی را که سبب حاکمیت کسانی چون معاویه و بیزید بر مسلمانان شد، استخراج کنید و در کلاس گزارش دهید.
- الف - حماسه حسینی، استاد شهید مطهری
 - ب - تاریخ سیاسی ائمه علیهم السلام، جواد محمدثی
 - ج - تاریخ سیاسی اسلام، رسول جعفریان
 - د - سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی



درس ۸

احیای ارزش‌های راستین

در درس قبل با شرایط فرهنگی و سیاسی پس از رحلت پیامبر ﷺ آشنا شدیم. در این درس می‌خواهیم بدانیم که امامان بزرگوار ما در این شرایط سخت چگونه مسئولیت‌های مربوط به امامت را به انجام رساندند و اقدامات ایشان چه تأثیری در جامعه اسلامی داشت.



آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

قُلْ مَا أَسَأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ *أَجْرٍ

بگو، برای این [رسالت] از شما هیچ

مزدی نمی خواهم،

مگر کسی که بخواهد

راهی به سوی خدا پیش گیرد.

إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ

إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا

فرقان، ۵۷

قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ

فَهُوَ لَكُمْ

إِنْ أَجْرٍ إِلَّا عَلَى اللّٰهِ

وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

سبأ

قُلْ لَا أَسَأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا

إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى

وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً

نَزِدُ لَهُ فِيهَا حُسْنًا

إِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ شَكُورٌ

شوری، ۲۳

* معولاً «من» در جمله‌های منفی یا سؤالی «هیچ» معنا می‌شود.



به کمک توضیحات زیر، ترجمه آیات را تکمیل کنید.

ما سَأَلْتُكُمْ : آنچه از شما خواسته‌ام

أَجْرِي : مزد من، پاداش من

إِنْ : نیست، نه

لَا أَسْأَلُكُمْ : از شما درخواست نمی‌کنم

يَقْتَرِفُ : کسب کند

ئَزِدْ : می‌افرایم



با اندیشه در آیات ابتدای درس، به سوال‌های زیر پاسخ دهید.

۱- بنابر آیه ۵۷ سوره فرقان چه کسانی پاداش رسالت را خواهند داد؟

.....
۲- خداوند در آیه ۲۳ سوره شوری به پیامبر خود فرمان می‌دهد که چه چیزی را پاداش رسالت خود معرفی کند؟

.....
۳- در آیه ۴۷ سوره سباء، خداوند از پیامبر اکرم می‌خواهد که به مردم بگوید که اگر از شما مزدی می‌خواهیم، برای خودتان است. چگونه این مزد برای خود آن‌هاست؟

با توجه به پیام آیات در می‌بایس که خداوند مقصود خاصی از این فرمان دارد. او می‌خواهد که مردم با محبت به اهل بیت پیامبر ﷺ و پیروی از آن‌ها، در هنگام آزمون‌های سخت اجتماعی و بحران‌های اعتقادی و فکری راه مستقیم را گم نکنند و گمراه نشوند. پس دوستی و محبت کسانی موردنظر است که چرا غ هدایت مردم در تاریکی‌ها هستند. پس از نزول آیه ۲۳ سوره شوری از رسول خدا پرسیدند که این خویشان که خداوند، ما را به دوستی آنان فرمان داده، کیستند؟

فرمود: علی و فاطمه و دو پسر ایشان، حسن و حسین^۱

اما همان‌طور که در درس قبل خواندیم، بسیاری از مسلمانان در تشخیص مسیر صحیح به خط رفتند و حاکمان ستمگر بر آنان چیره شدند. امیر المؤمنین که عاقبت رفتار آنان را پیش‌بینی می‌کرد، راه نجات را هم به آنان نشان می‌داد. در یکی از سخنرانی‌ها که قسمتی از آن در درس قبل آمد، آنان را این‌گونه راهنمایی می‌کند:

«آگاه باشید که وقتی می‌توانید در آن شرایط راه رستگاری را تشخیص دهید که ابتدا رهاکنندگان و پشت‌کنندگان به صراط مستقیم را شناسایی نمایید. وقتی می‌توانید به عهد خود با قرآن وفا کنید که شکنندگان پیمان را تشخیص دهید. و آن‌گاه می‌توانید پیرو قرآن باشید که فراموش کنندگان قرآن را بشناسید.»

آن‌گاه امیر مؤمنان راه حل نهایی را بیان می‌کند و می‌فرماید:

«پس همه این‌ها را از اهله طلب کنید. آنان هستند که نظر دادن و حکم کردن‌شان حکایتگر توانایی و داشن آن‌هاست، سکوت‌شان خبردهنده منطق و گفتارشان است و ظاهرشان نمودار باطنشان می‌باشد. هرگز با دین مخالفت نمی‌کنند و در دین اختلاف ندارند. دین در میان آنان شاهدی صادق و در عین سکوت، گویاست.»^۲



۱- بخار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۲۲، الدرالمنثور، جلال الدین سیوطی، ج ۶، ص ۷

۲- نهج البلاغه، قسمت‌هایی از خطبه ۱۴۷.



با دقت در سخنان امام، چهار محور از راهنمایی‌های آن حضرت را بنویسید:

- -۱
- -۲
- -۳
- -۴

وقتی خوب دقت می‌کنیم و میان آیات و روایات ارتباط برقرار می‌کنیم، می‌بینیم که اینان، همان اهل بیت رسول خدا ﷺ هستند که پس از رحلت رسول خدا ﷺ برای انجام دادن مسئولیت‌های دوگانه مقام امامت، قیام کردند تا از مسخر و تحریف اسلام جلوگیری کنند و مردم را از تاریکی و ظلمتی که طاغوت‌های جدید پدید آورده بودند، به درآورند و به روشنایی و نور برسانند.^۱ تلاش ائمه علیهم السلام سبب شد تا چهره اسلام راستین که براساس توحید، عدل و امامت استوار است و متناسب با شرایط زمان به نیازهای انسان‌ها پاسخ می‌دهد باقی بماند. تلاش و مجاهدت امامان را می‌توان در قالب مسئولیت‌های دوگانه مقام امامت بررسی کرد.

الف) اقدامات مربوط به مرجعیت دینی

۱- تعلیم و تفسیر قرآن کریم : در حالی که حاکمان زمان به افراد فاقد صلاحیت میدان می‌دادند که قرآن را مطابق با اندیشه‌های باطل خود تفسیر کنند، امامان بزرگوار در هر فرصتی که به دست می‌آوردند، معارف این کتاب آسمانی را بیان می‌کردند و رهنمودهای آن را آشکار می‌ساختند. در نتیجه این اقدام، مشتاقان معارف قرآنی، حتی آنان که تابع امامت امامان بزرگوار نیز نبودند توانستند از معارف قرآن بهره برد و به حقایق آن دست یابند.



۱- امامان بزرگوار مفسرانی را تربیت کردند که معارف قرآن را میان مردم بیان کنند. برخی از این مفسران عبارتند از: عبدالله بن عباس، عبدالله بن مسعود، جابر بن عبد الله انصاری، سعید بن جبیر، مجاهد بن جابر مکّی، طاوس بن کیسان، رفیع بن مهران، جابر بن یزید جُعفی، اسماعیل بن عبدالرحمن کوفی، ابوسعید حسن بصری، قتاده و ابوصالح باذان.^۱

۲- نمونه‌های فراوانی از تفسیرهای ناروای افراد فاقد صلاحیت و اقدامات روشنگرانه ائمه اطهار علیهم السلام در تاریخ نقل شده است که به یک مورد آن‌ها اشاره می‌کنیم. در زمان ائمه اطهار علیهم السلام گروهی پیدا شدند که فکر می‌کردند خداوند جسم دارد. آنان برای اثبات اندیشه خود از بعضی عبارت‌های قرآن نظیر «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» - دست خداوند بالای دست‌هایشان است^۲ » کمک می‌گرفتند.

امامان بزرگوار توضیح می‌دادند که آیات قرآن را با آیه‌های دیگر باید تفسیر کرد. قرآن کریم می‌فرماید:

«الْيَسَ كَمِيلِهِ شَيْءٌ - هیچ چیزی مانند او [خدا] نیست^۳»؛ پس، نمی‌توان دستی مانند دست انسان‌ها برای خدا تصور کرد. در عربی، ید، علاوه بر دست، به معنای قدرت هم به کار می‌رود. بنابراین، تفسیر آیه این است که قدرت خداوند از همه قدرت‌ها برتر است. به سبب همین روشن‌گری‌ها، افکار شرک‌آلو و کفرآمیز که معمولاً وارد تعالیم انبیای گذشته شده بود و برای مردم، عادی جلوه می‌کرد، نتوانست در میان مسلمانان جایگاهی پیدا کند.

۲- اقدام برای حفظ سخنان و سیره پیامبر صلوات الله عليه و آله و سلم: امام علی عليه السلام و فاطمه زهرا عليها السلام سخنان پیامبر صلوات الله عليه و آله و سلم و آداب زندگی ایشان را به فرزندان خود آموزش می‌دادند و از آنان می‌خواستند که این آموزش‌ها را به امامان بزرگوار بعد از خود منتقل کنند، به علاوه، می‌کوشیدند نشان دهند که این

۱- تاریخ تفسیر و نحو، دکتر سید محمد باقر حجتی، بنیاد قرآن، ص ۲۵ تا ۶۶

۲- فتح، ۱۰

۳- سوری ۱۱

آموزش‌ها از پیامبر ﷺ است. هریک از امامان، علاوه بر این که این علوم را به امام بعد از خود می‌سپرد، می‌کوشید آن‌ها را در جامعه گسترش دهد و یاران خود را بر اساس آن‌ها تربیت کند. به نمونه‌ای در این مورد توجه کنید.

هنگامی که امام رضا علیه السلام به اجبار مأمور می‌خواست از مدینه به مرو – پایخت حکومت مأمون – برود، در مسیر حرکت خود به نیشابور رسید. هزاران نفر از مردم به استقبال ایشان آمده بودند و گروه زیادی از آنان، قلم‌هایشان را آماده کرده بودند تا هرچه امام می‌گوید، بنویسند و برای خود و آیندگان نگذارند. وقتی امام در جمع مردم قرار گرفت، آن‌ها به ایشان اصرار کردند که برایشان سخن بگوید. امام به آنان فرمود :

«من از پدرم، امام کاظم علیه السلام، شنیدم و ایشان از پدرش، امام صادق علیه السلام، و ایشان از پدرش امام باقر علیه السلام و ایشان از پدرش، امام سجاد علیه السلام و ایشان از پدرش، امام حسین علیه السلام و ایشان از پدرش، امام علی علیه السلام و ایشان از رسول خدا علیه السلام شنید که فرمود، خداوند می‌فرماید :

كَلِمَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابٍ
كلمة لا إله إلا الله قلعة محكم من است و هركس به اين قلعة محكم من وارد شود، از عذاب
من در امان می‌ماند.

پس از اندکی درنگ، امام فرمود :

بِشُرُوتِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوتِهَا

مقصود امام علیه السلام این بود که توحید تنها یک لفظ و شعار نیست. بلکه باید در زندگی اجتماعی ظاهر شود. و تجلی توحید در زندگی اجتماعی با ولایت امام که همان ولایت خداست، میسر است. نحوه بیان این حدیث نشان می‌دهد که چگونه احادیث، از امامی به امام دیگر منتقل می‌شده است. به جهت توالی اسامی امامان در این حدیث، به حدیث سلسله الذهب (یعنی زنجیره طلا) مشهور است.
۳- تبیین معارف اسلامی متناسب با نیازهای نو : با گسترش سرزمین‌های اسلامی، سؤال‌های مختلفی در زمینه‌های احکام، اخلاق، افکار و نظام کشورداری پدید آمد. ائمه اطهار علیهم السلام با تکیه بر علم الهی خود، به دور از ارزوا و گوشہ‌گیری و با حضور سازنده و فعال، درباره همه این مسائل اظهار نظر کرده و مسلمانان را از معارف خود بهره‌مند می‌ساختند. ثمره این حضور سازنده، فراهم آمدن کتاب‌های بزرگ در حدیث و سیره ائمه اطهار علیهم السلام در کتاب سیره پیامبر علیه السلام و قرآن کریم است. در میان این کتاب‌ها می‌توان از کتاب «نهج البلاغه» که بخش‌هایی از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات حضرت علی علیه السلام است،

کتاب «غُرْرُ الْحِكَمَ و دُرْرُ الْكَلِمَ» شامل یازده هزار سخن کوتاه از آن حضرت و کتاب «صحیفه سجادیه» از امام سجاد الله علیه السلام نام برد. علاوه بر این، دانشمندان اسلامی و راویان حدیث، سخنان رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام را در مجموعه‌هایی گردآورده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: «کافی» از مرحوم کلینی، «نقن لا يَحْضُرُهُ الْفَقِيْه» از مرحوم صدوق، «النهذب» و «الاستبصار» از مرحوم شیخ طوسی. به این چهار کتاب، «كتب اربعه» می‌گویند.

۴- تربیت شخصیت‌های اسلامی: از جمله وظایف انسان‌های بزرگوار و با کرامت آن است که اگر افرادی را مستعد و مشتاق فضیلت یافتند، به تربیت آنان همت گمارند و برای رسیدن به رشد و کمال پاریshan دهنند و از زیبایی‌ها و فضایل وجود خود، به آنان بیخشند. ائمه اطهار علیهم السلام در این راه کوشش فراوان کردند. از این رو، در اطراف هر یک از این بزرگواران، شخصیت‌های برجسته‌ای تربیت شدند که در علم، ایمان، تقاو و جهاد در راه خدا سرآمد انسان‌های زمان خویش بودند. آن‌ها اندیشه‌های اسلام راستین را در عالم گسترش دادند و آرمان‌های متعالی آن را حفظ کردند.



به نمونه‌های زیر در این باره توجه کنید:

۱- یاران برجسته رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم مانند سلمان فارسی، عمار، ابودر و مقداد پس از رحلت آن بزرگوار، گرد امام علی الله علیه السلام جمع شدند. آن حضرت علاوه بر توجه به آنان، گروه زیادی از انسان‌های دانشمند، مجاهد و صاحب فضیلت مانند اویس قرنی، کمیل بن زیاد، میثم تمار و رشید هجری (پیشوaran عرفان و معنویت)، عبدالله بن عباس (تفسیر قرآن کریم)، مالک اشتر و محمدبن ابی بکر (پیشتازان جهاد و مبارزه) که در پایه‌گذاری فرهنگ اسلامی نقش برجسته‌ای داشتند، تربیت کرد.

۲- امام سجاد الله علیه السلام در شرایط سخت بعد از قیام عاشورا با صبر و بردباری و هوشیاری، بار دیگر علاقه‌مندان به اهل بیت علیهم السلام را گردآورد و به تعلیم آنان پرداخت. اسامی یکصد و هفتاد نفر از شاگردان امام سجاد الله علیه السلام یا کسانی که از ایشان حدیث نقل کرده‌اند، در تاریخ ثبت شده است. در میان آنان، شخصیت‌های برجسته‌ای چون ابو حمزه ظمالي و سعیدبن جبیر قرار داشتند که در دانش و تقاو و

بصیرت و جهاد نام آور بودند. سعید بن جبیر به خاطر پیروی از امام، به وسیله فرماندار بنی امیه به صورتی فجیع به شهادت رسید.

۳- عصر امام باقر علیه السلام به بعد عصر شکل‌گیری و حضور اندیشه‌های گوناگون و مذاهب مختلف در جامعه بود و حتی منکران خدا به ترویج افکار خود می‌پرداختند. همان‌گونه که در تاریخ نقل کرده‌اند، مأمون عباسی جلسات مناظره میان صاحبان مذاهب و ادیان تشکیل می‌داد و خود به تماشا و داوری می‌نشست. در این شرایط، ائمه اطهار علیهم السلام به تربیت افرادی متخصص در زمینه‌های اعتقادی، علمی و فقهی اقدام کردند که سرآمد دانشمندان زمان خود بودند. ابو حمزه ثمالی (عالی و محدث)، هشام بن حکم (متفسّر و توانا در مناظره)، جابرین حیان (شیعی دان نامی که او را پدر علم شیعی نامیده‌اند)، مؤمن طاق (متخصص در معارف اعتقادی)، هشام بن محمد (مورخی که بیش از ۲۰۰ کتاب تألیف کرده)، فضل بن شاذان (فقیه، محدث و متکلم) و احمد بن محمد برقی (از شاگردان امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام که بیش از صد کتاب تألیف کرده) از جمله این دانشمندان هستند. در تاریخ، اسمی چهارصد تن از شاگردان امام صادق علیه السلام که دارای کتاب‌اند، درج شده است. همچنین از یکصد و ده تن از شاگردان و کسانی که از امام جواد علیه السلام حدیث نقل کرده‌اند، در کتاب‌های تاریخ نام برد شده که در میان آنان نام کسانی چون علی بن ابراهیم مهذی‌بارا هوایی را که بیش از سی جلد کتاب تألیف کرده است، می‌توان دید.

بهره‌مندی از محضر ائمه اطهار علیهم السلام به شیعیان اختصاص نداشت و هر طالب علمی با شرکت در جلسات درس آنان می‌توانست از دانش آن بزرگواران استفاده کند. ابوحنیفه، امام مذهب حنفی، محمد بن ادريس، امام مذهب شافعی، مالک بن انس، پیشوای مذهب مالکی و نیز سفیان ثوری، از جمله کسانی هستند که از محضر امامان بزرگوار، بهره علمی برده‌اند.



در درس قبل با شرایط و مشکلات اجتماعی پس از رحلت پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم آشنا شدیم. اکنون توضیح دهید که این چهار اقدام ائمه اطهار علیهم السلام پاسخ‌گوی کدام یک از مشکلات آن دوره بوده است.

ب) مجاھدہ در راستای ولایت ظاھری

امامان بزرگوار، از دو جهت با حاکمان زمان خود مبارزه می‌کردند: اول، از آن جهت که رهبری و اداره جامعه از جانب خداوند به آنان سپرده شده بود و لازم بود که برای انجام دادن این وظیفه به پاخیزند و در صورت وجود شرایط و امکانات، حاکمان غاصب را برکنار کنند.

دوم، از آن جهت که سکوت در مقابل ظلم و زیرپا گذاشتن قوانین اسلامی را گناه می‌دانستند و معتقد بودند که اگر حاکمی، حقوق مردم را زیر پا گذارد و به احکام اسلامی عمل نکند، براساس وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، باید با او مقابله و مبارزه کرد.

البته آنان در این مجاھدہ از اصولی تبعیت می‌کردند که در اینجا برخی از آن‌ها را مطرح می‌کنیم:

۱- عدم تأیید حاکمان: امامان هیچ یک از حاکمان غیرقانونی عصر خود را به عنوان جانشین رسول خدا صلوات الله عليه و آله و سلم تأیید نکردند و این امر را به شیوه‌های گوناگون به اطلاع مردم رساندند.

گرچه امامان تفاوت‌های اخلاقی و رفتاری حاکمان را در نظر می‌گرفتند و در مواردی که بر طبق دستورات اسلام رفتار می‌کردند، عملشان را تأیید می‌نمودند، اما آنان را در غصب خلافت و جانشینی رسول خدا صلوات الله عليه و آله و سلم یکسان می‌دیدند و این مسئله را به مردم اعلام می‌کردند.

۲- معرفی خویش به عنوان امام برحق: آن بزرگواران همواره خود را به عنوان امام و جانشین برحق پیامبر اکرم صلوات الله عليه و آله و سلم معرفی می‌کردند؛ به گونه‌ای که مردم بدانند تنها آن‌ها جانشین رسول خدا و امام برحق جامعه‌اند.

این دو اصل، همواره برای حاکمان زمان هم روشن بود، آن‌ها می‌دانستند که امامان، حاکمان را به عنوان جانشین رسول خدا صلوات الله عليه و آله و سلم به رسمیت نمی‌شناشند و مشروعیتی برای آن‌ها قائل نیستند و خود را لایق این مسؤولیت می‌دانند. به همین جهت همواره با امامان به بدی رفتار می‌کردند و نسبت به آنان و یارانشان انواع سختی‌ها و آزار و اذیت‌ها روا می‌داشتند تا آن‌جا که همه آن بزرگواران به شیوه‌های گوناگون توسط حاکمان وقت به شهادت رسیدند.

۳- آگاهی بخشی به مردم: ائمه اطهار علیهم السلام راه رهایی مسلمانان از دست حاکمان طاغوتی و مشکلات اجتماعی را آگاه شدن آنان می‌دانستند. از نظر آن‌ها رشد و آگاهی مردم یک اصل اساسی بود و برای تحقق آن حتی از ایثار جان و مال خود دریغ نداشتند.

۴- انتخاب شیوه‌های درست مبارزه: امامان شیوه مبارزه با حاکمان را متناسب با شرایط زمان برمی‌گزینند؛ به گونه‌ای که هم تفکر اصیل اسلام راستین – یعنی تشیع – باقی بماند و هم به تدریج، بنای ظلم و جور بنی امیه و بنی عباس سست شود، در عین حال، روش زندگی امامان، به عنوان اسلام

حقیقی، به نسل‌های آینده معرفی گردد.

آنان می‌کوشیدند آن بخشن از اقدامات و مبارزات خود را که دشمن به آن حساسیت دارد، در قالب «تفیه» به پیش بیرند. یعنی اقدامات خود را مخفی نگه دارند، به گونه‌ای که در عین ضربه زدن به دشمن، کمتر ضربه بخورند. از جمله این موارد، ارتباط میان امامان و یاران آن‌ها از نقاط مختلف سرزمین اسلامی بود. امامان ما با مخفی نگهداشت این ارتباط نمی‌گذاشتند حاکمان بنی امیه و بنی عباس، این یاران صمیمی، قابل اعتماد و فداکار را شناسایی کنند و به شهادت برسانند.

به نمونه‌هایی از این شیوه‌های مختلف مبارزه توجه کنید.

۱- حضرت علی اللهم لا يزال پس از این که از حق مسلم خود در رهبری جامعه اسلامی محروم ماند، برای حفظ نظام نوپای اسلامی سکوت پیشه کرد. در عین حال گوشگیری هم در پیش نگرفت؛ او هرجا که کاری خلاف موازین اسلام می‌دید، انتقاد می‌کرد و هرجا هم که از وی کمک می‌خواستند، آنان را یاری می‌نمود.

۲- امام حسن اللهم لا يزال نیز مانند پدر بزرگ‌گوارشان دستور جهاد علیه معاویه را صادر کرد. معاویه با صرف هزینه‌های زیاد توانست بیشتر فرماندهان سپاه امام را از نبرد با خود منصرف کند و با حیله‌ها و نیز نگاهای گوناگون مردم را با خود همراه سازد. امام با سنجیدن جوانب کار، سرانجام صلاح را بر آن دید که برخلاف میل خود، از جنگ دست بردارد و با معاویه قرارداد صلح امضا کند.

۳- امام حسین اللهم لا يزال در زمان معاویه همان روش برادر بزرگ‌گوارش را بعد از صلح، پیش گرفت و علیه معاویه دست به جهاد نزد. اما وقتی بزید به حکومت رسید، امام روش خود را تغییر داد و متناسب با شرایط جدید، تصمیم گرفت زیر بار بیعت بزید نزود و علیه وی قیام کند.

۴- پس از شهادت امام حسین اللهم لا يزال و سرکوبی شدید شیعیان، سازمان تشیع از هم پاشید. به همین جهت، امام سجاد اللهم لا يزال در کنار گسترش معارف از طریق دعا، به تجدید بنای سازمان تشیع پرداخت. انسان‌هایی فرهیخته و دارای بینش عمیق را تربیت کرد و بار دیگر با علاوه‌مندان اهل بیت ارتباط برقرار نمود. به سبب همین اقدامات بار دیگر تشیع به عنوان یک جریان بزرگ فکری و سیاسی در جامعه حضور فعل پیدا کرد.

۵- در اثر فعالیت‌های امام سجاد اللهم لا يزال، در دوران امام باقر اللهم لا يزال زمان معرفی اسلام اصیل فرارسید.

امام اقدام علمی و فرهنگی مهمی را آغاز کرد و آن پایه‌گذاری یک مدرسه علمی بزرگ در مدینه بود، که با توجه به ظهور فرقه‌های گوناگون در جهان اسلام اقدامی ضروری بود. در این مدرسه علمی، معارف اصیل اسلامی تدریس می‌شد. امام پیوسته شایستگی حاکمان غاصب و جبار زمان را زیر

سؤال می‌برد و نظر اسلام را درباره امامت و خلافت بیان می‌کرد. اما هنوز زمان قیام عليه این حاکمان را مناسب نمی‌دید. به همین جهت، وقتی برادر آن حضرت، به نام زید، برای سازمان دادن یک قیام به ایشان مراجعه کرد، امام او را از این کار بازداشت و او نیز اطاعت کرد.

۶- در زمان امام صادق ع ناخشنودی نسبت به دستگاه بنی امية به اوج رسیده بود. در این شرایط دو جناح علیه امویان فعالیت می‌کردند، یکی عباسیان و دیگری علویان. علویان، دوستداران اهل بیت ع بودند. به همین جهت امام صادق ع مبارزه خود را علنی تر کرد و در فرصت‌های مناسب از جمله در روز عرفه در مراسم حج، حق حکومت را از آن خود اعلام نمود و فرمود: «ای مردم! رسول خدا امام و رهبر بود، پس از او علی ع و سپس حسن و حسین و علی بن حسین و محمدبن علی ع به ترتیب امام بودند و اکون من امام هستم.»

حتی به زیدبن علی، عمومی خود اجازه قیام داد. البته براثر اشتباهات مسلمانان و روی آوردن آن‌ها به بنی عباس، با پیروز شدن بنی عباس بر بنی امية، دوران اختناق و سخت‌گیری نسبت به علویان دوباره آغاز شد.

امام صادق ع در تمام دوران امامت خود، مدرسه علمی را که امام باقر ع پایه گذاری کرده بود، توسعه داد و هزاران شاگرد را در رشته‌های مختلف معارف اسلام تربیت کرد.

۷- دوره امام کاظم ع دوره شدت اختناق بود اما ایشان دست از مبارزه برنداشت و آن را به صورت مخفیانه و در قالب «تقبیه» ادامه داد و به تربیت شیعیان پرداخت. آن حضرت سال‌های طولانی را نیز در زندان‌ها به سر برداشت.

۸- بعد از شهادت امام کاظم ع، امام رضا ع امامت و رهبری شیعیان را بر عهده داشت. ده سال از امامت ایشان در دوره هارون عباسی بود که دوران بسیار سخت و مشکلی محسوب می‌شد. با روی کار آمدن مأمون زمینه فعالیت شیعیان بیشتر شد و بر تعداد علاوه‌مندان به امام افزوده شد. به طوری که مأمون برای جلب یاران امام و علویان به خود، به اجبار و زور امام را ولیعهد و جانشین خود معرفی کرد. اما بعدها به خاطر ناکامی در نقشه‌های خود امام را به شهادت رساند.

۹- با شهادت امام رضا ع مرحله بسیار سختی برای شیعیان و علویان پدید آمد، به طوری که حتی ارتباط معمولی و آمد و رفت به خانه امام جواد ع نیز مشکل شد. امام هادی ع را به اجبار به سامرا که مرکز خلافت بود، آوردند و در محلی که یک پادگان نظامی بود، منزل دادند و بالاخره در همین محل به شهادت رساندند. امام حسن عسکری ع نیز در همین محل و به همین ترتیب به شهادت رسید. با وجود همه این سختگیری‌ها، این سه امام بزرگوار معارف بازمانده از پدران گرامی خود را حفظ کردند و از طریق شاگردان به نسل‌های بعد رساندند و مانع نابودی مکتب اهل بیت ع شدند.

ولایت معنوی امامان

پس از رسول خدا ﷺ، ائمۀ اطهار علیهم السلام واسطه خیر و برکت و رحمت در جهان هستی هستند و علاوه بر راهنمایی‌ها و یاری‌های ظاهری، به اذن خداوند، از طریق معنوی و غیبی نیز به نیازهای مؤمنان پاسخ می‌دهند و آنان را به مقصود می‌رسانند.

بسیاری از انسان‌های با فضیلت که روح خود را پاک کرده و آماده دریافت معرفت الهی بوده‌اند، مورد توجه معنوی ائمۀ اطهار علیهم السلام قرار گرفته‌اند و انوار حکمت و معرفت بر قلب‌های آنان تاییده است. این امدادهای معنوی که قطره‌ای از آن‌ها بر ما انسان‌های معمولی آشکار شده، آن‌چنان گسترده و عظیم است که همه ابعاد آن را نمی‌توان درک کرد. البته آن بزرگواران هرچه دارند، از خدا دارند و اگر خداوند عنایت خود را از کسی قطع کند، هیچ‌چیز برایش باقی نخواهد ماند.^۱ درواقع، مقام و منزلت انسان‌های با فضیلت ناشی از بندگی واقعی آنان در برابر خداست.



آیا ائمۀ اطهار علیهم السلام روش‌های یکسانی در مقابله با حاکمان زمان در پیش گرفتند؟
چرا؟



اگر بخواهیم ائمۀ اطهار علیهم السلام را اسوه‌های خود در زندگی سیاسی و اجتماعی
قرار دهیم، مهم‌ترین درس‌های عملی این بزرگواران کدامند؟ با بررسی مجموعه درس و
خواندن قسمت‌های «برای مطالعه» پاسخ را تنظیم کنید.

۱- برای آشنایی بیشتر با ابعاد ولایت معنوی پیامبر اکرم ﷺ و ائمۀ اطهار علیهم السلام، به زیارت جامعه کبیره در کتاب مفاتیح الجنان مراجعه کنید.

کام سوم

خدا یا تو را پاس کناریم که چراغ های فروزان بدایست را فرارا ده
بر افروختی تازه ظلمات جمل و سرگردانی به روشنایی هرفت و ایمان
راه یابیم.

برای شکر کناری از این نعمت بکیران، تلاش می کنیم:
ا- برای افزایش هرفت به آئمه اهmar علیهم السلام اقدامات زیر را
انجام دیم:

۲- برای کرمی بخندن به زندگی از راه محبت به آن بزرگواران
برنامه های زیر را پسکیری کنیم.

۳- برای پیروی از رفتار آنان تصمیم های زیر را پسکیریم:

درس ۹

خوشید پنهان

حضرت مَهْدِی - عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَی فِرْجَه - دوازدهمین امام ما، در سپیده دم جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری در «سامرا» متولد شد و تا سال ۲۶۰ در کنار پدر زندگی کرد. امام عسکری ع در این مدت، ایشان را از گزند حاکمان عباسی که تصمیم بر قتل وی داشتند، حفظ نمود و با آن که در محاصره نبیروها و جاسوسان حاکمان بود، ایشان را به یاران نزدیک و مورد اعتماد نشان می‌داد و به عنوان امام بعد از خود معرفی می‌کرد.^۱ پس از شهادت امام حسن عسکری ع در سال ۲۶۰، امامت حضرت مَهْدِی ع آغاز شد. دوره اول امامت ایشان که تا سال ۳۲۹ طول کشید، «غیبت صغیر» نامیده می‌شود. امام در این دوره زندگی مخفی داشت اما از طریق چهار نفر از یاران صمیمی و مورد اعتماد پیروان خود را رهبری می‌کرد. این چهار شخصیت بزرگوار به «نُوَّاب»، «نُوَّاب خاص» معروف‌اند.

شش روز مانده به درگذشت آخرین نایب، امام عصر(ع) برای ایشان نامه‌ای نوشت و فرمود پس از وی جانشینی نیست و مرحله دوم امامت در شکل «غیبت کبری» آغاز شده است.

درباره امامت امام مَهْدِی ع موضوعات مهمی وجود دارد که در قالب سؤال، به برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

۱- برای مطالعه بیشتر درباره زندگی امام زمان ع به این کتاب‌ها مراجعه کنید: پیدای پنهان، تألیف پورسید آقایی، صبح امید، تألیف جواد محدثی، امام زمان در گفتار دیگران، تألیف علی دوانی، دادگستر جهان، تألیف ابراهیم امینی.

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

این بدان سبب است که خداوند

ذُلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ

تغییر نمی دهد نعمتی را که

لَمْ يَكُنْ مُغَيِّرًا نِعْمَةً

بر قومی ارزانی داشته

أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ

مگر آن که آنها تغییر دهند

حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا

وضع خویش را

مَا بِأَنفُسِهِمْ

.....

وَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَالِمٌ

انفال، ۵۳

.....

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ

.....

حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ

رعد، ۱۱



به کمک توضیحات زیر، ترجمه آیات را تکمیل کنید.

بِأَنفُسِهِمْ : خودشان را

لَا يُغَيِّرُ : تغییر نمی دهد



سوره/آیه	با تفکر در آیات ابتدای درس، عبارت‌های زیر را تکمیل کنید.
.....	۱- اگر مردم نعمتی را که خدا به آنان داده ضایع کنند.....
.....	۲- عامل از دست دادن نعمت
.....	۳- زمینه‌ساز هلاکت و بدیختی یا عزت و سربلندی یک جامعه

۱- علت غیبت امام مهدی الائمه چیست؟

خداآوند نعمت هدایت را با وجود انبیاء و اولیای خود کامل کرده و راه رسیدن به رستگاری را به انسان‌ها نشان داده است. آن‌ها نه تنها راه سعادت را به مردم معرفی کردند بلکه دل‌سوزتر از پدری مهریان برای نجات آنان کوشیدند و رنج کشیدند.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، خود و امام علی الائمه را پدران امت معرفی فرموده است^۱ و روشن است که دل‌سوزی پدر برای فرزندان خود قابل توصیف نیست. اما فرزندان ناسیاس، قدر پدران مهریان خود را شناختند و چنان در مسیر غلط پیش رفتند که یازده تن از رهبران آسمانی خود را شهید کردند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در زمان حیات، درباره دوازده جانشین و امام بعد از خود با مردم سخن گفته بود و حضرت مهدی الائمه را معرفی کرده بود. امیرالمؤمنین و سایر امامان نیز درباره امام زمان الائمه و رسالتی که بر عهده دارد، یاد کرده بودند. از این‌رو حاکمان بنی عباس در صدد بودند که مهدی موعود الائمه را به محض تولد از بین ببرند. آنان امام دهم الائمه و سپس امام یازدهم الائمه و خانواده ایشان را در محله‌ای نظامی در شهر سامرای منزل دادند و رفت و آمد های آنان را زیر نظر گرفتند تا در صورت امکان، امام دوازدهم را در همان کودکی به شهادت برسانند.

به سبب این قدرناشناستی و ناسیاسی و در خطر بودن جان آن حضرت، خداوند آخرین ذخیره و حجّت خود را از نظرها پنهان کرد تا امامت در شکلی جدید و از پس پردهٔ غیبت ادامه یابد. ادامه یافتن این

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «أَنَا وَعَلِيُّ أَبْوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ - مِنْ وَعْلَىٰ بَدْرَانِ أَنِ امْتَمِ». علل الشرایع، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۱۲۷.

غیبت نیز بر اثر باقی ماندن همان شرایط و عدم آمادگی مردم برای ظهور می‌باشد. این غیبت آنقدر ادامه می‌یابد که نه تنها مسلمانان، بلکه جامعه انسانی شایستگی درک ظهور و بهره‌مندی کامل از وجود آخرين حجت الهی را پیدا کند. در آن زمان، بشریت عملی شدن وعده‌های الهی در مورد حکومت صالحان و برپایی عدالت جهانی را به چشم خواهد دید و همان طور که پامبر اکرم ﷺ فرموده:

«خداؤند زمین را پر از قسط و عدل خواهد کرد، بعد از این که پر از ظلم و جور شده باشد».۱
امام علی علیه السلام می‌فرماید: زمین از حجت خدا (امام) خالی نمی‌ماند. اما خداوند، به علت ستمگری انسان‌ها و زیاده‌روی‌شان در گناه، آنان را از وجود حجت در میانشان بی‌بهره می‌سازد.^۲

امام باقر علیه السلام نیز فرموده‌اند: قضای حقی خداوند است که اگر به بندۀ خود نعمتی دهد، آن نعمت را از او نمی‌گیرد مگر آن که گناهی انجام دهد که شایستگی داشتن آن نعمت را از دست دهد و این مطلب، مطابق با این سخن خداوند است.^۳ سپس ایشان آیات ۵۲ سوره انفال و ۱۱ سوره رعد را قرائت کرد.

از این سخنان در می‌باییم که تغییر و تحول در امور مربوط به جامعه، قوانین و سنت‌های خاص خود را دارد که باید بدان‌ها توجه کرد؛ برای مثال، در جامعه‌ای که گرفتار بی‌عدالتی است، تصمیم یک فرد یا گروهی محدود برای برقراری عدالت، اگر از همراهی دیگر افراد برخوردار نباشد، به نتیجه نمی‌رسد. گسترش علم و فرهنگ نیز همین‌طور است. تنها زمانی داشن و فرهنگ یک ملت پیشرفت و ترقی می‌کند که عموم افراد جامعه مشتاق و خواهان این پیشرفت باشند.
به همین جهت قرآن کریم می‌فرماید که تا اقوام و ملت‌ها تغییر نکنند، خداوند نیز اوضاع و شرایط زندگی آنان را تغییر نخواهد داد.

۲— رهبری و امامت حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت چگونه انجام می‌شود؟
برای درک درست رهبری امام در عصر غیبت، ابتدا باید توجه کنیم که «غیبت» در اینجا در مقابل «ظهور» است، نه «حضور». امام را «غایب» نامیده‌اند؛ زیرا ایشان از نظرها «غایب» است، نه این که در جامعه حضور ندارد. ایشان چون خورشید عالم تاب، انوار هدایت و رهبری خود را بر مسلمانان می‌تاباند. به عبارت دیگر، این انسان‌ها هستند که امام را نمی‌بینند، نه این که ایشان در بین مردم حضور نداشته باشند.

۳— تفسیر نورالتحلیل، ج ۲، ص ۴۸۸

۲— غیبت نعمانی، ترجمه، ص ۲۰۲

۱— غیبت طوسی، ص ۴۹

امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید :

حجه خداوند در میان مردم حضور دارد، از معابر و خیابان‌ها عبور می‌کند ... به نقاط مختلف جهان می‌رود، سخن مردم را می‌شنود و بر جماعت مردم سلام می‌کند. می‌بیند و دیده نمی‌شود؛ تا این که زمان ظهور و وعده الهی و ندای آسمانی فرامی‌رسد. هان! آن روز، روز شادی فرزندان علی علیه السلام و پیروان اوست^۱.

امام عصر علیه السلام، خود می‌فرماید : «بهره‌بردن از من در عصر غیبتم، مانند بهره‌بردن از آفتاب است هنگامی که پشت ابرها باشد.»^۲ این پنهان بودن در پشت ابر ناشی از عدم شایستگی انسان‌ها در بهره‌مندی از رهبری ظاهری ایشان است.

آری، بخش اصلی رهبری امام مربوط به ولايت معنوی است. ایشان که به اذن خداوند از احوال انسان‌ها آگاه است، به صورت‌های مختلف، افراد مستعد و بهویژه شیعیان و محبان خویش را از کمک‌ها و امدادهای معنوی برای رشد و تعالی برخوردار می‌سازد. امام عصر علیه السلام در نامه‌ای به شیخ مفید^۳، از علمای بزرگ اسلام، می‌فرماید :

ما از اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نمی‌ماند.
ایشان در ادامه همین نامه می‌فرماید :

ما در رسیدگی [به شما] و سریرستی شما کوتاهی و سستی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نمی‌بریم که اگر جز این بود، دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان، شما را ریشه کن می‌کردند.^۴

از این نامه در می‌باییم که لطف و محبت امام همواره وجود دارد تا جایی که اگر کمک و دستگیری ایشان نباشد، مشکلات و توطئه‌های دشمنان، ریشه مسلمانان و شیعیان را قطع خواهد کرد. در حقیقت، هم اکنون نیز امام عصر علیه السلام سریرست، حافظ و یاور مسلمانان است. هدایت باطنی افراد، حل بعضی

۱- کتاب الغيبة، نعمانی، ص ۱۴۴.

۲- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۳، ص ۱۸۱.

۳- شیخ مفید در سال ۲۸۱ هجری به مرجعیت شیعیان رسید و تا سال ۴۱۳ به مدت ۳۲ سال مرجعیت شیعیان را بر عهده داشت. شیخ مفید بالغ بر دویست عنوان کتاب و رساله تألیف کرد و شاگردان بزرگی چون سید مرتضی، سید رضی و شیخ طوسی تربیت کرد و در تحکیم جایگاه تشیع در جهان اسلام بسیار مؤثر بود.

۴- الاحتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۶.

از مشکلات علمی علماء، خبر دادن از پاره‌ای رویدادها، دستگیری از درماندگان، شفای بیماران و دعا برای مؤمنان، نمونه‌هایی از این دستگیری‌هاست. چه بسیارند افرادی که از باری آن حضرت برخوردار می‌شوند؛ بدون آن که ایشان را بشناسند.

بنابراین، دورهٔ غیبت، به معنای عدم رهبری امام عصر اللهم لا نیست بلکه رهبری حقیقی مسلمانان هم اکنون نیز با ایشان است. اما این رهبری را انسان‌های عادی حس نمی‌کنند؛ همان‌طور که برخی از انسان‌ها فواید خورشید پشت ابر را در نمی‌یابند. اگر شب عالم را فراگیرد و خورشید هیچ‌گاه طلوع نکند، آن زمان است که نعمت وجود خورشید پشت ابر نیز بر همگان روشن خواهد شد.

همچنین بخش رهبری ظاهری را ایشان به عالمان دین واگذار کرده است که در دروس بعد به آن خواهیم پرداخت.

مقایسه

هر یک از حالت‌های زیر به کدام‌یک از حالت‌های خورشید شبیه است؟ آن‌ها را مشخص کنید و نتیجهٔ هر یک از این شباهت‌ها را توضیح دهید.

۱- وجود امام همراه با ظاهر بودن در میان مردم

۲- وجود امام و غایب بودن از مردم

۳- نبود امام

خود ارزیابی

امام با مهر و محبت خود به یاد ماست. از دشواری‌های ما رنج می‌برد و از اعمال ما نگران است. آیا ما برنامه‌ای تدارک دیده‌ایم که همواره به یاد آن حضرت باشیم؟

این برنامه شامل چه قسمت‌هایی است؟

۳— دوران غیبت چه زمانی پایان می‌یابد؟

تعیین زمان ظهر در اختیار خداست و کسی جز از آن آگاهی ندارد. آنچه برای ظهر لازم است، احساس نیاز جهانی به کمک الهی، ناامیدی از همه مکتب‌های غیرالهی و آمادگی لازم پیروان و یاران امام برای همکاری با ایشان است و از این امور جز خداوند، کس دیگری آگاهی ندارد. بنابراین، کسانی که زمان ظهر را پیش‌گویی می‌کنند، دروغگویند. وقتی از امام باقر ع پرسیدند که آیا برای ظهر و وقتی معین شده است، سه بار فرمود:

کَذِبَ الْوَقَاتُونَ : تعیین کنندگان وقت، دروغگویند.^۱

پیامبر اکرم فرمودند:

مَثَلُ ظَهُورِ حَضْرَتِ مَهْدَى ع ، **مَثَلٌ** بِرَبِّابِي قِيمَاتِ اسْتَ . مَهْدَى ع نَمِيَ آيَدِ مَكْرُ نَاكَهَانِی .^۲

۴— امام عصر ع عمر بسیار طولانی دارد. آیا چنین عمری امکان‌پذیر است؟

در پاسخ می‌گوییم: برخی امور از نظر عقلی امکان‌پذیر نیستند و محال است در جهان خارج پیدا شوند؛ برای مثال، ممکن نیست که یک عدد هم زوج و هم فرد باشد. همچنین، ممکن نیست یک جسم در یک زمان، هم در مکان الف باشد و هم در مکان ب. اما برخی امور هستند که پیدا شن آنها از نظر عقلی امکان‌پذیر است اما شرایط و عوامل خارجی بسیار زیادی باید دست به دست هم دهند تا آن امور تحقق یابند. اینها امور غیرعادی‌اند، نه غیرعقلی. طولانی شدن عمر انسان‌ها از جمله این امور است. از نظر عقلی، بدن انسان می‌تواند هزاران سال زنده بماند. اما تحقق این هدف، تحت تأثیر هزاران هزار عامل طبیعی و زیستی در بیرون و داخل بدن انسان است. امروزه دانشمندان تعداد اندکی از این عوامل را شناخته‌اند و تلاش می‌کنند که روز به روز آگاهی خود را بیش‌تر کنند تا بتوانند عمر انسان را طولانی‌تر نمایند. از آن‌جا که خداوند از تمام این شرایط آگاهی دارد به قدرت و اراده خود جسم مبارک امام عصر ع را جوان نگه می‌دارد تا آن حضرت به حیات خود ادامه دهد. پس، عمر طولانی امام امری غیرعادی است، نه غیرعقلی و محال. و چنین عمری با قدرت الهی عملی می‌شود.

۱— بخار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳.

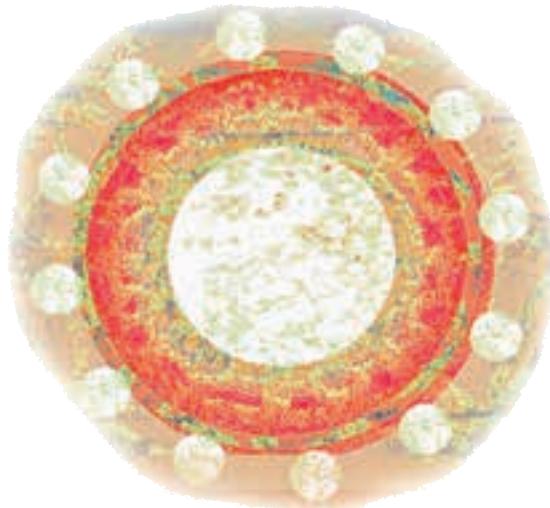
۲— منتخب الانثر، ص ۱۲۴ و ۲۲۴



- ۱- با توجه به آیه ۱۱ سوره رعد، علت اصلی غیبت امام عصر(عج) را توضیح دهید.
- ۲- چرا غیبت امام عصر ﷺ به خورشید پشت ابر تشبیه شده است؟
- ۳- غیرعادی و غیرعقلی (محال) چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟ برای هر کدام سه مثال ذکر کنید.
- ۴- قرآن کریم خبر می‌دهد که حضرت نوح ﷺ ۹۵ سال قوم خود را به توحید دعوت می‌کرد. از این خبر چه نتایجی می‌توان گرفت؟



- ۱- اگر قطعه‌ای ادبی، شعر، خاطره یا داستانی جذاب درباره حضرت مهدی ﷺ سراغ دارید، آن را در قالب طرحی زیبا ارائه دهید یا در کلاس بخوانید.
- ۲- احساس لطیف خود درباره امام عصر ﷺ را در گفت‌وگویی صمیمانه با ایشان به قلم بیاورید.



در انتظار طلوع

برآ ای آفتاب بصحب امید که در آم شب بجزان ایم

عقیده به «موعد» و «منجی» در اسلام و به خصوص در تشیع، اعتقادی عمیق و استوار است. این عقیده در میان ارادتمندان به عترت و اهل بیت علیهم السلام چنان ریشه دارد که آثار و جلوه‌های آن در زندگی روزانه‌شان مشاهده می‌شود. از بامداد تا شامگاه، بعد از هر نماز، یاد امام عصر علیهم السلام، دعا برای سلامتی آن عزیز و درخواست تعجیل در ظهورشان، برنامه‌ای دائمی و پیوسته است. در این درس، می‌خواهیم دو مسئله را بررسی کنیم و به آن‌ها پاسخ دهیم:

- ۱- آیا اعتقاد به «موعد» و «منجی» اختصاص به مسلمانان دارد؟
- ۲- این اعتقاد چگونه زندگی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

خداوند وعده داده به کسانی از شما که ایمان
دارند

و عمل صالح انجام می‌دهند
که آنان را جانشین در زمین قرار دهد
همان طور که قبل از آنان کسانی را جانشین قرار داد
و برای آنان دینشان را مستقر سازد
که برای آن‌ها پسندیده است
و بیمیشان را به اینمی مبدل گرداند
به گونه‌ای که مرا پیرستند
و چیزی را شریک من نگیرند

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِينَ ءامَنُوا مِنْكُمْ

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
لَيَسْتَحْلِفُنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ
كَمَا اسْتَحْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ
وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمْ
الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ
وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ حَوْفِهِمْ أَمَّا
يَعْبُدُونَنِي
لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا

نور، ۵۵

..... وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ
..... عَلَى الَّذِينَ اسْتَصْعِفُوا فِي الْأَرْضِ
..... وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً
..... وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

قصص، ۵

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ
مِنْ بَعْدِ الدِّكْرِ
أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا
عِبَادِي الصَّالِحُونَ

أنبياء، ١٥٥

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ
بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ
لِيُظْهِرَهُ عَلَى الَّذِينَ كُلَّهُ
وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

توبه، ٣٣



به کمک توضیحات زیر، ترجمه را تکمیل کنید.

أَنْ تَمُنَّ : كه متن نهیم	تُرِيدُ : می خواهیم
نَجْعَلَ : قرار دهیم	أُسْتُضْعِفُوا : ناتوانشان کردند
لِيُظْهِرَهُ : تا چیره گرداند آن را	ذِكْرٌ : در اینجا کتاب تورات
يَرِثُها : آن را به ارث برآد	كَرِهٌ : نخواهد، اکراه داشته باشد

آینده تاریخ

تاریخ زندگی انسان‌ها صحنه مبارزه دائمی حق و باطل بوده است. در جبهه حق، خداپرستانی حضور دارند که در راه عدالت، انسان‌دوستی، آزادگی، فضایل اخلاقی و دفاع از حقوق محرومان و مستضعفان تلاش کرده‌اند و صفحات تاریخ را با جهاد و ایثار خود زیبایی و شکوه بخشیده‌اند. در جبهه باطل، خودخواهان و خودپرستانی حضور دارند که شرک و کفر و ستمگری پیشه ساخته و برای رسیدن به خواسته‌های خود، به بهره‌کشی از انسان‌ها و دامن زدن به فساد و بی‌بند و باری پرداخته‌اند. نتیجهٔ نهایی این مبارزه چیست و پیروزی از آنِ کدام جبههٔ خواهد بود؟ جبههٔ حق یا جبههٔ باطل؟ پاسخ به این سؤال با پیش‌انسان دربارهٔ جهان ارتباط دارد. آنان که از شناخت آفرینندهٔ جهان درمانده‌اند و اداره کننده‌ای مدبر و حکیم برای آن نمی‌شناسند، نمی‌توانند آینده‌ای روشن برای تاریخ انسان تصویر کنند.

اما خداپرستان که معتقد‌ند یکی از نامهای خداوند حق‌است و اوست که با حکمت خود، جهان را اداره می‌کند، براساس وعده‌اللهی، باور دارند که آیندهٔ نهایی جهان از آنِ حق خواهد بود و باطل، شکست خورده و مغلوب، صحنهٔ را ترک خواهد کرد و حق طلبان جهان را اداره خواهند کرد و مردم یک زندگی خوب و رو به کمالی خواهند داشت.



سوره/آیه	در آیات ابتدای درس بیندیشید و ببینید که چه آینده‌ای برای تاریخ انسان پیش‌بینی شده است؟
.....
.....
.....
.....
.....
.....

مقایسه

دو بینش طرح شده درباره تاریخ انسان را مقایسه کنید و تأثیر هر کدام را بر روحیه، رفتار و برنامه‌ریزی افراد نشان دهید.

موعد و منجی در ادیان

پیامبران الهی، برای تحقق وعده‌های الهی، از طرح خاصی برای پایان تاریخ سخن گفته‌اند. آنان می‌گویند که در پایان تاریخ، در حالی که شرایط کاملاً آماده شده است، یک ولی الهی ظهور می‌کند و حکومت جهانی و عادلانه‌ای تشکیل می‌دهد که فقط براساس دین خدا اداره می‌شود. این عقیده اصلی پیامبران الهی است اما تعلیمات هر پیامبری، جز پیامبر اسلام پس از وی دستخوش دگرگونی شد. از جمله این دگرگونی‌ها، اعتقاد خاصی بود که پیروان هر پیامبری درباره ظهور موعد پیدا کردند. با وجود این اعتقادات مختلف، همه در اصل الهی بودن پایان تاریخ و ظهور ولی خدا برای برقراری حکومت جهانی اتفاق نظر دارند.

پیرایی مطالعه

— یهودیان معتقدند که هنوز «مسيح» و منجی نیامده است، روزی مسيح خواهد آمد و دین حضرت موسى المتى را در جهان گسترش خواهد داد و عدالت را برقرار خواهد کرد. مسيحيان بر اين باورند که حضرت عيسى المتى همان منجی و موعد آخرالزمان است. آنان در اين باره عقيدة يکي از ياران حضرت عيسى المتى به نام پولس را پذيرفته‌اند که می‌گويد منجي نهايی جهان حضرت عيسى المتى است. او معتقد بود که حضرت عيسى المتى در شبی که مأموران حاکم به مخفیگاهش حمله کردند، دستگیر شد؛ روز بعد او را به صلیب کشیدند و کشتند اما سه روز پس از مرگ،

بر صلیب زنده شد و به آسمان رفت. او دوباره ظهور می‌کند و انسان‌ها را نجات می‌دهد^۱. در آیین زرتشتی، اعتقاد به سُوشیانت که به معنای منجی و رهاننده است، اعتقاد رایجی است و در تمام متون زرتشتی به ظهور این موعود بشارت داده شده است^۲.

اعتقاد به منجی در بین پیروان پیامبران، فرصلت ارزشمندی برای همکاری میان آن‌ها و تلاش برای تحقق آرمان‌های بزرگ همهٔ پیامبران الهی، مانند معنویت، خداپرستی، عدالت، اخلاق و نفی حاکمیت کفر و ستم بر جهان است. این همکاری سبب تزدیکی و همدلی حق طلبان و مانع توطنهای ستمگران می‌شود.

موعد در اسلام

ما مسلمانان بر این عقیده‌ایم که در آخرالزمان منجی بزرگ انسان‌ها حضرت مهدی الائمه از نسل پیامبر اکرم ص ظهور خواهد کرد و حکومت واحد و عادلانهٔ جهانی را تشکیل خواهد داد.

ما معتقدیم که بنابر سخنان صریح پیامبر اکرم ص و ائمهٔ اطهار ع، موعود و منجی انسان‌ها، دوازدهمین امام و فرزند امام حسن عسکری ع است. او هم‌نام پیامبر ص و «مهدی» یکی از لقب‌های اوست. ایشان آخرین ذخیرهٔ الهی است، و با توجه خاص خداوند به حیات خود ادامه می‌دهد تا این که به اذن خداوند ظهور می‌کند و حکومت جهانی اسلام را تشکیل می‌دهد.

در کتاب‌های حدیث اهل سنت تأکید شده که حضرت «مهدی» از نسل پیامبر اکرم ص و حضرت فاطمه ع است، اما هنوز به دنیا نیامده است^۳.

زنده بودن امام زمان ع، مشخص بودن پدر و مادر آن حضرت و حضور ایشان در جامعهٔ فواید زیر را داشته است:

اول این که هر ماجراجوی فربکاری که بخواهد خود را مهدی موعود معرفی کند، به‌زودی شناخته می‌شود و مردم هوشیار فربک او را نمی‌خورند.

دوم این که پیروان آن حضرت، امام خود را حاضر و ناظر بر خود می‌باشند و می‌دانند که ایشان از حال مسلمانان آگاه‌اند و از فدایکاری‌ها و مجاهدت مؤمنان اطلاع دارند.

۱- قرآن کریم کشتن و به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی ع را به صراحةً رد می‌کند و می‌فرماید که آنان در این مسئلهٔ دچار اشتباہ شدند (سوره نساء آیه ۱۵۷).

۲- «سوشیانت» یا «سیر اندیشه ایرانیان دربارهٔ موعود آخرالزمان» از علی‌اصغر مصطفوی.

۳- تاریخ بخاری، ج ۳، ص ۳۴۳، کتاب المهدی، ج ۴، ص ۱۰۷ و مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۵۷.

سوم این که هرگاه آنان احساس کنند، می‌توانند با امام حاضر و ناظر خود سخن بگویند، خواسته‌های خود را با ایشان درمیان گذارند و برای به دست آوردن رضایت ایشان، با امید و نشاط و پویایی تلاش کنند.

چهارم این که جامعه به صورت‌های گوناگون از هدایت‌های امام و از ولایت معنوی ایشان برخوردار می‌گردد.

انتظار موعود

نگاه مثبت دین به آینده تاریخ و اعتقاد به حضرت مهدی(عج)، اصلی به نام «انتظار» را در دل‌ها زنده کرده است.

انسان منتظر، به معنای خاص کلمه، کسی است که هدف و آرمان خود را می‌شناسد و یقین دارد که روزی این هدف در جهان محقق می‌شود. از این‌رو همواره برای رسیدن جامعه به چنین هدفی تلاش می‌کند تا جامعه، هر چند یک قدم، به آن هدف نزدیک‌تر شود. و از آنجا که به خدا و جهان آخرت ایمان دارد، می‌داند که پاداش این تلاش خود را خواهد گرفت.

جامعهٔ منتظر به واقعیت‌های ناهمجارت موجود (نه) می‌گوید و به امید فردای درخشان تلاش می‌کند. جامعهٔ منتظر، حکومت‌های غیرالهی و طاغوتی را نمی‌پذیرد و در مقابل آن‌ها می‌ایستد و مقاومت می‌کند. جامعهٔ منتظر می‌کوشد در جهت همان نوع از جامعه‌ای که انتظارش را می‌کشد حرکت کند؛ برای مثال، اگر در انتظارِ عدالت جهانی است، در حد توان آن را تمرین می‌کند و برای تحقق آن پیش می‌رود؛ به گونه‌ای که جو امع دیگر با مشاهدهٔ جامعهٔ منتظر، مشتاق آن جامعه و آرمان‌های آن شوند.

همان‌طور که برخی از جامعه‌شناسان گفته‌اند، پویایی جامعهٔ شیعه در طول تاریخ، به دو عامل وابسته بوده است:

الف - گذشتۀ سرخ - اعتقاد به عاشورا و آمادگی برای ایثار و شهادت در راه عدالت‌خواهی، آرمانگرایی و حقیقت‌جویی.

ب - آیندهٔ سبز - باور به مهدویت و نپذیرفتن حکومت‌های طاغوتی و تلاش برای گسترش عدالت و انسانیت در سراسر جهان.

مسئولیت‌های منتظر

اکنون جا دارد که بینیم در دورۀ غیبت چه مسئولیت‌هایی بر عهدهٔ منتظران قرار دارد. در این جا



به مهم‌ترین این مسئولیت‌ها اشاره می‌کنیم.

۱- تقویت معرفت، ایمان و محبت به امام: افزایش معرفت به امام عصر(عج) و تقویت محبتی که به دنبال آن می‌آید، وظیفه هر مسلمانی است. پیامبر اکرم ﷺ در سخنانی ضمن معرفی همه امامان، درباره امام عصر ﷺ می‌فرماید:

هر کس که دوست دارد خدا را در حال ایمان کامل و مسلمانی مورد رضایت او ملاقات کند،

ولایت و محبت امام عصر ﷺ را بپذیرد.^۱

عصر غیبت، عصر دودلی‌ها و شک و تردیدهای است. در این دوره، فتنه‌های گوناگون و اندیشه‌های رنگارنگ پیدا می‌شوند و بی‌ایمانی را تبلیغ می‌کنند. مؤمن حقیقی، به خود تردید راه نمی‌دهد و با یقین، برای فردای رoshn آماده می‌شود. پیامبر اکرم ﷺ به حضرت علیؑ فرمود:

بزرگ‌ترین مردمان در ایمان و یقین، کسانی هستند که در روزگاران آینده زندگی می‌کنند، پیامبرشان را ندیده‌اند، امام آن‌ها در غیبت است و فقط به سبب خواندن قرآن کریم و احادیث معصومین ؑ (و تفکر در آن‌ها) ایمان می‌آورند.^۲



چند نمونه از راه‌های تقویت معرفت و محبت پیشنهاد دهید.

.....
.....
.....

۲- پیروی از امام عصر ﷺ: منتظر حقیقی تلاش می‌کند در عصر غیبت هم پیرو امام خود باشد و از ایشان تبعیت کند. پیروی از امام عصر ﷺ پیروی از دستور آن حضرت مبنی بر مراجعته به عالمان دین و تبعیت از آن‌هاست. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

۱- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۳۶، ص ۲۹۶.

۲- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۱۲۵.

خوشاب حال کسی که به حضور «قائم» برسد، درحالی که پیش از قیام او نیز پیرو او باشد.^۱

۳—ایجاد آمادگی در خود و جامعه : منتظر، عصر غیبت را عصر آماده باش برای یاری امام تلقی می کند. او هر لحظه منتظر است ندای امام اللهم اللهم در جهان طین انداز شود و مردم را برای پیوستن به حق فراخواند.

آنان که در زندگی خود با باطل مبارزه نکرده اند و با مستکبران مقابله ننموده اند، در روز ظهور، به علت عدم آمادگی، مانند قوم موسی اللهم اللهم به حضرت مهدی (عج) خواهند گفت : «تو و پروردگارت بروید و بجنگید، ما اینجا می نشینیم».^۲

البته این آمادگی ابعاد گوناگون علمی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی دارد و منحصر به یک تخصص نمی شود. زیرا امام زمان (عج) یارانی توانمند در همه ابعاد می خواهد؛ یارانی که بتوانند مسئولیت های بزرگ عصر ظهور را بر دوش گیرند.

امام صادق اللهم اللهم در توصیف یاران امام عصر (عج) می فرماید :

یاران مهدی (عج) مردمانی مقاوم، سرشار از یقین به خدا و استوارتر از صخره ها هستند؛ اگر به کوه ها روی آورند، آنها را متلاشی می کنند.^۳

امام علی اللهم اللهم درباره کسانی که با امام پیمان می بندند و بیعت می کنند، می فرماید :

امام با این شرط با آنان بیعت می کند که در امانت خیانت نکنند، پاک دامن باشند، اهل دشنام و کلمات رشت نباشند، به ظلم و ستم خون ریزی نکنند، به خانه ای هجوم نبرند، کسی را به ناحق آزار ندهند، ساده زیست باشند و بر مركب های گران قیمت سوار نشوند، لباس های فاخر نپوشند، به حقوق مردم تجاوز نکنند، به یتیمان ستم نکنند، دنبال شهوت رانی نباشند، شراب نتوشنند، به پیمان خود عمل کنند، ثروت و مال را احتکار نکنند... و در راه خدا به شایستگی جهاد نمایند.^۴

چه کسانی می توانند در هنگام ظهور سرشار از یقین و استوارتر از صخره ها باشند؟ چه کسانی می توانند در هنگام بیعت با امام، اهل جهاد و پیکار باشند، پاک دامنی پیشه کنند و اهل زشتی و رشت کاری نباشند؟

۱—بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۱۳۰.

۲—اشاره به آیه ۲۴ سوره مائدہ.

۳—بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۴—الملاحن والفتنه، سیدابن طاووس، ص ۱۴۹

کسانی که قبل از ظهرور آن حضرت، تمرین کرده و در صحنه فعالیت‌های اجتماعی و نبرد دائمی حق و باطل، در جبهه حق حضوری فعال داشته باشند و ایستادگی و مقاومت در مقابل شیاطین درون و برون، ویژگی‌هایی چون شجاعت، عزت نفس، بلندهمتی و پاک دامنی را در خود پرورانده باشند.

کسی که در عصر غیبت تنها با گریه و دعا سر کند و در صحنه نبرد حق طلبان علیه مستکبران حضور نداشته باشد، چنین کسی شجاعت و از جان گذشتگی لازم را به دست نخواهد آورد و در نبرد سهمگین سپاه امام علیه ستمکاران جهان، صحنه را ترک خواهد کرد.

یاران امام، پیشتازان تحول جهانی و سازندگان تمدن متعالی اسلامی‌اند. هسته مرکزی این یاران، سیصد و سیزده نفر، به تعداد یاران پیامبر اکرم ﷺ در جنگ بُدر هستند که بنا به فرموده امام باقر علیه السلام پنجاه نفر از آنان از زنان‌اند.^۱ همچنین، در احادیث آمده که بیشتر یاران امام را جوانان تشکیل می‌دهند.^۲

با ایجاد آمادگی در خود، بکوشیم که از یاران تزدیک امام عصر علیه السلام باشیم.

۴—**دعا برای ظهرور امام** : در انتظار ظهرور بودن، خود از برترین اعمال عصر غیبت است. زیرا فرج و گشایش واقعی برای دینداران با ظهرور آن حضرت حاصل می‌شود. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید :

منتظر فرج الهی باشید و از لطف الهی مأیوس نشوید و بدانید که محبوب‌ترین کارها تزد خداوند،
انتظار فرج است.^۳

لازمه این انتظار، دعا برای ظهرور امام عصر علیه السلام است. بر این اساس، خواست خود را این‌گونه به درگاه خداوند عرضه می‌داریم :

«خدایا! از تو آن دولت با کرامتی را طلب می‌کنیم که با آن، اسلام و اهلش را عزیز می‌گردانی و نفاق و اهلش را خوار می‌سازی. ما را در آن دولت از دعوت‌کنندگان به طاعت خود و رهبران به سوی راهت قرار ده و کرامت دنیا و آخرت را از برکت آن بر ما ارزانی دار.»^۴

۱- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۲۳.

۲- الغيبة، نعمانی، ص ۱۰۷.

۳- الخصال، ج ۲، ص ۶۱۶، تحف العقول، ص ۱۰۴.

۴- بخشی از دعای افتتاح که معمولاً در شب‌های ماه مبارک رمضان خوانده می‌شود.

۱- رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره ویژگی‌های منتظران می‌فرماید :

درس دیگر اعتقاد به مهدویت و جشن‌های نیمة شعبان برای من و شما این است که هرچند اعتقاد به ظهر حضرت مهدی - ارواحنا فداء - یک آرمان والاست و در آن هیچ شکی نیست اما نباید مسئله را فقط به جنبه آرمانی آن ختم کرد؛ یعنی، معنوان یک آرزو در دل یا حداکثر در زبان، یا به صورت جشن، نه؛ این آرمانی است که باید عمل به دنبال آن باید. انتظاری که از آن سخن گفته‌اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست؛ انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان ع آماده کنیم. سربازی امام زمان کار آسانی نیست. سربازی منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی، آگاهی و روشن‌بینی دارد. عده‌ای این اعتقاد را وسیله‌ای برای تخدیر خود یا دیگران قرار می‌دهند؛ این غلط است. ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان خواهد آمد و دنیا را پراز عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه‌ای نداریم. نه، به عکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهر آن بزرگوار آماده شویم. در گذشته کسانی که منتظر بودند، سلاح خود را همیشه همراه داشتند. این یک عمل نمادین است و معنایش این است که انسان از لحاظ علمی، فکری و عملی باید خود را بسازد و در میدان‌های فعالیت و مبارزه، آماده کار باشد.^۱

مشتاق و منتظر امام زمان ع این گونه با ایشان نجوا می‌کند :

ای پادشاه خوبان، داد از غم تهانی	دل بی توبه جان آمد، وقت است که بازآیی
دائم کل این بستان شاداب نی ماز	دریاب ضعیفان را در وقت تو امی
مشتاقی و محوری دور از تو چنانم کرد	گزدست بخواهد ش پایاب شکیبایی
ساقی چمن کل رابی روی تو رکنی نیست	شاد خرامان کن تا باغ بیارایی

۱- سخنرانی به مناسبت نیمة شعبان، در مصلای تهران، در تاریخ ۸۱/۷/۳.

ای در توام دمان درست ناکامی
وی یاد توام مونس در کوششی تنسایی
حافظ شب بحران شد، بوی خوش دل آمد
شادیت مبارک باشد، ای عاشق شیدایی
و با بیانی صمیمی، انتظار خود را این گونه ترسیم می‌کند:

از نوشخت نزک چشم انتظاری ام	گل کرد خاز خار شب بی قراری ام
تماشه هزار پاره دل از یک نگاه تو	دیدم بزار چشم، در آینه کاری ام
کر من به شوق دیدنست از خویش می‌روم	از خویش می‌روم که تو با خود بیاری ام
بود و بود من همه از دست رفت است	باری، مگر تو دست برآری بیاری ام
کاری به کار غیر مدارم که عاقبت	مرعوم نهاد نام تو بر زخم کاری ام
تماس حل قرار تو چون موج بی قرار	با روود، رو به سوی تو دارم که جاری ام
باناخم به نک نوشتمن: بیا بیا	زان پیش تر که پاک شود یاد کاری ام

۲- امروزه، با واقعیتی به نام جهانی شدن (Globality) مواجهیم که باید رابطه آن را با موضوع مهدویت بررسی کنیم. جهانی شدن به معنای گسترش ارتباطات میان انسان‌ها و افزایش تأثیر متقابل اقوام، ملت‌ها و کشورها بر یکدیگر است؛ به گونه‌ای که کمتر اتفاقی در گوشدهای از عالم رخ می‌دهد که مردم دیگر سرزمین‌ها از آن بی‌خبر بمانند و حیات اجتماعی آنان از این اتفاق تأثیر نپذیرد. پیدایش ابزارهای ارتباطی صوتی و تصویری و متنی مانند تلفن ثابت و سیار، رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت از یک طرف و وسائل نقلیه جدید مانند اتوبیل، قطار و هواپیما از طرف دیگر، ارتباط میان انسان‌هارا در نقاط مختلف کره زمین چنان توسعه داده است که گویی مانند مردم یک دهکده از اخبار هم خبر دارند. از همین‌جاست که مفهوم «دهکده جهانی» (Global village) شکل گرفته است.

این یک واقعیت اجتماعی است که رخ داده است و اکنون ما در چنین جهانی زندگی می‌کنیم. با پدیدار شدن این واقعیت، قدرت‌های بزرگ و سلطه‌گر برنامه‌بریزی می‌کنند که فرهنگ، اندیشه و آن شیوه زندگی را که خود می‌پسندند، جهانی کرده و بر سایر مردم تحمیل کنند. این طرح و برنامه جهانی‌سازی (Globalisation) نامیده می‌شود.

آن‌ها برای رسیدن به این منظور، از امکانات بسیار پیچیده آشکار و پنهان کمک می‌کیرند. شبکه‌های بزرگ تلویزیونی و رادیویی، ماهواره‌ها، سایت‌های متنوع اینترنتی، فیلم‌های سینمایی، کتاب‌ها و نشریات، سازمان‌های گستردۀ اطلاعاتی و جاسوسی ابزار گسترش فرهنگ قدرت‌های بزرگ و به خصوص آمریکا هستند. پشتونه این ایزار، قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی آن قدرت‌هاست که با ایجاد رعب و ترس یا وابستگی و تسلیم طلبی یا طمع، زمینه را برای توسعه فرهنگ، اخلاق و آداب و رسوم سلطه‌گران آماده می‌کنند. برای مثال، آمریکا پس از این که افغانستان و عراق را تصرف کرد، چندین شبکه تلویزیونی به راه انداخت تا فرهنگ و اخلاق خود را بر مردم مسلمان این دو کشور تحمیل کند.

توجه به قدرت گستردۀ و پیچیده ارتباطات، شیوه‌های مدرن تبلیغ، مهم‌ترین ابزار یکسان‌سازی فرهنگی است. این شیوه‌ها از یک طرف به شکلی بسیار غیرمستقیم و از زبان ملت‌ها شکاف میان نسل‌ها را چنان بزرگ می‌کنند که نسل جدید احساس کند دیگر نمی‌تواند با فرهنگ خود ارتباط برقرار سازد و از طرف دیگر، عناصر فرهنگ خودشان مانند نوع پوشش، سبک معماری، نوع غذا، شیوه‌های معاشرت و حتی ایده‌آل‌ها و آرمان‌های زندگی و بهطور کلی شیوه زندگی خود را در زیباترین قالب‌های تبلیغی عرضه می‌کنند تا ملت‌ها را دنباله‌رو خود سازند. در این جاست که ذکاوت و زیرکی ملت ما، به خصوص نسل جوان، باید به کمک بیاید تا به جای پیوستن به جهانی‌سازی تحمیلی، با تکیه بر کرامت و عزت خود و با قدرت ابتکار و خلاقیت و پیشه کردن برداشی و صبر، فرهنگ خود را تعالی بخشیم و در این رقابت جدی و سخت، موفق باشیم.

حال که جهانی شدن ارتباطات و تبدیل جهان به یک دهکده، این فرصت را ایجاد کرده است که افکار و عقاید در میدان جهانی به رقابت برخیزند، کدام عقیده و کدام روش زندگی لیاقت دارد به‌طور طبیعی مورد پذیرش ملت‌های مختلف قرار گیرد؟ چنین به‌نظر می‌رسد که عقیده‌ای با شاخصه‌های زیر می‌تواند جهانی شود:

الف – با فطرت انسان و ویژگی‌های فطری او سازگار باشد.

ب – مبتنی بر عقلانیت و قابل دفاع عقلی باشد.

ج – توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای اصلی دنیای امروز، مانند عدالت اجتماعی، را دارا باشد.

د – از پشتونه و تأیید الهی برخوردار باشد.

هـ- یک رهبر معصوم و مورد اعتماد، مبلغ آن باشد.

با تأملی در عقاید اسلامی و دیدگاه تشیع درباره مهدویت، این پنج شاخصه را در آن می بینیم.
جهانی شدن فرصت مناسبی برای جهانی سازی اندیشه اسلامی با استفاده از تبلیغ سازنده و مثبت است.
معتقدان به مهدویت و ظهور حضرت مهدی الله تعالیٰ باید با حضور فعال و مؤثر در صحنه های جهانی و
نشان دادن نقاط ضعف اندیشه های دیگر، زمینه های ظهور را بیش تر فراهم کنند.

۳- دعای عهد، از دعا های مشهور و مربوط به امام عصر الله تعالیٰ است و مستحب است که هر روز
صبح خوانده شود. در بخشی از این دعا، از خداوند کمک می طلبیم که بر عهد و پیمان خود با امام
زمانمان ثابت قدم باشیم و از یاری آن حضرت دست برنداریم. قسمتی از این دعا به شرح زیر است :

اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ
فِي صَبِيْحَةِ يَوْمِ هَذَا
وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَامٍ
عَهْدًا وَعَهْدًا وَبَيْعَةً
لَهُ فِي عُنْقِي
لَا أَحُولُ عَنْهَا
وَلَا أَزُولُ أَبَدًا
اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي
مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ
وَالدَّابِيَنَ عَنْهُ
وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ
فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ
وَالْمُمَتَّلِّينَ لِأَوْامِرِهِ
وَالْمُحَامِينَ عَنْهُ
وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ
وَالْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ

خدا یا من با او تجدید می کنم
در صبح این روز
و تاروزهایی که زندگی می کنم
عهد و پیمان و بیعتی را
که بر عهده گرفته ام
واز آن روی نمی گردانم
و هیچ گاه دست برنمی دارم.
خدا یا مرا قرار بده
از یاران و مدد کاران او
و دفاع کنندگان از او
و شتابندگان به سوی او
برای برآوردن خواسته هایش
و اطاعت کنندگان از دستورات او
و مدافعان حضرتش
و پیشی گیرندگان به سوی خواسته هایش
و کشته شدگان در پیشگاهش.

.....

معرفت، محبت و انتظار

سه کلمه زیبا که با نام «مسجدی» (عج) در خاطر ما زنده می شود.

انتظار، بدون محبت و محبت، بدون معرفت بی معناست.

*

دبرنامه زنگی خود،

بسترین فرصت لای را به این سه کلمه زیبا اختصاص می دهیم و می کوشیم
بر معرفت خود به امام زمان (عج) بیغزاییم و عشق او را در دل شلد و ترکنیم
تا از انتظار و مشتاقان حقیقی دیدارش باشیم.



- ۱- از دیدگاه قرآن کریم، آینده تاریخ از آن چه کسانی است؟
- ۲- معتقد بودن به انتظار، چه تأثیرهایی بر شخصیت فرد منظر دارد؟
- ۳- این جمله را تحلیل کنید : «منتظران مصلح، خود باید صالح باشند.»



- ۱- یکی از دعاهای مهمی که ارتباط ما را با امام عصر لهمَّ إنا نسألكَ تقويًّا تقویت می‌کند، دعای عهد است. این دعا را در کتاب مفاتیح الجنان بباید؛ آن را مطالعه کنید و بینید که در این دعا چه عهدی مطرح شده است.
- ۲- بررسی کنید که پیشرفت تکنولوژی و جهانی شدن ارتباطات، فهم کدام یک از عالم ظهور حضرت مهدی اللهُ أعلم را آسان کرده است.
- ۳- در آیه ۱۷ سوره رعد بیندیشید و توضیح دهید که:
 - الف - در این آیه، از چه مثالی برای نشان دادن تقابل حق و باطل استفاده شده است؟
 - ب - چه شباهت‌هایی میان آن مثال و حق و باطل وجود دارد؟
- ۴- با توجه به سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی که در بخش «برای مطالعه» آمده، توضیح دهید که «انتظار مثبت» چه تفاوت‌هایی با «انتظار منفی» دارد؟





مرجعیت و ولایت فقیه

در درس‌های گذشته دیدیم که دو قلمرو از رسالت رسول خدا ﷺ، پس از ایشان به ائمهٔ اطهار علیهم السلام منتقل شد و آنان به عنوان حجت‌های خدا در روی زمین، این مسئولیت‌ها را بر عهده گرفتند و در همین چارچوب، جهاد و مبارزه کردند.

در این درس می‌خواهیم بدانیم:

مسئولیت‌های مربوط به امامت در دورهٔ غیبت کبریٰ چگونه انجام می‌شود؟

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

لا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ
مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ
وَلَا مِنْ خَلْفِهِ
تُنزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ

باطل در این کتاب راه نیابد
چه پیش از آن
و چه بعد از آن،
که فرستاده‌ای است از سوی خدای حکیم و
ستوده

فصلات، ۴۲

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ
بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ
لِيُظْهِرَهُ عَلَى الَّذِينَ كُلَّهُ
وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

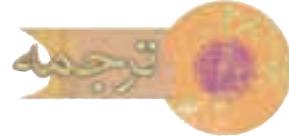
.....
.....
.....
.....

توبه، ۳۳

وَ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَةً
فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ
مِنْهُمْ طَائِفَةٌ
لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ
وَ لِيُنَذِّرُوا قَوْمَهُمْ
إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ
لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ

و نمی شود که مؤمنان همگی اعزام شوند
پس چرا اعزام نشونداز هر گروهی،
جماعی از آن ها
تا دانش دین یا موزنده،
و مردم خویش را هشدار دهند
آن گاه که به سوی آن ها باز گردند؛
تا مواظبت و توجه کنند.

توبه، ۱۲۲



به کمک توضیحات زیر، ترجمه را تکمیل کنید.

لِيُظْهِرَهُ : تا پیروز گرداند او را
خواهد گرداشت



سوره/آیه	با تفکر در آیات ابتدای درس، مشخص کنید که هر پیام از کدام آیه گرفته شده است.
.....	۱- هیچ گاه در قرآن باطل راه پیدا نخواهد کرد به همین جهت برای همیشه کتاب هدایت ما خواهد بود.
.....	۲- خداوند، مسیر هدایت و دین حق را با ارسال رسولان در اختیار ما قرار داده است.
.....	۳- چون همه مردم نمی‌توانند دانش دین را به طور عمیق و تخصصی فرا بگیرند، باید کسانی این مسئولیت را بپذیرند تا سایر مردم برای به دست آوردن احکام به آنان مراجعه کنند.

پیامبر اسلام آخرین پیامبر الهی و قرآن، کتاب جاودانه اوست. پیروی از دین اسلام و دستورات الهی اختصاص به زمان پیامبر و امامان ندارد و هر انسانی وظیفه دارد مطابق با راهنمایی های خداوند زندگی کند تا به رستگاری برسد.

اکنون، سؤال این است که در دوره غیبت کبری مسئولیت های مربوط به امامت، یعنی «مرجعیت دینی» و «ولایت ظاهری» چگونه ادامه می یابد؟ در این دوره، مسلمانان از چه راهی به احکام و قوانین اسلامی دسترسی پیدا می کنند و این قوانین چگونه در جامعه اسلامی پیاده می شود؟

پاسخ این سؤال را می توان از سیره امامان بزرگوار علیهم السلام به دست آوریم. یکی از اقدامات آن بزرگواران تربیت داشمندانی بود که بتوانند احکام اسلام را با مراجعة به قرآن کریم و سیره و سنت پیامبر و امامان به دست آورند. این داشمندان، به شهرهای دور دست که امامان حضور نداشتند می رفتند و احکام اسلامی را به آنان می آموختند. این روش، برگرفته از قرآن کریم بود. قرآن کریم دستور می دهد

گروهی از مردم وقت و همت خود را صرف شناخت دقیق دین کنند و به «تفقه» در دین پردازند، تا پس از کسب علم به شهرهای خود بروند و قوانین اسلام را به مردم بیاموزند. تفقة، به معنای تفکر عمیق است. افرادی که به معرفت عمیق در دین می‌رسند، «فقیه» نامیده می‌شوند. ما مسلمانان وظیفه داریم در زمان غیبت امام و عدم امکان دسترسی به ایشان به این فقیهان مراجعه کنیم. به چند سخن از پیامبر اکرم و ائمه اطهار در این زمینه توجه کنید:

۱- پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

حال کسی که از امام خود دور افتاده و به او دسترسی ندارد، سخت‌تر از حال یتیمی است که پدر را از دست داده است. زیرا چنین شخصی، در مسائل زندگی حکم و نظر امام را نمی‌داند. البته اگر یکی از پیروان ما که به علوم و دانش ما آشناست، وجود داشته باشد، باید دیگرانی را که به احکام ما آشنا نیستند، راهنمایی کند و دستورات دین را به آن‌ها آموزش دهد. در این صورت، او در بهشت با ما خواهد بود.^۱

۲- امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

فَإِمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ	هر کس از فقیهان که
صَائِنَّا لِنَفْسِهِ	نگهدارنده نفس خود،
حَافِظًا لِدِينِهِ	نگهبان دین خود،
مُخَالِفًا لِهَوَاهُ	مخالفت کننده با هوی و هوس خود
مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ	فرمان بردار فرمان خداوند خود باشد
فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ ...	پس، بر مردم است که از او پیروی کنند. ^۲

۳- گروهی از امام صادق علیه السلام پرسیدند که برای قضاوت به چه کسی مراجعه کنیم. ایشان در پاسخ فرمود:

از میان کسانی که در احکام دین تخصص دارند، یکی را برگزینید؛ که من چنین شخصی را قاضی و حاکم قرار داده‌ام.^۳

۴- امام صادق علیه السلام درباره کسانی که برای قضاوت به سلاطین یا قاضی آنان مراجعه می‌کنند، فرمود:

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۱۷، ح ۲۱۴۵۸

۲- بخار الانوار، ج ۲، ص ۸۸

۳- التهذیب، شیخ طوسی، ج ۶، ص ۳۰۲، ح ۵۳

هر کس به حق با ناحق به چنین کسانی مراجعه کند، به طاغوت مراجعه کرده و این مخالف کلام خداست
که می فرماید «می خواهد برای داوری نزد طاغوت روند، درحالی که باید به طاغوت کافر باشند.»^۱
پرسیدند : پس چنین افرادی چه کنند؟

فرمود : اینان باید به یکی از شما که سخنان مارا روایت می کند و در احکام دین تفکر می کند و آن هارا
می داند، مراجعه کنند و به حکم او عمل نمایند. من چنین کسی را حاکم و داور میان شما قرار داده ام.^۲
۵ – امام عصر(عج) در پاسخ یکی از یاران خود به نام اسحاق بن یعقوب که درباره «رویدادهای
جدید» عصر غیبت سؤال کرد و راه چاره را جست و جو نمود، فرمود :

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ
فَأَرْجِعُوهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا
فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ
وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ
و در مورد رویدادهای زمان
به راویان حدیث ما مرجع کنید.



شماره حدیث	با تفکر در احادیث فوق، مشخص کنید که هر پیام با کدام حدیث ارتباط دارد.
.....	۱- فقیه کسی است که با مطالعه دقیق منابع اسلامی به مرحله‌ای از تخصص در دین رسیده که می تواند احکام اسلامی را به دست آورد و حلال و حرام دین را تشخیص دهد.
.....	۲- فقیه باید بتواند احکام مسائل و رویدادهای جدید را نیز که در زمان پیامبر اکرم و امامان اتفاق نیفتاده به دست آورد.
.....	۳- مردمی که می خواهد بر اساس قوانین اسلام زندگی کنند، اما به پیامبر و امام دسترسی ندازند، باید به فقیهی که دارای شرایط پیزه‌ای هستند، مراجعه نمایند.
.....	۴- مردم باید برای مجموعه احکام فردی و اجتماعی خود به حاکمان طاغوت مراجعه کنند. اینان اگر از فقیه دارای شرایط پیروی نکنند، عملًا حکومت طاغوت را پذیرفته‌اند و مخالف فرمان قرآن کریم رفتار کرده‌اند.

۱- سوره نساء، آیه ۶۰ ۲- اصول کافی، جاپ اسلامیه، ج ۱، ص ۱۱۳ ۳- کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، باب ۴۵، ص ۴۸۳

بنابراین :

در دورهٔ غیبت، بنایه فرمان امام زمان(عج) و به نیابت از ایشان، «فقیه» واجد شرایط، دو مسئولیت «مرجعیت دینی» و «رهبری و ولایت» را بر عهده دارد و در حد توان، جامعهٔ اسلامی را در مسیر اهداف الهی هدایت و رهبری می‌کند. فقهان، با تفکر در آیات و روایات و با کمک گرفتن از موازین دقیق، احکام را به دست می‌آورند و در اختیار مردم قرار می‌دهند. مردم هم که خود در احکام دینی متخصص نیستند، به این متخصصان مراجعه می‌کنند و مطابق با راهنمایی آنان عمل می‌نمایند. به این مراجعه، پیروی یا «تقلید» می‌گویند. پس، تقلید در احکام، به معنای رجوع به متخصص است. چنین فقیهی را نیز مرجع تقلید می‌نامند.

از میان فقیهان دارای شرایط، آن کس که توانایی لازم برای برپایی و اداره حکومت را دارد، رهبری جامعه را به دست می‌گیرد و به پیاده کردن قوانین الهی در جامعه اقدام می‌کند. فقیهی که این مسئولیت را بر عهده دارد، ولی‌فقیه نامیده می‌شود.

بدین ترتیب، در عصر غیبت :

- ۱- مرجعیت دینی در شکل مرجعیت فقیه ادامه می‌یابد.
- ۲- حکومت اسلامی در چهار چوب ولایت فقیه استمرار پیدا می‌کند.

شرایط مرجع تقلید و ولی‌فقیه

مرجع تقلید، علاوه بر تخصص در فقه، باید شرایط زیر را نیز دارا باشد :

- ۱- باتقوا باشد.
- ۲- عادل باشد.

۳- زمان‌شناس باشد و بتواند احکام دینی را مناسب با نیازهای روز به دست آورد.

ولی‌فقیه که مسئولیت رهبری جامعه را بر عهده دارد، علاوه بر سه شرط فوق، باید دو شرط دیگر را نیز داشته باشد :

۴- با تدبیر و با کفایت باشد و بتواند جامعه را در شرایط پیچیده جهانی رهبری کند و با درایت و بینش قوی، نقشه‌های دشمنان دین را ختنی سازد.

۵- شجاعت و قدرت روحی داشته باشد و بدون ترس و واهمه، با دشمنان دین مبارزه کند.

در اجرای احکام دین از کسی نترسد و با قدرت، در مقابل تهدیدها بایستد و پایداری کند.

پس، آن فقیهی که این پنج شرط را داشته باشد، حکومت و رهبری او مورد پذیرش دین

است. یعنی از نظر دین «مشروعیت» دارد که مردم را رهبری کند. در غیر این صورت، پیروی از دستورات وی حرام است.^۱

راه‌های شناخت مرجع تقلید

شناخت متخصص در احکام دین، مانند شناخت هر متخصص دیگر است. ما همان‌طور که برای یافتن بهترین بزشک یا معمار یا مهندس، تحقیق و جست‌وجو می‌کنیم، برای شناخت فقیه اعلم و داناتر نیز باید تحقیق نماییم و یکی از راه‌های زیر را پیش بگیریم:

۱- خودِ ما به اندازه‌ای از علم فقه اطلاع داشته باشیم که بتوانیم فقیه دارای شرایط را بشناسیم و تشخیص دهیم.

۲- از دو نفر عادل و مورد اعتماد که بتوانند فقیه واجد شرایط را تشخیص دهند، پرسیم.

۳- یکی از فقیهان، در میان اهل علم آنچنان مشهور باشد که انسان مطمئن شود و بداند که این فقیه، واجد شرایط است.



۱- اگر مسلمانی که خود متخصص در احکام نیست، فقیه واجد شرایط را انتخاب نکند و به وی مراجعه ننماید، اعمال دینی او چگونه خواهد بود؟

۲- آیا شما مرجع تقلید خود را تعیین کردید؟ از چه طریقی؟

چگونگی انتخاب ولی فقیه

از آن‌جا که ولی فقیه بیان‌کننده قوانین و مقررات اجتماعی اسلام است، انتخاب وی نمی‌تواند مانند انتخاب مرجع تقلید باشد. یعنی نمی‌شود که هر کس به‌طور جداگانه برای خود ولی فقیه انتخاب کند. زیرا اداره جامعه تنها با یک مجموعه قوانین و یک رهبری امکان‌پذیر است در غیر این صورت هرج و مرج و تفرقه و پراکندگی پیش می‌آید و این، یک امر روشن و بدیهی در تمام نظام‌های سیاسی دنیاست. پس، مردم در انتخاب ولی فقیه باید به صورت دسته‌جمعی اقدام کنند و فقیهی را که دارای شرایط رهبری

۱- صحیفه نور، مجموعه آثار امام خمینی، ج ۹، ص ۲۵۳

است، با آگاهی و شناخت پذیرند، به وی اعتماد و اطمینان کنند و رهبری جامعه را به او بسپارند. مردم کشور ما در زمان انقلاب اسلامی به شیوه‌ای مستقیم و با حضور در اجتماعات و راهپیمایی‌های سراسری ولایت امام خمینی – رحمة الله عليه – را پذیرفتند و با ایشان پیمان یاری بستند. اکنون نیز بنا بر قانون اساسی، مردم ابتدا نمایندگان خبره خود را انتخاب می‌کنند و آن خبرگان نیز از میان فقهاء آن کس را که شایسته تر برای رهبری تشخیص دهند، به جامعه اعلام می‌کنند. بر این مبنای بود که پس از رحلت امام خمینی – رحمة الله عليه – حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مسئولیت رهبری جامعه را عهده‌دار شدند.

بنابراین فقیهی می‌تواند رهبری جامعه اسلامی را بر عهده بگیرد و کشور را اداره کند و به پیش برد که هم شرایط تعیین شده در دین را دارا باشد (مشروعيت) و هم مورد پذیرش مردم باشد (قبولیت). طبیعی است که چنین فقیهی تا وقتی رهبر جامعه است که شرایط پنج گانه ذکر شده برای ولی فقیه را دارا باشد. تشخیص این امر نیز بر عهده مجلس خبرگان است.



اصل ۱۰۷ قانون اساسی را که مربوط به انتخاب رهبر است، مطالعه کنید و چگونگی انتخاب ولی فقیه را توضیح دهید.

.....
.....
.....

ولایت فقیه، زمینه‌ساز حکومت جهانی امام عصر اللهم阿

برقراری حکومت اسلامی در عصر غیبت، علاوه بر این که یک ضرورت اساسی در اجرای احکام اسلامی است، به مؤمنان و منتظران حضرت مهدی اللهم阿 فرصت می‌دهد که آنچه را برای آمادگی ظهور لازم است، فراهم سازند.

مرجعیت و ولایت فقیه در عصر غیبت، همان چراغ هدایتی است که در پرتو آن می‌توان راه را از بی‌راهه شناخت و در میان هزاران راهی که به بن‌بست می‌انجامد، راه درست را برگزید و آن را به

سلامت پیمود. همچنین، حکومت اسلامی قلعه و حصار محکمی است که منتظران در آن، به آماده‌سازی و تشکّل خود می‌پردازند. بنابراین:

تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبیت به معنای ارائه یک الگو از حاکمیت دینداران است که با الهام از تعالیم انبیاء، برای خوشبختی و سعادت دنیا و آخرت انسان‌ها تلاش می‌کنند. در این حکومت، زمینه عبودیت، معنویت‌خواهی، برابری و عدالت، به همراه توسعه و سازندگی کشور و رفاه و آسایش عمومی به طور نسبی فراهم می‌آید دینداران و حق طلبان جهان امیدوار به تجدید حیات فضائل اخلاقی و کرامت‌های انسانی می‌شوند و جهانیان آماده ظهور موعود جهانی خواهند شد.

وجود حکومت اسلامی می‌تواند امکان مقابله با توطئه‌ها و تهاجم‌ها را فراهم آورد و برنامه‌های وسیعی را برای پایداری و استقامت مسلمانان در مقابل مستکبرین تدارک بییند.

گرچه حمایت از محرومان و مستضعفان جهان، دشمنی ستمکاران را به دنبال دارد، اما سبب تقویت جبهه حق در دنیا می‌شود و ما را به حکومت عدل جهانی تزدیک‌تر می‌سازد.



چرا در برخی از موضوعات، نظرات فقهیان متفاوت می‌شود؟

فقه یک رشتهٔ تخصصی است که فقیه پس از طی مدارج علمی در علوم و موضوعاتی مانند ادبیات عرب، منطق، حدیث، تفسیر، علم اصول، علم رجال، درایة‌الحدیث و آشنایی با برخی رشته‌های دیگر مانند تاریخ اسلام و علم کلام وارد آن می‌شود و پس از سال‌ها تحصیل به این توانایی دست می‌یابد که بتواند با مراجعه به قرآن و سنت و سیره مucchomین و با به کار گرفتن قواعد و اصول خاص، مسائل فقهی را پاسخ دهد. از آنجا که فقهیان، معمول نیستند، ممکن است اشتباه کنند و میان یک فقیه با فقیه دیگر درباره یک مسئله اختلاف نظر پیش آید. این اختلاف نظر، شبیه به اختلاف نظر میان پزشکان است که ممکن است یک پزشک با معاینه بیمار و بر مبنای مطالعات علمی خود به تشخیصی برسد و پزشک دوم به تشخیصی دیگر. البته به میزانی که مسئله، پیچیده‌تر و دقیق‌تر می‌شود، احتمال اختلاف نظر افزایش می‌یابد. به همین جهت است که مردم باید تلاش کنند آن فقیهی را که از دیگران داناتر است، شناسایی کرده و از او پیروی نمایند تا احتمال خطا کاهش یابد.



- ۱- پیام‌های اصلی این درس کدام‌اند؟
- ۲- مقصود از «تقلید» در احکام دینی چیست؟
- ۳- تقلید برای چه کسانی لازم است و شامل چه زمینه‌هایی می‌شود؟
- ۴- چرا باید مرجع «عادل» و «زمان‌شناس» باشد؟
- ۵- انتخاب ولی فقیه در کشور ما چگونه انجام می‌گیرد و مردم از چه طریقی در انتخاب ایشان دخالت دارند؟
- ۶- چگونه ولايت فقيه می‌تواند زمینه‌ساز حکومت حضرت مهدی (عج) باشد؟



به اولین بخش کتاب «توضیح المسائل» مراجعه کنید. احکام مربوط به تقلید را مطالعه کنید و سه مورد را که مهم تشخیص می‌دهید، انتخاب کنید و در کلاس بگویید.



ویژگی‌های حکومت اسلامی

خواندیم که ولایت و رهبری جامعه در عصر غیبت، به نیابت از امام عصر اللهم إني عبدك بر عهدهٔ فقیه واجد شرایط است. اکنون می‌خواهیم به مسائل مربوط به حکومت اسلامی و ویژگی‌های آن بپردازیم.

آیات زیر را به دقت و زیباق ائت کنید.

أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ

بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ

وَجَادِلُهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...

١٢٥

پایداری کن، همان طور که فرمان یافته‌ای
هم چنین آنان که با تو به خدا روی آورده‌اند
و سرکشی و طغیان نکنید
که او بدانچه می‌کنید، بیناست

فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ

وَمَرْبُّ تَابَ مَعَكَ

وَلَا تَطْغُوا

إِنَّهُ لِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

۱۱۲، هود

به مهر الهی با آنان نرم شدی
اگر تندخو و سخت دل بودی
از گرد تو پراکنده می شدند

فِي مَا رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ
وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لِلْقَلْبِ
لَا نَفْضُوا مِنْ حَوْلِكَ
فَاعْفُ عَنْهُمْ
وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ
وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ
فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ
إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ

آل عمران، ۱۵۹

وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ
فَاتَّبِعُونِي
وَأَطِيعُوا أَمْرِي

ط، ٩٠



به کمک توضیحات زیر، ترجمه آیات را تکمیل کنید.

حِكْمَةٌ : علم محکم و براساس استدلال

أَذْعُ : دعوت کن

عَزْمَتْ : تصمیم گرفتی

جَادِلُهُمْ : با آنان به بحث و مجادله پرداز

شاوِرٌ : مشورت کن

أَحْسَنْ : بهترین، پسندیده ترین

تَوَكَّلْ : توکل کن

۱- رابطه رهبر با مردم

ولایت و رهبری در جامعه اسلامی، به جانشینی و نیابت از رسول خدا ﷺ و امامان علیهم السلام انجام می شود و رهبر با پیروی از آن بزرگواران، قوانین اسلامی را در جامعه به اجرا درمی آورد و پیاده می کند. از این رو، ولی فقیه به عنوان رهبر جامعه اسلامی، از راهنمایی قرآن کریم بهره می برد و رسول خدا و اهل بیت ایشان علیهم السلام را اسوه و سرمشق قرار می دهد و می کوشد که به شیوه آنان عمل نماید. پس لازم است برای شناخت رفتار و رابطه رهبر با مردم ابتدا به سراغ قرآن کریم برویم و از آیات ابتدای درس برخی از این رفتارها را استخراج کنیم :

۱- رهبر نسبت به مردم جامعه خود دلسوز و مهربان است. از کوتاهی های مردم می گذرد و برای

آنان از خداوند آمرزش می‌خواهد.

۲- با مردم جامعه خود مشورت می‌کند و تصمیم‌گیری‌های خود را پس از مشورت انجام می‌دهد.

با توجه به توسعه جوامع، لازمه مشورت، وجود گروه‌ها و نهادهای مشورتی است که امروزه در جمهوری اسلامی ایران به شکل‌های گوناگونی مانند..... وجود دارد.

۳- ولی فقیه در تصمیم‌گیری قاطع و استوار است و با توكل بر خداوند برنامه‌ها را به پیش می‌برد و مانع خلل و سستی در نظام اسلامی می‌شود.

۴- باروش‌های درست و منطقی به روشنگری مردم می‌پردازد و تلاش می‌کند که آنان به روشین بینی و بصیرت لازم برسند و راه حق را از باطل تشخیص دهند و در دام دشمنان خدا و مردم نیفتد.

سوره...../آیه.....

همچنین با مطالعه و تحقیق در سیره پیامبر گرامی و امامان بزرگوار الله علیهم السلام، به ویژگی‌های دیگری برای رهبری می‌رسیم که در ادامه ویژگی‌های قبل می‌آوریم:

۵- رهبر جامعه اسلامی نسبت به سرنوشت جامعه و اصول اسلامی استوار و قاطع است و اجازه نمی‌دهد قوانین اسلامی مورد بی‌توجهی قرار گیرد.^۱

۶- رهبر جامعه اسلامی نگاه برابر و مطابق قانون به آحاد جامعه دارد و با مردم مناطق مختلف کشور و اقوام گوناگون به مساوات رفتار می‌کند.^۲

۷- تربیت و هدایت مردم به دین خدا و سعادت حقیقی را مهم‌ترین حق مردم می‌داند و تلاش می‌کند که این مسئولیت را به خوبی انجام دهد.^۳

۸- رهبر، در برابر مردم و به خصوص مستمندان و مستضعفان، متواضع و فروتن و در برابر ستمکاران و مستکبران، با عزت، نفوذناپذیر و مقندر عمل می‌کند.^۴

۱- سیره نبوی، استاد شهید مطهری، ص ۲۳۶

۲- همان، ص

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۸ و ۳۴ و نama ۶۷

۴- سیره نبوی، استاد شهید مطهری، ص ۹۶ تا ۱۰۱



وقتی که امیرالمؤمنین علی (ع) مالک آشتَر را به فرمانداری مصر منصوب کرد، نامه‌ای به وی نوشته و در آن نامه سیمایی از یک حاکم اسلامی را ترسیم کرد و مسؤولیت‌های او را بیان فرمود. این نامه به «عهدنامه مالک آشتَر» مشهور است. قسمت‌هایی از این نامه را در اینجا می‌خوانید. امام، در هر فرمانی که به مالک می‌دهد، علت آن را هم بیان می‌کند. این قسمت‌ها را مطالعه نمایید و هر فرمان را از علت آن تفکیک کنید تا بدانید که چرا امام آن دستور را به مالک داده است.

۱- دل خوبش را نسبت به مردم تحت حکومت مهربان قرار بده و با همه دوست و مهربان باش؛ چرا که مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو و دسته‌ای دیگر در آفرینش همانند تواند.

۲- اگر با مقام و قدرتی که داری دچار تکبیر یا خود بزرگ‌بینی شدی به بزرگی حکومت خداوند که برتر از توست، بنگر. این کار تو را از آن سرکشی نجات می‌دهد، تندریوی تو را فرو می‌نشاند و عقلت را به جایگاه اصلی بازمی‌گرداند.

۳- دوست‌داشتنی‌ترین چیزها نزد تو، آن چیزی باشد که در حق میانه‌ترین، در عدل شامل‌ترین و در جلب خشنودی مردم فراگیر‌ترین است؛ زیرا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص و نزدیکان را از بین می‌برد و رضایت عمومی؛ خشم خواص را بی‌اثر می‌کند.

۴- کسانی را که اهل عیب‌جویی از دیگران‌اند، از خود دور کن؛ زیرا مردم عیب‌هایی دارند که مدیر و رهبر جامعه باید بیشتر از همه در پنهان کردن آن‌ها بکوشند.

۵- در قبول و تصدیق سخن‌چین شتاب مکن؛ زیرا سخن‌چین در لباس نصیحت ظاهر می‌شود، اما خیانتکار است.

۶- با ترسو مشورت نکن که در انجام‌دادن کارها روحیه تو را سست می‌کند.

۷- هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشد؛ زیرا در این صورت، نیکوکاران

به کار خیر بی رغبت و بدکاران به کار بد تشویق می شوند.

۸- خدا را خدا را ! در خصوص طبقات محروم ... برای خدا پاسدار حقی باش که خدا برای آنان معین فرموده است ... مبادا دل مشغولی های حکومت تو را از رسیدگی به آنان باز دارد که هرگز کارهای فراوان و مهم، عذری برای ترک مسئولیت های دیگر نخواهد بود ... برای این گروه، عده ای از افراد مورد اطمینان و خدا ترس و متواضع را انتخاب کن تا درباره وضع آن ها تحقیق کنند و به تو گزارش دهند. سپس، برای رفع مشکلات آن ها به گونه ای عمل کن که در پیشگاه خدا مذبور باشی؛ زیرا این گروه بیشتر از دیگران به عدالت نیازمندند.

۲- وظیفه مردم نسبت به رهبر و حکومت اسلامی

همان طور که رهبر جامعه نسبت به مردم مسئولیت هایی دارد، مردم نیز در برابر رهبری و ظایفی دارند که باید به انجام آن ها قیام کنند. برای شناخت آن ها، بار دیگر به سراغ آیات قرآن کریم می رویم تا برخی از این وظایف را به دست آوریم :

۱- مردم مسئولیت دارند از رهبر جامعه تعیت کنند و پاییند قوانین و مقررات حکومت اسلامی باشند.
سوره / آیه

۲- برای اجرای قوانین اسلام، پیشرفت جامعه و ناکام گذاشتن دشمنان خدا و مردم، از خود استقامت و پایداری نشان دهند. زیرا با تشکیل حکومت اسلامی، منافع ظالمان و مستکبران به خطر می افتد و آنان با تمام امکانات و ابزارهایی که دارند، می کوشند که مردم را دچار سختی و مشکلات کنند تا بالاخره دست از حق طلبی خود بردارند.
سوره / آیه

۳- وحدت و همبستگی اجتماعی خود را بر محور رهبری جامعه حفظ کنند تا قدرت های ستمنگر نتوانند در کشور اسلامی نفوذ کنند و عزت و استقلال جامعه را به خطر اندازن.
۴- خود را برای مقابله با ظالمان و مستکبران آماده کنند به طوری که آنان فکر تهاجم به سرزمین اسلامی را در سر نپورانند.
همچنین برخی دیگر از وظایف مردم را که از سخنان پیشوایان دین به دست آمده، ذکر می کنیم :

۵- آگاهی های سیاسی و اجتماعی خود را افزایش دهند تا بتوانند در شرایط پیچیده ای که

قدرت‌های ظالم در دنیا ایجاد می‌کنند، تصمیمات صحیح بگیرند و درست عمل کنند.

۶- خیرخواه و نصیحت‌گر و یاری‌دهنده رهبر باشند.

۷- وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را با روش‌های درست و تأثیرگذار انجام دهند و مانع

گسترش بدی‌ها و زشتی‌ها و کم‌رنگ شدن خوبی‌ها و نیکی‌ها گردند.^۱

۸- در جهت آبادانی کشور بکوشند.

۹- در حفظ اموال عمومی تلاش کنند.

۱۰- منافع کل جامعه و نظام اسلامی را بر منافع فردی خود ترجیح دهند.^۲

به علت اهمیت مسئولیت‌های رهبر نسبت به جامعه و جامعه نسبت به رهبر، امیر المؤمنین علیه السلام

می‌فرماید :

«... و بزرگ‌ترین حقی که خدا واجب کرده است، حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است، حقوقی که خداوند بر هر یک از این دو نسبت به هم واجب کرده و آن را سبب دوستی و الفت آنان و ارجمندی دینشان قرار داده است، مردم جز به صلاح حاکمان، اصلاح نپذیرند و حاکمان جز به پایداری مردم، نیکو نگرددند، پس هنگامی که مردم، وظیفه خود را نسبت به حاکم انجام دادند و حاکم نیز حق آنان را ادا کرد، حق در میان جامعه ارزشمند می‌شود.»



۱- با گفت‌و‌گو و همانندیشی، نمونه‌هایی از مسئولیت مردم نسبت به حکومت
اسلامی را بیان کنید.

۲- به نظر شما این مسئولیت‌ها تا چه میزان مورد توجه مردم جامعه است؟



۱- درباره وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، در کتاب دین و زندگی (۲) بحث شده است.

۲- بندهای ۵ تا ۱۰ از نامه امام علی (ع) به مالک‌اشتر و خطبه‌های ۳۴ و ۲۰۷ نهج البلاغه استخراج شده است.

۳— نظام اسلامی و مردم سالاری

نظام جمهوری یا مردم سالار، حکومتی است که براساس نظر و رأی اکثریت مردم پدید آمده است. یعنی اکثریت مردم، نوع حکومت خود را تعیین کرده‌اند، نه فرد یا گروهی خاص. در این نوع حکومت، مردم همواره در تعیین سرنوشت خود دخالت دارند و از راه‌های تعیین شده در قانون آن را دنبال می‌کنند.

این ویژگی در نظام اسلامی کاملاً وجود دارد و لفظ «جمهوری» در کنار «اسلامی» بیانگر آن است. مردم ایران با قیام و انقلاب خود، جمهوری اسلامی را بربا کردند و به قانون اساسی که شکل حکومت و خطوط کلی آن را تعیین می‌کند، رأی دادند و با شرکت دائم در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان رهبری و شوراهای شهر و روستا، هم در امور کشور دخالت می‌کنند و هم پاییندی خود را به اصل نظام اسلامی و قانون اساسی نشان می‌دهند.

البته این تفاوت اساسی میان نظام‌های جمهوری دمکراتیک رایج در جهان و جمهوری اسلامی هست که او لاً حکومت اسلامی بر مبنای قوانین اسلامی تشکیل می‌شود و قانون‌گذاران نمی‌توانند برخلاف دستورات الهی قانون تنظیم کنند. و به همین جهت این نظام، «مردم سالاری دینی» نامیده شده است. ثانیاً دمکراسی رایج در جهان، هدف خود را صرفاً تأمین خواسته‌های دنیوی مردم قرار داده است و نسبت به ارزش‌های الهی بی‌اعتنایست. اما هدف اصلی از نظام اسلامی سعادت اخروی و برقراری عدالت اجتماعی است و آسایش و رفاه مردم را در این چهارچوب برقرار می‌کند. زیرا تا انسان‌ها در آن دو جهت حرکت نکنند، آسایش و رفاه عمومی را به دست نخواهند آورد؛ بلکه فقط گروه‌های خاصی به ثروت‌های عظیم خواهند رسید و اکثریت مردم محروم خواهند ماند. و همین وضعیت اکنون در جهان وجود دارد.^۱

۱— متأسفانه اکثر حکومت‌هایی که امروزه به نام حکومت‌های دمکراتیک شهرت دارند، حکومت اقلیت ثروتمندان و سرمایه‌داران بی‌اکثریت مردم است؛ برای مثال، دو حزب جمهوری خواه و دمکرات در آمریکا در اختیار دو بخش از ثروتمندترین سرمایه‌داران آمریکایی است که عظیم‌ترین رسانه‌های تبلیغاتی را در اختیار دارند. همین حکومت، مستبدترین کشورهای پادشاهی را که کمتر انتخابات عمومی برگزار می‌کنند، حمایت می‌کند؛ اما با کسور ما که در این سی سال به طور متوسط یک انتخابات برگزار کرده و میزان مشارکت مردم از کشور امریکا هم بیش‌تر بوده، دشمنی می‌ورزد. برای کسب اطلاعات بیشتر در این مورد به کتاب «نظم‌های کهن‌هه و نوین جهانی» اثر نوام چاسکی از انتشارات اطلاعات مراجعه کنید.

مردم سالاری دینی از اصطلاحاتی است که در سال‌های اخیر، رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، برای تبیین حکومت اسلامی مورداستفاده قرار داده و در مناسبت‌های مختلف، به توضیح درباره آن پرداخته‌اند؛ به قسمت‌هایی از این توضیحات توجه کنید :

... این مردم سالاری به ریشه‌های دمکراسی غربی مطلقاً ارتباط ندارد؛ این یک چیز دیگر است. اولاً مردم سالاری دینی دو چیز نیست؛ این طور نیست که ما دمکراسی را از غرب بگیریم و به دین سنجاق کنیم تا بتوانیم یک مجموعه کامل داشته باشیم؛ نه؛ خود این مردم سالاری هم متعلق به دین است.... مردم سالاری عبارت است از این که تشکیل نظام به وسیله اراده و رأی مردم صورت بگیرد؛ یعنی، مردم نظام را انتخاب می‌کنند، دولت را انتخاب می‌کنند، نمایندگان را انتخاب می‌کنند، مسئولان اصلی را به واسطه یا بی‌واسطه انتخاب می‌کنند. این، همان چیزی است که غرب ادعای آن را می‌کند و این فقط ادعاست.^۱



۱- تفاوت‌های اصلی جمهوری اسلامی با سایر حکومت‌های جمهوری را برشمرید.

۲- کلمه «جمهوری» و «کلمه اسلامی» ییانگر چه ویژگی‌هایی از حکومت کشور ماست؟

۳- بنابر عهدنامه امیرالمؤمنین، چرا حاکم اسلامی باید نسبت به همه افراد جامعه اسلامی، چه مسلمان و چه غیر مسلمان مهربان باشد؟

۴- بنابر عهدنامه امیرالمؤمنین، چرا حاکم اسلامی باید عیب‌جویان را از اطراف خود دور کند؟

۱- در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۹/۹/۱۳۷۹

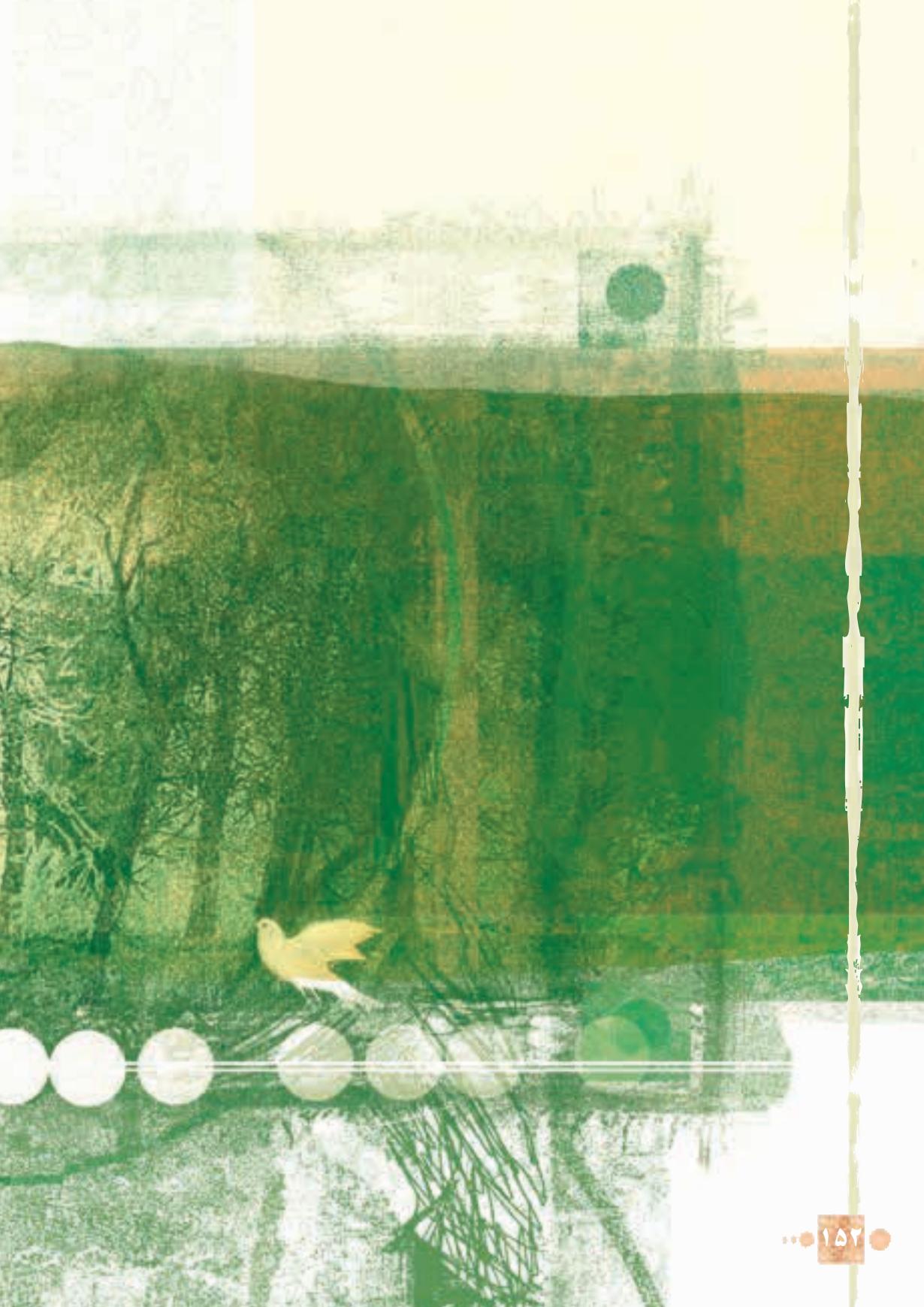
گام پنجم

..... و

برای این که زندگی فردی و اجتماعی مطابق با قوانین الهی و دستورهای او باشد، دو اقدام زیر را در برنامه خود جای می‌دهیم:

۱- مرجحی را که واحد شرایطی دانیم، انتخاب می‌کنیم تا احکام دینی خود را مطابق نظر وی که مخصوص این موضوع است، انجام دهیم.

۲- مسئولیت خود را به عنوان عضوی از نظام اسلامی می‌پذیریم و در انتخاب مسؤولان و کترش مردم سalarی دینی، از حق خود استفاده می‌کنیم. کاری را که عمدتاً دارشده ایم، به دستی انجام می‌دهیم و دیگران را نیز به انجام و اون مسئولیت پایشان تشویق می‌کنیم.



هر حلہ می دوسم

پایداری در عزم

یادآوری

در سال اول، در مرحله عزم، دانستیم که محتوای هر عزمی عهد و پیمان با خدااست و سه مرحله دارد:

۱- عهدی برای قدم در راه زندگی (عهد کلی با خداوند)

۲- تجدید آن عهد

۳- تکمیل عهد

کسی که خداوند را به عنوان محبوب زندگی برمی‌گزیند، عهد می‌کند در مسیری قدم بردارد که به محبوب و مقصود خود نزدیک شود و این همان عهد کلی است. چنین انسانی براساس این عهد تصمیم می‌گیرد و برنامه‌های خود را عملی می‌کند. در این سال، همچنین آشنا شدیم که چگونه تصمیم خود را تقویت کنیم تا در آن، پایدار و ثابت‌قدم بمانیم.

در سال دوم، پس از یادآوری معاد و آیندهٔ خطیر انسان در سرای دیگر، آن عهد کلی را تجدید کردیم و بر تصمیم خود پایداری ورزیدیم. همچنین با توکل بر خدا به عنوان عاملی برای پایداری بر عزم آشنا شدیم.



عزّت نفس

اکنون که خداوند با فرستادن پیامبران و راهنمایی پیشوايان، ما را به پيروي از دين خود دعوت كرده و رسيدن به سعادت را در گروپيمودن اين راه قرار داده است، بار ديگر عهد و پيمان خود با خدارابه خاطر مى آوريم و با اعلام سپاس به پيشگاه او، پيمان گذشته را تجدید مى کنيم و با تصمييمى محكم تر به راه ادامه مى دهيم.

اکنون جاي طرح اين سؤال است: تأثير عزت نفس بر عهد و عزم و تصمييم چگونه است؟ آيا با تقويت عزت نفس مى توانيم عزم خود را برای دوری از گناه محكم تر کنيم؟

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

وَلَقَدْ كَرَّمَنَا بَنِي آادَمَ
وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ
وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيْبَاتِ
وَفَضَّلْنَاهُمْ
عَلَىٰ كُثُرٍ مِمَّنْ حَلَقْنَا ثَفَضِيًّاً

ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم
و آنان را در خشکی و دریا برنشاندیم
و از چیزهای پاکیزه روزیشان دادیم
و برتری کاملشان بخشدیدم
بر بسیاری از آفریدگان خویش

اسراء، ۷۰

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا
الْحُسْنَى وَزِيادةً
وَلَا يَرْهَقُ وُجوهَهُمْ فَتَرُ وَلَا ذَلَّةٌ
أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ
هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

برای آنان که نیکی کردند
پاداشی نیکوترو و فروتنراست
و چهره شان را تیرگی و خواری نبوشاند
.....
.....

يونس، ۲۶

وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ
جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا
وَتَرْهَقُهُمْ ذَلَّةٌ ...

.....
.....
.....

يونس، ۲۷

وَلِلّٰهِ الْعِزَّةُ

وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ

وَلِكُنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ

منافقون، ۸

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ

فَلِلّٰهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا

فاطر ، ۱۰



به کمک معنای این کلمات ترجمه آیات را تکمیل کنید.

کَسَبُوا : مرتكب شدند تَرَهُقُهُمْ : می‌پوشاند آن‌ها را
سَيِّئَاتٍ : بدی‌ها

عزّت نفس

عزّت به معنی شکست ناپذیری است. انسان عزیز کسی است که در مقابل دیگران تسلیم نمی‌شود و شکست نمی‌خورد. بنابراین، وقتی می‌گوییم فلان شخص دارای عزّت نفس است، منظورمان این است که او نفسی شکست‌ناپذیر دارد و تسلیم نمی‌شود.

در مقابل عزّت، «ذلت» قرار دارد که به معنی شکست‌پذیری و تسلیم شدن است. شخص ذلیل کسی است که خود را تسلیم دیگری می‌کند.

در اینجا سؤال‌های مطرح است که باید به آن‌ها پاسخ دهیم تا بهتر به حقیقت «عزت‌نفس» بپیریم و آن را با برخی خصلت‌ها که گاهی هم منفی هستند، اشتباه نگیریم.

در مقابل چه چیزهایی باید عزت‌نفس داشته باشیم؟

آیا جایی هست که ذلت بهتر از عزت باشد؟

به کمک آیاتی که در ابتدای درس آمده و با مطالعه سخنان و سیره پیشوایان دین به سؤال‌های فوق پاسخ می‌دهیم:

..... /

خداآوند به انسان کرامت و بزرگی بخشیده

..... /

و بر بسیاری از مخلوقات برتری داده

و خطاب به وی فرموده:

«ای فرزند آدم، این موجودات و مخلوقات را برای تو آفریدم و تو را برای خودم»^۱

یعنی خداوند مخلوقات دیگر را آفرید تا بشر از آن‌ها بهره بگیرد و انسان را آفرید تا به جایگاه قرب الهی نایل شود^۲ و به دیدار او برسد و در بهشتی که خدا برایش آماده کرده، میهمان ابدی او گردد^۳ و آنچه از زیبایی و خوبی و لذت که می‌شناسد و تمنا می‌کند یا نمی‌شناسد و خدا می‌داند، از دست با کرامت الهی بگیرد.^۴

آیا می‌توان بهایی از این بالارزش‌تر و گرانقدرتر برای انسان یافت؟

راستی، چگونه می‌توان این کرامت را حفظ کرد و به چنان جایگاهی رسید؟

قرآن کریم، یکی از راه‌های اصلی رسیدن به چنین هدفی را کسب «عزت نفس» می‌داند.

اکنون این سؤال مطرح است که انسان باید در برابر چه چیزی و چه کسی عزیز و شکست‌ناپذیر باشد؟ در پاسخ می‌گوییم که عزت و شکست ناپذیری در دو مورد ضروری است:

۱— در برابر خواسته‌های نامشروع درونی که سبب روی آوردن ما به گناه می‌شوند.

۲— در برابر دشمنان ظالم و ستمگر بیرونی که می‌خواهند در مقابل ظلم آنان تسليم باشیم و ذلت را بپذیریم.

قرآن کریم به ما می‌آموزد که هر کس در برابر تمایلات نامشروع باست و به نیکی‌ها روی آورد و

۱— بَيْنَ آَمَّ حَلَقْتُ الْأَنْسَاءَ لِأَجْلِكَ وَ حَلَقْتُكَ لِأَجْلِي (الجواهر السنّة في الأحاديث القدسية، شیخ حر عاملی، ص ۳۶۱)

۲— فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُفْتَدِرٍ (قمر، ۵۵)

۳— يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمَطْمَثَةُ ... (فجر، ۲۷ تا ۳۰)

۴— زخرف، ۷۱

از گناه دوری کند، گردد ذلت بر چهره او نمی‌نشیند، یعنی عزیز می‌شود، عزیز در برابر گناه. و هر کس از این قبیل تمایلات دنباله‌روی کند به گناه و زشتی روی آورد، خواری و ذلت چهره او را می‌پوشاند، ذلت در برابر گناه.

انسانی که نفس خود را عزیز و شکست‌ناپذیر کرده، توانایی کنترل هوس‌ها و تمایلات نابجای خود را دارد و در مقابل تحریک و تشویق دیگران به گناه، ایستادگی می‌کند و به آن‌ها پاسخ «نه» می‌دهد. برخی از افراد در توجیه خطاو گناه خود عوامل تحریک‌کننده بیرونی را مقصراً جلوه می‌دهند و خطای خود را بر دوش آن عوامل می‌گذارند. اما این‌گونه افراد باید توجه کنند که عوامل بیرونی فقط زمینه‌ساز هستند، نه بیشتر. آن کس که تصمیم می‌گیرد و مرتكب گناه می‌شود و کرامت خدادادی خود را لکّه‌دار می‌کند، خود انسان است. چه بسیار انسان‌هایی که همان زمینه‌ها را می‌بینند اما با قدرت روحی و اراده قوی در مقابل گناه می‌ایستند و آن را شکست می‌دهند.

نمودهایی

برخی از عوامل بیرونی را که زمینه‌ساز گناه هستند، مثال بزنید و راه‌های حفظ خود در برابر آن‌ها را نشان دهید.

عزت نفس و بندگی خداوند

چگونه می‌توانیم ایستادگی و عزّت در برابر هوس و گناه را در خود تقویت کنیم؟

قرآن کریم راه آن را به ما نشان داده است؛ با روی آوردن به خدا.

خداوند که خالق تمام جهانیان است، حقیقت شکست‌ناپذیری است که همه مخلوقات تسلیم اویند.^۱ سرچشمۀ تمام عزّت‌ها خداست و هر کس که دنبال عزّت است، باید خود را به این سرچشمۀ پیوند دهد.

به همین جهت است که قرآن کریم ابتدا عزّت را برای خدا دانسته، سپس برای رسول خدا پیشنهاد که

۱- در قرآن کریم بیش از ۹۵ بار صفت «عزّت» و اسم «عزیز» برای خداوند به کار رفته است.

بندۀ خالص اوست و پس از آن برای مؤمنین که با پیروی از رسول خدا صلی اللہ علیہ وسّع نعمتہ، بندگی خدا را پذیرفته اند و تسلیم او شده‌اند.

امیر المؤمنین علی صلی اللہ علیہ وسّع نعمتہ در وصف انسان‌هایی که عزّت خود را در بندگی خدا یافته و بر گناه و هوس پیروز شده‌اند، می‌فرماید:

خدا در نفس آنان بزرگ است

عَظُمَ الْخَالِقُ فِي أَنفُسِهِمْ

پس غیر خدا در چشم آنان کوچک^۱

فَصَغُرٌ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ

همچنین برای تسلیم شدن در برابر ظالمان و حفظ عزت نفس خود در مقابل آنان می‌فرماید:

بندۀ دیگری (مثل خودت) نباش

لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ

چرا که خدا تو را آزاده آفریده است.^۲

وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا

خود ارزیابی



آیا تاکنون خود را بر دو راهی عزّت و گناه یافته‌اید؟ تصمیم‌هایی را که به یادتان می‌آید، مرور کنید و از خود حساب بکشید. با خود یکرنگ باشید و از آسان‌گیری پرهیزید.

پیشوایان ما چون بندۀ حقیقی خدا بودند، در سخت‌ترین شرایط زندگی، عزّت‌مندانه زیستند و هرگز تن به خواری ندادند.

پیامبر اکرم، هنگامی که در محاصره طاقت‌فرسای مشرکان مکه بود و جز ابوطالب صلی اللہ علیہ وسّع نعمتہ و یاران اندک، پشتواهه ظاهری دیگری نداشت، به بزرگان مکه که وعده ثروت و قدرت به او می‌دادند، فرمود: اگر خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چشم بگذارید، از راه حق دست برنمی‌دارم.^۳

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳

۲- همان، نامه ۳۱ (وصیت نامه آن حضرت به فرزند گرامی اش امام حسن صلی اللہ علیہ وسّع نعمتہ)

۳- سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۲۶۵

امام حسین اللهم لا إله إلا أنت، آن‌گاه که یزیدیان از او می‌خواستند تسلیم شود تا جاش محفوظ بماند، می‌فرمود : «مرگ با عزّت از زندگی با ذلت برتر است»^۱

و می‌فرمود : «به خدا سوگند من دست ذلت به شما نمی‌دهم و همچون بردگان فرار نمی‌کنم»^۲ حضرت زینت اللهم لا إله إلا أنت، پس از تحمل انبوه مصائب و سختی‌ها، که هر کدام از آن‌ها روح یک انسان معمولی را می‌شکند، در پاسخ به جمله عبیدالله بن زیاد، حاکم کوفه، که می‌خواست سیدالشهداء و ایشان را تحقیر کند، فرمود :

«در این واقعه‌ای که برای ما پیش آمد، جز زیبایی از خدا ندیدم»^۳

کسی که بنده حقیقی خدا شد، عزیز می‌شود و تن به ذلت و خواری در برابر گناه و گناهکاران نمی‌دهد و تسلیم آنان نمی‌شود. او خود را همواره در پیشگاه خدا می‌بیند و می‌داند که اگرچه او خدا را نمی‌بیند اما خدا او را می‌نگردد.

حضرت یوسف اللهم لا إله إلا أنت در خلوت‌ترین مکانی که زلیخا ترتیب داده بود، در برابر هوس سرکش او ایستاد، در حالی که برده و غلام زلیخا محسوب می‌شد و می‌توانست بگوید من باید از او اطاعت کنم. اما هنگامی که زلیخا خواست نامشروع خود را با اصرار و تهدید مطرح کرد، یوسف، با این که در اوج جوانی و زیبایی بود، خدا را به یاد آورد و گفت : خدایا به تو پناه می‌برم! و از دست زلیخا به سوی درهای بسته فرار کرد.

آری، گرچه حضرت یوسف اللهم لا إله إلا أنت به زندان افتاد، اما عزّت حقیقی را به دست آورد و بعدها به عزّت ظاهری هم رسید و عزیز سرزمین مصر شد.



جوانی خدمت امام حسین اللهم لا إله إلا أنت رسید و گفت : من فردی گناهکارم و نمی‌توانم خود را از انجام گناهان بازدارم؛ مرا نصیحتی فرما. امام حسین اللهم لا إله إلا أنت به او فرمود : پنج کار انجام بده آنگاه هرچه می‌خواهی گناه کن!

۲۰۸—لهوف، سیدابن طاووس، ص ۲۰۸

۲۳۵—ارشاد شیخ مجید، ص ۱۵۷

۱—لهوف سیدابن طاووس، ص ۲۳۵

- ۱- روزی خدا را مخور و آنگاه هرچه می‌خواهی گناه کن!
- ۲- از حکومت خدا بیرون رو و آنگاه هرچه می‌خواهی گناه کن!
- ۳- جایی را انتخاب کن تا خدا تو را نبیند و آنگاه هرچه می‌خواهی گناه کن!
- ۴- وقتی عزرائیل برای گرفتن جانت آمد، او را از خود بران و آنگاه هرچه
می‌خواهی گناه کن!
- ۵- زمانی که مالک دوزخ تو را به سوی آتش می‌برد، در آتش وارد نشو و آنگاه
هرچه می‌خواهی گناه کن!^۱

خود عالی و خود دانی^۲

ممکن است برسید ریشه عزت و ذلت در وجود انسان چیست؟

این یک سؤال مناسب و راه‌گشاست. زیرا شناخت ریشه‌ها سبب می‌شود که انسان بهتر بتواند به سوی عزت حرکت کند و از ذلت دوری نماید. لذا در ریشه‌یابی این موضوع می‌گوییم: انسان دارای دو دسته از تمایلات است:

- ۱- تمایلات عالی که مربوط به بعد روحی و معنوی است؛ مانند تمایل به دانایی، احسان، شجاعت، ایثار، حُسن خلق، عدالت، عفاف، حیا و گذشت.
- ۲- تمایلات دانی که مربوط به بعد حیوانی و دنیابی است؛ مانند تمایل به ثروت، شهوت، غذاهای لذیذ و متنوع، زیور و زینت و رفاه.

تمایلات عالی مربوط به خود عالی انسان که همان بعد روحی و معنوی است، می‌باشد و تمایلات دانی مربوط است به خود دانی که همان بعد حیوانی و دنیابی می‌باشد. انسان باید به گونه‌ای زندگی خود را تنظیم کند که توجه به تمایلات دانی مانع رشد و شکوفایی تمایلات عالی نگردد. در حقیقت تمایلات دانی، تمایلات بدی نیستند، بلکه برای زندگی در دنیا لازم هستند، اما باید از حد تجاوز کنند و مانع رشد تمایلات عالی شوند. حد و مرز این نیاز را خدا می‌داند و خداوند چگونگی بهره‌مندی از شهوت، ثروت و سایر امور دنیابی را مشخص کرده تا انسان بتواند تمایلات عالی را در خود رشد دهد و به کمال رساند.

۱- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۶

۲- دانی: بَسْت، بَاعِن

عقل و وجدان، انسان را به تمایلات عالی فرامی خواند، چون به دنبال خوشبختی همیشگی اوست. اما هوی و هوس (نفس امّاره) از انسان می خواهد که فقط به غرایز و تمایلات دانی مشغول باشد و توجهی به تمایلات عالی نداشته باشد.

انسان عزیز همواره به ندای عقل و وجدان و نفس لواحه گوش فرامی دهد و تسلیم نفس امّاره نمی شود. اما انسان ذلیل، در درون شکست می خورد و تسلیم نفس امّاره می شود. بنابراین، انسان گناهکار پیش از آن که در مقابل عوامل بیرونی تسلیم شود، ابتدا در خود می شکند و حقارت را پذیرا می شود. کسی که در مقابل دیگران تن به ذلت می دهد، ابتدا در مقابل تمایلات پست درون خود شکست خورده و ذلیل شده است. او عزّت خود را از دست داده و به دنائت و پستی دچار شده است.

تحقیقات نیز نشان می دهد اکثر گناهکاران و مجرمان افرادی هستند که عزّت نفس خود را از دست داده و تحقیر شده اند. بنابراین یکی از راههای مبارزه با کریها و زشتی ها در جامعه افزایش عزّت نفس انسان ها و حفظ کرامت آن هاست.

نتیجه گیری

با توجه به آیات و احادیث درس و نکاتی که در پیرامون آن ها مطرح شد، نمودار زیر را تکمیل کنید.

تسلیم و بندگی خداوند ←

احساس حضور در پیشگاه خداوند ← و

غفلت از خداوند ← و

عزّت نفس ← حفظ پیمان با خدا و

ذلت نفس ← و سستی در عزم و تصمیم

فقیری که دارای عزّت نفس باشد نمی کند. گذا، ابتدا و

سپس گدایی می کند. جوانی که عزت نفس دارد، در برابر نمی شکند.

انسان عزیز در برابر شکستناپذیر و در برابر مردم

است.



- ۱- میان عزّت نفس و گناه چه رابطه‌ای وجود دارد؟ چرا؟
- ۲- آیا می‌توان مسئولیت انجام گناه را از دوش خود برداشت و به عوامل بیرونی منتقل کرد؟
- ۳- با توجه به این که آیه ۱۰ سوره فاطر خداوند را صاحب عزّت معرفی می‌کند، راه بهره‌مندی از عزّت الهی چیست؟
- ۴- آیا انسانی که دارای عزّت نفس است به پیمان‌شکنی دست می‌زند؟



یکی از سخنان معصومین علیهم السلام را که در این درس آمده و تأثیر پیش‌تری بر شما داشته است، انتخاب کنید و با خط زیبا بنویسید. آن‌گاه پس از تزیین، آن را در یک قاب جای دهید.

تقویت عَزَّت نفس

خدایا! توبه ما کرام است بخشیدی و بر سایر مخلوقات برتری دادی.

این جایگاه رفع به حنا طرانگ کو هری است که در وجود مقرار

دادی همان روحی که در ماد میدی، «روح خودت» را.

خدایا تلاش می کنم بهواره این کوش وجودم را عزیز بدارم.

بآسانی نافرمانی تو را در پیش نکیرم و ذلیلانه در بر ابرکن و

کن باسکاران زانو نزنم.

خداوند! یاریم کن تاباندگی تو که سزا او را عبادت بستی از بندگی

هرچه غیر توست دوری کنم و در برابر آنان که مرایه پستی نافرای خوانند

یا یتم و نم بگویم تا بر عمدی که با تو بسته ام و فاده اربانم.

مرحله‌ی سوم در مسیر

پادآوری

در سال‌های اول و دوم، در مرحله «قدم در راه» و «در مسیر»، دانستیم که انسان براساس تصمیم خود، برنامه‌ریزی می‌کند و آن را به اجرا در می‌آورد تا به هدف برسد. برنامه‌های پیشنهادی دو سال گذشته عبارت بودند از:

سال	ردیف	برنامه‌ها	بخش‌ها
	۱	قرائت قرآن و ننکر در آن	ارتباط با خدا – ارتباط با خود
	۲	انتخاب مقصد و هدف زندگی	ارتباط با خدا – ارتباط با خود
	۳	تلاش برای معرفت پیش‌تر به خداوند	ارتباط با خدا
	۴	تقویت ایمان به کمک راه‌های پیشنهاد شده	ارتباط با خدا
	۵	عهدبستان با خدا برای قدم گذاشتן در راه	ارتباط با خدا – ارتباط با خود
	۶	تصمیم‌گیری و عزم برای اجرا کردن برنامه	ارتباط با خود
	۷	مراقبت و محاسبه از تصمیم‌ها و پیمان‌ها	ارتباط با خود
	۸	دانستن دفتر برنامه‌ریزی	ارتباط با خود
	۹	انجام صحیح و به موقع نماز و حفظ کردن احکام آن	ارتباط با خدا
	۱۰	برنامه‌ریزی برای ورزش و مطالعه	ارتباط با خود
	۱۱	انتخاب دوست شایسته	ارتباط با جامعه
	۱۲	پرداختن به کار و تلاش برای رساندن سود به خود و جامعه	ارتباط با خود – ارتباط با جامعه

۱۳	تقویت دوستی و محبت به خداوند	
۱۴	تقویت دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا	
۱۵	توکل و اعتماد بر خداوند در تصمیم‌گیری‌ها	
۱۶	تقویت پیمان با خداوند و مراقبت و محاسبه از تصمیم‌ها	
۱۷	داشتن ظاهر و لباس آرایه، همراه با حجاب و عفاف	
۱۸	هماهنگ کردن ظاهر خود با باطن نیکو و خوب	
۱۹	رعایت احکام محربت و نامحرمی	
۲۰	دعوت دیگران به رعایت احکام الهی	
۲۱	انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر در موارد ضروری	
۲۲	مشارکت و همکاری دررفع نیازهای جامعه	
۲۳	تمرین اتفاق و پرداخت خمس در صورت ضرورت	
۲۴	آشنایی با احکام مالی اسلام	
۲۵	تقویت تقوا به کمک انجام درست نماز و روزه	
۲۶	حفظ کردن برخی احکام نماز و روزه	

۲۶

درس ۱۴

زمینه‌های پیوند

خانواده ارزشمندترین بناء و بنیان نزد خداست که با پیوند زن و مرد به وجود می‌آید و با آمدن فرزندان، کامل می‌شود. با تولد فرزندان، زن و مرد، مادر و پدر بودن را می‌پذیرند و فرزندان خود را در دامان مهربان خود تربیت می‌کنند.

در این درس به بررسی این مسئله می‌پردازیم که

۱- نگاه دین به زن و مرد به عنوان انسان چیست؟

۲- عوامل و زمینه‌های جذب زن و مرد به یکدیگر برای تشکیل

خانواده کدام‌اند؟

۳- چه اهدافی برای تشکیل خانواده مناسب‌اند؟

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

..... إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ
 وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
 وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ
 وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ
 وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ
 وَالْخَاسِعِينَ وَالْخَاسِعَاتِ
 وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ
 وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ
 وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ
 وَالذَّاكِرِينَ اللّٰهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَ اللّٰهُ لَهُم
 مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

احزاب ۳۵

..... وَمِنْ ءاِيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ
 همسرانی از جنس خودتان
 تا با ایشان آرامش یابید مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْواجًا
 لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا
 وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً

إِنَّ فِي ذُلْكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

روم ۲۱

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ
مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَرْوَاجًا
وَجَعَلَ لَكُمْ مِّنْ أَرْوَاجِكُمْ
بَنِينَ وَحَفَدَةً
وَرَزَقَكُمْ مِّنَ الطَّيْبَاتِ
أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ
وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ

نحل ۷۲



به کمک عبارت‌های زیر، ترجمه آیات را تکمیل کنید.

خاشِعات : زنان فروتن

قانِتین : مردان فرمانبردار

صائِمات : زنان روزه‌دار

مُتصَدِّقین : مردان صدقه دهنده

أَعَدَّ : آماده کرده است

الْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ : مردان پاکدامن

حَفَدَة : نوادگان

بَنِينَ : فرزندان

شخصیت انسانی زن و مرد

کلمه «إنسن»، «إنسان» و «بنی آدم» در قرآن کریم اختصاص به جنس خاصی ندارد و هر پیامی که با این کلمات همراه شده، به زن و مرد، هر دو، مربوط می‌شود. زیرا زنان و مردان به عنوان افراد نوع انسان، ویژگی‌های فطری یکسان و هدف مشترکی دارند که با استفاده از سرمایه‌های ذاتی خود می‌توانند به آن هدف برسند و در بهشت جاوید خداوند منزل گزینند.

بنابراین :

– کرامتی که خداوند به انسان بخشدید و بر سایر مخلوقات برتری داده، اختصاص به زن یا مرد، به تنها بیانی، ندارد.^۱

– هر کدام از زن و مرد به میزان تقوا، عفاف و دوری از گناه، نزد خداوند گرامی‌تر است.^۲

– پاداش اخروی و قرب به پورده‌گار، به جنسیت انسان مربوط نیست.^۳

– گرفتار شدن به عذاب اخروی و دوری از خداوند نیز ارتباطی با زن یا مرد بودن ندارد.^۴



– در آیه‌های ابتدای درس بیندیشید و پیام‌هایی را که نشان‌دهنده یکسانی مقام و منزلت انسانی زن و مرد است، استخراج کنید.

سوره/آیه	
..... -۱
..... -۲
..... -۳

۲- نحل، ۹۷

۱- اسراء، ۷۰

۴- یونس، ۲۷

۳- احزاب، ۲۵



در دوره‌ای که قرآن کریم بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شد، بیشتر مردم مرد را در خلقت برتر از زن می‌شمردند این موضوع، به خصوص در داستان خلقت آدم و حوا و زندگی آن‌ها در بهشت اولیه و بیرون شدنشان از آنجا نمود بیشتری داشت.

به طور مثال، در تورات آمده که حوا از دنده آدم خلق شده و او بود که آدم را اغوا کرد و به خوردن میوه منوع تشویق نمود؛ به این صورت که شیطان به شکل مار درآمد و به سراغ حوا رفت و به تحریک او پرداخت. وقتی شیطان حوا را فریب داد، حوا به نزد آدم رفت و آن قدر اصرار کرد تا او را راضی نمود که با هم به درخت منوع نزدیک شوند و از میوه آن بخورند.^۱ این کتاب که هم‌اکنون نیز کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان است، چنین نگاهی به زن را به پیروان خود منتقل می‌کند و در مورد خروج از بهشت، زن را مقصراً نشان می‌دهد و او را به گناه نزدیک‌تر می‌داند.

اما قرآن کریم، با این که در میان عرب‌های بدون فرهنگی نازل شد که بدترین نظرها را نسبت به زن داشتند و برخی از آن‌ها دختران خود را زنده به گور می‌کردند، اما در بیان داستان خلقت، مرد را برتر از زن قرار نمی‌دهد. او لا^۲ قرآن می‌فرماید که زن از همان جنس مرد آفریده شده است.^۳ و در داستان بیرون رفتن آن‌ها از بهشت هم بدون اینکه نامی از مار بیاورد، می‌فرماید که شیطان هر دو را با هم فریب داد.^۴ همچنین می‌فرماید خداوند انسان‌ها را از یک مرد و یک زن آفریده و هیچ‌کدام در پیشگاه خدا بر دیگری برتری ندارید، مگر به تقوا.^۵

نقش‌های مکمل

خداوند، زن و مرد را به گونه‌ای آفریده که زوج یکدیگر باشند.^۶ زوجیت میان زن و مرد آن‌گاه معنی دارد که هر دو تکمیل‌کننده یکدیگر باشند. بنابراین، زن و مرد گرچه در ویژگی‌های انسانی با

۱- تورات، سفر پیدایش، اصلاح ۲-۲۳، ۲۵-۲۶، اصلاح ۳-۱

۲- نساء، ۱

۳- اعراف، ۲۰

۴- نبأ، ۸

۵- حجرات، ۱۳

هم مشترک هستند و خداوند برای هر دو هدف واحدی معین کرده است، اما از جهت «زن بودن» و «مرد بودن» تفاوت‌هایی دارند. این تفاوت‌ها نیز به گونه‌ای است که هر دو را به هم نیازمند کرده، بدون این که یکی بر دیگری برتری ذاتی پیدا کند. زیرا برتری هر کس نزد خداوند به تقواست که باید آن را در وجود خود پرورش دهد. پس هم مرد برای زن است و هم زن برای مرد.^۱

برخی تفاوت‌های زیستی و روان‌شناسی سبب شده که هر کدام از مرد و زن بتوانند در زندگی مشترک و خانوادگی نقش‌های متفاوتی را بر عهده بگیرند و یک خانواده متعادل را پدیدآورند، مقصود از آفرینش انسان‌ها به صورت زوج، همین است. به طور مثال توانمندی عاطفی بالای زنان و قدرت جسمی بیش‌تر مردان برای آن است که زن و مرد دو نقش تکمیلی در کنار هم ایفا نمایند. زن، با محبت مادری، فرزندان را رشد دهد و مرد با کارکردن خود نان‌آور خانواده باشد.

متأسفانه گاهی به علت باورهای غلط فرهنگی و اجتماعی، رفتارهای نامناسبی نسبت به زنان روا داشته می‌شود که به هیچ وجه مورد تأیید دین اسلام نیست. اگر امروزه برخی افراد ارج و منزلت لازم را برای نقش مادری قائل نیستند و بر کار اقتصادی بیش از نقش مادری تأکید می‌کنند، ناشی از این اشتباہ بنیادی است که می‌پنداشند فضیلت و قدر و منزلت آدم‌ها به قدرت اقتصادی آن‌هاست.

مهم‌ترین عامل پایداری خانواده، پس از ازدواج، درک درست زوجیت و مکمل هم بودن زن و مرد و عمل به این درک می‌باشد. اگر همسران از این موضوع غافل باشند. به سرعت در محیط خانه از هم بیگانه می‌شوند و با پیش آمدن کوچک‌ترین تشنج از هم جدا می‌شوند. اما اگر درک مقابله از نیازها وجود داشته باشد، به تعبیر قرآن کریم، لباس یکدیگر می‌شوند و کاستی‌ها و نقصان‌های یکدیگر را می‌پوشانند.^۲

از این‌رو، هر جوانی باید قبل از ازدواج، برای خود برنامه‌ای تنظیم کند و با آموزش نزد معلمان تعلیم و تربیت و مطالعه کتاب‌های مناسب، به درک درستی از ازدواج و زندگی خانوادگی برسد، تا بتواند یک خانواده موفق را تشکیل دهد.

۱- بقره، ۱۸۷

۲- نظام حقوق زن در اسلام، استاد شهید مطهری، ص ۱۱۹

۳- بقره، ۱۸۷

با نگاهی به ازدواج‌هایی که پیرامون شما اتفاق افتاده، نظر دهید که آیا
دختران و پسران با آنکه وارد زندگی مشترک می‌شوند؟ هر پاسخی که به این
سؤال دادید، عوامل آن را هم ذکر کنید.

پاسخ :

.....
.....
.....
.....

آماده شدن برای ازدواج

انسان، با رسیدن به بلوغ و دوره جوانی وارد مرحله مسئولیت‌پذیری می‌شود و شایستگی آن را به دست می‌آورد که مخاطب خداوند قرار گیرد و برای سعادت خود و خانواده‌ای که در آینده تزدیک تشکیل خواهد داد، برنامه‌ریزی نماید. مهم‌ترین این برنامه‌ها عبارتند از :

- ۱- تقویت عفاف و پاکدامنی در خود از آغاز بلوغ
 - ۲- مشخص کردن هدف‌های خود از تشکیل خانواده
 - ۳- شناخت معیارها و شاخص‌های همسر مناسب
 - ۴- شناخت ویژگی‌های روحی زن و مرد
 - ۵- آشنایی با نقش خود در خانواده به عنوان زن یا شوهر، مادر یا پدر
 - ۶- کسب آمادگی پذیرش مسئولیت در خانواده
- از میان این شش برنامه، به تبیین دو مورد آن‌ها در این درس می‌پردازیم :

۱- تقویت عفاف و پاکدامنی : دوره بلوغ تا ازدواج حساس‌ترین و ارزشمندترین دوره عمر انسان است. دوره‌گذر از کودکی و ورود به بزرگسالی و پذیرش مسئولیت‌های زندگی است. اگر جوان، این دوره را با پاکی و پاکدامنی بگذراند و در حالی به زندگی مشترک با همسرش وارد شود که آلوده به گناه و فحشاء نشده باشد، راه رسیدن به بهشت را برای خود و فرزندان خود بسیار هموار کرده است.

قرآن کریم از دختران و پسران می‌خواهد که قبل از ازدواج نیز، حتماً عفاف پیشه کنند تا خداوند به بهترین صورت زندگی آنان را سامان دهد.^۱ همچنین می‌خواهد که به هیچ‌وجه در بی رابطه پنهان و آشکار با جنس مخالف برنيایند^۲ که زیان آن تا قیامت دامنگیر آنان خواهد شد و در نسل‌های آنان تأثیر بد خواهد گذاشت.

هر جوانی به طور فطری و طبیعی خواستار ازدواج با کسی است که قبل از ازدواج پاکدامنی خود را حفظ کرده و به گناه آلوده نشده است. کسی که چنین خواستی دارد، باید خودش نیز اینگونه باشد. همچنین هر کس خواستار آن است که دیگران به اعضای خانواده او نظر سوء نداشته باشند، خودش هم باید چنین باشد. نظام هستی بر عدالت است.^۳ عمل هر کس، عکس‌العملی دارد که قسمتی از آن در این جهان ظاهر می‌شود و قسمتی دیگر در آخرت.

در این مسیر، پیشگیری بهتر از درمان است. برای پیشگیری از گرفتاری به بیماری فساد و گناه باید کاری کنیم که در آستانه انجام گناه قرار نگیریم. در عصری که گسترش دهنگان فساد و فحشاء از آخرین دستاوردهای علمی برای رسیدن به مقاصد شوم خود بهره‌مند، باید با زیرکی، شجاعت روحی و توکل بر خداوند، راه‌های نزدیکی به گناه را بیندیم و بینی شیطان را بر خاک بمالیم. با توجه به این شرایط پیچیده، اقدامات زیر برای حفظ پاکدامنی مؤثر است:

- ۱- شناخت سیره و روش زندگی پیامبر اکرم، فاطمه زهرا و امامان بزرگوار ﷺ
- ۲- انجام درست و به موقع نماز، بهخصوص به صورت جماعت و با حضور در مسجد
- ۳- مشغول بودن به کارهای ضروری مانند درس خواندن، انجام کارهای منزل، یا اشتغالات مثبت، مثل کارهای فنی، هنری، همکاری در بسیج، کانون‌های فرهنگی و بنیادهای خیریه
- ۴- نگاه نکردن به فیلم‌ها، سایت‌ها و تصویرهای شهوت‌انگیز
- ۵- استقامت در برابر تحریک دیگران برای دیدن یک فیلم یا یک پیام نامناسب و توانایی «نه» گفتن به آن‌ها
- ۶- انتخاب دوست دیندار و نماز خوان و معاشرت نکردن با افراد بی‌بند و بار
- ۷- استفاده از لباس مناسب با شأن و منزلت انسان مسلمان
- ۸- شرکت در جلسات و مراسم مذهبی، مانند مجالس دعای کمیل و دعای ندب، اعياد و

۱- نور، ۳۳

۲- مائد، ۵ و نساء، ۲۵

۳- بالعدل قامت السماوات والارض، عوالى اللعالى، ج ۴، ص ۱۰۳

عزاداری‌ها و سخنرانی‌های پر محتوا

- ۹- دوری از مجالس تشویق‌کننده و تحریک‌کننده به گناه
- ۱۰- انجام ورزش، به صورت مرتب، با دوستان هم‌فکر و مناسب
- ۱۱- توجه به نصیحت‌ها و خیرخواهی‌های پدر و مادر
- ۱۲- کنترل نگاه به نامحروم
- ۱۳- برنامه‌ریزی برای افزایش معرفت دینی و مطالعه کتاب‌های علمی، تاریخی، ادبیات و شعر
- ۱۴- معاشرت بیشتر با خویشان و نزدیکانی که معنویت را در انسان تقویت می‌کنند.
- ۱۵- عاقبت اندیشه در کارها و تصمیم‌گیری براساس فکر و اندیشه

خود ارزیابی

در میان پیشنهادهای بالا، پنج پیشنهاد را که از نظر شما مؤثرer است، انتخاب کنید.

- ۱
- ۲
- ۳
- ۴
- ۵

۲- اهداف ازدواج : یکی از مهم‌ترین تصمیم‌گیری‌های زندگی هر انسانی، تصمیم‌گیری برای ازدواج است. این تصمیم‌گیری باید بدون فکر و برنامه‌ریزی قبلی باشد. پس شایسته است که به تدریج درباره هدف خود از ازدواج فکر کنیم و هوشمندانه وارد این مرحله زندگی شویم. خداوند چهار هدف برای تشکیل خانواده قرار داده است.

اول : پاسخ به نیاز جنسی : ابتدایی‌ترین زمینه شکل‌گیری نهاد خانواده، نیاز جنسی مرد و زن به یکدیگر است. این نیاز که احساس آن از دوران بلوغ آغاز می‌شود، اولین کشش و جاذبه را میان زن و مرد ایجاد می‌کند و آنان را به سوی تشکیل خانواده می‌کشاند. بر اثر ازدواج و پاسخ صحیح به این نیاز، هر کدام از مرد و زن به یک آرامش روانی می‌رسند.

دوم : انس با همسر : هر یک از زن و مرد، نیازمند به زندگی با دیگری هستند و این نیاز پس از بلوغ آشکار می شود. این نیاز به گونه ای است که اگر فردی از راه های نامشروع نیاز جنسی خود را برطرف کند و غرق در آلودگی های جنسی باشد، اما مجرد و بدون همسر زندگی کند، باز هم یک بی قراری و نا آرامی او را آزار می دهد که فقط با ازدواج و بودن در کنار همسر برطرف می شود.

برخی از ازدواج های ناموفق هم ریشه در همین موضوع دارند که زن یا مرد به این نیاز همسر خود توجهی ندارد و رفتاری آرامش بخش از خود نشان نمی دهد. تجربه های روان شناختی گویای آن است که توانایی زن نسبت به مرد در ایجاد سکونت و آرامش بیشتر است و مبدأ آرامش در خانواده، اوست.



۱- با تدبیر در آیات درس مشخص کنید که کدام آیه آرامشی را که ناشی از این دو نیاز است، بیان می کند؟ عبارت مربوط به این آرامش را بنویسید.

..... آیه.....

۲- برای این که آرامش ناشی از انس و هم صحبتی میان همسران پدید آید، قرآن کریم به دو ویژگی که باید میان زن و مرد باشد، اشاره می کند، آن دو ویژگی کدامند؟

..... و

سوم : رشد و پرورش فرزندان : خانواده بستر رشد و بالندگی فرزندان است و هیچ نهاد دیگری نمی تواند جایگزین آن شود. فرزند، ثمرة پیوند زن و مرد و تحکیم بخش وحدت روحی آن هاست. آنان دوام وجود خود را در فرزند می بینند و رشد و بالندگی او را پایداری وجود خود می بابند. مسئولیتی که با آمدن فرزندان بر دوش پدر و مادر قرار می گیرد، سیار سنگین و غیرقابل چشم پوشی است. زن و مردی که ازدواج می کنند و خداوند به آنها فرزندانی می بخشد، در حقیقت با خداوند پیمان بسته اند که این هدیه های الهی را شکوفا کنند و به ثمر رسانند.

بنابراین، تمام فعالیت های بعدی پدر و مادر باید به گونه ای تنظیم شود که به رشد این نهال ها و بالندگی آنها کمک کند. هر یک از استعدادهای فرزندان که به خاطر بی تدبیری پدر و مادر،

خودخواهی‌ها، چشم و هم‌چشمی‌ها و تسلیم در برابر آداب و رسوم ساختگی، سرکوب شود، در پیشگاه خداوند مجازاتی به همراه دارد. بهداشت روانی و جسمی کودک و تعادل رفتاری و تعالی اخلاقی وی یک خواست الهی است که از همان ابتدای ازدواج باید مورد توجه قرار گیرد.



با تدبیر در آیات درس، مشخص کنید که کدام آیه، به این هدف اشاره دارد؟
عبارت مربوط به آن را بنویسید.
آیه.....:

چهارم : رشد اخلاقی و معنوی : عالی‌ترین هدف تشکیل خانواده، رشد اخلاقی و معنوی هر یک از اعضای خانواده است.

پسر و دختر جوان با تشکیل خانواده زمینه‌های فساد را از خود دور می‌کنند، مسئولیت‌پذیری را تجربه می‌نمایند، مهر و عشق به همسر و فرزندان را در خود پرورش می‌دهند، ایثار و از خود گذشتگی برای دیگری را تمرین می‌کنند، وفاداری، حُسن خلق، مدارا، تحمل رنج‌ها و سختی‌ها و بسیاری از صفات اخلاقی دیگر را در خود پدید می‌آورند.

علاوه براین، خانواده تنها محیط مناسب برای تربیت صحیح کودکان و رشد همین فضائل اخلاقی در آن‌هاست. البته، این در صورتی است که پدر و مادر با مسئولیت خود آشنا باشند و آن را انجام دهند.



با تدبیر در آیات درس، مشخص کنید که کدام آیه، به این هدف اشاره دارد؟
عبارت مربوط به آن را بنویسید.
آیه.....:

نکته مهم

برای اینکه یک ازدواج موفق داشته باشیم که هم به جدایی منجر نشود و هم سبب خوشبختی ابدی ما گردد، لازم است که هر چهار هدف را در تشکیل خانواده درنظر بگیریم و هدف چهارم را در اولویت قرار دهیم. اگر پس از تشکیل خانواده، به طور مثال، فقط هدف اول را دنبال کنیم و برای سه هدف دیگر تلاش نکنیم، پس از مدتی، اختلافات ظاهر می‌شوند و دوری روحی و روانی از یکدیگر زندگی را خسته کننده می‌کند. اما اگر پس از تشکیل خانواده هر یک از زن و شوهر تلاش کنند که در کنار دیگری اخلاق حسن را تمرین نمایند، به زودی محیطی آرامش‌بخش و سرشار از نشاط و لذت‌شکل خواهد گرفت و اعضای خانواده تا آخر عمر با احساس رضایت و موفقیت در کنار هم زندگی خواهند کرد.^۱



۱- پس از تشکیل خانواده، تصمیم‌های پدر و مادر تابعی از توجه به خانواده و اصل قرار دادن آن است. پدری که درآمد مناسبی دارد و می‌تواند وقت بیشتری را با خانواده و فرزندان بگذراند اما چنان به شغل خود وابسته است که بودن با خانواده را فراموش می‌کند، نمی‌تواند بگوید شغل ایجاب می‌کند که دیر وقت به خانه بیایم. مادری که شوهرش از درآمد کافی برخوردار است، نمی‌تواند بگوید شغل ایجاب می‌کند که کودک را هر روز به مهدکودک بسپارم و به این ترتیب، کودکش را از مهر و محبت مدام خود محروم کند. به همین جهت، رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌گویند:

«بهترین روش تربیت فرزند، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند. یکی از وظایف مهم زن عبارت از این است که فرزند را با عواطف، با تربیت صحیح، با دل دادن و رعایت دقت، آن چنان بار بیاورد که این موجود انسانی، چه دختر چه پسر، وقتی که بزرگ شد، از لحاظ روحی، یک انسان سالم، بدون عقده، بدون گرفتاری، بدون احساس ذلت و بدون بدختی‌ها و فلاکت‌ها و

۱- دختران زودتر از پسران از سطح نیاز اول می‌گذرند و به هدف‌های بالاتر توجه دارند. یعنی معمولاً نیازهایی بیش از نیاز جنسی آن‌ها را به سوی پسران می‌کشانند. برخی از پسران که معمولاً برای نیاز سطح اول به سوی دختران می‌روند، به ارتباطی موقت بسته می‌کنند و پس از مدت کوتاهی ارتباط خود را قطع می‌کنند و کمتر به ارتباطی پایدار برای تشکیل خانواده می‌اندیشند. به همین جهت، گفته‌اند که برای تشکیل خانواده، علاوه بر نیاز اول، آگاهی از نیازهای دیگر که مدتی پس از بلوغ جنسی برای پسران حاصل می‌شود، ضرورت دارد. از فواید مهم مشورت دختران با پدران و مادران تشخیص موضوعاتی از این قبیل است (رجوع کنید به یادداشت‌های استاد مطهري، ج ۵، ص ۳۰).

بلایایی که امروز نسل‌های جوان و نوجوان غربی در اروپا و آمریکا به آن گرفتارند، بار آمده باشد. زنانی که فرزند خود را از چنین موهبت الهی محروم می‌کنند، اشتباه می‌کنند؛ هم به ضرر فرزندشان، هم به ضرر خودشان و هم به ضرر جامعه اقدام کرده‌اند. اسلام، این را اجازه نمی‌دهد.^۱

۲- همان‌طور که پایداری بنیاد خانواده سبب کم شدن فساد در جامعه می‌شود، از دیاد فساد نیز سبب سست‌شدن این بنیان می‌گردد. از این‌رو، هر یک از ما که آرزومند داشتن خانواده سالم و فرزندان سالم است، باید در کاهش اجتماعی مشارکت کند. کسی که در سنین جوانی، مرتکب برخی فسادها شده، نباید انتظار داشته باشد که پس از تشكیل خانواده، محیط سالمی داشته باشد. البته در هر زمانی امکان توبه حقیقی هست، اما بحث ما مربوط به شرایط عادی است. شیطان، با فریبکاری تمام به برخی جوانان چنین القاء می‌کند که بی‌بند و باری دوره جوانی امری عادی است و پس از ازدواج می‌توانی از این بی‌بند و باری دور شوی.

قرآن کریم مسأله فساد را خطرناک‌ترین توطن شیطان و بدترین پرتگاه سقوط انسان می‌داند و فرزندان آدم را بهشدت از آن بیم می‌دهد. قرآن کریم به ما اعلام می‌کند که شیطان و پیروان او، انسان‌ها را به پوشش‌های نامناسب و برهنگی وسوسه می‌کنند و از راه‌های مختلفی وارد می‌شوند تا ما را فریب دهند و به گناه بکشانند و پس از آلوده شدن به گناه ناامیدی از بخشش خداوند و بازگشت و توبه را به ما تلقین می‌کنند. قرآن کریم به ما می‌آموزد که خداوند لباس و پوشش را بدان جهت قرار داده تا هم اندام‌های تحریک‌کننده را بپوشاند و در برابر نگاه‌های شهوت‌رانان حفظ کند و هم سبب آراستگی و زیبایی و وقار گردد. قرآن کریم از روش تأسف‌بار کسانی خبر می‌دهد که وقتی فریب شیطان را می‌خورند و به لباس بدن‌نما و فساد روی می‌آورند، به توجیه کار خود برمی‌خیزند و می‌گویند دیگران هم چنین می‌کنند و خدا هم با این کارها مخالف نیست. قرآن کریم با تعجب می‌پرسد: «آیا چیزی به خدا می‌بندید که اصلاً بدان علم ندارید!؟» سپس با تأکید کامل می‌فرماید: ای پیامبر به مردم بگو خداوند هر فساد و فحشایی را، چه پنهان و چه آشکار، حرام کرده و گناه شمرده است.^۱

بی‌حجایی، پوشش نامناسب و روابط نامشروع و خارج از محیط خانواده که در همین دهه‌های جدید و برای اولین بار در میان کشورهای غربی پدیدار شده، چنان ضربه بزرگی به بنیان خانواده و فضائل اخلاقی و کرامت انسانی وارد کرده که مانند آن در تاریخ بشر مشاهده نشده است.

۱- مجموعه مطالب ذکر شده از قرآن از آیات ۲۶ تا ۳۳ سوره اعراف، استخراج شده است.



- ۱- چگونه می توان خانواده را به عامل گسترش مهریانی و دوستی در جامعه تبدیل کرد؟
- ۲- وقتی می گوییم باید خانواده را اصل قرار داد و سایر تصمیم ها را با آن تنظیم کرد، منظور چیست؟ چند نمونه ذکر کنید.



برای حفظ پاکی و سلامت اعضای خانواده و تقویت این نهاد مقدس چه راه هایی پیشنهاد می کنید؟ هر کدام از پدر، مادر، دختر و پسر چه کارهایی را باید بر عهده بگیرند.

با تعدادی از دوستان خود یک گروه مشورتی تشکیل دهید و نتیجه هم فکری خود را در این زمینه، به کلاس گزارش کنید.



پیوند مقدس

رسول خدا ﷺ

در اسلام، هیچ بنایی نزد خدا محبوب‌تر از ازدواج نیست.^۱

از زیباترین و حساس‌ترین تصمیم‌های زندگی، انتخاب همسر و آغاز زندگی مشترک است. به‌حاطر اهمیت و حساسیت این تصمیم، شایسته است به مطالعه در این باره پردازیم و آگاهی خود را در این زمینه افزایش دهیم تا در آینده با آمادگی لازم و به درستی تصمیم بگیریم. معمولاً برای همه جوانان در زمینه انتخاب همسر سؤال‌هایی پیش می‌آید که در اینجا بعضی از آن‌ها را مطرح می‌کنیم.

همسر مناسب و دل‌خواه، چه کسی است؟

همسر شایسته چه مسئولیت‌هایی را بر دوش می‌گیرد؟
چه موانعی در مسیر ازدواج وجود دارد و چگونه می‌توان از آن‌ها عبور کرد؟



۱- مَا بُنِيَ بَنَاءً فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ السَّرْوِيجِ - من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، ص ۴۰۹.

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

..... وَ لَا تُنْكِحُوا الْمُسْرِكَاتِ
 حَتّىٰ يُؤْمِنَ ...
 وَ لَا تُنْكِحُوا الْمُسْرِكِينَ
 حَتّىٰ يُؤْمِنُوا
 أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ
 وَ اللّٰهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ
 وَ الْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ
 وَ يُبَيِّنُ ءاِيَاتِهِ لِلنَّاسِ
 لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

۲۲۱ بقره،

پروردگارا مرا بر پادارنده نماز قرار ده
 و از فرزندانم نیز
 پروردگارا دعای مرا بپذیر

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ
 وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي
 رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ

..... رَبَّنَا اغْفِرْ لِي
 وَ لِوَالِدَيَ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ
 يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ

ابراهیم، ۴۱



به کمک توضیحات زیر، ترجمه‌ها را تکمیل کنید.

لَا تَنْكِحُوا : ازدواج نکنید **يُؤْمِنُونَ : ایمان آورند**



سوره / آیه	با تفکر در آیات درس، پیام‌های زیر را تکمیل کنید.
.....	۱- شرط اصلی و اولی در انتخاب همسر، بودن اوست.
.....	۲- همسری که، اعضای خانواده را به نافرمانی از خدا و بدیختی ابدی سوق می‌دهد.
.....	۳- پدر و مادر با ایمان تلاش می‌کنند فرزندانشان مؤمن باشند و
.....	۴- فرزند با ایمان، همواره به پدر و مادر خود محبت می‌ورزد و

پیامی که از آیات شریفه درس به دست می‌آید، نشان دهنده مسئولیت زن و مرد در انتخاب همسر آینده و به دوش گرفتن رشد و تربیت فرزندان صالح و شایسته است. خانواده مورد قبول خداوند، خانواده‌ای است که بر محور ایمان پایه‌گذاری شده و اعضای خانواده، در سایه این کانون می‌توانند مسیر رشد و تعالی را پیمایند و به سعادت برسند. از این‌رو، پیشوایان بزرگ ما، هر یک از دختر و پسر را راهنمایی کرده‌اند که چگونه قدم در امر ازدواج گذارند و چگونه برای زندگی مشترک آینده برنامه‌ریزی کنند. در این درس، به راهنمایی آن بزرگواران توجه می‌کنیم تا بتوانیم در آینده زندگی مشترک سالم و تعالی بخش تشکیل دهیم.

انتخاب همسر و مسئولیت آینده

پس از تعیین هدف ازدواج، انتخاب زوج مناسب مطرح می‌شود. طبق مقررات اسلامی، رضایت کامل زن و مرد برای ازدواج ضروری است و اگر عقدی به زور انجام گیرد، باطل است و مشروعيت ندارد.

داشتن قدرت انتخاب، ارزشمند و در عین حال، مسئولیت‌زاست. برای موفق شدن در این مسئولیت، باید با چشم باز عمل کرد و به انتخابی شایسته دست زد. لازمه چنین انتخابی، تسلط کامل بر شور و احساس جوانی است. همواره دیده‌ایم که علاقه و محبت اولیه، چشم و گوش را می‌بندد و عقل را به حاشیه می‌راند، به گونه‌ای که فریادهای خیرخواهانه او را نمی‌شنوند. این سخن زیبای امام علی ع مربوط به مواردی از همین قبیل است:

حُبُّ الشَّيْءِ يُعْمِلُ وَيُصْمَعُ

از این رو، پیشوايان دين از ما خواسته‌اند که در مورد همسر آینده با پدر و مادر خود مشورت کنیم تا به انتخابی درست برسیم. پدر و مادر به علت علاقه و محبت به فرزند، معمولاً مصلحت و خوش‌بختی او را در نظر می‌گیرند و به علت تجربه و پختگی‌شان، بهتر می‌توانند خصوصیات افراد را دریابند و عاقبت ازدواج را پیش‌بینی کنند.

البته پدران و مادران نباید نظر خود را بر فرزندانشان تحمیل کنند و آن‌ها را به ازدواجی ناخواسته بکشانند. شایسته است محیط خانواده، محیط هم دلی، اعتماد به بزرگ‌ترها، شنیدن نظریات یکدیگر و به خصوص، محیط محبت و ایشار باشد تا بهترین تصمیم‌ها گرفته شود و حسرت و پشیمانی کمتر پیش بیاید.

از همین منظر است که ضروری بودن اجازه پدر برای دختران روشن می‌شود. لطفات‌های روحی و ظرافت‌های عاطفی دختر، آن‌گاه که در فضای محبت و علاقه جنس مخالف قرار می‌گیرد، احتمال نادیده گرفتن برخی واقعیت‌ها و کاستی‌ها را به دنبال دارد؛ علاوه بر این، چون دختران به خاطر حیا و عزت نفس قوی خود، در ازدواج پیش قدم نمی‌شوند و طلب و درخواست از طرف پسر صورت می‌گیرد، ممکن است حیا مانع از آن بشود که دختر همه ویژگی‌های پسر و سابقه او را بشناسد و با آگاهی کامل تصمیم‌گیری کند. در چنین موقعی، پدر که بر احساسات خود غلبه

۱- خاتمة المستدرک، میرزای نوری، ج ۱، ص ۲۰۱.

دارد و نیز دارای تجرب فراوان و شناخت کامل از جنس مرد است، می‌تواند به سان با غبانی دلسوز و کارдан از گل لطیف و ظریف خویش مراقبت کند و به راهنمایی او بپردازد.^۱

معیارهای همسر شایسته

اولین قدم برای تشکیل خانواده، انتخاب همسر خوب است. هرگونه سهل انگاری و تصمیم‌گیری عجولانه که پیش‌تر تحت تأثیر احساسات یا اجبار و تحمل بستگان و دوستان صورت می‌گیرد، پیشمانی بعدی را به دنبال دارد.

از نظر قرآن کریم، مهم‌ترین معیار همسر شایسته، با ایمان بودن اوست. اگر این معیار در فردی وجود نداشته باشد، ازدواج با او حرام می‌شود. هر قدر ایمان یک فرد قوی‌تر باشد، شایستگی او برای همسری پیش‌تر است. معیارهای دیگری که باید مورد توجه قرار گیرند، عبارت‌اند:

ردیف	معیارها	ردیف	معیارها
۱	اصالت خانوادگی	۷	عاقل و فهیم بودن
۲	پوشش مناسب اسلامی	۸	اخلاق خوب و خوش‌روی
۳	عدم ارتباط قبلی با جنس مخالف	۹	قناعت در زندگی
۴	صداقت با همسر	۱۰	کسب و کار حلال
۵	سلامت جسمی	۱۱	زیبایی و مورد پسند بودن
۶	انجام عبادات، به خصوص نماز	۱۲	داشتن دوستان درستکار و سالم

۱- طبعاً تأکید بر اجازه پدر برای آن است که گاه، ممکن است دختری علی‌رغم توصیه‌های پدر، علت خیرخواهی و راهنمایی او را درک نکند. در این صورت، التزام به اجازه پدر او را از افتادن در دام زندگی ناپایدار و نامطلوب بازخواهد داشت؛ بنابراین، اجازه پدر نه تنها محدودیتی برای دختران نیست بلکه لطفی از جانب خداوند برای آنان است؛ زیرا در پیش‌تر موارد نظر پدر و دختر یکی می‌شود. تنها در صورت عدم توافق است که ازدواج منتفی می‌شود. البته در این صورت هم یا به صلاح دختر و یا خلاف مصلحت است. اگر تصمیم پدر خلاف مصلحت باشد، دختر می‌تواند با کمک بستگان پدر را قانع کند و اگر پدر استبداد ورزد و به مصلحت فرزند توجه نکند (که البته بسیار استثنایی و نادر است)، مراجع قانونی حق دختر را به وی بازخواهند گرداند.

۲- برای کسب اطلاع بیشتر، به کتاب «خانواده در قرآن» از دکتر احمد بهشتی و «همسرداری» از آیت‌الله ابراهیم امینی مراجعه کنید.

اگر بخواهیم این دوازده مورد را از نظر اهمیت، در سه طبقه قرار دهیم، به نظر شما چه شماره‌هایی در طبقه اول که مهم‌ترین است قرار می‌گیرند و چه شماره‌هایی در طبقه دوم و سوم؟

طبقه سوم	طبقه دوم	طبقه اول

راههای شناخت همسر

تحقیق درباره همسر آینده، به اندازه‌ای که به کمک آن بتوان به اطمینان در تصمیم‌گیری رسید، ضروری است. تحقیق باید نتیجه بخش باشد و در چهارچوب ضوابط و معیارهای الهی صورت گیرد؛ بنابراین، تحقیق درباره همسر آینده را نباید با معاشرت‌هایی که منشأ آن تنها هوش‌های زودگذر است، اشتباہ کرد. این گونه معاشرت‌ها، هر چند با عنوان‌هایی مانند شناخت روحیه همسر و امتحان او باشد، نتیجه بخش نیست و آثار زیان بار دیگری دارد که به خاطر همان آثار، خداوند اجازه این گونه معاشرت‌ها را نداده است. در این معاشرت‌ها که معمولاً احساسات بر هر دو نفر حاکم می‌شود و هرطرف اصرار دارد خود را بهتر از آن چه هست نشان دهد تا محبوب دیگری واقع شود. معمولاً هم بیش‌تر این معاشرت‌ها به سنتی رابطه و جدایی می‌انجامند. مناسب با فرهنگ اسلامی، راههای زیر برای شناخت کسی که تصمیم به ازدواج با او را داریم، پیشنهاد می‌شود:

- ۱- تحقیق درباره خانواده همسر و موقعیت اعضای خانواده در محل زندگی و محل کار.
- ۲- شناخت دوستان همسر و کسانی که او با آن‌ها معاشرت بیش‌تری دارد.
- ۳- تحقیق درباره روحیات و حلقویات همسر در محیط کار یا محل تحصیل.
- ۴- معاشرت خانواده‌های دوطرف با یک دیگر و بهره بردن از تجارب پدر و مادر در این معاشرت‌ها.
- ۵- مشورت با افراد قابل اعتماد و کارдан.
- ۶- گفت‌وگو با یکدیگر در جلسات حضوری و طرح نظریات و دیدگاه‌ها درباره موضوعات مختلف.

هربک از این راه‌ها را بررسی کنید و بگویید که هر کدام از این راه‌ها چگونه در تشخیص همسر آینده به ما کمک می‌کند.

زمان ازدواج

اکنون جا دارد این سؤال را بررسی کنیم که سن مناسب ازدواج کدام است. در این میان، دختران و پسران با پیشنهادهای گوناگونی رویه رو هستند که هربک از آن‌ها بر محوری خاص، تأکید می‌کند. نباید از یاد بیریم که ازدواج، برای رفع نیازهای طبیعی و پاسخ‌گویی به قانون خلقت انجام می‌شود. اگر به این نیازهای طبیعی در زمان و موقعیت مناسب پاسخ داده نشود، مانند سایر نیازها، اختلالات و مشکلات خاص خود را به دنبال دارد و آسیب‌های جبران‌ناپذیر روانی، اخلاقی و اجتماعی وارد می‌کند. شادابی، نشاط، سلامت جسمی و روحی، رشد طبیعی، احساس رضایت درونی، تعادل در حالات و رفتار، خوش‌رویی و خوش‌خلقی، کاهش فشار جنسی، و سلامت اخلاقی جامعه از فواید ازدواج به موقع است. تأخیر در ازدواج سبب افزایش فشارهای روحی و روانی، روابط نامشروع و آسیب‌های اجتماعی می‌گردد. کاهش روابط نامشروع و آسیب‌های اجتماعی و روانی از فواید ازدواج به موقع است. زندگی یک جوان در کنار کسی که همسر او محسوب می‌شود، چنان برکتی برای جسم و روح او دارد و چنان‌لذتی را به ارمغان می‌آورد که هیچ چیز دیگری جای آن را نمی‌گیرد.

اما اگر فردی بخواهد در قالبی غیر از ازدواج به نیاز جنسی خود پاسخ دهد، در آن صورت، لذت آنی برخاسته از گناه، پس از چندی روح و روان فرد را پژمرده می‌کند و شخصیت او را می‌شکند. این گونه اشخاص، به جای بازگشت به مسیر درست، برای فرار از این پژمردگی به افراط در گناه کشیده می‌شوند.اما نمی‌دانند که روحشان مانند شئنه‌ای است که هرچه بیشتر از آب دریا می‌نوشد، بر تشنگی‌اش افروده می‌شود و بی قراری اش شدت می‌یابد.

آمادگی برای ازدواج نیازمند دو بلوغ است: یکی بلوغ جنسی و دیگری بلوغ عقلی و فکری که مدتی پس از بلوغ جنسی فرا می‌رسد. با رسیدن بلوغ عقلی، جوان در می‌یابد که باید زندگی را بسیار جدی گرفت و برای آینده برنامه‌ریزی کرد. توجه به داشتن شغل و پیدا کردن کار، فکر کردن درباره ویژگی‌های همسر، تنظیم خرج و هزینه خود و دوری از بی‌برنامه بودن از شسانه‌های بلوغ عقلی است. نباید فاصله میان بلوغ جنسی و عقلی با زمان ازدواج زیاد شود و تشکیل خانواده به تأخیر افتد. به همین علت پیشوایان

ما همواره دختران و پسران را به ازدواج تشویق و ترغیب کرده و از پدران و مادران خواسته‌اند که با کنار گذاشتن رسوم غلط شرایط لازم برای ازدواج آنان را فراهم کنند و به خاطر برخی پندارهای باطل فرزندان خود را به گناه نکشانند و جامعه را گرفتار آسیب‌ها نسازند.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

کسی که ازدواج کند، نصف دین خود را حفظ کرده است؛ پس، باید برای نصف دیگر از خدا پروا داشته باشد.^۱

این جمله کوتاه اهمیت ازدواج را به خوبی می‌رساند و نشان می‌دهد که چگونه نیمی از دینداری انسان با ازدواج حفظ و نگهداری می‌شود.

ایشان هم چنین می‌فرماید: برای دختران و پسران خود امکان ازدواج فراهم کنید تا خداوند اخلاقشان را نیکو کند و در رزق و روزی آن‌ها توسعه دهد و عفاف و غیرت آن‌ها را زیاد گردد.^۲

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

دو رکعت نماز شخص متأهل، برتر از هفتاد رکعت نمازی است که شخص مجرد می‌خواند.^۳

مشکلات پیش رو

وقتی به واقعیت‌ها نگاه می‌کنیم و شرایط جامعه و خانواده‌ها را از نظر می‌گذرانیم، می‌بینیم که ازدواج به موقع با مشکلاتی رویه روسť و اولین سؤالی که به ذهن جوان خطور می‌کند این است که با وجود مشکلات اقتصادی فراوان، چگونه می‌تواند ازدواج کند. چاره‌اندیشی در این مورد به بخش‌های مختلفی از جامعه مربوط می‌شود. آن‌ها باید با برنامه‌ریزی صحیح، به تدریج از شمار مشکلات بکاهند و امکان ازدواج به موقع را فراهم آورند. برخی از این مشکلات عبارت‌اند از:

- ۱- نیاز به مسکن
- ۲- هزینه‌های ازدواج و تأمین خانواده
- ۳- طولانی شدن زمان تحصیلات دانشگاهی
- ۴- توقعات غیرضروری که بر اثر برخی آداب و رسوم غلط بر خانواده تحمیل می‌شود.
- ۵- رقابت‌های نابجای خانوادگی

۱- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۰، ص ۲۱۹.

۲- نوادر راوندی، ص ۳۶.

۳- رساله نوین، امام خمینی (ره)، با توضیحات عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، ص ۶۶.

۶- الگو قرار ندادن روش پیشوايان دين و بي توجهی به راهنمایی های آنان.
البته مدیریت و تدبیر پدران و مادران می تواند بسیاری از مشکلات را از میان بردارد و شرایط ازدواج آسان را فراهم کند. دختران و پسران جوانی که حفظ عفاف و پاکدامنی را اصل قرار داده اند، می توانند با کاستن از توقعات خود، یک زندگی مشترک ساده و صمیمی را با همکاری سایر اعضای خانواده آغاز کنند.



با توجه به مشکلات یاد شده، برای این که ازدواج در زمان مناسب خود انجام شود و تأخیر آن به حداقل برسد، راه حل های پیشنهادی شما برای گروه های زیر چیست؟

۱- مسئولان جامعه ۲- پدرها و مادرها ۳- دختران و پسران



خواستگاری

معمولًاً خواستگاری از طرف پسر اعلام و قبول و رضایت از طرف دختر صورت می گیرد. این سنت پسندیده بیانگر کرامت، عزت نفس و حیای دختر و نیز نشانه آن است که پسر است که باید سؤال و درخواست کند و دختر است که می تواند پذیرد یا رد کند. به تعییر دیگر، این پسر است که باید ابتدا محبت خود را اعلام کند و به دنبال دختر بیاید تا دختر این اعلام محبت را برسی کند و پاسخ دهد. این به اقتضای احترام و برای حفظ عظمت و شخصیت دختر است. دختر به طور طبیعی و فطری، مردی را برای همسری می پسندد که به دنبال او بیاید و اعلام محبت و وفاداری کند.

البته، طرح خواستگاری از سوی مرد بدین معنا نیست که دختران همسر مناسب خود را انتخاب نکنند و مستقیم یا غیرمستقیم خود را به وی معرفی ننمایند. این کار می تواند صورت گیرد اما باید شرایطی فراهم کرد که مرد درخواست ازدواج را به خانواده دختر بدهد تا درصورتی که امکان ازدواج فراهم نشد، کرامت و عزت نفس دختر حفظ شود.

نمونه زیبای چنین موردی، ازدواج پیامبر اکرم ﷺ با حضرت خدیجه پیش از نبوت است.

پیامبر اکرم ﷺ در مکه به درست کاری و امانت داری مشهور بود و حضرت خدیجه این را می دانست اما پس از این که مال التجارة زیادی در اختیار پیامبر ﷺ قرار داد و ایشان را برای یک سفر تجاری به شام فرستاد و امانت داری و درست کاری ایشان را در عمل دید و اخلاق کریمانه ایشان را مشاهده کرد، شیفتنه رفتار و اخلاق پیامبر شد. اما پیامبر به این موضوع توجهی نداشت تا این که حضرت خدیجه علاقه و محبت خود را به پیامبر ﷺ با کسانی از خویشان خود که با پیامبر ﷺ نیز دوستی داشتند، در میان نهاد و آنان پیامبر ﷺ را مطلع کردند و درباره شخصیت ممتاز حضرت خدیجه با ایشان سخن گفتند. پیامبر ﷺ که حضرت خدیجه را همسری مناسب برای خود دید، به خواستگاری ایشان رفت و ازدواج این دو بزرگوار صورت گرفت.^۱

آیا دختران و پسران می توانند قبل از ازدواج دوستی خصوصی داشته باشند؟

در بسیاری از موارد دیده شده آنان که به تعبیر قرآن کریم، دارای قلبی مریض هستند^۲ و فقط به دنبال هوسرانی خود و سوء استفاده از طرف مقابل می باشند، بهبهانه ازدواج در آینده، از در دوستی وارد می شوند و پس از مدتی، بدون دلیل قانع کننده جدا می گردند و دوستی با دیگری را آغاز می کنند. سور و احساسات جوانی، گاهی آنقدر قوی است که فرصت رفتار عاقلانه را از انسان می گیرد و وقتی متوجه می شود که زمان را از دست داده و زیان تصمیم عجولانه خود را دیده است. بهترین راه عبور سالم و بی خطر از دوره تجزد و ورود به زندگی خانوادگی، اعتماد به راهنمایی خداوند و رعایت دستوراتی است که او به ما داده است. بنابراین شایسته است به نکات زیر توجه کنیم :

۱- هر انسانی، چه زن و چه مرد، کسی را برای همسری می پسندد که قبل از ازدواج عفیفانه زندگی کرده و با جنس مخالف رابطه نداشته باشد. زیرا می داند چنین کسی در طول زندگی مشترک هم به او خیانت نخواهد کرد.

۲- هر کس عفاف و پاکدامنی قبل از ازدواج را رعایت نکند و هوسرانی پیشه کند و عامل انحراف دیگری شود، کار او در جهان بی پاسخ نخواهد ماند و مكافات آن در همین دنیا به صورتی به خودش بازخواهد گشت و از جای ضربه خواهد خورد که پیش بینی آن را نمی کند. این مكافات، علاوه بر مجازات سنگین اخروی است.

۱- یادداشت های استاد مطهری، ج ۵، ص ۱۱؛ سلام بر خورشید، سیدعلی اکبر حسینی، ج ۱، ص ۱۱ به بعد؛ زندگی حضرت

محمد ﷺ، سیده هاشم رسولی محلانی، ص ۹۱.

۲- احزاب، ۳۲.

۳- پسران غیور، دختران دیگر را در جای خواهر خود قرار می‌دهند و همان طور که اگر نامحرمی از روی هوس قصد تعزض به خواهشان را داشته باشد، غیرتشان به جوش می‌آید، همین حالت را نسبت به دختران دیگر دارند و به خودشان اجازه بی‌حمرمتی به او را نمی‌دهند. زیرا در همان لحظه، خانواده خود را جلو چشم خود مشاهده می‌کنند.

۴- دختران با حیا و عفیف، همواره به فکر آنند که با همین حالت عفاف با همسر آینده خود روبه‌رو شوند و پاک وارد خانه همسر گردند. از این‌رو نمی‌گذارند هوس‌رانان متوجه آن‌ها شوند. این دختران به‌گونه‌ای در خیابان، مدرسه، داشگاه و سایر مراکز عمومی رفت و آمد می‌کنند که کمتر کسی به خود اجازه می‌دهد به آنان بی‌حمرمتی کند.

آن‌که این اصل را رعایت نمی‌کنند، خودشان سبب تحریک حس شهوت دیگران می‌شوند و زمینه بی‌حمرمتی به شخصیت خود را برای مردان هوس‌ران فراهم می‌کنند. آیا شخصیت باکرامت و عفاف ما آن‌قدر ارزش ندارد که مقداری سختی را تحمل کنیم اما مانع بی‌حمرمتی به خود شویم؟

۵- هر دختر و پسری در دوران تجربه باید همان‌گونه زندگی کند که آرزو دارد فرزندانش در آینده همان‌طور باشند و نیز انتظار دارد خواه و برادرش همان‌گونه باشند. همان‌طور که گفته شد، نظام حاکم بر جهان خلقت، عکس‌العمل ضروری را در لحظه مناسب نسبت به کسی که خیانت می‌ورزد، نشان خواهد داد و این سنت خدادست. این جمله که «خیلی‌ها هوس‌رانی کردند و ضربه‌ای ندیدند» برای فریب دادن افراد دیگر و پنهن کردن دام‌های بعدی است. چوب خداوند صدا ندارد، اما ضربه‌ای آن قاطع و محکم در زمانی که گناهکار فکرش را هم نمی‌کند، وارد می‌شود.

۶- لذت واقعی زندگی را کسی می‌چشد که مطابق دستور خداوند، با عفت و حیا و با غیرت وارد زندگی مشترک شود. همه آنان که با فریب فریبکاران وارد فضای هوس‌الود می‌شوند، پس از مدت کوتاهی دچار یک زندگی تلخ می‌گردند که تا پایان عمر گریبانشان را رها نمی‌کند.

۷- قرآن کریم به صورت قاطع مردان و زنان را از دوستی پنهانی با یکدیگر که باقی مانده دوران جاھلیت بود، منع می‌کند^۱ و از مرد و زن می‌خواهد که فقط طریق ازدواج را پیش بگیرند. زیرا عاقبت این‌گونه روابط زیان روحی و عاطفی برای هر کدام از زن و مرد و گسترش بی‌بند و باری در جامعه می‌شود.

۸- توبه بهترین راه رهایی از دام فریبکاران است. اگر یک بار احساس بر عقل غلبه کرد و گناهی از ماسر زد، نباید فریب دوم را هم خورد و نباید گفت «آب که از سر گذشت، چه یک وجب و چه ده وجب» نه، توبه واقعی کاری می‌کند که انسان دوباره به پاکی اولی برسد. زیرا «نیکی‌ها از بین برنده بدی‌ها هستند.» (هود، ۱۱۴)

۱- مائدۀ ۵ و نسائۀ ۲۵.

۹- پس وظیفه جوانی که به بلوغ جنسی و عقلی رسیده، اما هنوز امکان ازدواج پیدا نکرده چیست؟
قرآن کریم درباره چنین جوانی می فرماید :

وَلِيُّسْتَعْفِفِ الَّذِينَ
لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا
امکان ازدواج برایشان نیست

حَتَّىٰ يُعْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ تا خداوند نیاز آنان را برطرف سازد، از فضل خود.

نور، ۳۳

قرآن کریم هیچ راهی جز عفاف و پاکدامنی و مهار نفس را نمی پذیرد. زیرا خدایی که غریزه جنسی را به انسان داده، هم او به انسان نیروی ایمان و اراده‌ای بخشیده که بتواند خویشتن داری کند و مانع گناه شود. برای این که عفاف و مهار نفس آسان‌تر شود، می‌توان از اقدامات ۱۵ گانه‌ای که در درس قبل پیشنهاد شد، استفاده کرد.



- ۱- چهار مورد از مهم‌ترین معیارهای همسر شایسته را مشخص کنید.
- ۲- اگر فاصله‌ی بین بلوغ و ازدواج طولانی شود، چه مشکلاتی پیش می‌آید؟



مراسم عروسی، آغاز زندگی زن و مرد است. امروزه این مراسم با برنامه‌های مثبت و منفی و صرف هزینه‌های گوناگون برگزار می‌شود.
از آنجا که احتمالاً تاکنون در چند مراسم عروسی شرکت کرده‌اید، این موضوع را بررسی کنید.

- ۱- کدام یک از برنامه‌های این مراسم با احکام و دستورات الهی هماهنگ بوده است؟
- ۲- کدام یک از برنامه‌های آن با احکام و دستورات الهی هماهنگ نبوده است؟

درس ۱۶

کانون همسر

با انتخاب همسر ، زن و مرد گام اصلی را به سوی تشکیل خانواده برمی دارند و احساسی جدید در آن ها پدید می آید. بستگان و نزدیکان تلاش خود را برای برگزاری مراسم ازدواج آغاز می کنند و در سامان دادن به خانه وزندگی جدید آن ها را یاری می دهند. در همین حال، مسأله ای جدید این دو زوج را در اندیشه ای عمیق فرو برده است:

— چگونه می توانیم یک خانواده سعادتمند و خوشبخت را به وجود آوریم؟



آیات زیر را به دقت و زیبا قایت کنید.

وَالَّذِينَ ءامَنُوا

وَاتَّبَعْتُهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بَايْمَانٍ

الْحَقُّنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتُهُمْ

وَمَا أَلْتَنَاهُمْ مِنْ عَمَلٍ هُمْ مِنْ شَيْءٍ

كُلُّ امْرٍ يُبَما كَسَبَ رَهِينٌ

٢١

وَقَضَى رَبُّكَ

أَلَا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ

وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا

إِمَّا يَبْلُغُنَّ عَنْدَكُمُ الْكِبَرَ

أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا

فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفِّ

وَلَا تَنْهِهِ هُمَا

وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَيْمًا

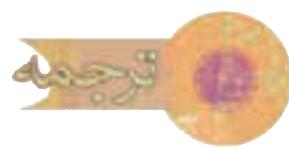
وَأَخْفَضُ لَهُمَا جَنَاحَيِ الدُّلُّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَبِهِ آنَ دُوْ فِرْوَتْنِيْ كِنْ، از روی مهربانی؛

وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا

آن گونه که مرا در کودکی پورش دادند **کما زیانی صغیر**!

كما رَبِّيَانِي صَغِيرًا

۲۳ و ۲۴ اسراء



به کمک عبارات زیر، ترجمه آیات را تکمیل کنید.

کِبَرُ : پیری

يَبْلُغُنَّ : برسند

قَضَى : حکم کرد، فرمان داد

لَا تَنْهَرُهُمَا : ایشان را از خود مران

كِلاهُمَا : هر دوی آنها

پیمان ازدواج

پیمان ازدواج که عقد نام دارد، تعهد رسمی و شرعی دختر و پسر برای تشکیل خانواده است. این پیمان چند شرط اصلی دارد که عبارت‌اند از:

۱- اعلام رضایت دختر و پسر و اجرای نبودن ازدواج برای هیچ کدام.

۲- اذن پدر برای ازدواج دختر.

۳- صداق یا مهریه زن.

در پیمان زناشویی، مرد به نشانه ارزشی که برای زن قاتل است و اعلام صداقت خود در محبت به همسر، معهود می‌شود که هدیه‌ای را به عنوان «مهر» به زن تقدیم کند. قرآن کریم از دو کلمه «نِحَّلَة» و «صداق» برای مهر استفاده کرده است.^۱ نحله به معنای هدیه و پیشکش و صداق به معنای نشانه صداقت و راستی است.

بنابراین، مهر و محبت پشتونه اصلی تحکیم خانواده است نه مهریه که جنبه اقتصادی و مالی دارد. افزایش میزان مهریه‌ها نه تنها مانع جدایی نشده، بلکه آمارها نشان می‌دهد که طلاق در این گونه خانواده‌ها بیش تراست. به همین جهت، پیشوايان ما زنانی را که فقط با تعیین مهریه‌های زیاد و شرایط مالی سنگین حاضر به ازدواج می‌شوند، بی برکت دانسته‌اند.^۲

نقش همسران در زندگی مشترک

وقتی که یک دختر و پسر پیمان ازدواج می‌بنند و زندگی مشترک را آغاز می‌کنند، به معنای این

۱- نساء، ۴.

۲- من لا يحضره المفقيه، شیخ صدوق، ص ۴۱۰.

است که نقش جدیدی را پذیرفته و به اجرای آن نقش متعهد شده‌اند. آنان می‌دانند که هر برنامه دیگری، نباید مسئولیت آن‌ها را نسبت به خانواده تحت الشعاع قرار دهد و بدان آسیب رساند. هم‌چنین، می‌دانند که زن و شوهر مکمل یک دیگرند و هریک باید نقش خود را انجام دهند. زن و مرد، در احساسات و عواطف و برخی دیگر از خصوصیات روحی و جسمی با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. عدم آشنایی با این تفاوت‌ها سبب اختلاف سلیقه و انتظارات نابجا از یکدیگر می‌شود و زمینه رنجش را در همان آغاز ازدواج فراهم می‌کند. نقش‌ها و مسئولیت‌های زن و مرد باید متناسب با ویژگی‌های هر کدام باشد. مرد، برای زن خود همسر و برای فرزندانش پدر است و زن برای شوهر خود همسر و برای فرزندانش مادر است. بر این مبنای، مرد و زن دارای نقش‌های مشترک و اختصاصی‌اند.

یادآوری این نکته ضروری است که وقتی از نقش‌ها سخن می‌گوییم، منظورمان این نیست که هر کس فقط نقش خود را ایفا کند و به کمک دیگری بزنخیزد. خانواده جایگاه همدلی و همیاری است و زن و مرد یار و مددکار یک دیگرند، در کارها با هم و با فرزندان مشورت می‌کنند، با پشتیبانی و همیاری یک دیگر کارهارا به پیش می‌برند و در صورت ضرورت، یکی بار دیگری را هم بردوش می‌کشد. حضرت علی علیه السلام با این که مسئولیت‌های سنگین اجتماعی فراوانی داشت، هرگاه که به خانه می‌آمد، به کمک حضرت فاطمه علیها السلام می‌شافت و کارهای داخل منزل را انجام می‌داد.

نقش مرد

۱- تأمین هزینه زندگی خانواده : در زندگی زناشویی، تأمین هزینه‌های لازم از جهت خوارک، پوشак، مسکن و آن‌چه برای آسایش و رفاه شایسته همسر ضرورت دارد، بر عهده شوهر است. این وظیفه مالی که بر عهده مرد قرار می‌گیرد، از نظر شرعی و حقوقی، به پرداخت نفقة تعبیر شده است. در اینجا باید توجه داشته باشیم که :

– شرط پرداخت نفقة، نیازمند بودن زن نیست، بلکه انجام وظایف همسری است. اگر زن ثروتمند هم باشد، باز هم این تکلیف بر عهده مرد است و اگر زن درآمد خود را در هزینه خانواده مصرف می‌کند، به همسر خود کمک کرده است که کمکی بسیار ارزشمند محسوب می‌شود و دارای پاداش اخروی است.

– در صورتی که مرد با وجود توانایی، نفقة را نپردازد و نیازهای همسرش را تأمین نکند، دادگاه اسلامی وظیفه دارد حق زن را بگیرد و به او باز دهد.

تأمین هزینه زندگی فرزندان نیز بر عهده مرد است. مرد وظیفه دارد از راه کار و کسب حلال، خوارک، پوشاك و مسکن فرزندان و سایر ابزار و وسایل زندگی آنان را فراهم کند. در هیچ کدام از این

موارد وظیفه و تکلیفی بر عهده زن نیست. این امر سبب می‌شود که زن بدون نگرانی و دغدغه کسب و کار به تربیت فرزندان بپردازد و برای آن برنامه‌ریزی کند و فرزندانی سالم، درستکار، باتقوا و مفید برای جامعه تربیت نماید و این، ارزشمندترین کارهاست.

البته، اگر زن درآمد اقتصادی داشت، مالک آن است و تأمین هزینه‌های زندگی بر عهده او نیست.

۲- مدیریت و نگاهبانی از حریم خانواده : هر اجتماعی، هر چند کوچک، نیاز به مدیر و مسئول دارد. اگر مدیریت نباشد، تقسیم کار به خوبی صورت نمی‌گیرد و در هنگام بروز مشکلات، افراد آن اجتماع نقش خود را به خوبی ایفا نمی‌کنند. از این‌رو، خانواده نیز نیازمند مدیریتی است که مسئولیت را بپذیرد. نقش دیگر مرد، مدیریت خانواده و حفظ آن از خطرها و آسیب‌های درونی و بیرونی است. انجام درست این مسئولیت نیازمند برنامه‌ریزی، مشورت با سایر اعضای خانواده و استقامت در برابر ناملایمات است. مرد جوانی که تصمیم به ازدواج می‌گیرد، باید خود را برای اداره خانواده آماده کند و از انجام کارهایی که به مصلحت خانواده نیست و کانون گرم خانواده را خراب می‌کند، خودداری نماید. بنابراین، مرد باید زمینه رشد و تحصیل فرزندان را مهیا کند، لوازم آرامش روحی و آسایش همسر را برای ایفای نقش مادری به وجود آورد و در مقابل همه مشکلات بپروری، از خانواده خود حفاظت کند.

۳- رابطه محبت آمیز با همسر : مرد باید محبت درونی خود را به همسر ابراز کند و از مخفی کردن آن بپرهیزد. همسر با شنیدن ابراز محبت مرد، اعتماد به نفس فوق العاده‌ای می‌یابد و توجه او به زندگی چند برابر می‌شود.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید :

این گفتة مرد به زن که «تو را دوست دارم» هیچ گاه از قلب او بیرون نمی‌رود.^۱

نیز می‌فرماید :

نشستن مرد در کنار همسر خود، پیش خداوند دوست‌داشت‌تر از اعتکاف و شب‌زنده‌داری است.^۲

۴- محبت و نظارت پدری : پدر فقط نان‌اور خانواده نیست، بلکه باید با برقراری ارتباط درست با فرزندان، عواطف پدری را به آن‌ها منتقل کند، برای آینده آنان برنامه‌ریزی نماید، وقتی به نوجوانی و جوانی رسیدند، با آن‌ها مشورت کند، برای زندگی آینده، آن‌ها را آماده سازد، درد دل‌های آنان را بشنود و از هر جهت مراقب سرنوشت و آینده آن‌ها باشد.

۱- کافی، ج ۵، ص ۵۶۹.

۲- تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۱۲۲.

نقش زن

نقش زن در خانه، نقشی محوری است و اگر زن بتواند این نقش را به خوبی ایفا کند، بنای خانواده مستحکم و روابط اعضای خانواده ناگستاخ می‌شود. اکنون بیینیم که در خانواده چه نقش‌هایی بر عهده زن است.

۱- همسرداری : زن، آرامش بخش زندگی مرد است. زن با گرمای وجود خویش به محیط خانه شادی و نشاط می‌بخشد، مرارت‌ها و خستگی‌ها را از همسر خود دور می‌کند و در سختی‌های روزگار در کنار او می‌ایستد. در چارچوب این رابطه سرشار از محبت، تمایلات جنسی زن و مرد ارضاء و نیازهای زندگی زناشویی بر طرف می‌شود. با ارضای این تمایلات و نیازها، توجه به خارج از خانه از بین می‌رود و فساد اجتماعی کاهش می‌یابد.

امیر مؤمنان عَلِيٌّ وَعَلِيٌّ می‌فرماید :

جهاد زن، شوهرداری در بهترین شکل آن است.

زیرا، همان‌طور که جهاد در جبهه، کشور را از هجوم بیگانه حفظ می‌کند، شوهرداری نیز کانون خانواده را از هجوم گناهان و ناملایمات نگه می‌دارد و جامعه را در مقابل فساد، آسیب‌ناپذیر می‌نماید.

۲- تدبیر امور خانه : با توجه به نقش مرد در تأمین هزینه خانواده و حراست کلی از آن، مدیریت داخلی خانه با زن است. امیر مؤمنان عَلِيٌّ وَعَلِيٌّ می‌فرماید :

مرد، مدیریت خانواده را بر عهده دارد و زن، مدیریت داخل خانه را.^۱

این سخن بیانگر یک تقسیم کار طبیعی و اهمیت مدیریت داخل خانه و بیان کننده ارزش خانه‌داری است. متاسفانه، امروزه برخی از جایگاه این مدیریت، آگاهی ندارند و نمی‌دانند که این مدیریت داخلی، جمع‌کننده و پیوند دهنده پدر، مادر و فرزندان و نگهدارنده آن‌ها در زیر یک سقف است. زنانی که با دوراندیشی خود امور خانه را سامان می‌دهند محیطی برای رشد و بالندگی فرزندان و آرامش و نشاط همسر به وجود می‌آورند. آیا این نقش کوچک و بی‌اهمیت است؟

۳- مادری : مادر از زیباترین کلمات در همهٔ فرهنگ‌هاست. مفهوم مادری، مجموعه‌ای از بهترین معانی را تداعی می‌کند: محبت، ایثار، شکیبایی، عفاف، پایداری، آرامش، قدردانی، احترام و بسیاری معانی زیبای دیگر.

هیچ کار دیگری را نمی‌توان با این نقش مقدس برابر دانست. دلیل آن هم روشن است. رشد

۱- نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۱۳۶ (جهاد الْمُرْءُ حُسْنُ التَّبَاعُلُ).

۲- من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۲۹.

و بالندگی فرزند از ابتدای انعقاد نطفه در رحم تا مدت‌ها پس از تولد بر عهده مادر است که با محبت، شکیباتی، فداکاری، خردمندی، عفاف و تقوای خود فرزند را به رشد متعادل و طبیعی می‌رساند. البته فداکاری و محبت مادر به فرزند، به خود او هم تعالی می‌بخشد و نشاط می‌دهد. بوسه‌ای که مادر بر گونهٔ فرزند می‌زند، نه تنها تزریق محبت به فرزند است، بلکه نوشیدن شربتی گوارا برای مادر نیز هست. بیشتر شخصیت فرزند به دست مادر ساخته می‌شود و سرمایه‌های بزرگ روحی و نبوغ علمی و اجتماعی میوه‌های بذرهای هستند که مادران مسئولیت‌شناس کاشته‌اند و با مراقبت شباهنگی روزی خود، آن‌ها را پرورده و رشد داده‌اند.

اکنون به عظمت این جمله کوتاه، رسا و جاویدان پیامبر عزیز بیشتر بی می‌بریم که فرمود :

الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ؛ بِهِشت زیر پای مادران است.^۱

به همین جهت هم هست که اسلام، وظیفه تأمین معاش را از دوش مادران برداشته تا آنان بدون درگیری شغلی و مالی و با خیالی آسوده، مهر و محبت خود را تقدیم فرزندانشان کنند.



با توجه به این که دامان مادر مهد اصلی تربیت فرزند است، بررسی کنید:

۱- در چه مواردی می‌توان از مراکز عمومی تربیت کودک استفاده کرد؟

.....

.....

۲- چه تفاوتی میان تربیت این گونه مراکز و تربیت مادر وجود دارد؟

.....

.....

نقش مشترک : برنامه‌ریزی برای رشد و تعالی خود و فرزندان
همان طور که در درس‌های قبل آمد، مهم‌ترین هدف ازدواج، رشد اخلاقی و تعالی تمام اعضای

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۰.

خانواده است. نقش‌ها و مسئولیت‌های قبلی هریک از زن و شوهر برای رسیدن به این هدف است. از این‌رو، پدر و مادر باید با همکاری یکدیگر برای انجام این وظيفة بزرگ اقدام کنند و برای آن برنامه‌ریزی نمایند. یادآوری می‌کنیم که بدون مطالعه و آگاهی‌های قبلی و برنامه‌ریزی درست نمی‌توان به موفقیت چندانی رسید. در این برنامه باید به موارد زیر توجه شود:

- ۱- بهداشت جسمی و روحی فرزندان
- ۲- امکان دانش‌اندوزی، بهخصوص برای فرزندان
- ۳- شکل‌گیری پایه‌های معنویت و اخلاق پسندیده و صفات شایسته در فرزندان
- ۴- تمرین آداب معاشرت و توانایی حضور شایسته و فعال در جامعه برای فرزندان
- ۵- ایجاد فرصت و فراغت برای رشد و تعالی زن و شوهر



موقعیت کنونی خانواده‌ها در جوامع امروزی را بررسی کنید و عواملی را که سبب دوری یا نزدیکی آن‌ها به اهداف بالا می‌شوند، برشمودید.

۱- عوامل مربوط به درون خانواده

۲- عوامل مربوط به بیرون خانواده

نقش فرزندان

هریک از ما در ذهن خود از پدر و مادر تصویری داریم که ممکن است با تصویر دیگران متفاوت باشد. این تصویر برگرفته از تجربه ما از زندگی با پدر و مادر است و می‌تواند در بردارنده افتخار و سربلندی، قدردانی و احترام، رضایت و خرسندی، یا ترحم و دل‌سوژی، یا سردی و بی‌اعتنایی و نارضایتی و انتقاد باشد.

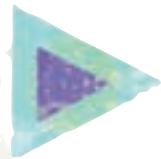
در عین حال همهٔ ما می‌کوشیم رضایت پدر و مادر را جلب کنیم، همان‌طور که خداوند به ما فرمان داده است حرمت آن‌ها را نگه داریم و دستوراتشان را تا آن‌جا که مخالف فرمان او نباشد، اطاعت کنیم. به تجربه دیده شده است که آن‌هایی که پدر و مادر خود را می‌رجانند، در زندگی خوب‌بخت و کامروها نمی‌شوند و آنان که بدون چشم‌داشت، به پدر و مادر خدمت می‌کنند، زندگی موفق‌تری دارند. حفظ حرمت پدر و دستورات وی به قانون‌مند کردن فرزندان کمک می‌کند و محبت و احترام به مادر حسّ قدردانی و شکرگزاری را در آنان قوی‌تر می‌سازد.



پس از مطالعهٔ آیات ابتدایی درس وظایفی را که برای فرزندان بیان شده است، استخراج کنید.

.....
.....





چرا اسلام تأمین هزینه زندگی را فقط بر عهده مردان نهاده و زن را از این کار معاف دانسته است؟

موضوع نفقه، در کشورهای گوناگون شکل‌های پیچیده‌ای به خود گرفته است. از میان کشورهایی که پرداخت نفقه را بر عهده مردان گذاشته‌اند، برخی استقلال اقتصادی زن را سلب کرده‌اند. در برخی کشورها این مسئله را به توافق زن و شوهر واگذار کرده و در بیشتر موارد، این هزینه را مشترک تعریف کرده‌اند. در این میان، به علت محبت شدید مادر نسبت به فرزند، بهخصوص در مواردی که اختلاف یا جدایی پیش می‌آید، بار بیشتری بر عهده زن قرار می‌گیرد.

در مقررات اسلامی به طور روشن بیان شده است که هزینه زندگی زن و فرزند بر عهده مرد است؛ گرچه زن ثروت هنگفتی داشته باشد. این حکم اسلامی مناسب با همان نقش طبیعی پدر و مادر در خانواده و روحیات هرکدام است.

از آنجا که زن، به طور طبیعی صاحب دستگاه حمل و شیر دادن فرزندان است، از آغاز بارداری و در تمام دوران کودکی، در گیر حمل، شیردهی و نگهداری کودک است. بدیهی است که کودک پس از این مدت هم به مراقبت و تربیت جسمی و روحی نیاز دارد و رشد جسمی، عاطفی و فکری او در دامان پر مهر مادر امکان‌پذیر است. این مهر و عاطفة سرشار و این مراقبت توأم با گذشت و فداکاری است که آن رشد را ایجاد می‌کند. حال، اگر قرار باشد مادر مسئولیت‌های سخت دیگری که خود هزاران دغدغه روحی و روانی به دنبال دارند بر عهده داشته باشد، عملاً از تمرکز بر وظيفة مادری بازمی‌ماند و دیگر باید توقع داشت که در انجام وظيفة مادری موفق و سریاند باشد. البته از آنجا که گذشتن تأمین هزینه زندگی بر عهده مردان از یک تقسیم کار طبیعی و عادلانه ریشه می‌گیرد، در صورت عدم توانایی مرد بر تأمین معاش، عواطف همسری ایجاب می‌کند که زن به کمک مرد بپاید و او را یاری دهد. این کار، هر چند وظيفة زن نیست اما اگر در حد توانایی او باشد و در عین حال، باعث غفلت از وظيفة اصلی یعنی نقش مادری و گرم نگهداشتن کانون خانواده نشود، پسندیده است. همچنین شایسته است در این موارد فرزندان نیز، در صورت توانایی به پدر خود کمک نمایند و او را در تأمین هزینه خانواده یاری دهند.

کام هفتم

.....

از کارهای محبی که داینده دپیش دارم انتخاب بسرگشیل خانواده است.
برای این کار حتماً از حسمندان بزرگ و نیزی می‌کنم و اقدامات زیر را انجام
می‌دهم:

- ۱- می‌کوشم که امروز بعنوان فرزند خانواده وظیفه خودم را بست به پدر و مادر و سایر اعضا ای خانواده بخوبی بشناسم و انجام دهم.
- ۲- از هم اکنون بگوشه ای رفقاً کنم که داینده و نزد بسرخود بعنوان انسانی عجیف و فادار و صادق شناخته شوم.
- ۳- تلاش می‌کشم در مدت باقیمانده قما ازدواج و تکمیل خانواده آکابری های لازم را برای یک زندگی متعالی و معاذل تقدیب به دست آورم و با بصیرت و روشن مبنی مسویست محترم بسری را بر عده دمکریم.
- ۴- از خدامی خواهیم کرد مرایاری دهد تا داینده در انتخاب بسر مراسم ازدواج و زندگی مشترک بگوشه ای علی کنم که مطابق با رضایت او باشد.



مهر و ماه

ورود این جوان رشید، رسول خدا را خشنود کرد، دیدن علی بن ایطالب، همیشه برای حضرت رسول الله دوست داشتنی و نشاط انگیز بود، اما این بار به شکل بارزتری چهره اش از شادمانی برافروخت و به علی اللهم خوش آمد گفت و بر روی او لبخند زد و گفت : ای ابوالحسن! برای چه کار آمده ای؟!

علی بن ایطالب مقصود خویش را در هاله ای از حرمت و شرمندگی، با کلماتی کوتاه و احترام آمیز با رسول خدا در میان نهاد. رسول خدا که این جوان را به خوبی و کرامت می شناخت و راز آفرینش او را می دانست، به او گفت : ای علی! می دانی که پیش از تو کسان بسیاری از فاطمه خواستگاری کرده اند، اما من و او نپذیرفته ایم، اکنون بگذار بینم او چه می گوید؟ رسول خدا اللهم برخاست و به اتاق دیگر رفت و با آهنگی که خشنودی و پذیرش از آن شنیده می شد، موضوع را با دخترش فاطمه زهرا به مشورت نهاد :

دخترم! علی را می شناسی، پیوند او را با من می دانی، از فضیلت و سبقت او در اسلام آگاهی، اکنون در پاسخ خواستگاری او چه می گویی؟

۱- برگرفته از کتاب سلام بر خورشید، سیدعلی اکبر حسینی، تلخیص صفحات ۲۴۳ تا ۲۵۹.

فاطمه—در یک درخشش روحی—به گذشته نگریست و همه جا علی را با پدرس رسول خدا، یار و یاور و همراه دید. در این نگاه به گذشته تابلوهای زیبا و درخسانی از فدایکاری‌ها، فضیلت‌ها، شجاعت‌ها و کرامت‌های او را مشاهده کرد. با مرور گذشته و زنده شدن آن خاطره‌های زیبا، چهره‌اش نورانی‌تر و شاداب‌تر از گذشته شد و جلوه آن درخشش روحی بر چهره زیبای فاطمه فروزی گرفت.

رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم که به چهره نورانی و با حیای دخترش چشم دوخته بود، نشانی از رضایت و قبول را در نیم رخ چهره او دید.

—الله اکبر، الله اکبر! رضایت او در سکوت و حیای او ییداست.

رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم از پیش دخترش بازگشت، چشمانش از اشک شوق لبریز بود، روشنایی، رضایت و خشنودی در نگاه متین و آرامش نمایان بود، و اگر علی سر بر می‌داشت و به چهره و از چشمان رسول خدا می‌نگریست، این همه را با یک نگاه می‌دید. امام علی از شرم و حیا و از حرمت و حشمت حضرت رسول الله سر فروافکنده بود و در اندیشهٔ خویش نعمت‌های خدا را بر می‌شمرد و شکر می‌گفت و اکنون خدا نعمت عظیم دیگری بر او می‌بخشید، ازدواج با فاطمه، دختر رسول خدا موهبتی عظیم و آسمانی بود که خدا برای او مقدار کرده بود.

—ای علی! می‌خواهی بشارتی به تو بدهم و رازی را بر تو آشکار سازم؟

—پدر و مادرم فدای شما یا رسول الله! شما همیشه نیکخوی و خوشخبر بوده‌اید.

—پیش از آن که به نزد من بیایی، جبرئیل فرود آمد و فرمان خدا را در مورد ازدواج تو با فاطمه آورد و مژده داد که مجلس جشن این ازدواج در آسمان بریا می‌شود... خوب! علی جان! بگو ببینم چه چیزی را مهریه دخترم قرار می‌دهی؟ علی سرش را بالا آورد، ابروانت را اندکی به هم فشرد، چشم‌هایش چون دو گوهر نمایان شد، در هاله‌ای منور از آزم، گفت: یا رسول الله! آن‌چه دارم بر شما پنهان نیست، زرهی از غنایم جنگ بدر دارم، شمشیری و شتری، از مال دنیا فعلًاً چیز دیگری ندارم.

—علی جان! شمشیر را برای دفاع و جهاد می‌خواهی و شتر را برای آبیاری خرمابنان احتیاج داری، زره را مهریه فاطمه قرار بده.

علی بن ابیطالب اللهم زره را به فروش رساند و قیمتش را به ترد رسول خدا پسته آورد
و پول هارا در دامن رسول خدا ریخت.

رسول خدا بی آن که بپرسد یا بشمارد، کفی از آن را برداشت و به بلال داد و فرمود :
«برای دخترم فاطمه، عطر و بوی خوش خریداری کن.» و مقدار بیشتری را با دو کف دست
برداشت و به چند صحابی دیگر داد که برای زهراء علیها السلام وسایل زندگی و جهیزیه خریداری کنند
و بقیه را هم برای فاطمه ذخیره کرد.

چند روزی گذشت و جشن ازدواج فاطمه و علی برگزار شد. رسول خدا در حضور
مهاجران و انصار با تبسّم و شادی خطبه عقد را آغاز کرد. پس از سپاس و ستایش خداوند
و بیان نعمت‌های الهی و وجوب پیوند زناشویی فرمود : «هان ای مردم! خدا مرا امر فرموده که
فاطمه را به ازدواج علی درآورم و من او را به مهریه معین به عقد علی درآوردم. ای علی!
راضی هستی!» علی بن ابیطالب که در کنار رسول خدا پسته نشسته بود، و سرش را اندازی به
جلو خم کرده و چشمان سیاهش را به زمین دوخته بود، به آرامی رو به رسول خدا کرد و گفت :
آری! یا رسول الله! راضی هستم.
همگی ابراز شادمانی کردند.

فاطمه — دختر جوان و عفیف رسول خدا پسته — خود را برای یک زندگی نمونه و
سرافراز در خانه پسرعمویش آماده می کرد. علی بن ابیطالب نیز خانه‌ای را در تزدیکی های قبا
برای مراسم عروسی و زندگی مشترک آماده کرده بود.
پس از گذشت یک ماه از مراسم عقد فاطمه علیها السلام، امسلمه شوق علی بن ابیطالب را به
رسول خدا اعلام کرد و گفت :

— یا رسول الله! علی بن ابیطالب برادر و پسرعموی شما، دوست دارد همسرش فاطمه
را به خانه خود ببرد.

— پس چرا خود سخنی نگفته است؟

— یا رسول الله، آزم و حیا او را از این تمثیل باز داشته است.

پس از این گفتگو انتظار علی بن ایطالب به سر آمد و رسول خدا به او فرمود: ای علی! خدا چه همسر نیکویی نصیبت کرده است، بهترین زنان عالم را به همسری تو درآوردم، خدا مبارک گرداند. دوست داری همسرت را با خود به خانه بیری؟ علی بن ایطالب گفت: آری! یا رسول الله!

— پس به زودی مراسم عروسی و زفاف را فراهم می‌کنیم. اما علی جان! می‌دانی عروسی، بی‌ولیمه و اطعام مؤمنان نمی‌شود. من دوست دارم امتن نیز در مراسم عروسی به مردم غذا بدهند و میهمانی و پذیرایی کنند.

رسول خدا ﷺ به زنان فرمود که فاطمه را در شب عروسی بیارایند و عطر و بوی خوش به کار برند و پیراهن نو و زیبایی برای او بدوزنند و بر او بپوشانند. وقتی فاطمه لباس زیبای عروسی را پوشید، زنان گفتند: ای کاش خدیجه بانو بود و فاطمه‌اش را در لباس عروسی می‌دید. پذیرایی از میهمانان به پایان خود تزدیک شد، علی و فاطمه آمدند و در دو طرف رسول خدا نشستند، حضرت رسول الله ﷺ با چشمان پاک و مهربانش، نگاهی به لباس نو و زیبا، به صورت و چشمان فاطمه افکند. نگاه دیگری به چهره رشید و مصفا و قیافه روشن و شکوهمند علی کرد و آنگاه هر دو بازیش را چون دو بال پرنده‌ای سبکیال و بلندپرواز گشود، دست در گردن عروس و داماد افکند، آن دو را در آغوش گرفت و به آرامی تزدیک آورد و سرهاشان را به سینه خویش فشرد و در همین حال بر پیشانی هر دو بوسه زد:

خدایا! تو خود گواه باش که من اینان را دوست می‌دارم و با دوستانشان دوست هستم و با دشمنانشان دشمنم، سپس دست خویش را گشود و پایین آورد. با دست راست دست علی را گرفت و با دست چپ دست فاطمه را و به این ترتیب با کمال شوق و مهربانی، دست نو عروس را در دست داماد نهاد و فاطمه را به علی و علی را به فاطمه و هر دو را به خدا سپرد. سکوتی برقرار شد، چهره فاطمه و علی با نیمه‌لبخندی شکفت، فاطمه سر فرو افکند و چشمانت را فروهشته داشت. رسول خدا با این رفتار به اسرار بسیاری اشاره کرد، که راز خلقت در این وصلت آسمانی نهفته بود.

خورشید غروب کرد، وقت نماز فرا رسید. پس از اقامه نماز، عروس را بر استری سوار کردند و شادی کنان و سرودخوانان به سوی خانه علی بن ایطالب روان شدند. آن شب مانند بامداد بهاران، خرم و درخشان بود.

زمام استر را سلمان به دوش می‌کشید و پیشاپیش کاروان به آرامی قدم بر می‌داشت، بسیار آهسته پیش می‌رفت، چنان که گویی قایقی را بر امواج دریاچه‌ای آرام هدایت می‌کند. پرنده‌گان که گویا در این شب دیرتر به آشیانه می‌رفتند، گهگاه نغمه شادمانه‌ای می‌سرودند و بر بالای کاروان پرواز می‌کردند.

زن‌ها با هم اشعاری را زمزمه می‌کردند:

ای همراهان من، بروید به یاری خدای متعال،
و سپاس گویید خدا را در هر حال،
به یاد آورید که خدای بزرگ بر ما منت نهاد،
و از بلاها و آفت‌ها نجات داد.

کافر بودیم، راهنماییمان کرد.
فرسوده بودیم، تو انامان فرمود.

بروید همراه بهترین زنان
که فدای او باد همه خویشاوندان.

ای دختر کسی که خدای جهان، او را بر دیگران برتری داد
به نبوت و رسالت و وحی آسمان.

به خانه داماد رسیدند. رسول خدا پیشنهاد وارد حجله شد و فاطمه را در کمال زیبایی و متنانت دید، جز این که پیراهن کهنه و شاید وصله‌دار هم بود.

— شکفتا! چرا پیراهن نو و زیبای عروسی را که برای تو دوخته بودند، نپوشیده‌ای؟!
— پدر جان! آن را قبل از حرکت به زن فقیر و مستمندی که تمثای لباس می‌کرد، بخشیدم، ابتدا می‌خواستم پیراهن کهنه را به او بیخشم، ولی گویی آهنگ خوش تلاوت قرآن

شما را شنیدم که این آیه را قرائت می‌کردید :

«هرگز به نیکی نرسید، مگر آن که از آن‌چه دوست می‌دارید انفاق کنید.»^۱

چشمان رسول خدا پُر شده غرق اشک شد، در چشم فاطمه زهرا نیز برق اشک درخشید.

فاطمه نگاهش را به آرامی بالا آورد، پدر به چشم پر اشک زهرا نگاه کرد. نگاهش در هم آمیخت و قطرات اشک از چشم‌ها فروچکید.

این اشک شوق و ایمان بود.

در این هنگام جبرئیل فرود آمد و به محضر رسول خدا پُر شده مشرف شد و گفت : یا رسول الله! پروردگارت سلام می‌رساند و مرا نیز فرمان داده که به فاطمه سلام برسانم و این هدیه را تقدیم او کنم. و آن‌گاه پارچه بسته‌ای را گشود و جامه‌ای از دیبای سبز بهشتی که با خود از آسمان آورده بود، تقدیم فاطمه نمود...





کتاب نامہ

ردیف	نام کتاب	نویسنده	مترجم	ناشر	موضوع	درس	مخاطب
۱	آخرین راز شاد زستن	اندرو متیوس	وحید افضلی راد	نیریز	خانواده	۱۶ تا ۱۴	معلم
۲	آفتاب اندیشه (راهنمای ۳ و ۲)	حسین سوزنجی	-	انتشارات مدرسه	نبوت	۵ تا ۱	معلم/دانش آموز
۳	آین شوهداری	دکتر لورا شلزنگر	مهدی فراچه داغی	انتشارات البرز	خانواده	۱۶ تا ۱۴	معلم/دانش آموز
۴	آینه موعود	علی دژاکام	پژوهشکده فرهنگ و معارف	امام زمان (عج)	خانواده	۱۰ و ۹	معلم/دانش آموز
۵	اخلاق در خانواده	سیدعلی اکبر حسینی	انتشارات اسلامی	امام زمان (عج)	خانواده	۱۶ تا ۱۴	معلم
۶	از همدلی تا هماره (جلد ۴)	جواد محدثی	کیهان	خانواده - دوستی	خانواده	۱۶ تا ۱۴	دانش آموز
۷	اسلام و فمینسم	مجموعه مقالات	پژوهشکده فرهنگ و معارف	امام زمان (عج)	خانواده	۱۶ تا ۱۴	معلم
۸	اسلام و کرتگرایی دینی	محمد لگن هاوزن	مؤسسه فرهنگی طه	نبوت	خانواده	۵ تا ۱	دانش آموز
۹	اصول اعتقد ای و دستورات دینی	علامه طباطبایی	نرگس جواندل	پژوهشکده فرهنگ و معارف	خانواده	۱۶ تا ۱۴	دانش آموز
۱۰	اصول عقاید	محسن فراشی	مرکز فرهنگی درس‌های از قرآن	نبوت و امامت	خانواده	۱۰ تا ۱	دانش آموز
۱۱	الفایی زندگی	جواد محدثی	بوستان کتاب	اخلاق خانواده	خانواده	۱۶ تا ۱۴	دانش آموز
۱۲	انتخاب همسر	ابراهیم امینی	سازمان تبلیغات اسلامی	خانواده	خانواده	۱۶ تا ۱۴	معلم/دانش آموز
۱۳	انجیل برتابا	حیدرقلی سردار کابلی	نشر نیاش	نبوت	خانواده	۴	معلم
۱۴	امام‌شناسی (تمام مجلدات)	علامه سید محمد حسین	حیدرقلی سردار کابلی	نشر نیاش	نبوت	۴	معلم
۱۵	این گونه باشیم	حسینی طهرانی	حکمت	امامت	خانواده	۱۱ تا ۶	معلم
۱۶	امامت و رهبری	جواد محدثی	بوستان کتاب قم	خانواده	خانواده	۱۶ تا ۱۴	دانش آموز
۱۷	انتظار بشر از دین	استاد مطهری	صدرای	امامت	خانواده	۱۱ تا ۶	معلم
۱۸	پلورالزم دینی و استبداد روحانیت	آیت‌الله‌جوادی آملی	مرکز نشر اسراء	نبوت	خانواده	۵ تا ۱	معلم
۱۹	پیادای پنهان	محسن غربیان	انتشارات یمین	نبوت	خانواده	۵ تا ۱	معلم
۲۰	پیشگویی‌ها و آخر الزمان	پورسیدآقابی	انتشارات حضور	امام زمان	خانواده	۱۰ و ۹	دانش آموز
۲۱	پیشینه تاریخی و لایت فقیه	اسماعیل شفیعی سروستانی	مؤسسه فرهنگی موعود	امام زمان	خانواده	۱۰ و ۹	معلم/دانش آموز
۲۲	تاریخ سیاسی ائمه (ع)	احد جان بزرگی	کانون اندیشه جوان	حکومت اسلامی	امامت	۱۲ و ۱۱	معلم
۲۳	تاریخ سیاسی اسلام	جواد محدثی	انتشارات مدرسه	امامت	خانواده	۱۱ تا ۶	معلم/دانش آموز
۲۴	تجارت سیطانی	رسول جعفریان	نشر الهادی	امامت	خانواده	۱۱ تا ۶	معلم
۲۵	تجلى و لایت در آیه تطهیر	ایرج نیریزی	انتشارات کیهان	تمدن غرب	امامت	۱۶ تا ۱۴	معلم/دانش آموز
۲۶	تدوین قرآن	جوادی آملی	اسراء	امامت	امامت	۶	معلم
۲۷	تنزیه انبیاء	علی کورانی	مؤسسه فرهنگی طه	قرآن	امامت	۴	معلم
		آیت‌الله معرفت	انتشارات نبوغ	نبوت	امامت	۵ تا ۱	معلم

ردیف	نام کتاب	نویسنده	مترجم	ناشر	موضوع	درس	مخاطب
۲۸	تقویم عبادی	مهدی مهریزی		سازمان تبلیغات اسلامی	برنامه زندگی	۱۳	معلم/دانش آموز
۲۹	جووان و انتخاب همسر	علی اکبر مظاہری		سازمان تبلیغات اسلامی	خانواده	۱۶ تا ۱۴	معلم/دانش آموز
۳۰	چشم دل	جواد محدثی		سازمان تبلیغات اسلامی	برنامه زندگی	۱۳	دانش آموز
۳۱	حقوق زن	حمدی کریمی		کانون اندیشه جوان	خانواده	۱۶ تا ۱۴	معلم/دانش آموز
۳۲	حکومت و مشروعيت	سجاد ایزدی		کانون اندیشه جوان	حکومت اسلامی	۱۶ تا ۱۴	معلم/دانش آموز
۳۳	حماسه حسینی	شهید مطهری		صدرای	امامت	۸ و ۷	معلم/دانش آموز
۳۴	خانواده متعادل	محمد رضا شرفی		انجمن اولیاء و مریبان	خانواده	۱۶ تا ۱۴	معلم/دانش آموز
۳۵	خانه بیریان	تورج زاهدی		نیستان	عرفان، هدف زندگی، برنامه مهریزی	۱۳	دانش آموز
۳۶	خورشید مغرب	محمد رضا حکیمی		دفتر شریعت اسلامی	امام زمان	۱۰ و ۹	معلم/دانش آموز
۳۷	داستان پیامبران	موسی گرمارودی		قدیانی	نبوت	۴ تا ۱	دانش آموز
۳۸	دختران آفتاب	امیر حسین بانکی و ...		انتشارات سروش	خانواده	۱۶ تا ۱۴	دانش آموز
۳۹	در پرتو ولایت	مصطفی بزدی		مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی	ولایت فقیه	۱۲ و ۱۱	معلم
۴۰	در کوچه باع آسمان	علی اصغر حسینی تهرانی		گنج عرفت	تقویت اراده و نفس	۱۳	معلم/دانش آموز
۴۱	دین و دولت	علی ربانی گلپایگانی		پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی	ولایت فقیه	۱۲ و ۱۱	معلم
۴۲	رباطه دوستی و محبت	احمد مطهری		دفتر انتشارات اسلامی قم	برنامه زندگی	۱۳	دانش آموز
۴۳	رهبری امت	جعفر سبحانی		انتشارات مؤسسه امام صادق (ع)	ولایت فقیه	۱۲ و ۱۱	معلم
۴۴	رمز پیروزی مردان بزرگ	جعفر سبحانی		سل جوان	برنامه زندگی	۱۳	معلم/دانش آموز
۴۵	روابط انسان	محمد آصف محسنی		حرکت اسلامی	برنامه زندگی	۱۳	معلم
۴۶	روح زن	جبنا لمبروزو	بری	دانش	خانواده	۱۶ تا ۱۴	معلم/دانش آموز
۴۷	روش‌ها	جواد محدثی		معروف	برنامه زندگی	۱۳	دانش آموز
۴۸	حق و باطل	استاد مطهری		انتشارات اسلامی	آینده جهان	۱۰	معلم/دانش آموز
۴۹	زن از نگاه روشنگران	زهرا تنکری		مرکز مطالعات زنان	خانواده	۱۶ تا ۱۴	معلم/دانش آموز
۵۰	زن در آیینه جلال و جمال	جوادی آملی		اسراء	خانواده	۱۶ تا ۱۴	معلم

ردیف	نام کتاب	نویسنده	مترجم	ناشر	موضوع	درس	مخاطب
۵۱	زندگانی حضرت محمد(ص)	سیده‌اشم رسلوی محلاتی		دفتر نشر فرهنگ اسلامی	نبوت	۵ و ۴	علم/دانشآموز
۵۲	زن کامل	مارابل مورگان		دفتر نشر فرهنگ اسلامی	خانواده	۱۶ تا ۱۴	دانشآموز
۵۳	سلام بر خوشید(۴ جلد)	سیدعلی‌اکبر حسینی		سازمان تبلیغات اسلامی	خانواده	۱۶ تا ۱۴	دانشآموز
۵۴	«سندس» دختری در جست‌وجوی حقیقت	بن‌الهی‌صدر	محسن عابدی	موسسه آموزشی امام خمینی (ره)	خانواده		علم/دانشآموز
۵۵	اهمال کاری	مرتضی‌آفاهرانی		دارالحدیث	امامت	۸ تا ۶	علم/دانشآموز
۵۶	سیاست‌نامه امام علی(ع)	محمد‌مهدی‌ری‌شهری	مهدی مهریزی	انتشارات مؤسسه امام صادق(ع)	امامت	۱۰ تا ۶	علم/دانشآموز
۵۷	سیره پیشوایان	مهدی پیشوایی		اسراء	نبوت	۶	دانشآموز
۵۸	سیره رسول اکرم در قرآن و نفسیه موضوعی	جوادی‌آملی		صدرا	امامت	۱۰ تا ۶	علم/دانشآموز
۵۹	سیری در سیره آئمه اطهار	استاد مظہری		بوستان کتاب	امامت	۱۰ تا ۶	علم
۶۰	شیعه در اسلام	علامه طباطبائی		آفتاب نوس	انسان‌شناسی	۱	علم/دانشآموز
۶۱	شیطان پرستی	جواد امین خندقی		کانون اندیشه جوان	نبوت	۲	علم/دانشآموز
۶۲	صحیحه عصمت	حسن یوسفیان		بوستان کتاب	امام زمان	۱۰ و ۹	دانشآموز
۶۳	صیح امید	جواد محدثی		بوستان کتاب	امامت	۸ تا ۶	علم/دانشآموز
۶۴	صلح امام حسن(ع)	شیخ راضی‌آل‌بایسین	آیت‌الله‌خامنه‌ای	مرکز نشر اسراء	امام زمان	۱۰ و ۹	علم/دانشآموز
۶۵	عصاره خلفت	جوادی‌آملی		بوستان کتاب	امامت	۱۰ تا ۶	علم/دانشآموز
۶۶	فروغ ابدیت	جعفر سیحانی		پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی	امام زمان	۱۰ و ۹	علم/دانشآموز
۶۷	قبسات (مجله) شماره ۳۳			نشر سینا	قرآن	۴	علم/دانشآموز
۶۸	قرآن از دیدگاه ۱۱۴ داشمندجهان	محمد‌مهدی علیقلی		انتشارات فوزان	قرآن	۴	علم/دانشآموز
۶۹	قرآن و آخرین پدیده‌های علمی	جعفر رضابی‌فر		دارالکتب الاسلامیه	قرآن	۴	علم/دانشآموز
۷۰	قرآن و آخرین پایابر	آیت‌الله مکارم شیرازی		کانون اندیشه جوان	نبوت	۵ تا ۱	علم/دانشآموز
۷۱	فلمندو پایابران	احد فرامرز قراملکی		انتشارات صدرا	امام زمان	۱۰ و ۹	علم/دانشآموز
۷۲	قیام و انقلاب مهدی (عج)	استاد مظہری					

ردیف	نام کتاب	نویسنده	مترجم	ناشر	موضوع	درس	مخاطب
۷۳	کشته بھلوگرفته	سیدمهدي شجاعي		شوراي فرهنگي اجتماعي زنان	خانواده	۱۶ تا ۱۴	دانشآموز
۷۴	كتاب زنان (همه مجلات)			مؤسسه فرهنگي دانش و اندیشه معاصر	خانواده	۱۶ تا ۱۴	معلم
۷۵	كتاب نقد، مجلة شماره ۱۲، حقوق خانواده			مؤسسه فرهنگي دانش و اندیشه معاصر	خانواده	۱۶ تا ۱۴	معلم
۷۶	كتاب نقد، مجلة شماره ۱۷، فينيس			مؤسسه فرهنگي دانش و اندیشه معاصر	خانواده	۱۶ تا ۱۴	معلم
۷۷	گفتمان حکومت دینی	عباس بزدانی		مؤسسه فرهنگي ط	حکومت اسلامي	۱۲ و ۱۱	معلم
۷۸	گل ها همه آفتابگردانند	قصر امينبور		نشر مرواريد	شعر	پيشتر درس ها	دانشآموز
۷۹	ماه مهر پور			نشر دريا	امامت	۱۱ تا ۱۶	دانشآموز
۸۰	مجموعه آثار، ج ۲	استاد مطهرى		انتشارات صدراء	امامت	۱۱ تا ۱۶	علم/دانشآموز
۸۱	مردم سالاري ديني			مؤسسه فرهنگي قدر ولايت	حکومت اسلامي	۱۲ و ۱۱	علم/دانشآموز
۸۲	مسیح بهودی و فرجام جهان	رضا هلال	قبس زغفرانی	هلال	امام زمان	۱۰ و ۹	علم/دانشآموز
۸۳	مصلح جهانی	سیدهادی خسروشاهی		انتشارات اطلاعات	امام زمان	۱۰ و ۹	علم/دانشآموز
۸۴	معجزه اراده	وينست بيل	وجيهه آزرمي	برنامه زندگي		۱۳	دانشآموز
۸۵	نامه اي به خواهرم	مهدي عدالتian		نشر شاملو - مؤسسه	خانواده	۱۶ تا ۱۴	علم/دانشآموز
۸۶	نشانه های يابان	علي فاطميان		فرهنگي موعود		۱۰ و ۹	علم/دانشآموز
۸۷	نظام حقوق زن در اسلام	استاد مطهرى		سازمان چاپ و انتشارات	امام زمان		علم
۸۸	نقش ائمه در احیاء دین	علامه مرتضی عسکری	تنظيم : محمدعلی	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	خانواده	۱۶ تا ۱۴	علم/دانشآموز
۸۹	نگاه تا نگاه	جواد مجذبي		انتشارات صدراء	امامت	۱۱ تا ۱۶	علم/دانشآموز
۹۰	نهج البلاعه	علي شيروانی		واحد تحقیقات اسلامی	خانواده	۱۶ تا ۱۴	دانشآموز
۹۱	هدف زندگي	شهيد مطهرى		بنیاد بخت	رشد	۸ و ۷	علم/دانشآموز
۹۲	هفت عادت خوب خانواده	استغان کاوي	برنامه زندگي	انتشارات صدراء	خانواده	۱۳	علم/دانشآموز
۹۳	همگام با رسول	جواد مجذبي	نشر مادر	سوسن ملكى	خانواده	۱۶ تا ۱۴	علم/دانشآموز
۹۴	همسر اگر اين گونه مي بود	راضيه محمدزاده	پامبر	ام ابها	خانواده	۵ تا ۳	دانشآموز
				مرکز فرهنگي انتشاراتي منير	خانواده	۱۶ تا ۱۴	علم/دانشآموز

ردیف	نام کتاب	نویسنده	متترجم	ناشر	موضوع	درس	مخاطب
۹۵	ولایت در قرآن	جوادی آملی		اسراء	امامت و حکومت اسلامی	۱۲ تا ۶	معلم
۹۶	ولایت فقیه	جوادی آملی		مؤسسه فرهنگی قدر ولایت	حکومت اسلامی	۱۲ و ۱۱	معلم/دانشآموز
۹۷	ولایت از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی			مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)	حکومت اسلامی	۱۲ و ۱۱	معلم/دانشآموز
۹۸	ولایت فقیه (حکومت اسلامی)	امام خمینی (ره)		کانون اندیشه جوان	حکومت اسلامی	۱۲ و ۱۱	معلم/دانشآموز
۹۹	ولایت فقیه	محسن شیخ‌الاسلامی		کانون اندیشه جوان	حکومت اسلامی	۱۲ و ۱۱	معلم/دانشآموز
۱۰۰	ولایت فقیه	مهدی هادوی تهرانی		مرکز نشر اسراء	مجموعه موضوعات	۱۲ و ۱۱	معلم/دانشآموز
۱۰۱	نسمی اندیشه (پرسش و پاسخ‌ها)	جوادی آملی			تمام درس‌ها		معلم/دانشآموز



علیان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آمان می توانند نظر اصلاحی خود را در باره مطلب
این کتاب از طریق نامه به شانی تهران - صندوق پستی ۲۶۵/۱۵۸۵۵ - کودکی مریوط و پیام نکار (Email)
ارسال نمایند.

فرمایش کتاب های دینی اسلامی و توحیدی

۱- ص ۱۲، در بند ۳ با عنوان «کشف راه درست زندگی»، از خط سوم به بعد اینگونه تغییر می‌یابد:

انسان می‌داند که اگر راه درست زندگی را انتخاب نکند، به آن هدف برتری که خداوند در خلقت او قرار داده، نخواهد رسید و در آخرت چار خسaran خواهد شد، بلکه نخواهد توانست زندگی فردی خود در دنیا را نیز به خوبی تنظیم نماید و یک جامعه عادلانه به وجود آورد. اما راه درست زندگی کدام است؟ چگونه می‌توان آن را به دست آورد؟

۲- ص ۲۳ ترجمه آیه ۱۲۴ سوره انعام به این صورت تغییر یافته است: خدا داناتر است که رسالت خود را بر عهده چه کسی بگذارد.

۳- ص ۳۳ در قسمت سوم با عنوان «اختیارات حاکم و نظام اسلامی» از خط دوم به بعد اینگونه تغییر یافته است: تحولات و مسائل اجتماعی گاهی شرایط خاصی را در جامعه اسلامی پدید می‌آورد که نیازمند قوانین و مقررات ویژه آن شرایط است. به طور مثال صنعت بیمه و بانکداری از نیازهای زندگی امروزه است که حاکم اسلامی در چارچوب قوانین اسلام آنها را به اجرا درمی‌آورد.

۴- ص ۵۰ در ترجمه آیه ۶۰ سوره نساء، عبارت «گمراهی دور» به «گمراهی سخت» تغییر یابد.

۵- ص ۵۵ در قسمت «ولایت معنوی، برترین مقام پیامبر» خط پنجم به بعد به این شکل تغییر می‌یابد:

رسول خدا (ص) با انجام وظایف عبودیت و بندگی و در مسیر قرب الهی به مرتبه‌ای از کمال نائل شد که می‌توانست عالم غیب و ماورای طبیعت را مشاهده کند و واسطه فیض خالق به مخلوق شود و به اذن الهی در عالم طبیعت تصرف نماید. به طور مثال،.....

۶- در درس ۵، آیه ۵۵ سوره مائدہ (ص ۵۹)، آیه ۳۳ سوره احزاب (ص ۶۰)، حدیث «مَنْ مات و لم يعرِف...» ص ۶۱ و حدیث ثقلین (ص ۶۷) ستاره‌دار هستند و باید حفظ گردد.

۷- ص ۷۲ در بخش اندیشه و تحقیق سؤال زیر اضافه می‌گردد:

چرا کلمه «مولی» در حدیث غدیر به معنای سرپرست است، نه دوست؟

۸- ص ۸۵ ترجمه آیه ۱۴۴ آل عمران (خط چهارم) به این صورت تغییر یابد: آیا شما به دین گذشتگان خود برخواهید گشت؟

۹- ص ۹۶ در قسمت ترجمه، کلمه «إن : نیست، نه» اضافه شود.

۱۰- ص ۱۰۵ خط چهارم بند ۹ به این صورت تغییر یابد : امام حسن عسکری (ع) نیز در همین محل و به همین ترتیب به شهادت رسید. با وجود همه این سختگیری‌ها، این سه امام بزرگوار معارف بازمانده از پدران گرامی خود را حفظ کردند و از طریق شاگردان به نسل‌های بعد رساندند و مانع نابودی مکتب اهل بیت شدند.

۱۱- ص ۱۳۳ ترجمه آیه ۱۲۲ سوره توبه به صورت زیر اصلاح شود :

و نمی‌شود مؤمنان که همگی اعزام شوند

پس چرا اعزام نشوند از هر گروهی ،

جمعی از آن‌ها

تا دانش دین بیاموزند ،

و مردم خویش را هشدار دهند ،

آنگاه که به سوی آنها بازگردند ؛

تا مواظیبت و توجه کنند .

۱۲- ص ۱۴۱ در بخش «اندیشه و تحقیق» این دو سؤال اضافه شود :

۵- انتخاب ولی فقیه در کشور ما چگونه انجام می‌گیرد و مردم از چه طریقی در انتخاب ایشان دخالت دارند ؟

۶- چگونه ولایت فقیه می‌تواند زمینه‌ساز حکومت حضرت مهدی (عج) باشد ؟

۱۳- ص ۱۴۳، آیه ۱۵۹ سوره آل عمران، آیه به شکل زیر اصلاح شود :

..... و لو کنتَ فَطَّا غَلِيلَ القلب.....

۱۴- ص ۱۷۵ ترجمه آیه ۲۱ سوره روم به این صورت اصلاح شود :

همسرانی از جنس خودتان

۱۵- ص ۲۰۱، ترجمه آیات ۲۳ و ۲۴ سوره إسراء به شکل زیر تغییر یابد :

و به آن دو فروتنی کن ،

از روی مهربانی ؛

و بگو : پروردگارا آن دورا بیخسای

آنگونه که مرا در کودکی پرورش دادند .